شیعیان بحرین

اکثریت مظلوم



استاد انصاری پویر احمدی

بسم الله الرحمن الرحیم

شیعیان بحرین : اکثریت مظلوم

نویسنده:

علی انصاری بویراحمدی

ناشر چاپی:

مجمع جهانی شیعه شناسی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

شیعیان بحرین : اکثریت مظلوم

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : شیعیان بحرین : اکثریت مظلوم/نویسنده: علی انصاری بویراحمدی ؛ ویراستار: سجادی بهسودی

مشخصات نشر : قم: آشیانه مهر، ۱۳۹۰

مشخصات ظاهری : ۲۸۷ص.

وضعیت فهرست نویسی : در انتظار فهرستنویسی (اطلاعات ثبت)

يادداشت : چاپ اول

شماره کتابشناسی ملی : ۲۹۱۸۷۹۱

ص: ۱

اشاره

عکس

ص: ۵

فهرست مطالب

۱- ممنوعیت و فشار علیه اماکن عبادی شیعیان ۸۰

ص: ۸

ب): چاپ داخلی ۹۱

ج) چاپ در خارج ۹۱

ص: ۹

۷- جمعیت اسلامی العمل «امل» ۱۹۸

ص: ۱۲

راهکار های پیشنهادی در بخش محدودیت اقتصادی ۲۱۷

ص: ۱۳

راهکار های پیشنهادی در بخش محدودیت های آموزشی ۲۴۰

ص: ۱۴

۲- گروه طایفه ای ۲۶۷

ص: ۱۵

مقدمه مؤلف

قال الصادق علیه السّلام : «ألا و إنّ لکلّ شیء عزّاً و عزُّ الاسلام الشیعه، ألا و إنّ لکلّ شیء ذروه و ذروه الاسلام الشیعه، ألا و إنّ لکلّ شیء سیداً و سید المجالس مجالس الشیعه، ألا و إنّ لکلّ شیء شرفاً و شرف الاسلام الشیعه، ألا و إنّ لکلّ شیء إماماً و إمام الارض أرض تسکنها الشیعه .. الحدیث».(۱)

این روایت شریف موضوعات متعددی را با لسان قاطع اثبات می کند، از آن جمله؛ سرزمینی که محل سکونت محبّان اهل بیت علیه السّلام قرار گرفت، «امام الارض» خواهد بود.

سرزمین بحرین از جمله مناطقی است که از صدر اسلام با اسلام راستین و تشیع و پیروی از اهل بیت علیه السّلام گره خورده است. مردم این ناحیه به وسیله صحابه پیامبر صلی الله علیه وآله نظیر ابان بن سعید و عمر بن سلمه، فرزند ام سلمه با تشیع آشنا شدند و با فداکاری یاران با وفای امیر المؤمنین علیه السّلام نظیر رشید هجری وصعصعه بن صوحان بر تشیع خود استوار گشتند و به رغم فشار دشمنان و قتل عام های خوارج و اقدامات نابخردانه و تند قرامطه هیچ گاه از اعتقاد راستین خود مبنی بر پیروی از اهل بیت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله دست بر نداشتند، چنان که از آن سرزمین، علمای بزرگ شیعی برخاستند.(۲)

مردم شیعه بحرین در دوره معاصر نیز، تلاش دشمنان خارجی از پرتغالی ها گرفته تا انگلیسی ها را ناکام گذاشته و حتی در دوره ای که یکی از حکام

۱- الکافی، ج ۸، ص ۲۱۳.

۲- اطلس شیعه، ۴۳۵.

دست نشانـده پرتغالی ها با توطئه وزیر خود قصـد قتل عام شـیعه را در بحرین داشت، با عنایت خاص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از آن توطئه سرفراز بیرون آمده اند و خصم نابکار آنها به مسلخ و نابودی رفت. (۱)

اکنون که موج بیداری اسـلامی در تمام سـرزمین های عربی اسـلامی وارد مرحله انقلاب و جوشـش اسـلامی شده است، مردم مسلمان بحرین خصوصاً شیعیان و محبّان اهلبیت علیه السّلام نیز انقلابی را بر علیه سلطه ظلم و ستم آل خلیفه آغاز کرده اند.

مردم مسـلمان بحرین، انسـان های خـدا محوری هسـتند که به دنبال آزادی خواهی و عـدالت طلبی، جنبش اسـلامی خویش را آغـاز نموده و بـا نفی هرگونه تبعیض و تحجر و تعصب افراطی، خواسـته اصـلی آنـان، نظـام دین سالاـری اسـلامی است. آنان متعهد به ارزش های اصـیل اسـلامی همچون: تدین، عقلانیت، اخلاق اسلامی، عدالت اجتماعی، اتحاد بر محور دین و حقیقت هستند. ولی هرگز تسلیم استبداد، استعمار، دموکراسی و لیبرالیسم غربی، لائیك، ناسیونالیسم افراطی و... نشده و نخواهند شد.

متعصـبان و اقلیت افراطی حـاکم بر بحرین، بـا انجـام حرکـات تفرقه افکنـانه قـومی و مـذهبی و هجـوم همه جـانبه رسـانه ای و تبلیغاتی به دنبال جلوگیری از قیام و بیداری اسـلامی مردم بحرین هسـتند. اقلیت حاکم تلاش می کند تا با تحلیل های انحرافی و غیر واقعی از قیام مردم بحرین، انگیزه عمیق اسلامی مردم را کتمان نموده و

مخفی نگه دارد. امـا شـیعیان و پیروان اهـل بیت علیه السّـلام با وجود رُعب و وحشت فراوان بوجود آمـده از طرف عربسـتان و اقلیـت متعصب حـاکم، کمـترین تزلزلی به خـود راه نـداده و همچنـان به این حرکـت عظیم خـود تـا رسـیدن به پیروزی نهـایی، انتخاب حاکم اسلامی با رأی مردم و انطباق ارزش ها و

۱- . کمال الدین، ج ۲، ص ۱۹۳.

اصول حاکم بر جامعه بر مبنای اسلام اصیل و بدون انحراف تداوم می بخشند. به یقین امت اسلام نیز آنان را فراموش نکرده و مورد حمایت خویش قرار خواهند داد، کما اینکه رهبر معظم جمهوری اسلامی ایران، حضرت آیت الله العظمی امام خامنه ای، فرمودند: «در قضایای منطقه، موضع نظام جمهوری اسلامی روشن است. موضع ما، دفاع از ملت ها و حقوق ملت هاست. ما با ملت های مسلمان و ملت های مظلوم در هر نقطه ی عالم موافقیم؛ با زورگویان، مستکبران، دیکتاتورها، خبیث ها، سلطه گران و غارتگران در هر نقطه ی دنیا مخالفیم. این موضع ملت ایران و موضع نظام اسلامی است... (۱)

ما بین غزه و فلسطین و تونس و مصر و بحرین و یمن تفاوتی نمی گذاریم. در همه جا ظلم به ملت ها محکوم است. حرکت ملتها با شعار اسلام، و در جهت آزادی، مورد تأیید ماست.(۲) ما از اخم قدرتهای پوشالی دنیا هرگز نترسیدیم، ملاحظه نکرده ایم و نخواهیم کرد. ما حرف حق و موضع حق را صریح بیان می کنیم.(۳)

اما بعد؛

هدف از تدوین و تألیف این کتاب بررسی وضعیت نامطلوب شیعیان بحرین و نشان دادن بخشی از مظلومیت ها، محدودیت ها، و تبعیض های شدید علیه آنان است. وضعیت زندگی ناعادلانه و تبعیض آمیز برای اکثریت مردم بحرین، اوضاع نابسامان و مصیبت هایی بوجود آورده که ناچار باید به بررسی دلایل آن پرداخت. هدف بحث، انتقام گرفتن از طایفه ها و یا سیاستمداران و اقلیت متعصب حاکم

۱- مقام معظم رهبری ۱/۱/۱۳۹۰.

۲- همان.

۳- همان ۳/۲/۱۳۹۰.

نیست بلکه هدف، بدست آوردن حاکمیت عدالت محور درتمامی ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... و بیان حقوق از دست رفته شیعیان و نجات آنان از فلاکت و نابودی است. البته در این مسیر، داشتن شجاعت، صداقت و جرأت حضور و همکاری همگانی در نهضت ر هایی بخش مردم بحرین ضروری و خداپسندانه است. اگر چه الگو پذیری شیعیان بحرین از انقلاب اسلامی ایران را نمی توان نادیده گرفت، ولی ناسیونالیزم و هابی عرب به ویژه خشونت، تبعیض و محدودیت های گسترده آنان، مهمترین ابزار و علت بنیاد گرایی نهضت ر هایی بخش شیعه در بحرین است.

بحرین چه قبل و چه بعد از انقلاب اسلامی ایران، رستاخیز شیعی در کشور های خلیج فارس بوده است. (۱)

امید آنکه با پیروزی این رستاخیز عظیم ملی موجبات گسترش و تحکیم اسلام عزیز را فراهم آورده و با حاکمیت فرهنگ اصیل اهل بیت علیه السّلام شعار جاودانه استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی در بحرین به ثمر بنشیند. انشاء الله

در پایان از پیشنهادها و نظرات خوانندگان ارجمند و صاحبان فکر و اندیشه استقبال نموده و استفاده از دیدگاه خوانندگان عزیز موجب امتنان و مایه مباهات است.

والسلام علیکم و علی جمیع اخواننا المؤمنین بولایه علی بن ابیطالب فی اقطار العالم و رحمه الله و برکاته

علی انصاری

۱- هرایر دکمجیان، اسلام در انقلاب جنبش های اسلامی معاصر، ترجمه دکتر حمید احمدی، چاپ سوم، تهران، سازمان انتشارات کیهان، ۱۳۷۷، ص ۲۸۶.

مقدمه استاد احمدی بحرینی

الحمد الله رب العالمین و الصلاه و السلام علی محمد الأمین و آله الطیبین الطاهرین و علی صحبه المنتجبین و بعد:

قال رسول الله صلی الله علیه وآله:

«ان مثل المؤمنین فی توادّهم، کالجسد الواحد، إذا اشتکی منه عضو، تداعی له سائر الأعضاء بالسهر و الحمّی»

بنی آدم اعضای یکدیگرند

که در آفرینش ز یک گوهرند

چو عضوی

به درد آورد روزگار

دگر عضو ها را نماند قرار (۱)

در مورد نوشتن حقایق در دنیای امروز، نوشتن تاریخ، مخصوصا در زمینه تبلیغ مکتب اهل بیت علیه السّلام، مسئولیت سنگینی بر عهده محققان و پژوهشگرانِ و حتی رسانه های تبلیغی می باشد. اگر این کار به طور ناقص انجام شود، در آینده نیز تاثیرات بسیار منفی در پی خواهد داشت. زیرا بسیاری از مسائل و قضایا، تکیه بر آگاهی از تاریخ دارند. مخاطبان ما حتما می دانند که نسل جدید، ذهنی فعال، جستجوگر و آگاه تر از نسل های گذشته دارد. با توجه به نهضت و قیام مردم مسلمان بحرین، امروزه در ایران پرسش های فراوانی در ذهن جوانان درباره بحرین مطرح می شود که نیاز به پاسخ دارد. به عنوان نمونه:

نقاط مشترک تاریخ فرهنگ و تمدن ایران و بحرین چیست؟

۱- سعدی.

چرا علی رغم اینکه روابط تاریخی و مشترکات فرهنگی و انسانی که در منطقه وجود داشته است، نقشه جغرافیای سیاسی منطقه خلیج فارس تغییر کرد؟

اما سؤالات دیگری که پژوهشگران در این مورد دارند این است که:

۱- آیا بحرین در ورود اسلام به ایران نقش داشته است؟

۲- آیا در دوران های گذشته، علمای بحرین نسبت به نشر مکتب اهل بیت علیه السّلام در ایران مؤثر بود ه اند؟

۳- با عنایت به اینکه عموم ساکنان قدیمی بحرین شیعه بود ه انـد، چرا برخی از مذاهب در دو قرن اخیر در بحرین گسترش پیدا کرده اند؟

۴- روابط بین دیگر مذاهب و مکتب اهل بیت علیه السّلام در بحرین چگونه است؟

۵- آیا حکومت معاصر، سنی است یا شیعه یا هیچ کدام؟

۶- حکومت، با اقلیت و اکثریت در بحرین چگونه رفتار می کند؟

۷- وضع مردم بحرین خصوصاً پیروان مکتب اهل بیت علیه السّلام در حال حاضر از نظر آزادی های مذهبی، سیاسی، اجتماعی و حقوقی چگونه است؟

۸- تفکر رائج در بحرین نژادی است یا مذهبی، قومی یا اسلامی؟ و ارتباط آن با پیروان اهل بیت علیه السّلام چگونه است؟

۹- چه راهکار هایی برای یاری رساندن به ملت بحرین در عصر حاضر وجود دارد؟

این سئوالاتی است که برخی عمومی و برخی نیز پژوهشی است و برخی دیگر حقوقی و انسانی است.

این اثر تحت عنوان «شیعیان بحرین»، به برخی از اینگونه سئوالات پاسخ می دهد.

این جانب به صورت کامل کتاب را مرور کردم و معتقدم مطالب این نوشتار برای پژوهشگران جالب است. کتابخانه های اسلامی به کتاب هایی از این قبیل نیاز دارد؛ کتاب هایی که انصاف را در حق ملت بحرین رعایت کنند و بیان کننده راه حل مشکلات پیروان اهل بیت علیه السّلام باشند. نویسنده، هم آمار و اطلاعات بسیاری را گرد آوری کرده و هم تلاش کرده تا جنبه تفسیری و تحلیلی را رعایت نماید. این اثر برای حل مشکلات مسلمانان مخصوصاً پیروان مکتب اهل بیت علیه السّلام در بحرین تأثیرگزار است و همچنین نشانی از تعهد و مسئولیت نویسنده در قبال شیعیان مظلوم بحرین دارد.

مزایای این کتاب:

- بررسی جغرافیای بحرین و نگاه تاریخی و انسانی به این کشور در گزارش و تبیین موقعیت استراتژیک بحرین.

- بررسی اهمیت تعامل و مشارکت پیروان اهل بیت[4] با اهل تسنن واقعی یکی دیگر از نکات برجسته این کتاب، سخنان علمای بحرین راجع به حفظ هویت دینی و نیز تأکید بر استقلال حوزه علمیه در مقابل نفوذ سلاطین و حکام می باشد که لازم است، همیشه به صورت مستقل عمل نمایند. نویسنده توانسته است احوال علمای بحرین را به زیبایی موردبررسی قرار دهد. مستندات کتاب، نشان دهنده مظلومیت مردم بحرین در مسیر استقلال خواهی و اسلام خواهی آنان است. در قسمت پایانی کتاب به صورت دقیق و عالمانه به وضعیت امروز مردم بحرین، تبعیض طبقاتی، مسائل مهم مذاهب اسلامی، ایجاد فتنه ها و تبعیض ها در ابعاد مختلف فردی و اجتماعی به ویژه در مورد خدمات آموزشی، ساخت مدارس و مساجد پرداخته است. لذا نویسنده این کتاب، خدمات ارزند ه ای را در این راستا ارائه داده است.

ص: ۲۳

هر چند اختلافاتی میان شیعیان و اهل تسنن وجود دارد و این امری طبیعی است، اما مسائلی پشت پرده است که نباید از آنها غفلت نمود، مانند: تحریکات دولت های اسرائیل، انگلیس، آمریکا و ... .

قضیه بحرین ابعاد مختلفی و متعددی دارد و در مسیر تاریخ مکتب اهل بیت علیه السّلام، پیروان این مکتب دارای چنان روحیه معنوی بلندی نسبت به بقیه مذاهب اسلامی بود ه اند که توانسته اند با فتنه ها و بحران های ایجاد شده از سوی دشمنان اسلام به خوبی مقابله نمایند.

در واقع دولت آل خلیفه دینی نیست، بلکه یک حکومت سکولار است، به عبارت دیگر برای دولت آل خلیفه مذهب شیعه و اهل تسنن ارزشی ندارد و فقط منافع خودشان مهم است.

ما همیشه به یک حقیقت واقعی تأکید می کنیم؛ که میان شیعیان و اهل تسنن واقعی هیچ اختلافی وجود ندارد، اما دولت با تفرقه بین اسلام گرایان سوء استفاده می کند و اکنون برای احزاب لیبرال و لائیک راه را هموار ساخته است.

در پایان از استاد گرانقدر تشکر نموده و خوا هان و خواستار آنیم که در این موارد آثار دیگری هم داشته باشند. و امید آن داریم این اثر گرانقدر ایشان که از تلاش های شبانه روزی و زحمات ایشان سرچشمه می گیرد یک اثر ماندگار برای ایشان در آخرت باشد. انشاء الله

احمدی بحرینی

شهر مقدس قم

۹/۲/۱۳۹۱

ص: ۲۴

فصل اول

اشاره

- جغرافیای طبیعی
- جغرافیای انسانی
- موقعیت استراتژیک
- جغرافیای عمومی
- ادیان و مذاهب
- جغرافیای سیاسی
- سابقه تاریخی
- آثار باستانی
- همگرایی و واگرایی با همسایگان

جغرافیای طبیعی بحرین

مجموعه جزایر بحرین از نظر جغرافیـایی دنباله فلات ایران بوده که از زیر آبهای خلیـج فارس سـر برآورده و ظاهر شـده است. بحرین فاقد مرز زمینی است، تنها می توان گفت با احداث پلی که بحرین را به عربسـتان سعودی متصل می کند، توانسته است از طریق زمین با کشور دیگری مرتبط شود.

بحرین؛ سـرزمینی است بیابانی و شوره زار که بیشتر هموار و خالی از کوهستان است و از نظر طبیعی به سه بخش متمایز تقسیم می شود: بخش حاصل خیز شمالی، بخش مرکزی و بخش جنوبی.

از آنجـا که این کشـور به صـورت جزیره است، تـا حـدودی دارای آب و هوای مرطوب است، ولی به دلیـل نزدیکی بـا منطقه حاره دارای تابسـتان های گرم و مرطوب و زمسـتان های معتدل است. در بحرین تنها دو فصل وجود دارد: فصل گرما و فصـل معتدل. سرزمین بحرین فاقد رودخانه است ولی از منابع سرشاری نظیر چشمه های آب زیرزمینی برخوردار می باشد.

بحرین؛ یکصـد و پنجـاه و پنجمین کشور جهـان، در جنوب غربی آسـیا، در منطقه خاورمیانه و به صورت جزایری است که در جنوب خلیج فارس واقع شده است و فاصله کمی

تا سواحل قطر و عربستان سعودی دارد.

ص: ۲۷

بحرین؛ سرزمینی سنگلاخی و شنی است که از منطقه های بیابانی محسوب می شود. این کشور از ۳۳ جزیره تشکیل شده است که مهم ترین آنها عبارتند از:

بحرین، محرق، ام نعسان، ستره، رکا و حوار.

آب و هوای بحرین گرم و مرطوب است. بلندترین نقطه این کشور، قله «دخان» با ۱۴۲ متر ارتفاع می باشد.

جزیره اصلی بحرین با ۵۹۸ کیلومتر مربع وسعت، قسمت اعظم خاک این کشور را تشکیل می دهد.

۸۷ درصد مردم این کشور، در شهر ها سکونت دارند و پرجمعیت ترین شهر آن، منامه است که در حدود ۸/۳۸ درصد جمعیت این کشور را در خود جای داده است.

۸۸ درصد مردم این کشور عرب هستند.

زبان اصلی و رایج در این کشور، عربی است که با خط و املای عربی نوشته می شود، ولی زبان های فارسی و انگلیسی نیز متداول است.

حکومت این کشور پادشاهی (امیرنشین یا شیخ نشین) است.

نخست وزیر با هیئت دولت در اداره کشور همکاری می کند.

قانون اساسی این کشور، در سال ۱۹۷۳ تدوین شده است. بر اساس آخرین تقسیم بندی کشوری، بحرین از ۶ بخش شهرداری تشکیل یافته که زیر نظر شورای شهرداری – که اعضای آن به طور نسبی انتخابی هستند – اداره می شود.

بحرین؛ علاوه بر سازمان ملل متحد، در سازمان های ذیل نیز عضویت دارد: کنفرانس اسلامی، اتحادیه عرب، اوپک، فائو، بانک جهانی، یونسکو، کشور های غیرمتعهد، شورای همکاری خلیج فارس و... .

ص: ۲۸

مهم ترین صنایع این کشور عبارتند از: پالایش نفت، مواد غذایی، لنج سازی و آلومینیوم.

مهم ترین محصولات کشاورزی بحرین نیز عبارتند از: خرما – سبزیجات – انگور – انجیر و برنج.

مهم ترین منابع طبیعی این کشور، نفت و گاز طبیعی است که میزان ذخیره زیرزمینی نفت آن بالغ بر ۲۷۰ میلیون بشکه در روز است.(۱)

جغرافیای عمومی

قرارگرفتن این جزیره کوچک در بین ۵/۲۵ درجه عرض شمالی و ۵۰ درجه و ۵۲ دقیقهٔ طول شمالی، در تابستان، هوایی گرم و در زمستان، هوایی معتدل و مطلوب برای این کشور به ارمغان آورده است و موقعیت جزیر ه ای آن، آب و هوایی مرطوب ایجاد نموده است.

از نظر میزان بارشِ سالانه، کشوری خشک محسوب می شود و لذا مسئله کم آبی و لزوم صرفه جویی در مصرف آن، برای این منطقه بسیار حائز اهمیت است. کم ارتفاع بودن بحرین و مجاورت آن با بیابان ها و شنزار های عربستان سعودی، باعث وزش باد های موسمی در این سرزمین می شود.(۲)

مناطق شمالی و شمال غربی بحرین، پوشیده از درخت های خرما و مزارع کوچکی است که با کوشش دولت و یا مالکین

۱- اطلس گیتاشناسی جهان، کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی.

۲- معصومه سیف افج های، همان، ص ۵.

بومی ایجاد شده و این منطقه را سرسبز نموده است. مناطق غیرقابل سکونت صخر ه های ماسه ای و خشک، در مرکز و همه بخش جنوبیِ جزیره سی مایلیِ اصلی پراکنده است. بلندترین نقطه در بحرین که تقریباً از هر جایی قابل مشاهده است، جبل دوخان است.(۱)

منامه مهم ترین جزیره از مجمع الجزایر بحرین را تشکیل می دهد. چاه ها و پالایشگاه های نفت و قسمتی از سرزمین حاصلخیز کشاورزی در این شهر قرار دارد.(۲)

در گذشته، صید مروارید مهم ترین عامل رونق اقتصادی بحرین بود که با کشف نفت از اهمیت آن کاسته شد، اما با توجه به وسعت محدود بحرین، این کشور کمترین ذخیره نفتی کشور های حوزه را در اختیار دارد.

امیرنشین بحرین که استخراج نفت را از دهه ۳۰ میلادی آغاز کرده، از اولین کشور های این ناحیه است

که ذخایر آن تقریباً رو به اتمام است و تنها مقدار ناچیزی حدود چهل هزار بشکه در روز تولید دارد. طبق تخمین هایی که زده می شود، منابع نفتی بحرین، ۲۳۳ میلیون بشکه یا به عبارتی کمتر از یک درصد مجموع ذخایر نفتی کشور های عضو شورای همکاری خلیج فارس تخمین زده شده است.(۳)

۱- جفری نوگت و تئودور توماس، بحرین و خلیج فارس، ترجمه: همایون الاهلی، ص ۵.
۲- معصومه سیف افج های، بحرین (کتاب سبز)، چاپ اول، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۶، ص ۸.
۳- همان، ص ۸۵..

منابع گاز در بحرین، شامل منطقه خوف می شود که در منطقه وسیعی در خلیج فارس است و به طوری که تخمین زده شده، حاوی ۲۶۳ میلیارد متر مکعب گاز می باشد که جوابگوی شصت سال تولید با سطح فعلی است. از اینرو، طول عمر منابع گاز، بیش از دو برابر طول عمر ذخایر نفت برآورد شده است. پس از نفت و گاز، صنعت آلومینیوم از اهمیت خاصی در بحرین برخوردار است.

راه ها

مهم ترین جاده بحرین و تنها راه زمینی این کشور به خارج، پلی است که بین بحرین و عربستان سعودی در اواخر ۱۹۸۶ [میلادی] توسط یک شرکت هلندی ساخته شد. عربستان سعودی کل هزینه ساخت این پل ۲۵ کیلومتری - معادل ۶۰۰ میلیون دلار - را به عهده گرفت. این پل، منطقه «الجسره» واقع در شمال غربی بحرین را به منطقه «العزیره» واقع در شهر «الخبر» و در منطقه شرقی عربستان سعودی به هم متصل می سازد.(۱)

جزیره اصلی بحرین، با پل هایی به جزایر اطراف آن مرتبط است. از جمله پلی به طول ۵/۱ مایل، منامه را به محرّق متصل می سازد. همچنین پل دیگری، منامه را به جزیره «ستره» متصل می کند. جزیره نبی صالح (نبیه صالح) که در شرق بحرین واقع شده، به وسیله راهی فرعی به پل ارتباطی منامه – ستره متصل می شود.(۲)

هر چند امکان انتقال کالا از مسیر های خشکی (عربستان و یا

۱- همان، ص ۱۲۴.

۲- همان، ص ۱۲۵.

امارات) برای آن وجود دارد، ولی بُعد مسافت و هزینه های سنگین حمل و نقل خشکی، زندگی اقتصادی این کشور برای مدت ها به حمل و نقل دریایی وابسته است.(۱)

جغرافیای انسانی

جمعیت بحرین آمیز ه ای است از افراد بومی و کسانی که از کشور های دیگر به این سرزمین مهاجرت کرد ه اند. ۸۳ درصد جمعیت بحرین شهرنشین و ۱۷ درصد روستایی هستند. بر اثر گسترش درمانگاه ها و بیمارستان ها در سراسر بحرین و با افزایش برنامه های بهداشتی و کنترل بیماری های واگیر، عوامل محیطی و ایمنی، میزان مرگ و میر تا حدود زیادی کاهش داشته است.

حفاری های باستانشناسان و آثار مکشوفه، معرف وجود تمدنی بسیار قدیمی در خلیج فارس به ویژه در برخی جزایر آن، از جمله بحرین است که قدمت آن به سه هزار سال پیش از میلاد مسیح می رسد. گفته می شود که در دوران های قبل از تاریخ میلادی، قبایل عربی - که از نژاد سامی بودند - در جزایر بحرین سکونت یافتند.

بحرین، از قدیم الایام مهم ترین منطقه تمرکز شیعیان به شمار می رفت. بحرینِ تاریخی، فراتر از جزیره کنونی بود و تقریباً تمام مناطق شرقی عربستان سعودی را در برمی گرفت که تا اکنون نیز اکثریت ساکنان آن شیعه می باشند.

در مورد بحرین روایت شده است:

ص: ۳۲

۱- محمدرضا حافظ نیا، خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۱، ص ۲۵۷.

بـذر تشـیع در این خطّه، توسـط ابـان بن سـعید بن العـاص که از دوسـتان علی بن ابیطالب علیه السّـلام بود و از جانب پیامبر به بحرین فرستاده شده، افشانده شد. در زمان حکومت علی علیه السّلام تشیع در این منطقه پیشرفت شایانی کرد.(۱)

شیعیان خلیـج فارس، اینک در یک خط ساحلی که از نظر استراتژیکی و اقتصادی دارای اهمیت است، سـکنی گزید ه اند. این خط ساحلی، دارای منابع غنی نفت است و در سال های اخیر، به سرعت مدرنیزه شده و جمع زیادی از بیگانگان به آنجا آمد ه انـد. در نـتیجه، جوامع شـیعه سـاکن خلیـج [فـارس]، در معرض نفوذ هـای متفـاوت و حتی متضـادی قرار گرفته انـد. از یکسو، همچنـان محرومیت نسبی و تبعیض را تجربه می کننـد و از سوی دیگر، سـیاست دروازه هـای بـاز کشور هـای خلیـج [فـارس]، فرصت هـا و امکانـات عظیم و نوینی را برای بهبود وضع ساکنـان فراهم آورده است. این عوامل، تا حـدی با یکـدیگر تعارض پیدا کرد ه اند و موازن های باثبات در داخل جوامع شیعه پدید آورد ه اند.(۲)

امروزه، اکثریت جمعیت بحرین شـیعه هسـتند، امـا به دلایـل اقتصادی و زنـدگی در مناطق دور از شـهر، امور سیاسـی به دسـت حکام اهل تسـنن افتاده است؛ امری که بی ارتباط با سـیاست های اسـتعمارگران نیز نبوده است. بهترین مناطق شـیعه نشـین جد حفص و سـنابس ذکر شده است. شـیعیان بیشتر روستانشـین هستند. در یک آمار رسمی که طبعاً قابل اعتماد نیست، نزدیک به ۷۲ درصد مردم بحرین شیعه ذکر شده است.(۳)

ص: ۳۳

۱- محمدحسن مظفر، تاریخ شـیعه، ترجمه: دکتر سـید محمد باقر حجتی، چاپ دوم، تهران، دفتر نشـر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴، ص ۱۴۳.

۲- جوزف کاستیز، «ناآرامی شیعیان در خلیج فارس»، تشیع و مقاومت و انقلاب، ص ۲۳۸.

۳- رسول جعفریان، جغرافیای تاریخی و انسانی شیعه در جهان اسلام، قم، انتشارات انصاریان، ۱۳۷۱، ص ۴۸.

اکثر پیروان شیعه، به طور سنتی به ماهی گیری و حرفه های کشاورزی مشغولند و در نواحی ساحلی و دورافتاده زندگی می کنند. تنها در دهه های اخیر، عده ای از آنان در منامه و محرّق و تأسیسات نفتی ستره و اوال به صفوف کارگری پیوسته اند.(۱)

موقعیت استراتژیک

کشور بحرین از دیرباز از نظر موقعیت استراتژیکی، جغرافیایی و قرار گرفتن در آبهای خلیج فارس از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. پس از اینکه قاره هند یکی از مستعمرات مهم امپراتوری بریتانیا گردید، موقعیت بحرین به عنوان راه ارتباطی بین اروپا و خاور دور، اهمیت ویژه ای یافت و از نظر تجاری به دلیل موقعیت مناسب آن بر سر راه تجارت بین النهرین و هندوستان، به عنوان مرکز تجاری ایفای نقش نمود.

مجمع الجزایر بحرین، مرکز مهمی جهت صید مروارید و ماهی محسوب می شوند.

شهرت بحرین به تجارت و امور پولی بین المللی، بی ارتباط با مسئله نفت نیست. موقعیت این کشور در قلب کشور های نفت خیز حوزه خلیج فارس، آن را مکان مناسبی برای جذب پول های به دست آمده از فروش نفت به شبکه های بین المللی بانکی و پول در آورده است.

۱- مهدی مظفری، امارات خلیج فارس، پژوهش اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، ترجمه: دکتر مهدی مظفری، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۵۷، ص ۵۵.

اهمیت استراتژیک بحرین در منطقه خلیج فارس

موقعیت جغرافیـایی و قرارگرفتن این کشور در مرکز خلیـج فـارس به آن اهمیتی استراتژیک بخشیده است. پیشـروی آب های اقیانوس هند و دریای عمان در شـیارِ هلال گونه ای در جنوب زاگرس، خلیج فارس را به وجود آورده است. این محدوده، در حـد فاصـل کشـور هـای ایران، عراق، کـویت، عربســتان، قطر، بحریـن، امـارات متحـده و عمـان قرار دارد و بخشــی از منطقه خاورمیانه به شمار می آید.

اگرچـه بحریـن از نظر جمعیت و وسـعت، کوچکـترین کشـور حاشـیه خلیـج فـارس است، ولی نزدیکی آن به سواحـل ایران و اکتشاف چاه های نفت و وجود چشمه های آب شیرین، از دیرباز بر اهمیت و موقعیت استراتژیکی آن افزوده است.(۱)

بحرین با این موقعیت جغرافیایی می تواند یکی از مهم ترین مراکز تجاری و رسانه ای به حساب آید.

به دلیل قرار گرفتن بحرین در این منطقه، این کشور از اهمیت استراتژیک و سوق الجیشی فراوانی برخوردار شده است.

ادیان و مذاهب

بحرین سـرزمینی واقع در طول ساحـل غربی خلیـج فـارس است که قبـل از ظهور اسـلام اقامتگاه قبایل ایرانی و عرب بوده و از قلمرو ایران محسوب می شده است.

۱- مهـدی مظفری، امـارات خلیـج فارس، پژوهش اقتصادی، سیاسـی، اجتماعی، انتشارات پژوهشـگاه علوم انسانی، ۱۳۵۷، ص ۵۵.

در زمان ظهور اسـلام، مردم بحرین را زرتشتیان، یهودیـان، مسـیحیان و پار ه ای از اعراب بت پرست تشـکیل می دادنـد. اسـلام دین رسمی کشور بحرین است.

پیشینه اسلام در بحرین

بنـا بر آنچه در منـابع تـاریخی آمـده است؛ بیشتر ساکنـان بحرین در سال هشـتم هجری، در پی نامه ای که پیامبر بزرگ اسـلام صلی الله علیه وآله برای حاکم وقت بحرین نوشت، به اسـلام گرویدند که به عنوان نمونه، متن دو نامه از نامه های پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله را در ذیل می آوریم:

نخستین نـامه رسول اکرم صـلی الله علیه وآله خطـاب به «منـذر بن سـاوی» مرزبان بحرین است که پیامبر او را به اسـلام دعوت کرده است.

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

از محمد فرستاده خدا

به منذر بن ساوی

ایمنی و دور ماندن از عذاب خدا، از آن کسی است که پیرو هدایت گردد. پس از ستایش و سپاس خداوند، من تو را به اسلام فرا می خوانم پس اسـلام بیـاور تـا ایمن بمانی و آنچه را که در دست داری، خداونـد از آن تو گردانـد. بـدان! که آیین من به زودی، سراسر گیتی را فرا خواهد گرفت.

منذر بن ساوی، ضمن پذیرش اسلام، در پاسخ به نامه پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله چنین نوشت:

ص: ۳۶

از منذر بن ساوی

به محمد رسول خدا

ای پیامبر خدا! من نوشته تو را برای مردم بحرین خواندم، شماری از ایشان به اسلام دلبسته و شیفته آن گشته و بدان گرویدند؛ و شماری دیگر، آن را نپذیرفتند.

در کشور من زردشتیان و یهودیان نیز زندگی می کنند.

در این باره [نحوه برخورد و تعامل با آن ها] نظر و فرمایش خویش را اعلام بفرما.(۱)

پیامبر بزرگ اسلام حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه وآله در جواب منذر بن ساوی نوشت:

از محمد فرستاده خدا

به منذر بن ساوی

درود خدا بر تو! همراه تو خدای یکتا را می ستایم.

پس از ستایش خدا. [نامه تو به من رسید و از محتوای آن آگاه شدم].

پس هر کس نماز ما را بگذارد و به قبله ما روی آورد و از گوشت حیوان سربریده ما بخورد، مسلمان است و در سود و

۱- دکتر محمد حمیدالله، نامه و پیمان های سیاسی حضرت محمدصلی الله علیه وآله و اسناد صدر اسلام، ص ۱۹۸، انتشارات سروش.

زیان با ما برابر است. و کسی که چنین نکند، باید یک دینار، که برابر بهای یک جامه «معافری»

است، سرگزیت [جزیه] بپردازد.

درود و رحمت خدا بر تو باد و خداوند تو را بیامرزد.

پیامبر بزرگ اسلام| نامه ای نیز به علاء حضری حاکم وقت نوشت تا وی بر اساس آن از مردم زکات بگیرد.

احکام زکات شتر، گاو، گوسفند، میوه ها و دارایی ها در آن بیان شده بود.

پیامبر به «علاء» دستور داد تا از ثروتمندان و توانگران زکات بگیرد و به تهیدستان بدهد.(۱)

وضعیت فرهنگی

اگرچه هنوز سبک لباس عربی سنتی در بحرین متداول است ولی بسیاری از مردم در شهر های بزرگ از لباس هایی به سبک غربی استفاده می کنند. فرهنگ بحرین آخرین سلسله از تمدن هزار سال اخیر است. این کشور به دور از محیطی قدیمی، می تواند ادعا کند که در میان کشور های کوچک آسیایی غربی، بسیار توسعه یافته است. بحرین در مدت زمان کوتاهی خصوصیات یک کشور مدرن را به خود گرفته است.

محیط اجتماعی بحرین، موقعیت را برای یک زندگی غربی در منطقه خلیج فارس فراهم کرده است. امروز آموزش در بحرین از سطح بالایی برخوردار است و مردم این کشور علیرغم کسب الگو های غربی در روش کار و زندگی خود،

همچنان

۱- همان، ص ۲۰۰.

سعی در حفظ فرهنگ اصلی خود دارند. به طوری که می توان گفت: مردم در اجرای فرهنگ و آداب خود نسبت به سایر رسوم غربی و شرقی کوشاتر می باشند.

از آنجا که بحرین سال ها بخشی از خاک ایران محسوب می شده؛ فرهنگ و زبان فارسی در این کشور مشاهده می شود. از طرفی نیز به علت موقعیت مناسب بحرین از نظر جهانگردی، عوامل مساعدی برای سیر خارجیان به این کشور فراهم شده که بی تأثیر بر فرهنگ مردم بحرین نبوده است.

یکی از ویژگی های مهم اجتماعی در بحرین حضور دو نژاد ایرانی و عرب با دو مذهب شیعه و سنی است. اما با وجود افتراق موجود، این دو نژاد در طول زمان طولانی در کنار هم زیسته اند. تماس های طولانی آنان باعث به وجود آمدن تشابهات بسیاری در بین آنها شده است.

زنان بحرین در سنت عربی - اسلامی، با زنان منطقه خلیج فارس سهیم هستند ولی نسبت به آنان از آزادی بیشتری برخوردارند.

آموزش و پرورش در بحرین پیشنه کهن دارد. هنگامی که در دوران صفویان، بحرین جزو قلمرو ایران بود، همانند دیگر نقاط کشور، از پیشرفت های فرهنگی برخوردار شد و به صورت یکی از مهم ترین مراکز علمی - شیعی در منطقه در آمد.

سابقه آموزش و پرورش در بحرین از دیگر سرزمین های جنوبی خلیج فارس قدیمی تر است. آموزش و پرورش در این کشور اجباری نیست؛ زیرا بحرین با مسئله کمبود کادر آموزشی روبه رو است. ولی کلیه مراحل آموزشی آن رایگان است. بیشتر جوانان بحرینی پس از گرفتن دیپلم، برای ادامه تحصیل راهی کشور های دیگر می شوند. بحرین بالاترین درصد باسوادان را نسبت به سایر کشور های عرب ساحل جنوبی خلیج فارس داراست.

ص: ۳۹

بحرين از نظر امکانات آموزشی و تحصیلات عالی، وضعیت مطلوبی را داراست.

دانشگاه بحرین در ۱۹۸۶ میلادی در شهر عیسی تأسیس شد. این دانشگاه با کالج هنر، علوم و آموزش و پلی تکنیک خلیج ادغام شده و دانشگاهی مستقل است.

بحرین با همه کوچکی، دارای تاریخی بسیار غنی است که حکایت از وجود تمدنی بسیار کهن دارد. در بحرین، سال میلادی، سال رسمی است و روز های تعطیل به این شرح است: اول ژانویه، اول ماه رمضان، عید فطر، روز مبعث پیامبرصلی الله علیه وآله، عید قربان، اول محرم، روز عاشورا، تولد پیامبرصلی الله علیه وآله و روز استقلال.

رسانه های عمومی

بحرین به دلیل موقعیت جغرافیایی خاص خود، سال هاست که به عنوان مرکز خبری مورد توجه اکثر سازمان های خبری دنیا قرار داشته و برخی از بنگاه های خبری، مرکز منطقه های خود را در این کشور مستقر کرد ه اند.

اولین روزنامه در بحرین در ۱۹۳۹ میلادی در آستانه جنگ جهانی و به نام «صوت البحرین» یعنی صدای بحرین منتشر شد. مطبوعات روزانه دولت بحرین (روزنامه های طرفداران دولت)عبارتند از: اخبار الخلیج، الایام، الجریده، الرسمیه.

رادیو بحرین در ۱۹۷۷ میلادی تأسیس شده و دارای ۴ شبکه رادیویی با برنامه های مختلف است. تلویزیون بحرین پخش برنامه های خود را به صورت رنگی از ۱۹۷۳ آغاز کرده است و شامل پنج شبکه به زبان های عربی و انگلیسی است و شرق عربستان سعودی، قطر و امارات متحده عربی را تحت پوشش قرار می دهد.

دولت بحرین بر تمام رسانه های گروهی داخلی و جریان خبر رسانی نظارت دارد.

وضعیت اقتصادی

کشور بحرین یک منطقه بالقوه اقتصادی است و به دلیل دارا بودن شرایط خاص جغرافیایی و سیاسی، دارای مزایای فراوان برای جلب سرمایه گذاری است. بحرین از نظر اقتصادی، پیوند های محکمی با کشور های ثروتمند همسایه خود یعنی عربستان سعودی و امارات عربی متحده دارد.

مهم ترین محصول بحرین خرما و بعد از آن یونجه است.

کشاورزی و زراعت در بحرین به دلایل شرایط اقلیمی به گونه ای است که نمی توان انتظار چندانی از آن در این سرزمین داشت و دامپروری نیز در بحرین رواج چندانی ندارد. صید مروارید در آب های مجاور بحرین، فعالیت اقتصادی عمد ه ای را در چهار هزار سال اخیر داشته است. صنعت بحرین بر گاز و نفت وآلومینیوم استوار است.(۱)

سابقه حاکمیت در بحرین

بحرین، در طول حیات سیاسی اش، شاهد حکومت های بسیاری بوده که بیشتر تحت تأثیر اوضاع و احوال حکومت ایران قرار داشته است.

کرانه های جنوبی خلیج فارس - به ویژه بحرین - از دیرباز جزو قلمرو پادشا هان ایران به حساب می آمدند و با فرمانداراني که از ایران فرستاده می شدند، اداره می شد.

بحرین؛ پیوسته جزو ایران بود. در سال هشتم هجری به دعوت پیامبر بزرگ اسلام | لبیک گفت و مردم آن مسلمان شدند و سرزمین آنان جزئی از قلمرو

ص: ۴۱

۱- خبرگزاری مهر www.mehrnews.com.

دولت اسلامی محسوب گردید. در سال ۷۲ ه- «ابو فدیک» در برابر امویان قیام کرد و بر بحرین چیره شد ولی یک سال بعد، از امویان شکست خورد.

«مسعود بن ابی زینب» در سال ۱۰۵ ه-، حاکم اموی آنجا را اخراج کرد و مدت بیست سال بر آن حکومت کرد تا این که در سال ۱۲۴ ه- از «سفیان ابن عمرو» شکست خورد و پس از چندی «سلیمان حکیم عبیدی» بر بحرین دست یافت و بر آن حکومت کرد.

در سال ۱۵۱ ه- بحرین ضمیمه حکومت عباسی شد تا این که در سال ۲۴۹ ه- «صاحب زنج» قیام کرد و مناطقی از جمله بحرین را از قلمرو عباسیان جدا نمود و خود بر آن حکومت کرد ولی دوباره در سال ۲۷۰ ه- با مرگ

«صاحب زنج» بنی عباس بر بحرین حاکم شدند.

در سال ۲۸۶ ه- ابو سعید گناو ه ای با تصرّف شهر «احساء»، قرامطه را در بحرین بنا نهاد و استقلال آن را اعلام کرد. با تضعیف قرامطه، عیونی ها از قبیله عبدالقیس به کمک سلاجقه عراق بر بحرین حاکم شدند.

خاندان شیعی آل عصفور به کمک اتابکان فارس بر عیونی ها غلبه کردند. در اواخر قرن نهم هجری شخصی به نام «سیف بن زامل» دست به شورش زد و حکومت را از «بنی عصفور» گرفتند و حکومت «بنی جبر» را - که مالکی مذهب بودند – بر پا ساختند.

پرتغالی ها از سال ۹۲۰ (یا ۹۱۳) ه- به جنگ و گریز در بحرین پرداختند و با چند بار شکست و پیروزی، آن را به اشغال خود درآوردند تا این که در سال ۱۰۱۱ (یا ۱۰۱۲) ه- با شکستی سخت، سیطره ستم آنان برای همیشه از بحرین بر چیده شد و دوباره ضمیمه ایران گردید.

ص: ۴۲

در سال ۱۱۹۷ ه- کریم خان زند درگذشت و اوضاع ایران دچار آشفتگی شد و این فرصتی استثنایی برای «آل خلیفه» بود.

آل خلیفه، ابتدا در «نجد»، واقع در شبه جزیره عربستان، سکونت داشتند و بعد ها به سواحل خلیج فارس کوچ کرده، در «زباره» مرکز کشور قطر نزدیک بحرین، جای گرفتند و در کمین دستیابی بر بحرین نشستند. با آشفته شدن اوضاع ایران، آل خلیفه از موقعیت به وجود آمده بهره جستند و به بحرین حمله کردند و مقاومت مردم را با قتل و غارت درهم شکستند؛ اموال مردم را به زور گرفتند ومزارع و باغات را از صاحبانشان غصب کردند و آن ها را از خانه و کاشانهشان بیرون راندند.

علمای بسیاری چون علامه شیخ حسین آل عصفور، شیخ عبدالله عرب و شیخ جمال عصفور را ترور کردند، مساجد و حسینیه ها را مورد هتک حرمت قرار دادند و به این ترتیب، پایه های حکومت خود را بر خونریزی و غارت بنیان نهادند.

پس از آن که آقا محمد خان قاجار بر اوضاع ایران مسلط شد، بحرین را نیز زیر سلطه خویش درآورد و شیخ نصرخان را - که از رئیسان عشایر طرفدار ایران بود - به عنوان حاکم بحرین برگزید.

آل خلیفه ابتدا شیخ نصرخان را از بستگان خود قلمداد و خود را به او نزدیک کردند اما وقتی حکومت را از او گرفتند، از وی فاصله گرفتند.

در سال ۱۲۱۵ ه- حاکم مسقط با تشویق پرتغالی ها به بحرین حمله کرد و به نام دولت ایران آن را تصرف کرد ولی مجدداً آل خلیفه در سال ۱۲۱۷ ه- با حمایت و هابی های نجد، که تازه به میدان آمده بودند، بر بحرین دست یافتند. در این هنگام انگلیس که به دنبال محل امنی در خلیج فارس بود، تخم تفرقه میان

آل خلیفه را پاشید و میان دو برادر، شیخ محمد بن خلیفه و شیخ علی بن خلیفه، اختلاف اوج گرفت که در سال ۱۲۸۶ ه- شیخ علی در شعله های آتش اختلاف خاکستر شد و پسران شیخ عبدالله بن طریف، محمد بن خلیفه را به جرم قتل برادرش دستگیر و زندانی کردند. بدین ترتیب زمینه دخالت آشکار انگلیسی هافراهم شد و آنان وارد صحنه شدند؛ ابتدا شیخ محمد را آزاد و سپس او را با عد ه ای از طرفدارانش به جزیره «سیلان» تبعید کردند و شیخ عیسی پسر شیخ علی را به حکومت رساندند و به این ترتیب انگلیسی ها، با ایجاد یک حکومت دست نشانده، نخستین گام اساسی را برای تسلط بر خلیج فارس برداشتند.(۱)

استقلال طلبی در بحرین

استقلال طلبی در بحرین زمانی پدیدار شد که این منطقه از ۱۸۹۲ م. تحت سلطه کامل بریتانیا درآمد. پیش از این انگلستان از طریق انعقاد قرارداد های گوناگون کوشیده بود تا این سرزمین را تحت حاکمیت خود درآورد. نخستین قیام عمومی بحرین در مارس ۱۸۹۵، بر ضد «شیخ عیسی بن علی» نخستین حاکم از سلسله آل خلیفه شکل گرفت. این قیام با دخالت سرهنگ «آرنولد ویلسون» نماینده انگلیس در خلیج فارس سرکوب شد و بازداشت و تبعید ناراضیان به «زباره» در شمال شبه جزیره قطر را در پی داشت و درگیری های شدیدی را میان قطر و بحرین به وجود آورد. این امر باعث شد قطر با انعقاد قراردادی خود را تحت الحمایه انگلیس سازد. این رویداد نقطه آغاز بیش از یک قرن کشمکش سیاسی ونظامی میان بحرین و قطر بود.

۱- علی محمدی، جزیره ایمان به نقل از تاریخ سیاسی خلیج فارس، صص۴۵۸ و ۴۵۹.

در سال های بعد به تدریج افکار عمومی در بحرین به ایران متمایل شد. انقراض سلسله قاجار در ایران و طرح ادعا های ارضی رژیـم پهلـوی اول، این تمایـل را در میـان مردم بحرین افزایش داد و از جـانب دیگر بر حساسـیت انگلیسـی هـا در منطقه افزود وآنان را به تحکیم پایه های نفوذ و سلطه خود در بحرین سوق داد.

این رخداد باعث شد انگلیسـی ها در ۱۹۲۳ م. شـیخ عیسـی بن علی را برکنار و یکی از کارگزاران خود، «چارلز بلگریو» را در ۱۹۲۶ به عنـوان مشـاور امیر بحرین روانه این سـرزمین سازنـد. اقـدامات این مشـاور که تصـمیم گیرنـده اصـلی در بحرین بود، افزایش نفرت عمـومی نسـبت بـه سـیاست هـای اسـتعماری انگلیس در منطقه را در پی داشت و «بگلریـو» در مـواجهه بـا اولین اعتراضات مردم، از بحرین خارج شد.

در دوران بعـد از جنـگ جهـانی دوم، تظاهرات فراگیر شـد و به جنبش عمومی ضـد اسـتعماری تبـدیل گردیـد. انگلسـتان می دانست که کاهش کنترل بر بحرین، به از دست رفتن سراسـر خلیـج فارس خواهـد انجامید؛ می خواست به هر بهایی، قیام مردم بحرین را سـرکوب کنـد و در این راه دامن زدن به اختلافات مـذهبی را پیشه کرد. میان شـیعه و سـنی تفرقه ایجاد کرد و زمینه های برخورد این دو را به وجود آورد و در دهه ۵۰ م. بحرین را چند بار در آستانه جنگ های خونین داخلی قرار داد.

از طرفی جنـگ کانـال سوئز و هجوم نظامیان انگلیسـی به مصـر، سـبب افزایش تنفر اعراب خلیـج فارس و به ویژه مردم بحرین نسبت به انگلیس و همچنین ترویج احساسات ناسیونالیستی عربی در این کشور گردید، امااین احساسات غالباً توسط پلیس غیر بومی بحرین سرکوب می شد.

از اواسط قرن بیستم، ادعا های تاریخی ایران در مورد حاکمیت بر بحرین

ص: ۴۵

جدی شد. مجلس شورای ملی در آبان ۱۳۳۶، لایحه ای را تصویب کرد که به موجب آن، بحرین استان چهاردهم ایران اعلام شد و دو کرسی خالی برای نمایندگان «استان چهاردهم» در نظر گرفته شد. این اقدام و تهدید ایران در مورد تحریم هر سازمان و مجمع بین المللی که بحرین را به رسمیت بشناسد، موضوع را پیچیده کرد. اما فشار انگلیس به شاه، به دست کشیدن ایران از ادعا های ارضی اش نسبت به بحرین انجامید.

درحقیقت با زد و بند های سیاسی پشت پرده محمدرضا پهلوی با انگلیسی ها، لحن سخنان وی به سبک عوام فریبانه ای عوض شد و گفت: «اگر مردم بحرین مایل نباشند به کشور ما ملحق شوند، هرگز به زور متوسل نخواهیم شد و هر کاری که بتواند اراده مردم بحرین را به نحوی که نزد همه جهانیان به رسمیت شناخته شود، نشان دهد خوب است».

ایران سعی داشت تا سرنوشت بحرین در یک همه پرسی ولو ظاهری تعیین شود، در حالی که دولت بحرین وحکومت انگلیس هریک به دلیل آن که همه پرسی و رجوع به آرای مردم بحرین سبب نفی سلطه آنان از این کشور می شد، با آن مخالفت کردند. در نتیجه ایران و انگلستان توافق کردند تا به جای برگزاری همه پرسی، از سازمان ملل متحد خواسته شود سرنوشت سیاسی این سرزمین را از طریق یک نظرسنجی از میان گروه ها و طبقات مختلف تعیین کند.

حکومت بحرین که تحت نفوذ انگلیس بود، برای تأثیرگذاری بر نتیجه نظرخواهی مصمم شد تا ساختار جمعیتی این سرزمین را با اکثریت دادن به عرب ها دگرگون سازد. در این راستا هزاران فلسطینی و نیروی کار عرب از کشور های منطقه به بحرین هجوم آوردند.

ص: ۴۶

نظرخواهی از روز ۱۰ فروردین ۱۳۴۹ آغاز شـد و مدیر دفتر سازمان ملل در ژنو از سوی «اوتانت» – دبیرکل وقت سازمان ملل – مأمور انجام این کـار شـد. وی پس از پایـان مأموریت دوهفته ای خود در بحرین، گزارش برداشت های خود از صـحبت با مردم و گروه های بحرین را که به ادعای وی از علاقه آنان به استقلال حکایت می کرد تسلیم دبیرکل نمود.

بـا اعطای این گزارش، شورای امنیت سازمان ملل، قطعنامه ۲۷۸ در ۲۱ اردیبهشت ۱۳۴۹ – را که خواسـته مردم بحرین را تأیید می کرد صادر نمود. این قطعنامه به دولت های ایران و انگلستان ابلاغ شد و به این ترتیب تهران و منامه در ۱۳۵۰ ش. مرز های دریایی میان خود را تعیین و تصویب کردند و روابط دوجانبه را در همه زمینه ها آغاز نمودند. بحرین؛

روز ۲۵ آذر ۱۳۵۰ رسـماً عضو سازمان ملل متحـد شد و به عنوان یکصد و بیست و نهمین عضو آن درآمد. از آن پس، تاریخ ۱۶ دسامبر – ۲۵ آذر – به عنوان روز ملی بحرین شناخته می شود.(۱)

جغرافیای سیاسی

مجمع الجزایر بحرین بـا جمعیتی حـدود ۷۵۰ هزار نفر و ۶۹۴ کیلومتر مربع مسـاحت(۲)، در جنوب غربی قـاره آسـیا و جنوب خلیج فارس و ایران واقع شده و از قدیم الایام – حتی در زمان حکومت های ساسانیان – جزو سرزمین های ایران قرار داشت.

ص: ۴۷

۱- مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی http//www.ir-psri.com.

۲- برخی منـابع، بحرین را ۶۲۲ کیلومـتر مربع و برخی دیگر ۷۱۷ کیلومـتر مربع و برخی هم ۶۹۵ کیلومـتر مربع و برخی دیگر ۶۷۶ کیلومتر مربع حکایت نموده انـد. علت اصـلی این اختلاف ها به دلیل وجود جزایر کوچکی است که هر از چنـد گاهی به هنگام «مد»، کاملاً در آب محو می شوند.

این کشور از شرق در همسایگی کشور قطر و با فاصله ۸ کیلومتری آن قرار دارد. از غرب با عربستان هم مرز است که در فاصله ۲۴ کیلومتری ساحل شرقی آن واقع شده است. از طرف شمال نیز در همسایگی ایران قرار دارد.

بحرین از نخستین مناطقی است که در آن نفت کشف شده، لذا با وجود داشتن سرزمین خشک و غیر قابل کشت، پیوسته مورد توجه و طمع خاص کشور های استعماری همچون پرتغال،انگلیس و آمریکا بوده است.

به همین دلیل، زمانی به اشغال پرتغال درآمد، اما پس از مدتی توسط صفویان از اشغال پرتغالی ها خارج گردید و از سال ۱۸۲۰ م. استعمار پیر انگلیس اشغال تدریجی آن را شروع نمود تا اینکه در سال ۱۹۱۴. م به اشغال کامل انگلیس درآمد.

از آن زمان دولت ایران همواره به حاکمیت انگلستان بر بحرین اعتراض داشت و آنجا را جزو لاینفک خاک ایران می شمرد.

پس از تبعید رضاشاه توسط انگلستان به جزیره موریس و به خطر افتادن رژیم پهلوی اول، با تبانی محمدرضا پهلوی، فرزند رضاشاه، جزایر ایرانی بحرین وجه المصالحه بقای حکومت پهلوی گردید و سرانجام در سال ۱۹۷۱ م. بحرین به صورت رسمی از ایران جدا و به عنوان کشوری مستقل به عضویت سازمان ملل درآمد.

سابقه تاریخی بحرین

ناحیه «هجر» یا «هگر» از سرزمین های ایران که در دوره ساسانی اهمیت فراوان داشت، قبلاً بر ساحلی اطلاق می شد که بعد ها و در دوره اسلامی نام «بحرین» به خود گرفت. تا زمان استیلای قرامطه، در اوایل قرن

چهارم، شهر «هگر» یا «هجر» مرکز اصلی سرزمین بحرین بوده ولی از دوره «ابو طاهر حسن بن سعید گناو ه ای»، پیشوای قرمطیان خلیج فارس، نام «الاحساء» جای نام «هجر» را گرفت کما اینکه نام قطیف به جای «خط» یا «بنیاد اردشیر» نشست.

نام جغرافیایی بحرین، تا قرن ششم هجری،به ناحیه ای اطلاق می گردید که از طرف جنوب بصره تا عمان کشیده می شد.

بحرین؛ که در کتب تاریخ و جغرافیای فارسی و عربی، تا قرن ششم هجری، آورده شده است عبارت از دو استان «بنیاد اردشیر» و «هگر» بود و مجمع الجزایر امروزی نام دیگری داشت. بنابراین حوادث مربوط به بحرین در کتب قدیم و وقایع مربوط به صدر اسلام در بحرین، غالباً به آن قسمت از قلمرو باستانی کشور شاهنشاهی ایران ارتباط داشته که دو مرزبانیِ «هگر» و «بنیاد اردشیر» را تشکیل می داده است.(۱)

بحرین، نام مجموعه سرزمینی است که بر ساحل اقیانوس هند و بین بصره و عمان واقع شده که به آن «قصبه هجر» گفته می شود و دارای آب و چشمه های زیادی است.

ابو عبیده می نویسد:

... اما امروزه نام بحرین به جزیره «أوال» اطلاق می گردد.

۱- محیط طباطبایی، نشریه وزارت امور خارجه، شماره ۱۰، دوره دوم سال ۱۳۳۸.

برخی از مورخان معاصر می نویسند:(۱)

وجه تسمیه این که این منطقه را بحرین نامید ه اند، این است که این سرزمین بین بصره و دریاچه متصل

به بندر احساء که «العجیر» نامیده می شود، واقع است.

این نظر بیانگر آن است که نام بحرین – همانگونه که اکنون چنین است - به جزیره «أوال» اختصاص دارد.

در کتاب تلخیص الآثار آمده است:

بحرین؛ منطقه های بین بصره و عمان است که در ساحل دریا واقع شده و شامل سه بخش است:

الف): جزیره أوال؛ ب): قطیف؛ ج): خط و احساء.

در قدیم به مجموع این سه بخش «بحرین» گفته می شد، اما به تدریج، نام بحرین به جزیره «أوال» و «هجر» و سرزمین «احساء» اختصاص یافت.

بحرین؛ سرزمینی است که بین بصره و عمان و در ساحل دریا واقع شده است که بهترین انواع دُرْ را در خود جای داده است.(۲)

ص: ۵۰

۱- در مجمع البلدان آمده است: کلمه بحرین به چند شکل ذکر شده است؛ بَحرین، بُحرین و بِحرین و صحیح بالفتح. تاکنون شنیده نشده است که کلمه بحرین را به شکل مرفوع تلفظ شود اما زمخشری آن را به شکل تثنیه (بالالف رفعاً و بالیاء نصباً و جراً) به کار برده است.

۲- علامه سید محسن امین عاملی، الشیعه فی مسارهم التاریخی، ص ۶۸۸، ناشر مؤسسه تحقیقاتی الغدیر.

آثار باستانی بحرین

اشاره

بحرین آثاری از زمان های گذشته با خود به همراه دارد که از قدمت تاریخی آن حکایت می کند و هر کدام از آن ها بخشی از تاریخ پرفراز و نشیب این سرزمین را روایت می نماید:

۱. آرامگاه صعصعه بن صوحان

در فاصله نه چندان دور از شهر «منامه»،پایتخت بحرین، و در قسمت جنوبی آن، روستایی به نام «عسکر» به چشم می خورد. در این روستا یکی از یاران بزرگ و عظیم الشأن پیامبر اسلام، حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه وآله، و حضرت امیرالمؤمنین، علی علیه السّلام، مدفون است.

وی «صعصعه بن صوحان» است که پس از رحلت پیامبرصلی الله علیه وآله، دین را به دنیا نفروخت و در صف حامیان اندک مولا ـ امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام، قرار گرفت و تا زمان مرگ، دست از عقیده و اندیشه الاهی اش، پیروی و اطاعت از مولا امیرالمؤمنین، علی بن ابیطالب علیه السّلام، برنداشت و استوار و ثابت قدم بود.

با تسلط معاویه بر عراق، «مغیره» حاکم کوفه، به دستور معاویه، از «صعصعه بن صوحان»، به خاطر حمایت وی از امیرالمؤمنین، علی علیه السّلام، انتقام گرفت و او را به بحرین تبعید کرد.

روح بلند این صحابی بزرگ پیامبرصلی الله علیه وآله و امیرالمؤمنین علیه السّلام به ملکوت اعلی پیوست.

شیعیان و ارادتمندان به امیرالمؤمنین علیه السّلام روی قبرش بارگاهی ساختند که در سال های بعد، ویران شد. این صحابی ولایتمدار، صاحب کراماتی بود که مردم

ص: ۵۱

بحرین به خوبی آن ها را به خاطر دارند. یکی از این کرامات این است که در زمان شیوع بیماری طاعون، تمام بخش های کشور بحرین به آن گرفتار شدند، اما روستای«عسکر» به دلیل وجود پر برکت این صحابی بزرگ، از بیماری طاعون در امان ماند.(۱)

۲. مسجد سوق الخمیس (پنج شنبه بازار)

از دیگر آثار باستانی کشور بحرین، مسجد سوق الخمیس است. این مسجد، در جنوب دماغه «رُمّان» در منامه قرار دارد و از آثار دوران اسلامی به شمار می رود و چون در منطقه «سوق الخمیس» واقع شده به این نام معروف است.

این مسجد دارای دو مناره، هر کدام به ارتفاع ۲۳ متر است که از ساحل به خوبی دیده می شود. بنابر تحقیقات و کاوش های باستانشناسان، و با توجه به وجود اسامی ائمه معصومین: روی درب مناره آن، می توان گفت که بانیان و نمازگزاران این مسجد شیعیان بود ه اند و سابقه بنای آن به قرن پنجم هجری برمی گردد.

۳. مسجد صوفیه

از دیگر آثار باستانی کشور بحرین، مسجد صوفیه است. این مسجد در محله معروف «بلاد قدیم» بین منامه و بدیع، واقع شده است. همانطور که از نام این مسجد برمی آید تاریخ ساخت آن به زمان «صفویه» باز می گردد و بر کتیبه های آن اسامی مبارک پیامبر اسلام، حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه وآله، و حضرت

۱- همان، به نقل از تاریخ البحرین، صص ۳۹ و ۴۰.

امیرالمؤمنین، علی بن ابیطالب علیه السّلام، نقش بسته و به سبک معماری مساجد «ری» ساخته شده است.(۱)

۴. قلعه نادری

در ۹ کیلومتری شـهر منامه، قلعه ای قرار دارد که به دسـتور «نادرشاه» به عنوان یک سنگر و دژ نظامی ساخته شد. اطراف قلعه، خنـدقی بزرگ و عمیق وجود داشـته و تخته کشتی های بزرگ و کوچک، مربوط به زمان نادرشاه، در آن وجود داشـته که از بین رفته است.(۲)

۵. قلعه پرتغالی ها

این قلعه، در شهر «منامه» بنا شده است که یادگار دوران سیاه حضور استعماری پرتغالی ها در این کشور است و سیاه چال های آن گواهی می دهد که مسلمانان بسیاری در آن شکنجه شده و به شهادت رسید ه اند.

این قلعه در در های پوشیده از درختان نخل قرار دارد که برخی از دیوار هایش که هنوز سالم مانده ارتفاع و تخته سنگ هایی که در آن به کار رفته، به ۱۰ متر می رسد و روی هر کدام از آن ها آثاری از خطوط پرتغالی دیده می شود.(۳)

۱- همان، به نقل از سرزمین بحرین، ص ۲۲.

۲- همان صص ۲۲ و ۲۳.

۳- همان به نقل از تاریخ بحرین، صص ۱۸ و ۲۲.

شبکه های ارتباطی

اشاره

بحرین به دلیـل موقعیت خاص جغرافیایی خود، سال هاست به عنوان مرکز خبری، مورد توجه اکثر سازمان های خبری دنیا قرار داشـته و برخی از بنگاه های خبری، مرکز منطقه های خود را در این کشور مسـتقر نمود ه اند. همین عامل، سبب شده تا رسانه هـای گروهی بحرین در مقـایسه بـا وسایـل ارتبـاط جمعی سـایر کشـور هـای عرب خلیـج فـارس، از موقعیت برتری برخوردار شوند.(۱)

اصلاحات ظاهری جهت انحصارطلبی در قدرت

گزارش منـابع مطلع و کارشـناسان کشـور بحرین حـاکی از آن است که «حمـد بن عیسـی آل خلیفه»، امیر بحرین، از زمـان به قدرت رسیدن در سال ۱۹۹۹ م. به ظاهر همواره درگیر برنامه اصـلاحات گسترد ه ای بوده است که هـدف از طراحی و اجرای آن، تغییر شـکل حکومتی کشور بحرین از یـک امـارت نشـین عربی کوچـک به یـک سیسـتم پادشـاهی مشـروطه، و در نتیجه تعـدیل قـدرت موروثی خانـدان «خلیفه» از طریق برپایی یک مجلس قانون گذاری انتخابی اعلام شده است. این اصـلاحات به ظاهر تا حد چشمگیری باعث ارتقای موقعیت سیاسی بحرین نزد کشور های منطقه و جهان شده است. با این حال، در کشوری که با وجود آنکه ۸۰ درصد جمعیت آن را شیعیان تشکیل می دهند، اما مناصب سیاسی کلیدی آن کماکان در اختیار سنی ها – به ویژه خانـدان سـلطنتی حـاکم – قرار دارد، و در حقیقت اصـلاحات یـاد شـده تـاکنون توفیـق چنـدانی را در بهبود اوضـاع اجتماعی سیاسی بحرین کسب نکرده است.

۱- همان، ص ۵۷.

انجام اصلاحات سیاسی در بحرین کاملاً ـ ضروری به نظر می رسد. وقتی «شیخ حمد» بر مسندحکومت بحرین تکیه زد، مشارکت عامه مردم در صحنه سیاسی این کشور به طور کلی از بین رفت و موجی از سرکوب حاکم شد. بحرین امروزه با بحران اقتصادی شدیدی دست و پنجه نرم می کند. منابع نفتی بحرین، کاملاً رو به اتمام است و این در حالی است که رشد جمعیت از رشد اقتصادی و رشد نسبی مشاغل موجود پیشی گرفته است. شرایط اقتصادی، به ویژه در میان شیعیان - که طبقه محروم جامعه بحرین را تشکیل می دهند و نرخ بیکاری در میان آن ها چیزی در حدود ۳۰ درصد برآورد می شود - بسیار سخت و طاقت فرسا است. این کشور راهی ندارد جز اینکه منابع درآمدی اقتصاد ضعیفش را از طریق جذب سرمایه های کلان خارجی تنوع بیشتری بخشد. چنین کاری نیز فقط از طریق تأمین ثبات سیاسی جامعه امکانپذیر خواهد بود. از این رو، مدت کوتاهی پس از به قدرت رسیدن ملک «حمد»، اقدامات آشتی جویانه متعددی از سوی او به مورد اجرا گذاشته شد که از جمله مهم ترین آن ها می توان به صدور فرمان عفو عمومی مخالفان سیاسی، اعطای حق آزادی بیان و آزادی تشکیل احزاب، صدور پیش نویس فرمانی ملی برای اعطای آزادی های بیشتر و تدوین قانون اساسی جدید بحرین و همچنین برگزاری انتخابات شهرداری ها و مجلس قانون گذاری این کشور اشاره کرد. وقتی شاه برنامه کامل اصلاحات فراگیرش را به منظور برپایی یک همه پرسی عمومی در فوریه ۲۰۰۱ منتشر کرد، استقبال عمومی بسیار خوبی از سوی مردم بحرین نسبت به آن ابراز شد. اما تنها یک سال بعد، یعنی زمانی که شاه به طور کاملاًیک جانبه ای اقدام به انتشار قانون اساسی جدیدی کرد که در آن صراحتاً بر تحدید قدرت قانون گذاری پارلمان از

طریق تشکیل یک شورای مشورتی که اعضای آن مستقیماً توسط شاه برگزیده خواهند شد تأکید شده بود، خشم مردم برانگیخته شد. در اعتراض به تضعیف قدرت پارلمان، حتی در مقایسه با پارلمان منحل شده در سال ۱۹۷۵، چهار سازمان مخالف حکومت بحرین (لازم به ذکر است که فعالیت احزاب سیاسی در بحرین غیرقانونی است)، که در سال ۱۹۷۵ منحل اعلام شده بودند، انتخابات پارلمانی اکتبر ۲۰۰۲ را تحریم کردند که در رأس این سازمان ها می توان به نام گروه اسلام گرای شیعی «الوفاق» اشاره کرد. پیش از برگزاری انتخابات، حکومت بحرین اقدام به بازنگری وسیع قوانین انتخابات پارلمانی کرد تا بدین وسیله بتواند کاندیدا های سنی را به سوی موفقیت بیشتر رهنمون سازد. در این راستا، به اتباع کشور های عضو «شورای همکاری خلیج فارس» (GCC) و همچنین هزاران خارجی مقیم بحرین که برخی مناصب نظامی و امنیتی این کشور را در دست داشتند، تابعیت مضاعف بحرینی اعطا شد و این در حالی بود که اتباع یاد شده تماماً از اقلیت سنی مذهب بحرین به شمار می رفتند. بنابراین تعجبی ندارد که بیشتر شیعیان بحرینی، این اقدام دستگاه حکومتی کشورشان را گامی در جهت تضعیف قدرت طیف اکثریت جمعیتی بحرین ارزیابی کردند. با این وصف، جای تعجب نیست که پارلمان منتخب قبلی - شامل ۲۸ عضو سنّی (غالباً جزو اسلام گرایان تندرو) و ۱۲ عضوشیعه (غالباً دارای پیوند های نزدیک با حکومت) از انعکاس حقایق اجتماعی سیاسی جامعه بحرین و برقراری ارتباط صحیح میان مردم و صاحبان قدرت عاجز خواهد بود. در واقع، برگزاری این انتخابات و نتایج حاصل از آن باعث شد تا نه تنها شکاف عمیق موجود میان اکثریت شیعیان بحرین و حاکمیت سیاسی برخاسته از اقلیت سنی های آن ترمیم نشود، بلکه

شاهد تحریک بیشتر احساسات خودجوش شیعیان نیز باشیم. واقعیت آن است که تاکنون دوری خود خواسته گروه های بزرگ شیعی از صحنه سیاست های داخلی بحرین، نه تنها موجب برقراری آشتی و تفاهم بیشتر میان رهبران شیعی مخالف و خاندان حکومتی این کشور نشده است، بلکه باعث بروز انشقاق ها و تجزیه های بیشتر در بطن سیاست های جنبش شیعیان بحرین نیز گردیده است. بیشتر نیرو های کادری «الوفاق» و سایر سازمان های شیعی بحرین، از مشارکت در انتخابات پارلمانی این کشور استقبال کردند.

با این حال، مبارزان جوان شیعی که تعدادشان روز به روز در بحرین در حال افزایش است، هرگز نمی پذیرند که خود را یک لحظه از اهداف اولیه انتفاضه خونین شان که اساساً مبتنی بر تلاش برای دستیابی به یک حیات سیاسی آزاد، پارلمانی قوی و حقوق اقتصادی برابر است، جدا سازند. آنها شیوع فساد در میان کارگزاران سیاسی سالخورده کشورشان را علناً تقبیح می کنند. رهبران جنبش شیعی بحرین که خود را میان طیف وسیعی از خواسته های ضد و نقیض مبارزان شیعه و رژیم سلطنتی کشورشان گرفتار می بینند،اینگونه ترجیح داده اند تا ضمن اینکه علناً خود را دوشادوش دسته اول در صف مقدم مبارزه نشان می دهند به گروه دیگر نیز اطمینان دهند که هر لحظه آمادگی پذیرش راه های مسالمت آمیز برای دستیابی به منافع بلندمدت خویش را دارند. یقیناً برای توازن بخشیدن به چنین سیاست دوگانه و مرموزی، آنها باید در جست وجوی راهکار های مناسبی برای جلوگیری از ظهور طیف جدیدی از رهبران اسلام گرای رادیکال در جامعه چندملیتی بحرین باشند. در مرحله آخر و در صورت مسدود دیدن تمامی راه های پیش رو، شاید بتوان این گونه انتظار داشت که کادر رهبری کنونی شیعیان، از بسیج

مسالمت آمیز توده ها به موازات جلب حمایت های بین المللی گسترده از سوی مخالفان شیعه بحرینی مقیم لندن، برای تحت فشار گذاشتن رژیم حکومتی این کشور استفاده کند. تداوم تنش میان رده های مختلف جنبش شیعی به موازات پتانسیل های سیاسی نهفته در اوضاع آشفته اقتصادی بحرین می تواند توازن سیاسی شکننده موجود در جامعه این کشور را با مخاطراتی جدی مواجه سازد. عامل مؤثر دیگری که هرگز نباید از نقش اساسی آن در تبیین اوضاع کنونی جامعه بحرین غافل بود این است که «ملک حمد» یقیناً هیچ تردیدی در ارائه ابتکار سیاسی جدید خویش که پایه های آن مبتنی بر اجرای برنامه های اصلاحی گسترده در سرزمین مادری اش بوده به ذهن خویش راه نداده بود؛ زیرا به خوبی می داند که با روی کار آمدن حکومتی جدید به رهبری شیعیان در عراق، تنها یک جرقه کافی خواهد بود تا آتش اختلاف شدیدمیان اسلام گرایان سنی و شیعه بحرینی شعله ور شود که یقیناً دود آن بیش از همه به چشم کارگزاران نظام سلطنتی این کشور خواهد رفت.(۱)

واگرایی در ارتباط بین بحرین و قطر

به رغم وجود مسایل و وجوه مشترک فراوان بین کشور های قطر و بحرین که در همسایگی همدیگر قرار دارند؛ مناسبات و تعاملات دو کشور حسنه نبوده و می توان ادعا نمود به جای همگرایی و احترام متقابل، به واگرایی بهتر توصیف می شود.

در آب های شرقی و غربی قطر، جزایری قرار گرفته است که مهم ترین آنها،

۱- به نقل از لورنس لوئه، ترجمه علی عبدالمحمدی.

«فشت الـدیبل» و «حوار» می باشـد. این جزایر، به دلیـل موقعیت استراتژیـک و منـابع نفـتی کشف شـده در سـال هـای اخیر، از اهمیت فراوان برخوردار می باشند.

حوار، بزرگترین این جزایر است که بلافاصـله بعد از سواحل غربی شـبه جزیره قطر و مقابل سرزمین اصلی بحرین قرار گرفته و موضوع اصلی اختلاف و بحران بین این دو کشور می باشد.(۱)

ارتباط و تعامل قطر با همسایه غربی خود یعنی بحرین، قـدری متشـنّج است که البته این اختلافات ریشه در گذشـته دارد؛ یعنی زمانی که این کشور در اشغال حاکمان بحرین قرار گرفت. اما در واقع دلیل عمده این اختلافات، قومی – قبیله ای است.

عـدم اتحـاد دو کشور را می توان تـا حـدود زیادی ناشـی از رقابت های خانوادگی ایشان دانست که در حاشـیه سـفلای خلیج فارس از رقابت های بسیار ریشه دار است.(۲)

روابط بحرین با شـیخ نشـین های شـرقی خود، به اسـتثنای ابوظبی و تا حـدودی کمتر شارجه، چنـدان نزدیک نبوده است. دلیل عمده آن، شهرت و اعتباری است که آل خلیفه برای خود قائل هستند و خود را از اکثر حکّام امارات برتر می دانند.

مسـئله دیگری که روابط بین قطر و بحرین را تیره نموده است، اختلاف مرزی بین این دو کشور بر سـر کنترل دهکده «زباره» و جزایر «حوار» – که در ساحل غربی قطر

۱– حسن علوی، قطر (کتاب سبز)، تهران دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۴، ص ۲.

۲– مهـدی مظفری، امـارات خلیـج فـارس، پژوهش اقتصـادی، سیاســی و اجتمـاعی، ترجمـه: دکـتر مهـدی مظفری، انتشـارات پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۵۷، ص ۸۱.

قرار دارند – است. این اختلاف را می توان یکی از عمده ترین اختلافات منطقه دانست.

همگرایی بحرین و عربستان و تأثیر آن بر شیعیان

همسایگی کشور های عربستان سعودی و بحرین از جنبه های مختلفی قابل بررسی و مطالعه است. روابط مشترک سیاسی و عقیدتی که بین حاکمان عربستان سعودی و بحرین وجود دارد، مناسبات، همکاری ها و تعاملات گسترد ه ای اعم از اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، مذهبی و... رابین دو کشور به وجود آورده است.

روابط بحرین و عربستان سعودی، به طور کلی روابط بسیار حسنه و عالی تلقی شده است. همبستگی نزدیك میان خانواده های حکومتی دو کشور، به طور عمده از روابط قبیله ای و اجدادی ریشه گرفته است. اصل و منشأ آل خلیفه و آل سعود، به قبیله بنی عتیب – یکی از مشهورترین کنفدراسیون های قبایل شمال عربستان – می رسد. همجواری دو کشور، در گسترش روابط نزدیکشان مؤثر بوده است... . نخبگان بحرینی، به طور کلی حالت پدرمنشانه عربستان را نسبت به بحرین کاملاً پذیرفته اند... (۱).

اگر چه بین عربستان سعودی و بحرین، بر سر مسئله بهره برداری از منابع طبیعی منطقه «قشت ابوصفا» اختلافاتی وجود داشت که در سال ۱۹۴۵ طرفین بر سر تقسیم این منطقه توافق کردند، با این وجود، هنوز در تعیین مرز و حدود فلات قاره توافقی به عمل نیامده و اختلاف جدی وجود دارد. اما اشتراکات فراوان هر دو کشور عربستان و بحرین باعث گردید بین طوایف مذهبی هر دو کشور همگرایی زیادی وجود داشته باشد. گروه های مختلف اهل تسنن عربستان به خصوص و هابیت، تلاش گسترده و فراگیری در حمایت از اقلیت اهل تسنن بحرین دارند.

ص: ۶۰

۱- معصومه سیف افجهای، بحرین، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۶، ص ۸۵.

ویژگی حاکمیت اقلیت سنی ها نیز زمینه مساعدی برای این گسترش و حمایت های متعددبه وجود آورده است.

خواست مشترک حکام هر دو کشور؛ تسلط بر شیعیان و منزوی نمودن آنان است. آنان سعی دارند همگرایی، تعامل و ارتباطات طوایف شیعی دو کشور کمرنگ بوده و در مقابل، با تلاش فراوان و صرف هزینه های سنگین سعی در برتری و ارتقای اهل تسنن در زمینه های مختلف دارند. تلاش گسترده آنان در کم کردن جمعیت شیعیان منطقه و بالا نشان دادن آمار سنی ها، مصداق بارزی از همگرایی نامشروع بین حکام هر دو کشور است.

احداث بزرگراه سنگفرش بین عربستان سعودی و بحرین در سال ۱۹۸۶، به منظور همگرایی بهتر و بیشتر بین حکام سعودی و بحرین و در نهایت جلوگیری از رشد و بیداری شیعیان به عمل آمده است.

از سوی دیگر عربستان سعودی نیز بیش از دیگر کشور های سنی نشین به نهضت ها و مبارزات و جنبش های شیعیان بحرین واکنش نشان می دهد. سرایت ناآرامی های شیعیان بحرین به مناطق شیعه نشین عربستان، به خصوص به شیعیان مناطق شرقی عربستان، از دغدغه های جدی حاکمان عربستان سعودی است. به همین دلیل، در کنترل،آرام و منزوی کردن شیعیان بحرین و دور کردن آنان از قدرت سعی فراوانی دارد.

از دیگر دغدغه های مشترک حکومت های عربستان سعودی و بحرین، بیداری شیعیان و ادعای احقاق حقوق از دست رفته و پایمال شده خویش است. به دلیل اکثریت شیعیان در بحرین و قدرت رو به رشد آنان، حکام هر دو کشور از این وضعیت وحشت زده هستند. قدرت و بیداری روزافزون شیعیان در بحرین، از طرفی حاکمیت و دوام و بقای اقلیت حاکم را به خطر افکنده و از طرف دیگر «ترس از تجزیه امت عربی و تلاش برای رهبری جهان عرب، عربستان را بر آن داشته است تا حمایت خود را از رژیم های حاشیه خلیج فارس

اعلام دارد و از گسترش حرکت های اسلامی تندرو یا حرکت های اصلاحی دموکراتیک جلوگیری کند.»(۱)

بنـابراین حکـام عربسـتان و بحرین بـا صـرف هزینه هـای فراوان و برنـامه ریزی های کوتاه مـدت و بلندمـدت سـعی دارنـد که همگرایی شیعیان دو کشور به حداقل رسیده و در مقابل

همگرایی و مراودات متعدد طوایف مختلف سنی دو کشور رو به گسترش و فزونی باشد.

به همین دلیـل، عربسـتان از هرگونه تبعیض و فشـار علیه شـیعیان دریغ نکرده و در سـرکوب و کشـتار شـیعیان به صورت علنی مشارکت می نماید.

ص: ۶۲

۱- مرتضی بحرانی، جنبش های سیاسی و اجتماعی بحرین، چاپ اول، مؤسسه مطالعات اندیشه سازان نور، ۱۳۸۱، ص ۱۴۷.

فصل دوم

اشاره

• تشیع در بحرین

ص: ۶۳

شیعه شناسی

شیعه در لغت به معنای متابعت و پیروی است و در اصطلاح، به مکتبی گفته می شود که با تمسّک و توجه خاص به قرآن و سنّت صحیح پیامبرصلی الله علیه وآله، از اهل بیت پیامبرصلی الله علیه وآله در جمیع شئونات اسلامی اعم از اعتقادی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و تمامی مراحل فردی و اجتماعی پیروی نموده و طبق آیات قرآن و دستورات پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله، از امام علی علیه السّلام تا حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را امامان خویش می دانند.

شیخ مفید می نویسد:

به کسانی که از امام علی علیه السّلام پیروی نموده و او را بر دیگر صحابه مقدم داشته اند، شیعه گفته می شود. آنها معتقدند که امام علی علیه السّلام پس از رسول خدا، به اراده خداوند متعال و وصیت پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله به عنوان امام معرفی شده است. (۱)

ابن حزم می نویسد:

شیعه به کسی گفته می شود که قائل است، علی علیه السّلام پس از پیامبرصلی الله علیه وآله برترین مردم و سزاوار ترین آنها به امامت و جانشینی است. (۲)

۱- . هویه التشیع، به نقل از شیخ مفید، ص۱۲.

۲- . الفصل فی الملل و الاهواء و نحل، ج۲، ص۲۲۶.

در مباحث شیعه شناسی با بررسی، تجزیه و تحلیل و استناد به آیات قرآن کریم و روایات پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله و امامان معصوم علیه السّلام،ثابت شده است که تشیع، آخرین دین الاهی و تنها دینی است که می تواند انسان ها را در امتداد تاریخ به سعادت برساند. معتقدیم تشیع با اسلام اصیل انطباق کامل داشته و می تواند بدون کمترین لغزش و مشکلی، جامعه را به سوی سعادت دنیا و آخرت راهنمایی و هدایت نماید.

ما تشیع را به عنوان مذهبی فرع بر اسلام قلمداد نمی کنیم، بلکه تشیع را همان دین حق و عین اسلام می دانیم. از این رو شیعه شناسی همان دین شناسی و اسلام شناسی است. البته اسلام کامل و حقیقی، اسلام اصیل و بدون انحراف که در حقیقت همان اسلام ناب محمّدی | است. بنابراین شیعه شناسی یعنی «دین شناسی اسلامی به معنای حقیقی آن».

در شیعه شناسی به هر اندازه روش، ملاک و مبنایی که به کار برده می شود، جامعیت و کمال داشته باشد، مکتب تشیع به صورت کاملتری درک و فهم خواهد شد. از این رو تلاش بر آن است تا در این اثر به صورت مستند، مستدل، واقع بینانه و دقیق به بحث و بررسی بپردازیم.

مطالعه دقیق ویژگی های اندیشه و تفکر شیعی، به اثبات می رساند که مکتب تشیع دارای فرهنگ الاهی، اصول محکم بوده و ترقیانه ترین مکتب اسلامی است. بنابراین ضرورت دارد که اصول و فروع این مکتب الاهی را به زیبایی بشناسیم تا بتوانیم نسبت به وظائف شرعی خود به زیبایی عمل نماییم. انشاء الله.

ص: ۶۶

ریشه های تاریخی و روند شکل گیری تشیّع

اشاره

پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله پس از بعثت، تا سه سال مخفیانه به اسلام دعوت می کردند. در این مدّت تنها حضرت خدیجه علیهاالسّلام و حضرت علی علیه السّلام به او ایمان آورده بودند. آیه انذار بر پیامبرصلی الله علیه وآله نازل شد: {وَأَنـذِرْ عَشِیرَتَکَ الْأَقْرَبِینَ * وَاخْفِضْ جَنَاحَکَ لِمَنِ اتّبَعَکَ مِنَ الْمُؤْمِنِینَ}(۱) نخست خویشان نزدیکت را پند و اندرز بده (به اسلام دعوت کن) آنگاه پر و بال مرحمت برای مؤمنانی که تو را پیروی کردند بگستران. پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله طبق دستور خداوند بستگان خود را دعوت کردند، چهل نفر از بستگان از جمله چهار عموی خویش ابوطالب، حمزه، عباس و ابولهب حضور داشتند. حضرت گوسفندی را ذبح کردند و به همه غذا دادند. سپس فرمودند: ... خداوند مرا فرمان داده است تا شما را به سوی او دعوت کنم. رسول مکرم اسلام صلی الله علیه وآله، پس از بیان عظمت اسلام و دعوت به توحید و یکتاپرستی فرمودند: «فَأَیُّکُمْ یُوازِرُنی عَلی أمْرِی هَذا عَلی أن یَکُونَ أخِی وَوَصِیِّی وَخَلیفَتی فِیکُمْ»: کدامیک از شما از من پشتیبانی می کنید تا آن شخصی که مرا یاری می کند برادر، وصی، خلیفه و جانشین من بین شما باشد؟ همه سکوت کردند، حضرت علی علیه السّلام به پا خواسته گفتند: «أَنَا یا نَبیَّ الله أکُونَ وَزیرکَ عَلَیهِ» ای پیامبر خداصلی الله علیه وآله من از شما پشتیبانی می کنم. سپس پیامبرصلی الله علیه وآله دست به شانهٔ امیرالمؤمنین علیه السّلام زدند و فرمودند: «إِنَّ هَذا أَخِی وَ وَصیِّی وَ خَلیفَتی فِیکُم فَاسْمَعُوا لَهُ وَ أَطیعُوهُ»: این شخص – علی علیه السّلام – برادر، وصی،

خلیفه و جانشین من در بین شماست، حرف هایش را بشنوید و از او اطاعت کنید. از اینرو پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله

۱– . شعراء/۲۱۴ – ۲۱۵.

همزمان با دعوت علنی اسلام، جانشین خود را هم انتخاب کردند.

بنابراین سرآغاز دعوت علنی اسلام، با سرآغاز خلافت بلافصل اوّلین امام شیعیان از همان آغاز اسلام شروع گردید. لذا بنیانگذار تشیّع، خود رسول خداصلی الله علیه وآله و سرآغاز تشیع، اوّلین روز علنی شدن دعوت به اسلام بوده است. این حدیث معتبر با سلسله اسناد صحیح، توسط بزرگان شیعه و اهل تسنّن نقل شده است که در پاورقی به برخی منابع آن اشاره می شود(1)

امام علی علیه السّلام از یوم الانذار تا حجه الوداع در غدیر، بارها توسط پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله به عنوان امام و خلیفه مسلمین به صورت صریح و مشخص معرفی شدند.

تعداد زیادی از اصحاب پیامبرصلی الله علیه وآله همچون سلمان، مقداد، ابوذر، عمار و... نیز در زمان خود رسول خداصلی الله علیه وآله به عنوان شیعهٔ علی علیه السّلام شناخته می شدند. دلایل قانع کننده و مستندات این مهم در منابع معتبر اهل تسنّن نیز فراوان آمده است.

مظلومیت تاریخی شیعیان

شیعه از همان صدر اسلام تاکنون، به اسلام و امامان معصوم علیه السّلام اعتقاد داشته و پیروی کاملی از آنها نموده است. شیعیان به جرم اعتقاد به مکتب بزرگ اسلامی تشیع و هواداری و پیروی از اهل بیت معصوم علیه السّلام، توسط حاکمان ستم پیشه و جریانات سیاسی، مورد قتل و غارت و شکنجه فراوان قرار می گرفته اند.

۱- تاریخ طبری/ج ۲/ص ۳۱۹/چاپ دار المعارف مصر؛ السیره الحلبیه/ حلبی شافعی/ ج۱/ص۳۱۱؛ حاشیه مسند احمد بن حنبل/ ج۵/ ص۴۱/ حدیث ۵۱۴ و ۵۸۰/چاپ بیروت؛ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید/ج۱۳/ص۲۱۲ و ۲۴۴ و... .

ابن ابی الحدید دانشمند نامی اهل تسنّن می نویسد:

شیعیان در هر جا بودند به قتل می رسیدند، بنی امیه دست ها و پاهای اشخاص را به احتمال اینکه از شیعیان هستند می بریدند. هر کسی که معروف به دوستداری و دلبستگی خاندان پیامبرصلی الله علیه وآله بود، یا زندانی می شد، یا مالش به غارت می رفت یا خانه اش را ویران می کردند. شدت فشار نسبت به شیعیان به حدی رسید که اتّهام به دوستی علی علیه السّلام، از اتّهام به کفر و بی دینی بدتر شمرده می شد و عواقب سخت تری به دنبال داشت ... زیاد، شیعیان را تعقیب و در هر گوشه و کنار که مخفی شده بودند، پیدا می کرد و آنها را می کشت. دست ها و پاهایشان را قطع و چشمانشان را نابینا می ساخت، آنان را بر شاخه های درخت خرما به دار می آویخت تا آنکه همه را از عراق پراکنده ساخت، به طوری که احدی از شخصیت های معروف شیعه باقی نماند. (۱)

ابن اعثم می نویسد:

زیاد، به دستور معاویه دائماً درپی شیعیان بود و هر کجا آنان را می یافت به قتل می رساند، به طوری که شمار زیادی را کشت. او دست و پای شیعیان را قطع و چشمانشان را کور می کرد.(۲)

۱- شرح نهج البلاغه، ج، ص ۴۳ - ۴۵، چاپ قاهره، دار الاحیاء، الکتب العربیه، ۱۹۶۱م.

۲- الفتوح، ج ۴، ص ۲۰۳.

طبری می نویسد:

سمره بن جندب، معاون زیاد در بصره بود، در مدت شش ماه، هشت هزار نفر از شیعیان را در بصره به قتل رساند. (۱)

ابو سوار عدوی می گوید: سمره از کارگزاران معاویه در بامداد یک روز، چهل و هفت نفر از بستگان مرا کشت، که همه حافظ قرآن بودند. (۲)

مسعودی درباره ی جنایت های حجاج می نویسد:

«حجاج بن یوسف ثقفی بیست سال فرمانروایی کرد و تعداد کسانی که با شمشیر دژخیمان وی یا زیر شکنجه جان سپردند، بیست هزار نفر بودند. این عده غیر از کسانی بودند که ضمن جنگ با حجاج به دست نیروهای او کشته می شدند.»

هنگام مرگ حجاج، در زندان وی، پنجاه هزار مرد و سی هزار زن زندانی بودند که شانزده هزار نفر از آنان عریان و بی لباس بودند ... زندان های حجاج بدون سقف بود از این روز زندانیان از گرمای تابستان و سرمای زمستان

در امان نبودند. (۳)

با کمال تأسف، اکنون و در دوران معاصر نیز حکومت آل خلیفه همچون بنی امیه و بنی عباس، با بی رحمی کامل شیعیان را مورد ظلم و ستم قرار داده اند. به ناچار پاره ای از مظلومیت های شیعیان بحرین را در این کتاب مورد بررسی قرار می دهیم.

۱- طبری، محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوک، ج۶، ص ۱۳۲.
۲- تاریخ الامم و الملوک، ج۶، ص ۱۳۲.
۳- مروج الذهب، ج۳، ص۱۸۷، بیروت.

تشیّع در بحرین

اشاره

بحرین، از صدر اسلام تاکنون یکی از مراکز مهم شیعه بوده است.

از همان سال ۱۱ ه- که مسلمانان به دو گروه طرفدار اهل بیت پیامبرصلی الله علیه وآله و خلفا تقسیم شدند، مردم بحرین در اثر تلاش و کوشش برخی از یاران بزرگ رسول خداصلی الله علیه وآله مانند ابان بن سعید، عبدالله بن عباس و عمر بن اُم سلمه، به حقانیت امیرالمؤمنین، علی علیه السّلام، و خلافت و وصایت آن حضرت پی بردند و همواره بر عقیده خود پای فشردند.

ابان بن سعید، مدتی نماینده رسول خداصلی الله علیه وآله در ناحیه ای از بحرین بود و پس از رحلت پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله با ابوبکر بیعت نکرد و از دوستداران مولا امیرالمؤمنین، علی علیه السّلام بود.

عبدالله بن عباس و عمرو بن اُم سلمه، که از یاران نزدیک حضرت علی علیه السّلام بودند، هر کدام مدتی در زمان خلافت علی علیه السّلام حاکم بحرین بودند. این بزرگان با نشر حقایق و بیان ماجرای غدیر خم، حقانیت علی علیه السّلام را بر مردم آشکار کردند و آنها را از سرگردانی نجات دادند.

به این ترتیب شجره طیبه اهل بیت علیه السّلام در دل مردم بحرین ریشه دوانید و آن سرزمین به یکی از مراکز مهم تشیع در طول تاریخ تبدیل شد.

وقتی امیرالمؤمنین، حضرت علی بن ابیطالب علیه السّلام، به خلافت رسید، در سال ۳۶ ه- «عمرو بن ابی سلمه» را به فرمانداری بحرین منصوب کرد.

عمرو بن ابی سلمه تحرومی، در سال دوم هجرت در سرزمین حبشه به دنیا آمد.

پدر وی، ابو سلمه، از اولین مسلمانانی بود که به حبشه مهاجرت کرد و در جنگ اُحد به شهادت رسید.

ص: ۷۱

عمرو بـن ابی سـلمه مخزومی، از شـیعیان و دوسـتداران امیرالمـؤمنین، علی علیـه السّـلام، بـود؛ وقـتی وی به فرمانـداری بحرین منصوب شد، وی نخستین کسی بود که نهال تشیع را در بحرین کاشت.

پس از شهادت ابو سلمه، مادر عمرو، به عقد پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله درآمد.

پس از عمرو بن ابی سـلمه مخزومی، امیرالمؤمنین، علی علیه السّـلام، «نعمـان بن عجلان رزقی» را به سـمت فرمانـداری بحرین منصوب کرد.(۱)

اصالت و کثرت شیعه در بحرین چنان است که نزد ساکنان غیرشیعی خلیج فارس، کلمه «بحرانی» مترادف با «شیعی» است.

پیروان دیگر مذاهب، بیشتر به هنگام سلطه پرتغالی ها بر بحرین، به آن راه یافتند؛

زیرا پرتغالی ها که از مبارزه بی امان و گسترده شیعیان خواب راحت نداشتند، مهاجرت اهل تسنن را به بحرین تسهیل و تشویق کردنـد تا بـدین وسـیله بتواننـد درصد جمعیت شـیعی را نسبت به کل جمعیت کاهش دهند و در نتیجه موازنه قدرت را به نفع خود تغییر دهند.(۲)

متهم کردن شیعه به گمراهی و شرک

مهم ترین تهمت هـا و نسبت هـای دروغینی که به شـیعیان نسـبت می دهنـد، و در کتب درسـی، مطبوعات، رسانه ها و محافل سیاسی و... آن را ترویج می دهند، انگ و تهمت ناروای گمراه، شرک، کفر و نفاق است که البته به دنبال آن اهدافی را

۱- پژوهش هایی در مسائل حکومت اسلامی – شماره ۱۲ ص ۲۱۴ – زیر نظر دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری – سال ۱۳۸۱

۲- حسن ألامین، دائره المعارف الشیعیه، ج ۲، صص ۴۳۸ و ۴۳۹

پیگیر هستند. ما قبل از ورود به بحث، ابتدا به بررسی موارد و شبهات فوق می پردازیم و سپس هدف آنان را بیان می نماییم.

گمراهی عبارت است از انحراف از مسیر و راه مستقیم و آنچه که خداوند تعیین کرده است. «ضلال»؛ یا همان گمراهی به انواع مختلفی تقسیم شده است که خطرناکترین آن عبارتند از: شرک، کفر و نفاق.

شرک به دو نوع تقسیم می شود که خطرناکترین آن شرک اکبر است.

شرک اکبر؛ این است که انسان از اسلام خارج شود و اگر توبه نکند در آتش جاودانه خواهد شد و او کسی است که برای خداوند شریک قائل می شود مانند: عبادت غیر خدا،

اما تعریفی که در کتاب تربیت اسلامی از وزارت آموزش و پرورش بحرین، از شرک ارائه شده است این است: «الشرک کالتقریب بالذبایح والنذور الاصحاب القبور».(۱)

در این تعریف موضوع شفاعت و توسل را که از عقاید حقه شیعیان است و مبنای اسلامی و قرآنی دارد به عنوان شرک به شیعیان نسبت می دهند.

هدفشان چیست؟ حاکمان بحرین سعی می کنند در بین فرزندان و کسانی که عبادات خود را بر اساس مذهب شیعه انجام می دهند، نفوذ نمایند. آنان هنگام نام بردن از شیعه و اعلام آمار جمعیتی می گویند: «شیعیان مشرک، بیشترین درصد کل جمعیت و شهروندان بحرینی را تشکیل می دهند.» حکام بحرینی طی یک توطئه حساب شده و مرموزانه با عنوان طرح تکفیر، اهداف

۱- تربیت اسلامی، دوره ابتدایی، وزارت آموزش و پرورش بحرین. مؤلفان: یوسف محمود العلوی، ناصر جاسم الفایز، خالد احمد السخی، علی خلیفه الزیانی، نادیه احمد اصغر، نبیل خلیل علی صالح، چاپ اول، ۱۴۲۷ه- . ۲۰۰۵م.

سلطه جویانه خود را دنبال می نمایند و در حقیقت، این طرح را برای منزوی نمودن شیعیان تعقیب می کنند.

در طرح تکفیر شیعه، حاکمان بحرین سعی می کنند تا از راه ها و شیوه های مختلف، این را به مردم بقبولانند که شیعیان مسلمان نیستند و آنان از اسلام خارج شد ه اند؛ زیرا عبادات را آن گونه - مطابق مذهب خود - انجام می دهند.

تاریخ، شاهد جنگ ها و کشمکش ها بین کسانی

بوده است که برای رسیدن به آزادی دینی، با یکدیگر مبارزه کرد ه اند که بیانگر نقش دین و عقاید در زندگی مردم است. برخی از این کشمکش ها خسارات جبران ناپذیری را به دنبال داشته است، اما اعمال و رفتار متعصبان اقلیت حاکم، نامشروع و خلاف موازین شرعی است.

اعلامیه جهانی حقوق بشر در آزادی عقاید

جامعه جهانی؛ اهمیت آزادی دینی و عقاید را در ضمن اعلامیه جهانی حقوق بشر و دیگر موارد منعکس کرده است.

در سال های اخیر شاهد هستیم که جامعه جهانی، آزادی دینی را بر دیگر امور مقدم داشته که صدور گزارش ویژه در مورد آزادی دین و عقاید از جمله آن هاست.(۱)

این کار جامعه بین الملل، دلیل مهمی است بر پایبندی جامعه جهانی بر آزادی دینی.

هدف از صدور این منشور بین المللی - که همه مردم جهان و دولت هایی

۱- سازمان جهانی حقوق بشر سازمان ملل متحد در سال ۱۹۸۶ م.

که آن را امضا کرد ه اند، ملزم به آن نموده است -، احترام به اختیار و آزادی افراد در انجام مراسم و شعائر دینی آن هاست.

علاوه بر اعلامیه جهانی حقوق بشر، سه منشور زیر برای احترام آزادی دینی و عقاید صادر گردیده است؛

۱- آزادی حقوق مدنی و سیاسی سال ۱۹۶۶.(۱)

۲- در امور حقوقی نیز باید بر اساس دین و عقاید افراد حکم شود ۱۹۸۱م.

۳- نامه اختتامیه ۱۹۸۹م.

منشور بین المللی «حقوق مـدنی و سیاسـی» سال ۱۹۶۶م که هرگـونه تبعیض در امور دین را ممنوع اعلام کرده است و بیـانگر جزء دوم از ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشـر است، حق دیگری را بر حقوق انسان اضافه می کند و آن این است که خانواده حق دارد فرزندان خود را بر اساس دین و عقاید خود تربیت نماید.(۲)) اما ماده ۲۰،جامعه جهانی را

۱- کلیه دولت های طرف قرارداد، موظف انـد به حقوقی که در این «تعهـد» آمـده احترام بگذارند و زمینه رسـیدن افراد به این حقوق را فراهم نمایند؛ به دور از تعصـبات قومی، جنسی، زبانی، دینی و سیاسی و غیرسیاسی یا اعتبارات اجتماعی مانند، مال و ثروت، نسبت خانوادگی و غیره. همچنین دولت های طرف قرارداد متعهد شدند: الف) راهکار های مناسبی برای جلوگیری از به هدر رفتن حقوق و آزادی های مندرج در این پیمان، حتی اگر اشـخاص بخواهند آن را تضـعیف نمایند، باید با آنان قانونی برخورد کنند. ب) با هر نهادی که بخواهد این حقوق را از مردم سلب نماید و در حق آنان ظلم روا دارد، باید از طریق دستگاه قضـایی به رفع ظلم اقـدام نمایـد. ج) قوای مسئول موظفنـد برای اجرای احکامی که برای مصـلحت افراد مورد ظلم واقع شـده، صادر شده است، تلاش کنند.

۲- ماده ۱۸ : ۱- هر انسـانی در انتخـاب و پیروی از دین آزاد است و از حـق آزادی فکر، انـدیشه و دین برخـوردار است و در اظهار دین و انجام مراسم عبادی و شعائر دینی خود آزاد است و می توانـد آن را به فرد یا گروه دیگر تعلیم و آموزش بدهـد. ۲- هیـچ کس حق نـدارد فردی را به پذیرش یا رد دین و عقایدی مجبور و تحریک نماید. ۳- هیچ کس حق ندارد دیگری را از اظهار دین و عقید ه اش بازدارد، مگر در چارچوب قانون و یا برای حفظ سلامت جامعه یا حقوق مردم یا برای حفظ آزادی های اساسی دیگران. ۴- دولت های طرف قرارداد موظف انـد، احترام آزادی پـدر یا مربیان را در تربیت فرزنـدانش آن مطابق دین، اخلاق و آداب و رسوم ویژه خود حفظ نمایند.

از تحریک یک گروه بر علیه گروه دیگر و بدلیل اختلاف در دین باز می دارد.

ماده ۲۷، مردم را به حمایت از اجتماعات دینی دعوت می کند.(۱)

اعلامیه سازمان ملل متحد در مورد «قضا» در همه ابعاد، منشورِ اساسی دیگری برای حمایت از حقوق دینی است که در تمام مواد آن به مواردی چون آزادی فکر و عقیده، عبادت، اجتماعات دینی، دفاع از اماکن برای رسیدن به این هدف، تأسیس مؤسسه های خیریه و انسان دوستانه در کنار آن، توجه به موارد ضروری متعلق به شعائر، فضای دینی یا اعتقادی، کتاب، نشر و توزیع منشورات در خصوص عقاید، آموزش مسائل دینی، درخواست کمک های مالی و غیرمالی از افراد و مؤسسات دیگر، التزام به شرکت در مجالس اعیاد و... بر اساس آنچه که در دین انسان آمده است، ارتباط افراد و مجموعه هایی که در مورد مسائل دینی و عقیدتی در سطح ملی و بین المللی کار می کنند، اشاره نموده است.(۲)

۱- ماده ۲۷: دولت هایی که اقلیت های دینی یا زبانی دارند، حق ندارند آنها را از استفاده از فرهنگشان یا اظهار دین یا اقامه شعائر دینی یا زبانشان باز دارند؛ آنان نیز مانند سایر شهروندان باید از حقوق شهروندی بهره مند گردند. این در حالی است که در کشور بحرین این اقلیت حاکم هستند که همه محدودیت ها و محرومیت ها را بر اکثریت تحمیل می نمایند.

۲- اعلامیه سازمان ملل متحد در مورد حقوق قضایی با همه ابعادش ماده ۱: هر انسانی در داشتن فکر، اندیشه و دین آزاد است و این حق شامل آزادی در انتخاب دین، ایمان، عقیده است. او آزاد است، تا به هر شکل که بخواهد، دین خود را اظهار نماید، اعم از: عبادت، اقامه شعائر، آموزش، چه فردی و چه اجتماعی، آشکار یا پنهان و... . ماده ۲: الف) هیچ مؤسسه، دولت، شخص یا اشخاصی حق ندارد، انسان را وادار به ترجیح یک دین و عقیده بر دین و عقیده دیگر کند. ب) اصطلاحاتی که در این اعلامیه به کار رفته است، هدف آن بیان حقوق بشر و آزادی های اساسی و بهره گیری از آن بر اساس مساوات و برابری است. ماده ۳: گسترش تبعیض بین انسان، ا هانت به کرامت انسانی و ردّ میثاق جهانی سازمان ملل متحد است و بر همگان است که تضییع حقوق بشر و آزادی دینی را که در اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است، محکوم کنند و به دنبال آن برای برقراری ارتباط دوستانه و مسالمت آمیز در جامعه بشری تلاش کنند. ماده ۴: الف) همه دولت ها موظفند برای ممنوعیت تبعیض بر اساس دین و معتقدات، در بیان حقوق بشر و آزادی های اساسی در همه ابعاد زندگی، حقوقی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و برای بهره گیری از این حقوق و آزادی ها تلاش کنند. ب) همه دولت ها موظفند تا آنجا که توان دارند، برای ریشهکنی تبعیض در دین و اعتقادات و دیگر بخش ها تلاش نمایند. ماده ۵ : الف) پدران، مادران و سرپرستان حقوقی کودک، حق دارند تا زندگی داخلی و خارجی خانواده را بر اساس دین و معتقداتشان تنظیم نمایند و کودک را بر اساس آنها تربیت کنند. ب) حمایت از کودک در برابر تعصبات و آشنایی و تربیت او بر اساس تفاهم و تسامح و حاکمیت صداقت در بین مردم ضروری است و احترام به آزادی دینی و عقیدتی دیگران نیز همانگونه است. ت) بهره گیری کودک از تعالیم دینی و عقیدتی که والدین می خواهند، اجتنابناپذیر است و هیچ کس حق ندارد او را به فراگیری از دین و اعتقاداتی که غیر پدر و مادر و سرپرست شرعی او می خواهند، مجبور نمایند؛ زیرا مصلحت کودک در انجام فصل نخست است. ماده ۶: آزادی که در ماده یک اعلامیه سازمان ملل متحد در مورد حقوق قضایی از آن سخن گفتیم، دارای شکل های زیر است: ۱-

آزادی در انجام مراسم عبادی یا برپایی اجتماعات دینی و ساخت اماکنی بدین منظور؛ ۲- آزادی تأسیس مؤسسات خیریه و بشردوستانه مناسب؛ ۳- آزادی ساخت و به کارگیری مقدار کافی از محیط زیست (آب و هوا) یا عادات دین و اعتقادی؛ ۴- آزادی آموزش دین و ساخت مکانی برای همین منظور؛ ۵- آزادی نگارش، چاپ و توزیع منشورات در حوزه مسائل دین؛ ۶- آزادی برقراری ارتباط، سهمگیری مالی و غیرمالی افراد و دیگر مؤسسات؛ ۷- آزادی تعیین و انتخاب رهبرانی برای حل مشکلات و مطالبات دینی و عقیدتی؛ ۸- آزادی استفاده از اوقات فراغت، اعیاد و برپایی شعائر دینی بر اساس دین و عقیده خود؛ ۹- آزادی برقراری ارتباط با افراد و گروه ها در امور دین در سطح ملی و بین المللی. ماده ۷ این قوانین برای اجرا در همه کشور ها وضع گردیده است و هر فرد و گروه به هر شکلی که می تواند باید از این حقوق و آزادی ها بهره برداری نماید. ماده ۸: هیچ کس حق ندارد این قوانین - که از سوی سازمان جهانی حقوق بشر اعلام شده است - را تأویل یا تنقیص یا مقید نماید.

در توافقنـامه چهـارم «ژنو» نیز بر حق آزادی عبادت و فراهم شـدن مقـدمات آن برای شـهروندان و احترام به اختلافات دینی به ویژه سـران و بزرگان ادیان تأکید شده است. شرکت کنندگان در این نشست بر تطبیق کامل و عملی آزادی فکر، اندیشه، دین و عقایـد موافقت نمودنـد. اما در بحرین کلیه این در توافقنامه چهارم «ژنو» نیز بر حق آزادی عبادت و فراهم شدن مقدمات آن برای شـهروندان و احترام به اختلافات دینی به ویژه سـران و بزرگان ادیان تأکید شده است. شرکت کنندگان در این نشست بر تطبیق کامـل و عملی آزادی فکر، انـدیشه، دین و عقایـد موافقت نمودنـد. امـا در بحرین کلیه این حقوق و آزادی ها نسـبت به شیعیان رعایت نگردیده و به صورت جدی نقض حقوق می گردد.

فشـار هـا و محـدودیت هـایی که شـیعیان بحرین در مورد آزادی دینی بـا آن روبه رو هسـتند، بسـیار متعـدد، گسترده و فراگیر هسـتند. به امیـد روزی که مراکز بین المللی و مجامع جهانی از تحت سـلطه اسـتکبار جهانی خارج شده و صدای مظلومیت این اکثریت ستمدیده را بشنوند.

اما در گزارش ویژه «آزادی دین و عقیده» کمیسیون اقتصادی و اجتماعی

ص: ۷۸

سازمان ملل متحد، قبل از صدور گزارش ها - که آخرین آن در ۲۰ دسامبر ۲۰۰۴ صادر گردید-، هیچ اشار ه ای به محدودیت های شیعیان در بحرین نشده است.

وضع آزادی های دینی در بحرین:

اشاره

۹۸ درصد از ساکنان این کشور را مسلمانان تشکیل می دهند که نزدیک به ۷۱۰ هزار نفر هستند.

مسیحیان، یهودیان و پیروان دیگر ادیان، تنها ۲ درصد از جمعیت این کشور را تشکیل می دهند.

از تعداد شیعیان ساکن در بحرین آمار رسمی وجود ندارد اما با مراجعه به کلیه قرائن و شواهد و آمار موثق، شیعیان؛ ۸۰ درصد از جمعیت واقعی دارای تابعیت حقیقی این کشور را تشکیل می دهند.

کلیسا و عبادتگاه های مسیحیان به صورت علنی فعالیت دارند و آنان بدون هیچ مشکل و محدودیتی مراسم مذهبی خود را برپا می کنند. مدارس مسیحیان نیز تا پایان دبیرستان وپیش دانشگاهی به وفور یافت می شود.

برای پیروان ادیان دیگرمانند: یهودیت، بودایی، هندو و مسیحیت اماکنی برای عبادت و تجمع آنان وجود دارد که هیچ کس حق ندارد به آنان متعرض شود یا در انجام مراسم عبادی آنان اخلال نماید، ولی شیعیان با حدود ۸۰ درصد جمعیت این کشور، از این آزادی های مشروع محروم بوده و همچنان در مظلومیت به سر می برند.

برای این که از وضعیت برگزاری مراسم عبادی شیعیان در بحرین آگاهی پیدا کنیم، دانستن مطالب ذیل ضروری به نظر می رسد:

ص: ۷۹

۱– ممنوعیت و فشار علیه اماکن عبادی شیعیان؛

[در بحرین] ساخت و ترمیم مساجد و حسینیه ها، تنها با اجازه رسمی از وزارتخانه های شئون اسلامی، شهرداری ها و شهرسازی و اداره اوقاف و امور خیریه ممکن است.

بررسی وضعیت مساجد در مناطق مختلف بحرین بیانگر تبعیض بر ضد شیعه است.

در شهر های جدید التأسیس عیسی (ساخته شده در اوائل دهه هفتاد)، حمد (دراواسط دهه هشتاد) و زاید (ساخته شده در پایان دهه نود) به اضافه مناطق مسکونی دیر و اطراف آن و شهر های دیگر، امتیاز و اجازه ساخت مسجد برای شیعیان بدین شرح است:

– مدینه عیسی، در مرکز بحرین، از تعداد ۲۲ باب مسجد تنها ۱۷ درصد یا ۴ باب مسجد.

– مدینه حمد، در غرب بحرین، همانند مدینه عیسی است.

– مدینه زاید؛ شهر کوچکی است در شرق مدینه عیسی، پس از تقسیم و تخصیص زمین هایی برای ساخت مسجد، هیچ سهمی برای ساخت مساجد شیعه در نظر گرفته نشده است.

در روستا های «عراد» و مناطق مجاور آن در جزیره المحرق از تعداد ۲۲ باب مسجد، تنها ۶ باب مسجد در اختیار شیعیان قرار دارد.

بدین ترتیب نتیجه می گیریم که از تعداد ۷۰ باب مسجد – که اجازه ساخت آنها صادر شده است – تنها ۱۴ باب مسجد به شیعیان واگذار گردیده است که حدود ۲۰ درصد از کل مساجد را در بر می گیرد، در حالی که جمعیت شیعیان حدود ۸۰ درصد است.

ص: ۸۰

در مورد حسینیه، در مدینه عیسی تنها یک حسینیه وجود دارد و آن هم در سال ۱۹۷۰م. ساخته شده است و ساکنان شیعه شهر های حمد و زاید اجازه ساخت حتی یک حسینیه را هم ندارند.

در شهر حمد؛ نزدیک ۲۰ سال است که تلاش می شود تا اجازه ساخت یک حسینیه را بگیرند، با وجود موافقت مسئولان بلندپایه بحرین، اما تا اکنون هیچ اقدام عملی از سوی حاکمان محلی بحرین در این خصوص، صورت نگرفته است.

در مورد مساجد در شهر حمد نیز باید گفت: درخواست های مکرر و طولانی، دو قطعه زمین برای ساخت دو مسجد برای شیعیان در دو منطقه در همین شهر اختصاص داده شده، اما قطعه زمین اول، این قطعه زمین از طرف ا هالی غیرشیعه تصرف و غصب گردیده است؛ تلاش فراوان شیعیان فاید ه ای نداشته و دولت نیز هیچگونه حمایتی از شیعیان نکرده است.

اما در قطعه دوم، شیعیان ساخت مسجد را آغاز کردند و نام این مسجد را «امام عسکری علیه السّلام» گذاردند.

در منطقه «سیف» (شمال قریه کرباباد)، مرحوم حاج حسن عالی، قطعه زمینی از املاک خود را برای ساخت مجموعه ای به نام «جامع البحرین الکبیر» و دفتر و مرکز فرهنگی اختصاص داده است.

اما وقتی بازماندگان وی قصد عملی کردن وصیت آن مرحوم، طراحی و نقشه کشی را داشتند، عملیات اجرائی آن متوقف شد. در منطقه «رفاع شرقی» از سال ۱۹۸۵م. شیعیان نتوانسته اند، اجازه ساخت حتی یک باب مسجد را از دولت بگیرند.(۱)

۱- گزارش اداره آزادی دینی سال ۲۰۰۴ م.

۲- سهل انگاری در اجازه ترمیم و بهسازی مساجد و اماکن عبادی شیعیان

اشاره

در این بخش به تعدادی از مساجدی که ترمیم و بازسازی آنها معطل مانده اشاره می کنیم که اینها علاوه بر آن مساجدی است که ویران شده و اموال آن به سرقت رفته است و از طرف مسئولین اجرائی هیچ اقدامی برای حفظ و حمایت از آنها صورت نگرفته است و این مسئله بار ها در روزنامه ها منعکس شده است.

مساجد در حال تخریب

مساجدی که درخواست های مکرر و طولانی برای ساخت و یا نگهداری آن صورت گرفته، به شرح ذیل است:

- مسجد «الشیخ مرشد»؛ این مسجد در نزدیکی روستای «مالکیه» قرار دارد و در خواست های متعدد مردمی برای بازسازی و تجدید بنای آن صورت گرفته است.

- مسجد «الخیف» و مسجد «الشیخ محمد» در سماهیج؛ درخواست های گوناگونی برای تکمیل بنای اول و تکمیل سرویس بهداشتی آن شده است.

- مسجد «الشیخ مدن» و «الشیخ میثم» در روستای جنوسان.

بیش از یک سال است که مسئولین در برابر درخواست ا هالی جهت ترمیم، امروز و فردا، می کنند.

- مسجد «ابی خفیر»؛ در سرزمین های قدیمی واقع شده که بیش از یک سال است که ساخت آن را تعطیل و ممنوع کرد ه اند.

- مسجد و مزار صعصعه بن صوحان، [نمازگزاران] و زائرین مرقد صعصعه بن صوحان با مشکلات و محدودیت هایی مواجه هستند.(۱)

ص: ۸۲

۱- روزنامه الایام ۲۴و ۲۳ مارس ۲۰۰۵م.

فعالیت های ضدآزادی دینی علیه شیعیان تنها به اهمال در ساخت، ترمیم و بهسازی مساجد خلاصه نمی شود، بلکه برخی از آنها را ویران هم کرد ه اند.

مساجد تخریب شده و یا در حال ویرانی

این مساجد یا توسط دولت تخریب شده و یا اجازه ساخت و مرمت و تعمیر به شیعیان داده نمی شود.

- مقبره و مسجد «المری» در روستای توبلی:(۱) به دست شیخ احمد الکوری، ساخته شده بود و قدمت آن به سیصد سال می رسد. این مسجد شاهد کار هایی برای محو آثار مسجد و مقبره بود.

- مسجد «جماله»: این مسجد قطعه سنگی را در محراب خود دارد و از قدیمی ترین مساجد بحرین، به شمار می رود و قدمت آن به ۱۲۵ سال می رسد.(۲) این مسجد به بهانه ساخت مجددویران شد.

- مسجد شیخ «شرف» در روستای عراد که در معرض تخریب، توسط افراد صاحب نفوذ قرار دارد.(۳)

- مسجد «ابراهیم بن مالک الاشتر»؛ وی از علمای بزرگ و معروف شیعه است که پس از دستگیری از دریا به قتل رسید. ا هالی محل قبری برای شیخ ساختند تا زیارتگاهی در کنار مسجد باشد. حاکمان، مردم را از زیارت قبر این معلم تاریخ ساز به مدت ۲۵ سال منع کردند و دلیل آن را حفظ امنیت اعلام نمودند. در حال حاضر این مکان به خرابه ای تبدیل شده است.(۴)

۱- همان.

۲- همان.

۳- روزنامه الایام، ۲۴ مارس ۲۰۰۵ م.

۴- همان.

– مسجد «الفواره»؛ این مسجد در بخش شرقی قرار دارد و از مساجدی است که به دلیل اهمال کاری به خرابه ای تبدیل شده است.

زمانی که در یکی از نشریات «جمعیه الوفاق» به تخریب این مسجد اشاره شد، در کوتاهترین فرصت به تخریب و انهدام مسجد پرداختند.(۱)

– مسجد «جبله بیجان» و مسجد دیگر به نام «کوکیبات» از منطقه توبلی؛ این مساجدشبانگا هان به دستور برخی از مقامات رسمی ویران شد. (۲)

مساجد شیعیان در معرض سرقت، تخریب و انهدام قرار دارند و هیچ نهادی به این مساجد توجه نمی کند.

مساجد تخریب شده و در حال سرقت

– مسجد و مزار صعصعه بن صوحان؛ وسایل این مسجد در معرض سرقت قرار دارد و ساختمان این مسجد نیز با خطر جدی تخریب مواجه است. زائرین و نمازگزاران نیز تنها در ساعت ۳۰/۴ عصر می توانند برای نماز و زیارت به این مکان بیایند.(۳)

آنچه بیان شد گوشه ای از اهمال کاری و مخالفت و معاندت متعصبان از اقلیت حاکم علیه اکثریت مطلق شیعیان می باشد که حتی نسبت به مسجد و اماکن مذهبی و عبادی نیز چنین برخورد می نمایند تا چه رسد به مسائل فرهنگی و اقتصادی و سیاسی شیعیان.

۱- همان.

۲- همان.

۳- گزارش اداره آزاد های دینی در خارج از آمریکا سال ۲۰۰۵م.

مظلومیت شیعیان

در شیوه های تربیت دینی

قوانین دینی و مـذهبی در کشور بحرین بر اساس مذاهب مالکی و شافعی است و در این قوانین هیچ اشار ه ای به مذهب شـیعه نشـده و حـتی نـام مـذهب شـیعه را هم جزء مـذاهب رسـمی کشور نیـاورده است. برای گسـترش و تطـبیق روش تربیتی این دو مـذهب (مـالکی و شـافعی)؛ کلیه مـدارس اسـلامی خصوصـی و دولتی بـا همین دو روش اداره می شود. در کلیه کتب درسـی مراکز علمی محلی نیز به همین صورت است و حتی در مناطقی که تمام ساکنان آن دارای مذهب شـیعه هسـتند این قانون قابل اجرا است و اطفال و جوانان باید بر طبق این دو شـیوه تحصـیل نمایند. هر چند این متون درسـی نه تنها با مذهب آنها همسویی نـدارد بلکه در مواردی متناقض مذهب آنها بوده و بین این مذاهب (شـیعه و مالکی و شافعی)؛ اختلافاتی نیز وجود دارد که در خانه و روستا شاهد آن هستند.

در این قوانین؛ صدور فتاوا و مسائل فقهی، تحت عنوان عبادات مانند: طهارت، وضو، نماز، مناسک حج، زکات و غیره و تحت عنوان معاملات مانند: تجارت، عقود، ازدواج و غیره، بر اساس دو مذهب (مالکی و شافعی) است.

بدین ترتیب در این قوانین، نه تنها هیچ اشار ه ای به وجود فقه دیگری - که مذهب اثناعشـری یا جعفری که بیشتر مردم بحرین به آن معتقد هستند - نشده است، بلکه عقد های شرعیه ای که شیعه با آن موافق است مانند: ازدواج موقت (متعه) آنها را حرام اعلام کرده است. قبلاً سـخن به بیان تعریف «ضـلال» از کتاب تربیت اسـلامی وزارت آموزش و پرورش و تطبیق آن بر شیعیان را آوردیم و گفتیم که هدف آنها از تطبیق «ضلال» بر شیعیان این است که آنها در بحرین و

خارج از آن بدین گونه شناخته شوند. دلیل این مسئله اعتراض عملی نسبت به حق شیعه در انجام و عمل به معتقداتشان و همین طور در آموزش اولاد خود بر طبق عقاید خود بوده است. در کتاب های درسی نه تنها از بیان حق شیعه سرباز زد ه اند، بلکه حق ایمان و دین اسلام را ادا نکرد ه اند و آن را به تکفیر شیعه و تحریک غیرمستقیم (مردم) علیه آنان محدود نمود ه اند.

در کتب درسی بحرین نوعی تجاهل در تاریخ اسلامی و پوشاندن رخداد های تاریخی که ارتباط به شیعیان دارد، به چشم می خورد، مانند: هجرت پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله به مدینه و خوابیدن پسر عموی آن حضرت(۱)، حضرت امام علی بن ابیطالب علیه السّلام در بستر او، نقش امام علی علیه السّلام در جنگ های پیامبرصلی الله علیه وآله(۲)، حجه الوداع و حادثه مهم و تاریخی غدیر خم، جایگاه فاطمه زهراعلیهاالسّلام و فرزندانش نزد رسول خداصلی الله علیه وآله، تراژدی غمبار شهادت امام حسین علیه السّلام، فرزند حضرت فاطمه زهراعلیهاالسّلام، با ۷۲ تن از اهل بیت و اصحابش در کربلا.

قابل ذکر است که باید شرایط شیعیان در بحرین، با شیعیان دیگر سرزمین ها در آزادی در برگزاری مراسم مذهبی مانند: ۱ - مراسم عزاداری سید الشهدا، حسین بن علی علیه السّلام، یکی باشد و دولت نیز دو روز نهم و دهم محرم الحرام را تعطیل اعلام نماید، با این وجود در متون درسی تربیت اسلامی یا تاریخی نه تنها از آنها یاد نمی شود بلکه گاهی اوقات به تکفیر شیعیان و تحریک دیگران بر ضد

۱- در کلاس های تربیت اسلامی سوم راهنمایی، این حوادث و رخداد ها به گونه ای تحریف شده است که مناقب و فضایل علی علیه السّلام کمرنگ جلوه داده شده و افضلیت از آن فهمیده نشود.

۲- ماده ۴ و ۶ از قانون گروه های سیاسی.

آنها و بر ضـد عقائـدشان می پردازنـد. برخی از نماینـدگان مجلس در سال ۲۰۰۲، قـانونی را مبنی بر کاهش برگزاری مراسـم عزاداری هیئت های مذهبی یا در قالب گردهمائی های سیاسی، به رأی گیری گذاشتند و بدین ترتیب قانون تجمعات و هیئات به تصویب رسید که به مقدار زیادی حق شیعیان و شعائر شیعی نادیده گرفته شده است.

رسانه های بحرین

رسانه ها در بحرین تحت کنترل دولت قرار دارند و در عین حال ماهواره های مشـهور عربی چون «ام بی سـی» این کشور را به پایگاه تلویزیونی خود تبدیل کرد ه اند. در بحرین علاوه بر شـبکه های رسـمی رادیو و تلویزیون دولتی چندین روزنامه و مجله فعـالیت می کننـد که از جمله آنها می توان به روزنامه های «اخبارالخلیـج»، «الایام» و «الوسط» اشاره کرد. «الوسط» مهم ترین و معتبرترین روزنامه بحرینی است که در بیش از ۵۰ صـفحه رنگی و گاه با کاغذ گلاسه چاپ می شود. این روزنامه به سبک و سیـاق روزنامه های فرامنطقه ای، اخبار جهان و کشور های خاورمیانه را منتشـر می سازد. دو روزنامه «بحرین تریبون» و «گلف دیلی نیوز»، به زبان انگلیسـی و در تیراژی محدود چاپ می شود. غالب صـفحات روزنامه های بحرین را آگهی های تجاری و اعلامیه هـا و نیز اطلاعیه های دولتی پر می کننـد. به دلیل حضور شـیعیان در بحرین و نزدیکی این کشور به ایران، بخش قابل توجهی از اخبـار و مطـالب این روزنـامه هـا، به ایران و مسائـل آن اختصاص دارد. رویکرد کلی روزنامه های بحرین به نسـبت معتدل است.

ص: ۸۷

رسانه ها و مظلومیت تشیع

الف: روزنامه ها

در هیچ یک از روزنامه های موجود در بحرین، صفحاتی برای فرهنگ دینی وجود ندارد مگر در روزنامه «الایام» - تنها روزنامه رسمی کشور - که این روزنامه هر هفته ۲ صفحه را برای بیان مسائل مختلف اسلامی اختصاص داده است. مشارکت شیعیان در این روزنامه تنها در بعضی از مقالات و مطالب خلاصه می شود. در این صفحه تنها به بیان معتقدات پیروان یک مذهب اکتفا شده است که آن هم غیر از مذهب شیعه است.(۱)

بیان فتاوای شرعی، نشست با متفکرین، حقوقدانان، علما، تاریخ نویسان، شاعران و راویان، اختصاص به غیرشیعه دارد و در هیچ یک از این بخش ها نامی از شیعه برده نمی شود. این برنامه ها تنها بر طبق دیگر مذاهب اسلامی به غیر از مذهب شیعه، برگزار می گردد.

ب: رادیو

اشاره

در این رسانه برنامه های متنوع و زیادی در مورد دین و ارتباط دینی وجود دارد، اما در این رسانه از شیعیان خبری نیست. در این رسانه برنامه های مستندی پخش می شود، به گونه ای که گویا هرگز در بحرین شیعه ای وجود نداشته است. برخی از این برنامه های رادیویی عبارتند از:

۱- روزنامه الایام، ۱۵ آوریل ۲۰۰۵ م، صفحه اسلامیات.

۱– خاطراتی از تاریخ اسلام

۱- خاطراتی از تاریخ اسلام(۱)

یکی از برنـامه هـای رادیویی است که هر روز پخش می شود و در آن رخـداد هـای تاریـخ اسـلام بیان می شود. از شخصـیت هایی سخن گفته می شود که با شیعه مبارزه کرده و دشمن شیعه بود ه اند. تاریخ حقیقی و واقعی شیعه را می پوشانند و هدف آنها از بیان تاریخ اسلام بدین شکل؛ رسیدن به اهداف خود، ناشناخته ماندن شیعه و فرهنگ شیعی است.(۲)

۲– قرآن کریم؛ رادیو قرآن

در این برنامه از تمامی اصـحاب پیامبر اکرم صـلی الله علیه وآله احادیثی نقل می شود، اما از اهل بیت علیه السّـلام حدیثی نقل نمی شود.(۳)

۳– گزارش نماز جمعه

این برنـامه اختصـاص به مساجـد غیرشـیعه دارد و تمام برنامه های آن به طور مسـتقیم و زنـده پخش می شود و در طول تاریخ بحرین، از هیچ یک از مساجد شیعیان گزارشی پخش نشده است.

ج: تلویزیون

۱– برنامه های دینی:

از برنامه های دینی که شیعیان در آن راه ندارند؛ «فسئلوا اهل الذکر» است.(۴)

ص: ۸۹

۱- رادیو بحرین، موج اف ام ۱۰۲۰۳ مگاهرتز.

۲- همان، ۱۰۶۰۱ مگاهرتز.

۳- در این برنامه حتی از حجاج بن یوسف ثقفی؛ آن سفاک خون آشام، به عنوان «قوی الامین» یاد می شود که هزاران نفر از پیروان مکتب اهل بیت علیه السّلام و علویان را قتل عام نمود.

۴- برخی از این برنامه ها در شبکه ماهوار های بین المللی (۳۸ و ۴۸) پخش و تکرار شده است.

در این برنامه که هر هفته و به صورت زنده و مستقیم پخش می شود؛ از یکی از علمای فاضل اهل تسنن که بر مسائل اسلامی تسلط دارد، دعوت می کنند تا به سؤالات دینی، فقهی و... مردم پاسخ دهند. اما از زمانی که این برنامه پخش می شود، حتی از یکی از علمای شیعه برای پاسخگویی به سؤالات شرعی ساکنان شیعی دعوت نشده است.

۲– نماز جمعه و جماعت:

تمامی فعالیت های نماز جمعه مانند: اذان و اقامه به طور زنده و مستقیم از تلویزیون پخش می شود، اما در مورد شیعیان چنین نیست و حتی از مراکز مهم و اصلی شیعیان گزارشی هم پخش نمی کنند. آیا رادیو دولتی بحرین، ملی و متعلق به همه نیست؟ پس چرا از اکثریت شیعیان نه تنها برنامه ای پخش نمی شود، بلکه علیه آنان برنامه سازی می گردد؟

۳– احیای شب قدر و معراج:

احیای شب های قدر و معراج بر اساس تقویم اهل تسنن صورت می گیرد و در این مورد هیچ سخنی از تاریخ شیعه و نحوه احیای شب های قدر و معراج توسط شیعیان گفته نمی شود.

۴– افطار و روزه ماه رمضان:

آغاز و پایان ماه مبارك رمضان، بر اساس فتوای علمای اهل تسنن است و هیچ اعتباری برای فتوای علمای شیعه قائل نیستند، به گونه ای که گویا همه مردم بحرین غیرشیعیانند!

ممنوعیت کتب اسلامی ویژهٔ شیعیان

اشاره

ادارهٔ مطبوعات وزارت تبلیغات، با همکاری وزارت شئون اسلامی، ملزم به مصادره و

ص: ۹۰

جلوگیری از ورود کتب سیاسی که با حاکمیت کشور مغایرت دارد می باشند، و کتاب هایی که بیانگر عقائد شیعه هستند از جمله همین کتب قلمداد شد ه اند.(۱)

الف): نمایشگاه های کتاب:

بر اساس آنچه که از گزارش روزنامه ها به دست می آید، ادارهٔ مطبوعات، بیش از ۲۰۰ نسخه از کتب شیعیان در یازدهمین نمایشگاه بین المللی کتاب بحرین (۱۸ تا ۲۷ آوریل ۲۰۰۴) را جمع آوری کرده است.

علاوه بر آنها کتاب های زیادی در مورد دعا، شعر ملی و... را نیز جمع آوری نموده است.

ب): چاپ داخلی:

وزارت شئون اسلامی با کمک ادارهٔ مطبوعات وزارت تبلیغات، از تولید و پخش حتی دفترچه های صندوق صدقات و خیرات شیعیان در فصول مختلف سال جلوگیری نموده و شیعیان را تحت فشار قرار می دهند.

بر اساس بخشنامهٔ ادارهٔ مطبوعات وزارت تبلیغات به مسئولین چاپخانه ها، کتاب یا روزنامه ای مجاز به چاپ است که مهر تأیید و یا موافقت این اداره را داشته باشد، در غیر این صورت چاپ آن ممنوع است.

ج) چاپ در خارج:

اگر نویسندگان و مؤلفین شیعه، آثار خود را در خارج از بحرین هم به چاپ برسانند، دولت اجازهٔ ورود این کتاب ها و آثار را به بحرین نمی دهند.(۲)

۱- مصادره کتب دینی شیعیان در نمایشگاه ۱ تا ۱۱ نوامبر ۲۰۰۳ م. و یازدهمین نمایشگاه بین المللی بحرین از ۱۸ تا ۲۷ مارس ۲۰۰۴ م.

۲- یکی از نمونه های آن، کتاب «المهدی المنتظر» است که در بیروت چاپ شده اما ورود آن به کشور بحرین ممنوع است.

محدودیت مراکز آموزشی

اشاره

مراکز آموزشی - فرهنگی شیعیان در بحرین، از طرف دولت غیرقانونی اعلام شده که به برخی از این مراکز اشاره می کنیم:

۱ – جمعیه التوعیه الاسلامیه؛ جمعیت بیداری اسلامی:

نخستین و مشهورترین جمعیت و گروه در بحرین است که در سال ۱۹۷۲، با اهداف سیاسی تشکیل گردیده و دارائی های آن مصادره شد.

در سال ۲۰۰۱ م.، بازگشایی شد اما قادر نیست فعالیت هایش را از سر بگیرد و مرکز اصلی خود را از خطر آتش سوزی، غارتگری و ویرانی حفظ نماید.

۲ – المراسم الحسینی:

پس از گذشت چهار سال تلاش مستمر، اجازهٔ تأسیس المراسم الحسینی، منسوب به امام حسین علیه السّلام صادر گردید.

این گروه؛ با الهام از مکتب و نهضت امام حسین علیه السّلام و تطبیق آن بر مسائل مختلف کشوری و جهانی با استفاده از ابزار هنری مختلف تشکیل گردید.

وقتی که مسئولین مربوطه، اجازهٔ تأسیس این گروه را صادر کردند، به مؤسّسین این گروه گفتند که حق آشکار کردن فعالیت های خود مربوط به امام حسین علیه السّلام را ندارید.(۱)

۱- روزنامه الوسط، ۳۰ مه ۲۰۰۵ م.

۳ – مرکز دینی (الجعفری):

اشاره

پس از درخواست های مکرر در ژوئن سال ۲۰۰۵ م. نخستین مرکز دینی جعفری - پس از کار در مقر موقت آن در فوریه ۲۰۰۳ م. - افتتاح گردید.(۱)

وزارت آموزش و پرورش از طریق ادارۀ متبوعش، محدودیت های فراوانی را به این مؤسسه ابلاغ کرد.

خواسته های شیعیان نسبت به آزادی رسانه ها

زمانی معنای برابری میان شهروندان شیعه و سنی به صورت کامل برقرار می شود که همۀ نیرو ها را برای از بین بردن نفاق و تفرقه مذهبی به کار ببندیم تا حقوق بشر حفظ شود.

این مهم به دست نمی آید مگر اینکه فشار ها و... بر ضد شیعیان بحرین - که شهروندان آن هستند - از بین برود.

هدف از بیان این خواسته ها کاهش حقوق دیگر شهروندان نیست.

دولت، نخستین متّهم در ایجاد تفرقه در بین جامعه است که با بهانه های گوناگون سیاسی و... به این کار دست می زند.

قابل ذکر است که از خطرناکترین تبعیض ها که بافت اجتماعی و وحدت ملی را از بین می برد، تبعیض در مسائل اساسی دین است.

آنچه در بحرین دنبال می شود، بغض بر علیه شیعه و افزایش فشار مذهبی است که زمینه ساز یک انفجار بزرگ می باشند که هر آن ممکن است بحرانی عظیم را به وجود آورد.

۱- روزنامه الایام، ۱۱ ژوئن ۲۰۰۵ م.

رسیدن به وضعیت اید ه آل شیعیان در بحرین ممکن نیست مگر با راهکار های قانونی و عملی که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱ - ممنوعیت انواع تبعیض بنابر آنچه که در منشور سازمان ملل متحد در مورد قضا آمده است؛ با همهٔ اشکال منع تبعیض و تعصّبات بر اساس دین و معتقدات.

۲ - اعادهٔ کلیه حقوق شیعیان همانند دیگر شهروندان بحرینی:

اختیار و آزادی دادن به خانواده ها در انجام تعلیم و تربیت، به گونه ای که والدین بتوانند بر طبق عقاید خود، فرزندانشان را تربیت کنند و زندگی خانوادگی و نظام تربیتی خود را بر اساس آن تنظیم نمایند؛ با التزام دولت به دادن این حق در امور مالی و... همانگونه که دیگر شهروندان از این حق برخوردارند.

۳ - حمایت از حقوق کودکان شیعه، از جمله آموزش مسائل دینی و عقاید و آنچه که والدین و بزرگان دین آنها دوست دارند و برآن معتقد هستند.

۴ - از دیگر حقوق شیعیان، برگزاری مراسم عبادی بر طبق مذهب آنان است که ساخت مساجد، تکایا مراکز فرهنگی در مناطق شیعه نشین از مهمترین حقوق آنان است.

۵- استفاده از ابزار و وسایل تبلیغاتی و رسانه ای (مستقیم و غیرمستقیم) برای انجام و گسترش این فعالیت ها و مراسم عبادی.

۶ - از دیگر حقوق شیعیان – همان گونه که دیگر شهروندان از آن برخوردارند - آگاه کردن و آشنایی مردم با مذهب آنان با استفاده از کلیه ابزار و وسایل ارتباط جمعی مانند: رادیو، تلویزیون، روزنامه ها و... است و بجاست که در تلویزیون برنامه ای ویژه برای این منظور ترتیب داده شود.

۷- اجازهٔ چاپ کتب، مجلّات و هفته نامه ها و ماهنامه های دینی و فرهنگی ویژه در مورد شیعه و تشیع.

ص: ۹۴

فصل سوم

اشاره

- حوزه های علمیه و لزوم استقلال آنها
- رجال و علمای شیعه

ص: ۹۵

حوزه های علمیه بحرین و ضرورت ارتقای فرهنگی شیعیان

کشور بحرین از قدیم الایام کانون گرم حوزه های علمیه شیعی بوده است. به دلیل رونق و سطح بالای علم و تحصیل در حوزه های علمیه بحرین، بخش زیاد و تعداد انبوهی از عالمان و کارشناسان علوم دینی تشیع از بحرین برخاسته اند. داشتن پسوند شهرت «بحرانی» برای تعداد کثیری از عالمان بزرگ، حکایت از فزونی عالمان شیعه در بحرین دارد. اکنون نیز با وجود مخالفت ها، تبعیض ها و کارشکنی های متعدد اقلیت حاکم، حدود ۹ حوزه علمیه در بحرین فعال و به تربیت طلاب علوم دینی مشغول هستند. اگرچه برخی از بزرگان و عالمان بحرین با زندانی شدن و تبعید، به ناچار مجبور به خروج از کشور شد ه اند، اما هنوز هم از نظر تحصیل و تدریس، حوزه های علمی بحرین از رونق خوبی برخوردار است.

توجه و اهتمام به روند توسعه حوزه های علمیه بحرین، از ضروریات است. اگر توجه کافی به مشکلات این حوزه ها نگردد، آنان ناچار به مهاجرت به کشور های همجوار خواهند بود.

اکنون که وضعیت سیاسی بحرین به مرحله بیداری عمومی و آگاهی گسترده و فراگیر رسیده است، لازم است جهت تربیت اساتید اموردینی و رهبری دینی مؤثر و شایسته برای جامعه بحرین، به طور پیوسته و مداوم تلاش کرد. با توجه به تغییرات به وجود آمده، شیعیان باید برای کادرسازی و تربیت شخصیت های

برجسته جهت رهبری آینده جامعه شیعی و تصمیم گیری در امور کلان و سیاسی کشور اقدام نمایند.

بـا این که اوضاع مادی و اجتماعی تحصـیل کرده های حوزه های علمیه بحرین بسـیار پایین است، اما در بین آنان انگیزه کافی برای ادامه مسیر تا رسیدن شیعیان به حقوق واقعی خویش وجود دارد. بنابراین با تربیت نیرو های مورد نیاز و آگاهی بخشی به اقشار مختلف جامعه، آینده روشن و امیدوارکنند ه ای پیش روی آنان خواهد بود.

این امر مهم، تأسـیس یک دانشکده علوم شرعی و اسلامی برای شیعیان را می طلبد تا بتواند شخصیت های برجسته و رهبران و افراد لایق دینی و علمی را آموزش داده و تحویل جامعه دهد.

لزوم استقلال حوزه های علمیه بحرین

در سال ۱۹۹۴م. در نتیجه ظلم وحشـیانه حکومت بحرین بر همه شـهروندان به ویژه شـیعیان، قیـام مردمی آغاز شـد و دولت را واداشت که برای کنترل هرچه بیشتر ملت، طرح هـایی را اجرا کنـد که از بین بردن اسـتقلال مـالی و اقتصادی حوزه های دینی یکی از آن طرح ها بود. برای این منظور، طرح تأسـیس مجلس اعلای شـئون اسـلامی از سوی دولت ارائه شـد تا بـدین وسـیله خیزش مردمی شیعیان را کنترل کند.

در سال ۱۹۹۶م. طبق پیش نویس طرح مجلس اعلای اداره امور دینی، پادشـاه فرمان تشـکیل مجلس اعلای شـئون اسـلامی را صادر کرد.

علما و طلاب علوم دینی که دریافته بودند هدف از این طرح، تنها از بین بردن استقلال و کنترل حوزه های دینی است، به طور گسترده با آن مخالفت

کردند و بیانیه ها و فتوا های بیشماری در تحریم هرگونه همکاری با این طرح را صادر کردند. هدف از تشکیل چنین مجلسی، نظارت بر امور مـذهبی شـیعه، مساجد، حسـینیه ها، مجالس عزاداری و امور حج و غیره و نیز نظارت بر شخصـیت های فعال در این عرصه ها بود.

حوزه های علوم دینی در چنـدین قرن، از حکومت مسـتقل بود ه انـد و به همین دلیل از هرگونه جانبـداری و وابسـتگی مصون مانـد ه انـد. حوزه های دینی به خوبی این مسـئله را درک کرد ه اند که اسـتقلال در امور مذهبی و صدور فتوا، نتیجه اسـتقلال مالی حوزه و عـدم وابسـتگی آن به دولت است؛ زیرا حوز ه ای که حقوق خود را از حاکم دریافت کنـد، متن خطبه های نماز جمعه را نیز از سـرویس های اطلاعاتی آن دریافت می کند. آنان می دانند که از دنیای حکام هیچ بهر ه ای به عالم دینی نمی رسد، مگر اینکه به همان اندازه دینش را از دست بدهد.

لازمه آزادی دینی این است که مردم، مراسم عبـادی همچـون: حـج، روزه و اعیـاد خـود را بر اسـاس مبـانی شـرع و به دور از سیاست های نظام حاکم تنظیم کنند، به خصوص اگر حکومت بر مبنای امامت و ولایت و در دست ولی فقیه نباشد.

قیـامی که در سال ۱۹۹۴ بحرین را فرا گرفت، علیرغم تلاش هـای ظالمـانه و سـرکوب گرانه، ۵ سـال به طول انجامیـد. دولت گمان می کرد که با اسـتفاده از نیرو های بیگانه در دسـتگاه امنیت و با زور اسلحه و محاکمه و کشتار و نیز با کمک نظام های ارتجاعی منطقه می توانـد در صف نیرو های مردمی بحرین پراکندگی ایجاد کند و به روند مطالبات مردمی پایان دهد. در آن زمان چندین بار کشور های عربی با هدف بررسی اوضاع نابسامان بحرین، تشکیل جلسه دادند، اما

در همه این نشست ها، شرکت کنندگان به جای اینکه راه حلی برای پایان دادن به کشتار ملت بحرین ارائه دهند و نظام ظالم را برای توقف این کشتار ها نصیحت و راهنمایی کنند، حمایت قاطع خود را از نظام استبدادی بحرین اعلام کردند و حتی برخی از کشور های عربی، برای سرکوبی و کشتار ملت بی دفاع بحرین، به نظام ظلم و استبداد کمک کردند.

حکومت بحرین – که همیشه برای مقابله با شیعیان انقلابی به برخی کشور های عربی متوسل می شد و از آنان کمک می گرفت – اکنون می کوشد تا با تأسیس مجلس اعلای شئون اسلامی، استقلال مالی و اقتصادی حوزه های دینی شیعیان را از بین ببرد، اما شیعه بر این عقیده است که حوزه های دینی باید ازنظر مالی از دولت مستقل باشد تا بتواند در اندیشه، مسائل دینی و فتوا ها نیز استقلال داشته باشد. به همین خاطر جامعه بحرین و مخصوصاً علمای شیعه، به شدت با این طرح مخالفت کردند.

افرادی که در مقابل تأسیس مجلس مذکور سکوت کرد ه اند، کسانی هستند که دین آنها دین دولت است و منافع آنها با منافع دولت گره خورده است. بنابراین واضح است که تأسیس این مجلس طرح و برنامه دستگاه امنیتی نظام است.

پیش نویس وزیر دادگستری درباره طرح مجلس اعلای شئون اسلامی

وزیر دادگستری به این فکر افتاد که مجلسی از میان ملت تشکیل دهد که توسط آن بهتر بتواند مردم را کنترل نماید. بنابراین او پیش نویس مجلس اعلای شئون اسلامی را تهیه کرد. در ابتدا او کنترل اموری مانند: مساجد، تبلیغ دین، مبلغین و تبلیغ اصول اسلام را که به اداره امور دینی مربوط می شود، برشمرده است.

در پایان این پیش نویس نیز آمده است که وزیر دادگستری از مجلس اعلای شئون اسلامی می خواهد با ترسیم برنامه های کلی تبلیغات دینی و نیز مقابله با افکار و عقایدی که در دین رسوخ کرده است، وی را یاری دهد، که البته هدف اصلی آنان مقابله با افکار و عقاید شیعیان است.

بعد از این پیش نویس، فرمان پادشاه در مورد تأسیس مجلس اعلای شئون اسلامی صادر شد. در ذیل ماده سوم فرمان پادشاه آمده است؛ مجلس اعلای شئون اسلامی باید با بررسی سوابق و توانمندی های ائمه جمعه و جماعات، وعاظ، مبلّغین دینی و مذهبی - که از سوی اداره اوقاف پیشنهاد می شود - نسبت به تأیید یا

رد آنان اقدام نمایند.(۱)

معلوم است وقتی همه اینها توسط اقلیت حاکم پیشنهاد و توسط این مجلس باید تأیید شوند، چه خواهد شد.

دولت بحرین با اجرای این طرح قصد دارد در دنیای اسلام ابتکاری نامشروع خلق کند و یک مذهب اکثریت را تحت نظارت مذهبی دیگر - که در اقلیت هستند - درآورد. شاید به همین علت بود که شیخ عیسی قاسم خطاب به وزیر دادگستری گفته بود که صدام ملعون با تمام کارشکنی هایش در حق اسلام و کشتار علما و تعقیب آنان و دیگر جنایت های دلخراشی که مرتکب شد، اما قانونی وضع نکرد که ائمه جمعه و جماعات را به خود وابسته کند و حوزه و تمام زیر مجموعه های آن را تحت سیطره خود درآورد.

حوزه های علمیه شیعه و اهل تسنن باید بیدار باشند و از بروز اختلاف میان

۱- حکم شماره، ۱۹ در خصوص تأسیس مجلس اعلای شئون اسلامی، سال ۱۹۹۶ م.

گروه ها و جریان های سنی مذهب و نیز وقوع جنگ و خونریزی میان شیعه و سنی در بحرین جلوگیری به عمل آوردند زیرا جامعه بحرین در مقابل این گونه فتنه انگیزی ها کاملًا آسیب پذیر است.

هدف از تأسیس مجلس اعلای شئون اسلامی

هدف اصلی از تأسیس مجلس اعلای شئون اسلامی، برچیدن بساط استقلال دینی و مذهبی و نیز سیطره کامل و دائمی بر حوزه وزیرمجموعه های آن از قبیل مساجد، تکایا، هیئت های عزاداری، مدارس دینی و هرآنچه که با دین ارتباط دارد و یا در فعالیت های دینی سهیم است و نیز از بین بردن استقلال مالی حوزه و نظارت بر علمای شیعه است؛ زیرا اکثر حرکت های سیاسی و اجتماعی توسط علمای شیعه سازماندهی و رهبری می شود. از مهمترین اهداف مجلس مذکور، تسلط مذهب تسنن بر مذهب تشیع و در درازمدت حذف تشیع از جامعه بحرین، جایگزین نمودن مرجع ظالم حاکم به جای مراجع دینی و فقها و ولایت فقیه در بحرین، خارج ساختن امور دین و جامعه از اختیار علما که با گرایش به دولت شخصیت و قداست خود را از دست خواهند داد و نیز تسلط کامل بر اموال و امور مسلمین در بحرین و نظارت بر حوزه های دینی و علمای دینی است تا در نهایت، آزادی مذهبی را از میان بردارد.

تبعیض مذهبی، از دیدگاه اقلیت حاکم، قانون نوشته نشد ه ای است که باید با قاطعیت اجرا شود و از مجریان خطرساز و خطرناک این قانون در حقیقت همین مجلس اعلای شئون اسلامی بحرین است.

این مجلس بسیار خطرناک است؛ زیرا اهدافی را دنبال می کند که به اجتهاد ها و صدور آرای گوناگون پایان می دهد. معنایش این است که اگر کسی هرچند

فقیه و مجتهد باشد اما از طرف حاکم به عنوان عضو مجلس اعلای شئون اسلامی – که همگی غیرمجتهد هستند – انتخاب نشده باشد، نباید در مورد مسائل اظهار نظر کند.

از هدف های دیگر این مجلس این است که ازورود آن دسته از علمایی که دولت بر کار آنها نظارت ندارد و یا از نظر دولت عناصر نامطلوبی هستند – مخصوصاً علمای شیعه – به کشور بحرین جلوگیری کند. به عنوان مثال؛ این مجلس از ورود و خروج متفکر اسلامی، جناب شیخ حبیب کاظمی سرپرست پایگاه الکترونیکی السراج، به کشور جلوگیری به عمل آورد. وی از طرف جمعیت ارشاد اسلامی برای شرکت در کنگره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دعوت شده بود که ظاهرا به علت اینکه وی در خصوص ورود به کشور بحرین با وزارت شئون اسلامی هماهنگی به عمل نیاورده است، در روز دوشنبه ۱۳/۱۰/۲۰۰۳ در فرودگاه منتظر ماند و میزبانان او هم در سالن انتظار ماندند. این در حالی است که او ساکن خلیج است و قانوناً نیازی نیست که او برای ورود به بحرین ویزای خاص داشته باشد. شیخ حبیب کاظمی یک اندیشمند اسلامی است و کسانی که او را نمی شناسند کافی است که به پایگاه اینترنتی السراج – که یکی از بهترین پایگاه های اسلامی است – مراجعه نموده و یا اینکه برنامه های او را از شبکه ماهوار ه ای سحر مشاهده کنند. او به خاطر اینکه از قبل با مجلس اعلای شئون اسلامی هماهنگی به عمل نیاورده بود، در فرودگاه معطل ماند تا هماهنگی لازم با مجلس مذکور به عمل آید.

تلاش حکومت بحرین در جهت هتک ارزش های دینی و جلوگیری از برپایی مراسم مذهبی و دسته های عزاداری است، به عنوان نمونه؛ دولت از برگزاری مراسم

عزاداری در شب جمعه، ۲۱ رمضان سال ۱۴۲۲ مصادف با ۷/۲/۲۰۰۱ – سالروزشهادت مولای متقیان، امام علی علیه السّلام –، به بهانه اینکه از نظر مجلس اعلای شئون اسلامی روز جمعه ۲۲ رمضان است و سالروز شهادت امام علی علیه السّلام روز پنجشنبه بود، جلوگیری به عمل آورد.

مجلس بیانیه ای صادر کرد که شب پنجشنبه ۲۱ رمضان است و همه هیئت های عزاداری در بحرین به خصوص در منامه پایتخت، به این مسئله پایبند باشند. و زمانی که این مسئله به نخست وزیر رسید، او نیز از موضع استاندار منامه حمایت کرد و از هیئت های عزاداری خواست که مراسم عزاداری خود را به بعد از ۲۱ رمضان موکول کنند؛ هرچند که ارتباط با امام علی علیه السّلام مربوط به زمان خاصی نیست. تمامی این اقدامات خطرناک – که در تاریخ بحرین سابقه نداشت – اکنون به برکت این مجلس نامبارک، اجرا شده و جنبه قانونی پیدا کرده است.

از مطالعه پیش نویس مجلس اعلای شئون اسلامی و دستور تأسیس این مجلس به خوبی درمی یابیم که دولت سعی دارد تا از طریق این مجلس، بر تمام اموری که به دین مربوط می شود، نظارت و کنترل داشته باشد. تمام مؤسسات دینی و نیز فعالیت های آن یعنی از مراسم عزاداری گرفته تا مسجد و حسینیه ها و هیئت های عزاداری همه و همه باید در کنترل و نظارت این مجلس باشد. اعضای این مجلس را دولت تعیین می کند و کار تعیین و نظارت بر ائمه جمعه و جماعات و مبلغین دینی از وظایف این مجلس است. بنابراین دولت در عزل و نصب افراد برای فعالیت های دینی بر اساس معیار های خود عمل می کند. و همه می دانند که معیار های دولت با معیار های اخلاقی فاصله زیادی دارد. موضع گیری علمای دینی، اولین معیار انتخاب آنان به عضویت مجلس اعلای شئون اسلامی و

یا در هیئت ها، مساجد، حوزه های علمیه و دیگر مؤسسات اسلامی است. واضح است که اگر معیار برای انتخاب علمای دینی بر اساس رابطه آنها با دولت و موضعگیری های سیاسی صورت گیرد، آنگاه دین و مؤسسات دینی و فعالیت های آنان در کنترل و نظارت اقلیت حاکم خواهند بود و این بزرگترین مصیبت و خرابی در دین است. از لازمه های این مجلس نامبارک، پیروی علما و دانشمندان از دولت و از بین رفتن استقلال و پاکی آنان است که در این صورت علمای دینی با فکر، فرهنگ و موضع گیری ها و فتاوای خود ناچارند در خدمت هر حکومت ظالم قرار گیرند. بدین ترتیب نسل جدید از علمای دینی به وجود خواهد آمد که در فرهنگ، رفتار و آرا و نظریات خود تابع دولت هستند و این یعنی تلاش برای پایمال کردن دین و متدینین و حذف طبقه دین مداران از جامعه.

آثار و نوشته های خطی و کتاب های خطی شیعه در معرض نابودی قرار دارد و هیچ اعتنایی به آنها نمی شود. مساجد کهن در آستانه ویرانی قرار دارد و تعداد زیادی از علما از کشور مهاجرت کرد ه اند و یا سال های زیادی است که در زندان ها به سر می برند. همه اینها از نشانه های اهداف این مجلس و دشمنی اقلیت حاکم با حوزه های دینی شیعی است.

دستگاه قضایی و ارتباط آن با حکومت، خود گویای سرنوشتی است که حوزه های دینی درصورت ارتباط با حکومت و مجلس به آن منتهی می گردد و قضات براساس روابط و واسطه ها و معیار های غیرقانونی تعیین می شوند و کسانی بکار گرفته می شوند که از نظام تبعیت کنند؛ هرچند برای قضاوت شایستگی نداشته باشند و در مقابل، افراد شایسته و توانمند که رابطه خوبی با نظام ندارند، در این دستگاه هم جایی ندارند.

حوزه هـای علوم دینی بـدون دخالت این مجلس از پاکی و انضـباط بیشتری برخوردارنـد، همانطور که از صـد ها سال قبل هم امور دینی در اختیار علمای دینی بود. و اگر دولت از دخالت در امور دینی مردم دست بردارد، جامعه می تواند اینگونه امور و فعـالیت هـای دینی را به بهترین شـکل اداره نمایـد و همانطور که از صـد ها سال پیش جریان داشـته، علمای دینی قادر هسـتند هزینه ها را از طریق وجو هات شرعی، بدون لطف و منت دولت تأمین کنند.

در مورد گسترش دین و بالا بردن سـطح دین مـداری در جامعه بایـد بگوییم که اگر به حوزه های علمیه و علمای دینی آزادی عمل داده شود، آنان به راحتی می تواننـد با تأسـیس مـدارس و مؤسـسات دینی و برپایی همایش ها و کنفرانس ها و فرسـتادن علما به دانشـگاه ها و نیز با اسـتفاده از برنامه های رادیویی و تلویزیونی و به کارگیری علوم کامپیوتری در تولیـد نرم افزار های اسلامی در این راه خدمات شایانی به جامعه دینی تقدیم کنند.

در اولین نگـاه به دسـتور پادشـاه و تأمـل در فرآینـد صـدور این فرمان می بینیم که درتأسـیس این مجلس، اراده ملت و طبقات جامعه هیچ دخالتی نداشته است. پس این مجلس مشروعیت قانونی هم ندارد.

علما نیز در طول تاریخ با حفظ استقلال از دولت های نامشروع و چنین مجالسی، خود را از تسلط آنها دور نگه داشته اند؛ زیرا از ویژگی های عالم دینی، فاصله گرفتن از قدرت و حفظ استقلال، ترس از خدای تعالی و تقوای واقعی است. یک عالم دینی باید با بینش دینی و اجتماعی و سیاسی، اوضاع منطقه، دولت و جامعه خویش را به خوبی درک کند.

در کشوری که اکثریت شهروندان آن شیعیان هستند، طبق خواسته اقلیت

حاکم در برنامه ریزی آموزشی مدارس، فقط مذهب اهل تسنن در نظر گرفته شده است. از سوی دیگر در استخدام های دولتی نیز از شهروندان اهل تسنن گزینش می شود و به افراد سنی مذهب از کشور های دیگر، تابعیت بحرینی اعطا می شود و بعد هم این بیگانگان بر شهروندان اصلی بحرین برتری می یابند. در مراکز انتخاباتی هم این تبعیض اعمال می شود.

با دقت در اوضاع این کشور می توان دریافت که طایفه گرایی و تعصب در کشور به شدت رواج دارد و یک نماینده پارلمان به جای اینکه به فکر خدمت به کشور و ملت خود باشد، بر علیه شیعیان موضع گیری می کند؛ روزنامه نگار به جای اینکه مشکلات شهروندان را منعکس کند، قلم خود را بر علیه آنان بکار می گیرد؛ سی دی هایی که حاوی تبلیغات بر علیه شیعیان است، در میان مردم توزیع می شود.

تخریب و ویرانی مساجد شیعی(۱) و جلوگیری از ساخت مساجد شیعیان(۲) که نمایی از مسجدی که در شهر حمد است را در ضمیمه مشاهده می کنید،(۳) ممانعت از ساخت مسجد جامع حاج حسن عالی، توزیع اعلامیه ها و پلاکارت هایی بر ضد رهبران دینی و علمای دینی در نقاط کشور، توهین به مقدسات شیعی در دانشگاه بحرین، توزیع اعلامیه ها و مطبوعاتی که شیعیان را مورد تهدید قرار داده است و نیز را ه اندازی پایگاه های اینترنتی با هدف حمله به

۱- ضمیمه ۵: بیانیه علما به مناسبت تخریب مسجدی از مساجد مسلمانان. ضمیمه ۶: بیانیه جمعیت توعیه بمناسبت تخریب دو مسجد شیعی. ضمیمه ۷: بیانیه شیخ حسین نجاتی به مناسبت تخریب دو مسجد شیعی.

۲- احضاریه عالم دینی شیخ نشابه حفظه الله به منظور جلوگیری از ساخت مسجد.

۳- ضمیمه ۹: نمایی از مسجدی در شهر حمد که جلوی ساخت وساز آن گرفته شد.

شیعه، ممانعت از برگزاری مجالس وعظ و عزاداری حسینی و ...، همه وهمه از جمله فعالیت هایی است که برای مقابله با شیعه صورت می گیرد و این روند همچنان ادامه دارد.

دولت سعی می کند از همه نظر حوزه دینی، شیعیان را محدود کند تا فعالیت آنان از محدوده مسجد و اماکن عبادت فراتر نگردد و در حالی که شیعیان اجازه سکونت در مناطق سنی نشین را ندارند، دولت سعی دارد سنی ها را در مناطقی همچون منطقه عراد، عکر، جزیره نبیه صالح و دیگر مناطق شیعه نشین اسکان دهد و به هر طریقی که امکان دارد، تلاش می کند تا باغ ها، روستا ها و سواحل نزدیک به روستا های شیعه نشین را تصاحب نماید. دولت همچنین سرمایه گذاران خارجی را به خرید املاک شیعیان فقیر و مستضعف تشویق می کند تا در آینده آنان هیچگونه دسترسی به منابع ثروت، زمین، ساحل و آب نداشته باشند.

اوقاف جعفریه باید مستقل از نظارت دولت باشد و این یک ضرورت است. اشکال در این است که ائمه جمعه و جماعات از سوی اداره اوقاف تعیین می شوند که این اداره نیز خود زیر نظر حکومت است و تعیین اعضای مجلس شئون اسلامی نیز توسط این اداره صورت می گیرد. بنابراین هر کس که با حکومت رابطه خوبی داشته باشد و فرمانبردار حکومت باشد، به عنوان امام جمعه یا جماعت انتخاب می شود ولی کسی که رضای خداوند را بر رابطه با حکومت برتری دهد، از صحنه خارج می شود و مورد کینه و دشمنی دستگاه حکومتی خواهد بود. و امام علی علیه السّلام فرموده است:

هرگاه فرد خداخواهی، زشتی کارشان را به آنان گوشزد کند، نسبت به او کینه می ورزند و او را از خود دور می کنند و

هرگاه ظالمی در ستمگری با آنان شریک گشت، وی را مورد محبت قرار داده و با او دوستی می کنند و بر ظلم خود اصرار می ورزند. آنان در گذشته نیز از حق سرپیچی کردند و در نافرمانی خداوند و معصیت با یکدیگر همکاری

نمودند.(۱)

چرا باید اداره اوقاف بر سوابق، توانمندی ها و شایستگی های ائمه جمعه و جماعات، مبلغین دینی و سخنرانان مساجد و حسینیه ها نظارت داشته باشد؟ در حالی که وظیفه این اداره تنها رسیدگی به امور موقوفه و رشد آنها خلاصه

۱- کتاب صفین نوشته نصربن مزاحم منقری، ص۱۰۴، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج۳، ص۱۸۲. این تعبیر در نامه امیرالمؤمنین، علی بن ابیطالب علیه السّلام به مخنف بن سلیم نیز آمده است. متن نامه به این شرح است: درود بر تو و سپاس خدایی را که خدایی جز او نیست. اما بعد، جهاد با کسی که از راه حق برتافته است بر تمام عارفین واجب است. خداوند از کسی که او را خشنود کند، راضی است و از کسی که معصیت کند، خشمگین است. ما در صدد حمله به کسانی هستیم که در میان بندگان خدا به غیر آنچه که خداوند حکم نموده رفتار می کنند، فیء را از آن خود ساخته، حدود الهی را تعطیل نموده، و حق را پایمال کرده، در زمین فساد را گسترش داده، و به جای مؤمنین با فاسقین دوستی می ورزند، هرگاه فرد مؤمنی، زشتی کارشان را به آنان گوشزد کند، نسبت به او کینه می ورزند و او را از خود دور می کنند و هرگاه ظالمی در ستمگری با آنان شریک گشت، وی را مورد محبت قرار داده و با او دوستی می کنند و بر ظلم خود اصرار می ورزند. آنان در گذشته نیز از حق سرپیچی کردند و در نافرمانی خداوند و معصیت با هم همکاری کردند و ظالم و ستمگر بودند. وقتی نامه ام را دریافت کردی، کارت را به ما بسپار و به ما ملحق شو تا با آن دشمن روبرو شوی و امر به معروف و نهی از منکر را بجا آوری، به حق بپیوندی و از باطل دوری کنی، زیرا نه ما و نه تو از اجر جهاد بی نیاز نیستیم. خداوند بهترین یاور است و او برای ما کفایت می کند و لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم.

می شود و این اداره به هیچ عنوان صلاحیت نداردکه ائمه جمعه و جماعات را انتخاب و یا در مورد آنان

اظهارنظر کند؛ زیرا در رابطه امام و مأموم، مأموم آزاد است به هر کس که اعتماد دارد، اقتدا کند و در مورد مبلغین و سخنرانان مذهبی و هم مردم از روی اختیار و اراده پای سخنرانی مبلغینی که می خواهند، حاضر می شوند. در فقه شیعه مأموم باید به امام جماعت اعتماد داشته باشد تا بتواند به او اقتدا کند. و همین مسئله در مورد رابطه مبلغین و مردم صادق است. یعنی هرکدام از هیئت های عزاداری با اختیار و اراده هر مبلغی را که می خواهند انتخاب میکنند و در پای سخنرانی های او حاضر می شوند و اداره اوقاف در این رابطه هیچ جایی ندارد.(۱)

علیرغم اینکه اکثر شهروندان بحرینی شیعه مذهب هستند، دولت از نشر کتب شیعی جلوگیری نموده و در مقابل از کتاب هایی که بر ضد شیعه نوشته شد ه اند، حمایت می کند و بر نمایشگاه های کتاب نظارت کامل داشته تا از نشر کتب شیعی به شدت جلوگیری شود.(۲) اداره مطبوعات و نشر کشور، از ورود کتاب های شیعه به نمایشگاه ها جلوگیری می کند؛ زیرا به گفته آنان این کتاب ها با دین اسلام منافات دارد.(۳) کتب شیعیان که در مورد مذهب، فکرو عقاید شیعی نوشته اند و یا در مقابل افکاری که شیعیان را کافر می دانند، به دفاع از عقیده شیعه

۱- برای اطلاعات بیشتر به بیانیه های جناب سیدجواد وداعی و جناب سیدعلوی غریفی «حفظه الله» که در ضمیمه ۱۴ کتاب آمده است، و نیز مصاحبه روزنامه الوسط با جناب شیخ حسین نجاتی «حفظه الله» در باره مجلس اعلای شئون اسلامی، به تاریخ ۲۱/۱۱/۲۰۰۳ مراجعه نمایید.

۲- نمایشگاه کتاب بحرین، سال ۲۰۰۴ م.

۳- روزنامه الوسط، جمعه ۱۹/۳/۲۰۰۴ م. مدیر اداره مطبوعات و نشر، جمال داوود.

پرداخته اند، در نمایشگاه مصادره می شوند، اما کتاب هایی که به تکفیر شیعیان پرداخته و مطالب آنها سراسر فحش و ناسزا نسبت به شیعیان است، از نظر مسئولین بحرین، کتب اسلامی محض است و به وفور در نمایشگاه ها فروخته می شوند و نیز گفته شده است که در همان نمایشگاه، مصاحف قرآنی را فقط به خاطر اینکه چاپ ایران است پاره پاره کردند.(۱)

در کشوری کوچک همچون بحرین، نشریه های ضدشیعه و کتاب های کفرآمیز به صورت مجاز توزیع می شود و مدارس، مساجد، بیمارستان های شیعه مورد هجوم قرار می گیرد تا قدرت و اقتدار مذهب حکام را به اثبات برساند، اما هیچ کس در مقابل این وحشیگری ها اعتراض نمی کند.

یکی از نمونه های هجوم فرهنگی نظام، مصادره کتب شیعی در نمایشگاه فرهنگی الایام است که در نوامبر سال ۲۰۰۳ برپا شد. کتب شیعی و مخصوصاً کتبی که درباره حضرت زهراعلیهاالسّلام نوشته شده، در این نمایشگاه از عرضه و فروش آنها جلوگیری شد. سازمان نظارت بر مطبوعات کشور در وزارت ارشاد، از عرضه و فروش برخی کتاب هایی که در عنوان آنها نام مبارک فاطمه زهراعلیهاالسّلام بود و یا در بردارنده زندگینامه، به خصوص بعد از وفات پدر بزرگوارشان بود، جلوگیری نمود.

اسامی کتاب هایی که، به خاطر وجود نام مبارک فاطمه زهراعلیهاالسّلام در عنوان آنها توقیف شده اند، از این قرار است:

- بدانید من فاطمه هستم - نوشته شیخ عبدالحمید مهاجر؛

۱- خطبه جمعه شیخ حسین نجاتی حفظه الله ۱۹/۳/۲۰۰۴ م.

- فاطمه از گهواره تا وفات - نوشته آیت الله سید محمد کاظم قزوینی؛

- فاطمه دخت محمدصلی الله علیه وآله پیشوای زنان هر دو جهان- نوشته سید علی عاشور؛

- فدک و فاطمه، قصه جهاد فاطمه زهراعلیهاالسّلام- نوشته سید عباس موسوی؛

- سخن حضرت زهراعلیهاالسّلام- نوشته سید ساجد مکی؛

- درجواب فاطمه زهراعلیهاالسّلام- نوشته شیخ حسین کورانی؛

- مقتل سیده فاطمه زهراعلیهاالسّلام- نوشته آیت الله سید محمد حسینی شیرازی؛

- اسرار فاطمه زهراعلیهاالسّلام؛

- ثبات و پایداری از نور فاطمه زهراعلیهاالسّلام است؛

- فاطمه زهراعلیهاالسّلام از تولد تا شهادت- نوشته سید عبدالله عبدالعزیز هاشمی.

علاوه بر کتب مذکور، کتاب های دیگری که درباره تشیع و یا خلافت نوشته شده بودند، نیز توقیف شدند که عبارتند از:

- در زمین گردش کنید و بنگرید - نوشته تیجانی سماوی؛

- کتاب کشف الهموم فی الادعیه و الختوم- نوشته سید حسن صادق آل سدهه؛

- تحدی ممنوع- نوشته سید محمد حسین فضل الله.

ناشران شرکت کننده درنمایشگاه اظهار داشتند که توقیف کتاب ها تنها بر اساس نام آنها و بدون آگاهی از مطالب آنها صورت می گیرد و این توقیف و مصادره اجباری کتب، بر خلاف آزادی بیان و عقیده است. یک ناشر لبنانی ضمن اظهار تأسف و نارضایتی از این تصمیم ها در برخورد با کتب دینی، آ ن را بر خلاف آزادی بیان و عقیده خواند و گفت که این ممنوعیت و توقیف ها که برای

کسب رضایت و هابی ها صورت می گیرد، پیامد های منفی به دنبال خواهد داشت. توقیف و مصادره کتاب با هیچ کدام از معیار های علمی سازگار نیست. یکی از شرکت کنندگان در نمایشگاه گفته است که او از لیست کتاب های ممنوعه و مؤلفین آنها و علت توقیف آن کتاب ها جویا شد، اما چیزی دستگیرش نشد و این واقعاً یک فاجعه انسانی است که اداره رسمی دولت بحرین مسئول آن به شمار می رود. با قاطعیت می توان گفت که توقیف این حجم زیاد کتب، گویای این واقعیت است که جامعه از نظر فرهنگی به سمت وسویی خاص سوق داده می شود که البته این روند مانع از پیشرفت جامعه است و دروغ بودن ادعا های حکومت مبنی بر آزادی فرهنگی و سیاسی در کشور را به اثبات می رساند.

حوزه های علمیه که میراث انبیا است، امروزه به رهبری مراجع دینی وظیفه خطیر دفاع از دین و شریعت را بر عهده دارند و طلاب علوم دینی هم از حوزه های علمیه پیروی می کنند. تمام مدارس دینی و حوزه های علمیه داخل و خارج از کشور توسط علما اداره می شوند و هزینه آنها از وجو هات شرعی و خمس و کمک های مؤمنین خیرخواه تأمین می گردد وبدین گونه حوزه ها از نظر مادی و بدنبال آن از نظر فتوایی استقلال کامل دارند. اما اکنون حکومت تلاش دارد تا حوزه های علمیه را وابسته و دنباله رو نظام سازد؛ زیرا مجلس اعلای شئون اسلامی که مسئولیت سرپرستی حوزه های دینی را بر عهده می گیرد، تابع وزارت دادگستری و شئون اسلامی است که این وزارت یک وزارت دولتی و جزئی از نظام است و اگر چنین امری اتفاق بیفتد، حوزه های دینی استقلال خود را از دست داده و فساد نظام در پیکره حوزه ها نیز رسوخ خواهد کرد.

این بند به وضوح گویای این واقعیت است که هدف اصلی مجریان طرح

مجلس اعلای شئون اسلامی، همانا کنترل و نظارت بر حوزه های علمیه، آن هم از طریق علمای دینی است. نظام، انواع خشونت ها را علیه علما و شهروندان متدین بکارگرفت، اما هیچ نتیجه ای حاصل نشد و اکنون درصدد بر آمده تا انسان های ضعیف النفس را با وعده های مالی جذب کند.

خصوصیت نظام های دیکتاتوری نامشروع و تحمیلی این است که علیرغم وجود قانون و فعال بودن مجالس، بازهم تصمیم گیری به عهده دیکتاتور است و وجود مجالس، تنها به خاطر جنبه تبلیغاتی آن است و اصلاً نمی توان به دیکتاتور و حتی به نزدیکترین افرادش اعتماد کرد؛ زیرا دیکتاتور هرگاه آرا و نظریه های مشورتی دیگران را مخالف منافع خود بداند، آنها را کاملا نادیده می گیرد.

صدور حکم شرعی از وظایف و تخصص فقها است و مجلس اعلای شئون اسلامی برای این امر چنین صلاحیتی ندارد و هر کس هم واجد شرایط علم و

عدالت است، به این مجلس ملحق نمی شود بلکه برای سلامت دین و آخرت خود از اقلیت حاکم تحمیلی دوری می کند. تناقض در شیوه استبدادگری در بحرین هر ناظری را شگفت زده می کند. در این کشور نه تنها در بعد سیاست، استبداد است بلکه در مسائل دینی هم استبداد حکم فرما است. حکومتی که مشروب خواری و فساد را آزاد گذاشته و عوامل آن به ترویج فحشا و افزایش روسپی خانه ها و نیز بانک های ربا همت می گمارند، به خود اجازه می دهد که در مجال دینی فتوا صادر نموده و حکم شرعی ارائه کند. فتوا دادن و اجتهاد در مسائل شرعی نیازمند مطالعات عمیق و تحصیل در چندین مرحله است که باید بر بیش از بیست علم مختلف مسلط گردد که عبارتند از: علوم عربی همچون

صرف و نحو،(۱) علوم بلاغی،(۲) عروض، منطق،(۳) فلسفه،(۴) علوم شرعی مانند فقه،(۵) اصول فقه،(۶) و عقائد و

علوم قرآنی همچون تفسیر و تجوید، علم حدیث، علم رجال و درس های اخلاق و... . بعد از پایان این درس ها، طلاب به مطالعه کتب استدلالی و اصولی و فقهی و بحث های خارج روی می آورند. اخلاص نسبت به خداوند و انسان های پاک، از لازمه های تحصیل علوم شرعی است. بنابراین چرا مجلس اعلای شئون اسلامی که فقیهان و مجتهدان و حتی کارشناسان علوم اسلامی در آن حضور ندارند، مسائل دینی و شرعی مردم را بر عهده دارند؟!

یکی از افتخارات حوزه دینی شیعه، استقلال آن از نظام حکومتی است که

۱- در برخی مدارس دینی کتب اجرومیه و شرح آن، قطرالندی و بل الصدی و شرح آ ن، و الفیه ابن مالك و شرح آن تدریس می شود. الفیه چندین شرح دارد که عبارتند از: شرح ابن عقیل هذلی و شرح ابن ناظم (ابن مالك) و مغنی اللبیب یا مغنی الادیب.

۲- علوم بلاغی عبارتند از: (بلاغت، معانی، بیان) در برخی از مدارس دینی کتب مطول، جواهر البلاغه و البلاغه الواضحه تدریس می شود.

۳- در این خصوص کتب منطق مظفر، حاشیه و تحریر قواعد منطقیه فی شرح الرساله الشمسیه تدریس می شود.

۴- بدایه الحکمه، نهایه الحکمه، تجرید الاعتقاد، فلسفتنا.

۵- در دنیای اسلام شیوه های مختلفی در تدریس فقه به کار گرفته می شود؛ مثلاً کتاب های رساله علمیه فقها، مختصر فی فقه الامامیه، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام، الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه نوشته شهید اول و شهید ثانی و کتاب مکاسب تدریس می شود.

۶- کتاب هایی چون معالم الاصول، دروس فی علم الاصول، اصول فقه، کفایه الاصول و کتاب الرسائل (فرائد الاصول) نوشته شیخ انصاری تدریس می شود.

همین استقلال آن را از فساد نظام بدور داشته است. حتی نخبگان و علمای اهل تسنن نیز، استقلال مالی حوزه دینی شیعه و علمای شیعه را مورد تمجید قرار می دهند. البته حفظ این استقلال به آسانی صورت نگرفته است بلکه برای حفظ این استقلال، خون های زیادی ریخته شده و جان های زیادی نیز فدا شده است و افراد زیادی هم در این راه از حقوق و اموالشان محروم گشته اند. اما شیعیان در طول تاریخ در مقابل این سختی ها مقاومت کردند و حتی به اندازه یک تار مو هم از موضع خود عقب نشینی ننمودند.

حوزه های دینی باید در بخش مالی و تأمین معیشت طلاب، بی نیاز از حکومت باشد؛ زیرا نیازمندی آنان به حکومت، موجب کوتاهی آنان در انجام وظائف شرعی و امر به معروف و نهی از منکر می گردد. و اگر شرایطی حاکم شود که رأی شرعی و نظر عالم دینی به قطع روزی او منجر شود، آنگاه در چنین شرایطی ممکن است برخی از علما از بیم قطع حقوق، در آرای شرعی و فتاوای خود، سیاست های نظام و حکومت را نیز مد نظر داشته باشند. وقتی سخن از حمایت مالی حکومت از طلاب و مراکز دینی است، همه ابعاد را شامل می شود و فرقی میان حقوق اعضای مجلس اعلای شئون اسلامی و حقوق مؤذنین و ائمه جماعات نیست. بی نیازی و عدم وابستگی مراکز و حوزه های دینی از حکومت یک ضرورت است که در همه زمان ها و مکان ها و مخصوصاً در حکومت های استبدادی همچون حکومت بحرین باید رعایت گردد.

اقلیت حاکم و متعصبان ضدشیعه در بحرین، به گونه ای با مردم رفتار میکنند که معاویه با اهل شام رفتار مینمود. یعنی به طرفداران خود از بیت المال می بخشد و دینداران و افراد با تقوا که درصدد حفظ ارزش های الاهی هستند، همچنان بی بهر ه اند.

بهترین حـالتی که می توان از رابطه علمـا و حوزه هـای علمیه و مراکز دینی تصور کرد، این است که حکومت منتخب از سوی مردم، با هـدف حمایت از مـدارس دینی و مذاهب در کشور، برای طلاب علوم دینی شـهریه در نظر بگیرد ولی به شـرط اینکه منتی بر آنـان نگـذارد و در برنـامه های آنان اعم از تبلیغ و دیگر برنامه های دینی هیچگونه دخالتی نورزد و شـرایطی به وجود نیـاورد که علمـای دینی ازاظهـارنظر دربـاره مسائل بیم داشـته باشـند. پیاده کردن این حالت ایـده آل توسط اقلیت حاکم محال است و حتی می توان گفت که در نظام های دموکراسی غربی هم نمی توان این حالت اید ه ال را به وجود آورد.

طرح دولتی حقوق به ائمه جمعه و جماعات و مؤذنین

این طرح بـا مخـالفت و اعتراض و نیز فتـاوایی مبنی بر تحریم آن از سوی علمـای دینی روبه رو شـده است.(۱) این قانون، ائمه جمعه و جماعات را در زمره یک کارمند دولتی قرار می دهد.(۲) علمای دینی بحرین برای حفظ استقلال و پاکی حوزه دینی، بـا طرح پرداخت حقوق به ائمه و مؤذنین مخـالفت کردنـد و دریـافت حقوق از جـانب ائمه و مؤذنین را حتی در صورتی که با تنگدستی مواجه باشند، حرام دانسته اند.(۳) یکی از علمای دینی به نام سید وداعی - که سرپرستی

۱- ضمیمه ۱۷، بیانیه علمای دینی در خصوص حقوق ائمه جمعه و جماعات.

۲- سـخنرانی جناب سید عبدالله غریفی در مسجد جامع امام صادق علیه السّلام در منطقه قفول روز پنجشنبه ۱۹ رمضان ۱۴۲۶، مصادف با ۱۳/۱۰/۲۰۰۵ م.

۳- شیخ حسین نجاتی، خطبه های نماز جمعه در شهر دراز، ۹ جمادی الثانی ۱۴۲۴ ه- ، مصادف با ۱۵/۸/۲۰۰۳ م.

یکی از حوزه های دینی در بحرین را بر عهده دارد - به برخی از اشکالات طرح کادر ائمه و مؤذنین اشاره می کند و می گوید:

این طرح از اساس مردود است؛ زیرا مذهب شیعه هیچگاه اجازه نمیدهد که امام جماعت مسجد، کارمند نظام سیاسی حاکم باشد و حکومت او را به این وظیفه منصوب نموده باشد و هیچکدام از ما هیچگونه نظارتی از سوی حکومت را نمی پذیریم.(۱)

دراین جا، جا دارد که نسبت به «سید جلیل» که نمونه یک عالم دینی پاک و آراسته و بدور از گرایش به دولت است، تقدیر و ادای احترام نماییم. وی که طرح مذکور را به زیان دین میداند، علمای دین را از گرایش به آن منع نموده و از آنها خواسته است تا برای متوقف کردن آن از هر طریق ممکن تلاش نمایند.(۲) در شرایطی که آمریکا با نفوذی که در کشور های اسلامی دارد و در سیاست ها و تصمیمات آنها دخالت می کند، میتوان گفت که طرح مذکور دولت بحرین هم، نوعی ایده آمریکایی باشد و از سوی دیگر مکتب اهل بیت علیه السّلام، تبعیت مراکز دینی از نظام های سیاسی را غیرمشروع و مردود می داند.(۳) به هرحال هدف این قانون حذف استقلال از ائمه جمعه و جماعات است. یعنی ائمه جمعه و جماعات مساجد و حسینیه ها، همه در خدمت دولت و اهداف سیاسی آنان قرار

۱- روزنامه الوسط، ۳۰/۹/۲۰۰۴ م.

۲- شیخ عیسی قاسم، خطبه نماز جمعه در شهر دراز، ۹ جمادی الثانی ۱۴۲۴ ه- مصادف با ۸/۸/۲۰۰۳م.

۳- شیخ عیسی قاسم، خطبه های نماز جمعه شهر دراز، ۱۶ جمادی الثانی ۱۴۲۴ ه- مصادف با ۱۵/۸/۲۰۰۳ م.

می گیرند و دیگر جایی برای دین و دفاع از آن در این میان باقی نمی ماند.(۱) به نظرشیخ عیسی قاسم اشکال کادر ائمه جمعه و جماعات تنها به خاطر بعد مالی آن نیست بلکه اشکال اینجاست که تعیین ائمه جمعه و جماعات بدست دولت صورت می گیرد. با این تعیین که به دنبال آن وظائف خاصی بر عهده امام جماعت گذاشته می شود، مسجد عملا به یک اداره دولتی تبدیل می شود و به مقداری که دولت اجازه دهد، از مسجد برای کار های عبادی استفاده می گردد در حالی که دولت هرگاه و به هر مقداری که بخواهد می تواند از مسجد برای مقاصد سیاسی خود استفاده کند و هر کسی را که بخواهد به عنوان امام جمعه یا امام جماعت در هر منطقه ای که صلاح بداند، می گمارد؛ چه آن شخص عادل باشد و چه غیرعادل و چه مردم او را قبول داشته باشند و چه قبول نداشته باشند. در قانون کادر ائمه و مؤذنین، شرط عدالت امام قید نشده است و از طرفی هم اگر شرط می شد، تشخیص عدالت افراد با دستگاه های دولتی نیست.(۲)

مخالفت مراجع تقلید و حوزه های علمیه با طرح مجلس اعلای شئون اسلامی

علمای دینی در بحرین، به خوبی با فضایی که به تشکیل این مجلس انجامید آشنایی دارند و از اهداف تأسیس مجلس و ترکیب اعضای مجلس، شکل انتخاب و وظایف آنان ونیز مسئله حقوق آنان که مقدمه ای برای گرایش اعضا به سیاست ها و دستورات حکومت و گاهی سکوت در برابر منکر می گردد، و نیز تأثیر مجلس بر نسل های آینده و مراکز دینی آگاهی دارند. از این رو مجتهدین

۱- شیخ عیسی قاسم، خطبه نماز جمعه دراز، ۱۲ رمضان ۱۴۲۴ ه- مصادف با ۷/۱۱/۲۰۰۳ م.

۲- شیخ عیسی قاسم، خطبه نماز جمعه دراز، ۳ رمضان ۱۴۲۶ ه- مصادف با ۷/۱۰/۲۰۰۵ م.

آگاه، مفاسد این مجلس را تحریم نموده و پیوستن به آن را حرام دانسته اند و علمای دینی در بحرین نیز این مجلس را یک طرح فریبکارانه و توطئه خوانده اند و با آن به مخالفت پرداخته اند. طلاب بحرینی در قم نیز مخالفت خود را با این مجلس اعلام داشته اند. در میان آنان برخی از علمای سرشناس چون شیخ عیسی قاسم، شیخ محمد سند، شیخ عبدالجلیل مقداد، شیخ ابراهیم حمزه، شیخ خلیل سلطان، شیخ محمد حبیب مقداد، شیخ عادل شعله، شیخ مهدی حوری، سید عقیل ساری، شیخ منیر معتوق، سیدعدنان موسوی، سیدکامل هاشمی، شیخ علی مؤمن، سید محمود غریفی، شیخ عبدالنبی درازی، شیخ ستری، سید موسی وداعی، شیخ محمد جواد کاظم، شیخ فاضل صالح، شیخ علی حبیب، شیخ محمد خرسی، شیخ محمد خجسته، شیخ مصطفی سرو، شیخ فاضل زاکی، شیخ محمد منسی، شیخ علی رحمه و دیگران به چشم میخورند. علما و فضلای بحرینی در قم همچنین نامه اعتراض آمیزی در مورد تأسیس این مجلس امضا کردند و تأسیس این مجلس را نوعی تلاش برای محدودیت دینی و مذهبی، سلب آزادی دینی از جامعه و تلاش برای برهم زدن وحدت اسلامی در جامعه بحرین خواندند و از علمای دینی در داخل کشور خواستند برای مقابله با منکر و حفظ دین از دستبرد نا اهلان، با این مجلس مخالفت کنند. آنان همچنین از ملت بحرین خواستند تا این مجلس را تحریم نموده و با هر شخصی که به برنامه های این مجلس ملحق شده قطع رابطه کنند؛ زیرا بر اساس فتاوای مجتهدین، این گونه اشخاص فاسق بوده و نباید به آنان اقتدا نمود و به خطبه های آنان گوش داد.(1)

۱- متن نامه چنین است: بسم الله الرحمن الرحیم؛ الحمدلله رب العالمین و الصلوه و السلام علی محمد صلّی الله علیه وآله الطاهرین وصحبه المنتجین تأسیس مجلس اعلای شئون دینی در بحرین از شدیدترین انواع خفقان دینی و مذهبی، سلب آزادی دینی از جامعه و عاملی برای بر هم زدن وحدت چند صد ساله امت اسلام است. فقها و مجتهدین؛ بر حرمت گرایش به این مجلس و حرمت رابطه با اشخاصی که با مجلس ارتباط دارند و سقوط شرط عدالت از هر شخصی که به مجلس ملحق شود و یا آموزش ها و دستورات مجلس را بپذیرد، فتوا داده اند. لذا از علمای داخل کشور در خواست میشود که برای مخالفت با منکر و حفظ دین از دستبرد نا اهلان، در مقابل این مجلس ایستادگی کنند و از ملت بحرین درخواست میگردد که ضمن تحریم این مجلس رابطه خود را با هر شخصی که برنامه های مجلس را بپذیرد، قطع کنند و به فتوا های مجتهدین رجوع کنند که نماز پشت سر آنان و شنیدن خطبه های آنان را باطل دانسته اند. و ما النصر الا من عندالله. فضلا و طلاب حوزه علمیه بحرین در قم، ۱۴ جمادی الثانی ۱۴۱۸ هجری.

شیخ عیسی قاسم با صدور دو بیانیه با مجلس اعلای شئون اسلامی مخالفت نموده و آن را مردود دانست. در بیانیه سوم او در مورد پیشنهاد مذاکره و گفتگو در این خصوص چنین توضیح داده است: دخالت در امور مذهب جعفری از سوی حکومت به هر نحوی و در هر سطحی و تحت هر عنوانی همچون مجلس اعلا و غیره یک مسئله بحران ساز است و عدم دخالت دولت در امور مذهبی نیازی به مذاکره و گفتگو ندارد(1) و پیش شرط هر مذاکر ه ای است. اهمیت این مسئله از هر چیز، حتی از امنیت اموال و جان های ما نیز برای ما مهمتر است. او در بسیاری از خطبه های خود، به موضوع مجلس پرداخته و علناً خواستار تحریم

۱- بیانیه سوم جناب شیخ عیسی قاسم در خصوص اوضاع بحرین و مجلس اعلای شئون اسلامی در بحرین، ۲۶ صفر ۱۴۱۸ ه- . ق.

آن شده است.(۱) آقایان سید علوی غریفی و جناب سید جواد وداعی در تاریخ ۱۶/۴/۱۹۹۶ در نامه ای به عیسی بن سلمان آل خلیفه مراتب اعتراض خود به طرح مذکور را ابراز داشتند و ازصدور قوانینی که شعائر مذهبی، هیئت ها و اجتماعات دینی را محدود می کند، بر حذر داشتند و از او خواستند تا اجازه ندهد اداره اوقاف جعفری، سخنرانان، مبلغین دینی و سخنرانان هیئت ها و حسینیه ها را انتخاب کند. ایشان همچنین از پادشاه خواستند تا از صدور حکم تأسیس مجلس اعلای شئون اسلامی صرف نظر کنند.(۲)

در پاسخ به سؤالی در مورد وظیفه عموم مؤمنین در قبال مجلس اعلای شئون اسلامی، جناب شیخ محمد سند هرگونه رابطه و همکاری با این مجلس را

۱- دیدار علامه شیخ عیسی قاسم، با طلاب و فضلای بحرینی در شهر قم، روز پنجشنبه ۶ رجب سال ۱۴۲۴ ه- مصادف با ۴/۹/۲۰۰۳ م. ایشان در سخنان خود چنین گفتند: مسئله بسیار واضح است، تحریم مجلس اعلای شئون اسلامی واجب است و باید پایدار باشد. و این مسئله به هیچ عنوان موضع گیری در برابر دولت و ابراز مخالفت با دولت نیست بلکه یک واجب دینی است. و مجلس اعلای شئون اسلامی خطری برای شیعه و بلکه برای اسلام است. و در این باره با وزیر شئون اسلامی باز گفتگو کردیم و اکنون خطر بیشتر احساس می شود؛ زیرا آمریکا بر کشور های اسلامی فشار می آورد تا فرهنگ و مذهب یکسانی را در جامعه حاکم کنند و کسانی را برای تصدی امامت جمعه و جماعات تربیت کنند و تمام مذاهب را تحت سیطره و کنترل دولت در آورند تا تغییراتی را که آمریکا در نظر دارد بر آن ها اعمال کند. هرگاه امور دین به دست نظام سیاسی سپرده شود خطر در کمین است؛ زیرا نظام سیاسی دائما از ناحیه آمریکا تحت فشار قرار دارد و اگر امور دینی در اختیار نظام باشد، دین نیز از تأثیرات منفی فشار های آمریکا بر نظام سیاسی، در امان نخواهد بود و خطر در این مجال بسیار واضح است و بنابراین به هیچ عنوان نباید تسلیم این مجلس شد.

۲- متن نامه سیدعلوی غریفی و سید جواد وداعی «حفظه الله» به پادشاه بحرین. ۱۶/۴/۱۹۹۶.

جایز ندانست و این موضع گیری را از اولویت های مذهب خواند.(۱) در لندن نیز سه تن از علمای تبعیدی به نامهای شیخ علی سلمان، شیخ حمزه دیری و سید حیدر ستری، بیانیه ای در اعتراض به این مجلس صادر کردند که در آن آمده است: ... امروز بعد از اینکه مساجد مورد هتک حرمت قرار گرفته و نیرو های امنیتی با یورش به نمازگزاران به شکستن درب و پنجره ها و تخریب اثاث و تجهیزات مسجد و پاره پاره کردن قرآن کریم، پرداخته اند، امروز نوبت وزارت دادگستری است تا به جای اینکه به حمایت از مساجد پرداخته و اعمال وحشیانه در حق مساجد را محکوم کند و دست مزدوران نااهل را از مسجد کوتاه کند، با تأسیس مجلس اعلای شئون اسلامی به مصادره مسجد و دین خدا روی آورده و بندگان خدا را تحت فشار قرار دهد. واضح است که آل خلیفه نه تنها با این طرح می خواهد مساجدی را که فرزندان ملت در طول ۱۴۰۰ سال با مال خود و برای عبادت بنا کرد ه اند در اختیار بگیرد بلکه قصد دارد به این وسیله بر تمام مراکز اسلامی و مراسم دینی نظارت داشته باشد و نگذارد که مسلمانان از این مراکز، استفاده مطلوب داشته باشند و درصدد است تا نقشه های شومی که دستگاه اطلاعات به رهبری تروریست ایان هندرسون برای جلوگیری از رشد بیدارگری اسلامی در کشور طراحی می کند را عملی سازد. اداره این مجلس تنها به دست نخست وزیر و دستگاه اطلاعات است و هر چند سعی کنند که آن را از نظر دین و قانون اساسی مشروع جلوه دهند، باز هم وجود این مجلس مخالف با شرع

۱- در تاریخ ۱۴ جمادی الثانی ۱۵۱۸ ه-.ق.

مقدس اسلام و مخالف با قانون اساسی است.(۱) شیخ حمزه دیری در چندین خطبه نماز جمعه به تبیین اهداف مجلس پرداخته و مسلمانان را از سیاست های آن بر حذر داشت. او همچنین به نمازگزاران گفت که وقتی امام جمعه از طرف دولت تعیین می شود، مسلم است که دولت در تعیین محتوای خطبه هـای او هم نقش دارد و مجلس اختیـار دارد تا زیرنظر دولت در تمام امور دینی دخالت خود را اعمال نمایـد. او همچنین به وضـعیت اوقاف اشاره کرد و گفت: مذهب شـیعه در صورت گردن نهادن به این طرح، سرنوشتی همچون اوقاف خواهد داشت. وی در پایان خواستار اصرار بر موضع شیعه و عدم مصالحه و سازش در این مورد شد.(۲)

اعتراض ملت

در مجموع می توان گفت که اعتراض ملت بـا طرح مجلس، اعضـای مجلس و حقوق بگیران آن، دلیـل قـاطعی بر تحریم و رد آن از سوی ملت است. یـک راهپیمایی در روز ۲۳/۱/۲۰۰۴ در منطقه عـالی در محکـومیت حقوق بگیران از این مجلس به راه افتـاد. اعلامیه هـایی در منطقه اسـکان عـالی توزیع شـد که در آن از ملت خواسـته شـده بود تا کسانی را که با مجلس ارتباط دارند، از بین خود طرد کنند؛ زیرا مجلس از نظر دین و علمای دینی باطل و مردود است و هرکس هم

ص: ۱۲۴

۱- ضمیمه ۲۳: بیانیه سه تن از علمای تبعیدی در لندن شیخ علی سلمان، شیخ حمزه دیری، شیخ حیدر.

۲- خطبه نماز جمعه شیخ دیری، تاریخ ۱۵/۸/۲۰۰۳ م مصادف با ۱۶/۶/۱۴۲۴ در مسجد جامع غربی شهر دیر.

برای مجلس تبلیغ کند، همان حکم را دارد. و تمام این حوادث تأسف بار بذر و ثمره این مجلس نامبارک است.(۱) در مسجد مؤمن، مردم امام جماعتی را که مجلس تعیین کرده بود، نپـذیرفته و خود آنها فردی را انتخاب کردنـد و به او اقتـدا نمودند. در اینجـا همه مردم را به حق و صبرو نیـک خویی بـا دیگران و شـنیدن دلایـل مخـالفین و در نهایت تلاش برای قانع کردن آنها با گفتار حق سفارش می کنیم.(۲)

در سالروز شـهادت امیرمؤمنان، علی علیه السّلام، در ۲۱ رمضان ۱۴۲۲ مصادف با ۷/۱۲/۲۰۰۱ م.، عزاداران در بیانیه ای ضمن محکوم کردن اقـدامات مجلس اعلای شـئون اسـلامی، تصـریح کردند که سـرنوشت ملت نباید توسط مجلس و یا هیئتی تعیین شود. آنـان از اقـدام دولت در تعیین مـاه هـا و تعیین مـاه رمضان انتقاد کردنـد و ضـمن رد مجلس اعلای شـئون اسـلامی اعلام داشتند که آنان به تاریخ و مناسبت ها پایبند هستند و تاریخی را که مجلس تعیین می کند، از نظر آنان بی اعتبار است.

انتشـار کتـابی از مرکز مطالعـات و تحقیقات بحرین با نام «مجلس اعلای شـئون اسـلامی، طرح سیاسـی یا اسـلامی» نیز یکی از واکنش های منفی نسـبت به این مجلس بود. این کتاب در تاریخ جمادی الثانی ۱۴۱۸ ه- مصادف با اکتبر ۱۹۹۷ منتشر شد که به بررسی ابعاد مختلف مجلس پرداخته است.

۱- بیانیه علمای منطقه اسکان عالی در تاریخ ۱۲/۱/۲۰۰۴ م و بیانیه بانوان منطقه اسکان عالی در تاریخ ۱۲/۱/۲۰۰۴ م.
۲- ضـمیمه ۲۴: بیـانیه دفتر شـیخ نجاتی حفظه الله درباره حکم شـرعی حقوقی که دولت به ائمه مساجـد و خطبا اختصاص داده است. ۲۷ شعبان سال ۱۴۲۶ ه- مصادف با ۳۰/۹/۲۰۰۵ م.

فتوای مراجع تقلید بر حرمت پیوستن به مجلس شئون اسلامی بحرین

معیار پـذیرش یا عـدم پـذیرش هر برنامه دینی، نظر و فتوای مجتهـدین است که آنان هم در فتوا های خود، هر نوع همکاری با مجلس اعلای شـئون اسـلامی در بحرین را تحریم نمود ه انـد. اکنون بیش از ده ها فتوا از مراجع دینی در اختیار داریم که همه آنها همکاری و پیوسـتن به مجلس اعلای شـئون اسلامی را حرام دانسته اند که متن این استفتائات در ادامه مطالب آمده است. مجتهدینی که در این خصوص فتوا داد ه اند عبارتند از : آیت الله العظمی سید عبدالکریم اردبیلی، آیت الله العظمی سید کاظم حسـینی حائری، آیت الله العظمی شـیخ حسـین مؤید، آیت الله العظمی شـیخ شـمس الدین واعظی، آیت الله العظمی شیخ ناصر مکارم شـیرازی، آیت الله العظمی شـیخ جواد تبریزی، آیت الله سید محمد حسینی وحیدی، آیت الله شیخ محمد مهدی آصفی، آیت الله شـیخ مرتضـی بنی فضل، آیت الله سید محمود هاشمی شاهرودی... . مجتهدینی که همکاری با مجلس را حرام دانسته اند بیش از این تعداد است، ولی ما نتوانستیم به فتوای تمامی آنان دسترسی داشته باشیم، البته ما خود مبادرت به این کار ننمود ه ایم بلکه تعـدادی از طلاـب بحرینی در قم این سؤالاـت را مطرح نمـود ه انـد و امت هم از نظر شـرعی موظـف هسـتند که از مجتهدین و فقها - که در مسائل فقهی و شـرعی صاحب نظر و دارای تخصص هستند - پیروی کنند. همه میدانیم که مجتهدین هر کـدام بر حسب اجتهـاد و درک خود از شـریعت، دربـاره احکـام نظرات متفاوتی دارنـد که مکلفین هر کـدام بر طبق فتوای مرجع خود عمل می کنند. اما در مسـئله مهم و سرنوشت ساز مورد بحث، هیچ اختلافی میان آنان وجود ندارد و علمای بحرین - که به تقوا و پارسایی شناخته شد ه اند - این مسئله را از جنبه های مختلف بررسی

نموده و به اهداف مجلس پی برد ه اند، آنگاه نظر و رای مجتهدین را جویا شد ه اند که همگی پیوستن به این مجلس و مراکز تحت سیطره این مجلس را تحریم نمود ه اند.

در این بخش به بیان آرای فقهی مجتهدین می پردازیم تا حجت و دلیلی برای همگان باشد.

اولاً؛ آیات عظام و مجتهدین نسبت به وظیفه شرعی مؤمنین در قبال طرح دولتی که مسئولیت تنظیم امور دینی را به عهده دارد نظر خود را بیان کرد ه اند:

آیت الله شیخ میرزا جواد تبریزی :

از آنجا که طرح مذکور یک طرح نامشروع است و موجب تضعیف علما و متدینین می گردد و مخالف با سیره علمای مذهب تشیع در استقلال است، تأیید آن به هیچ وجه جایز نیست. و هر نوع تأیید آن از سوی مؤمنین و خصوصاً اهل علم و مبلغین و طلاب علوم دینی و افراد سرشناس جایز نمی باشد.

آیت الله سید محمد حسینی وحیدی:

طرح مذکور از توطئه های استعمار است تا مردم دیندار را فریب داده و از بیداری اسلامی و رشد فکری باز دارد و بدین وسیله بر اوضاع جامعه مسلمانان نظارت داشته باشد و راه تقویت بنیان دینی و اعتلای کلمه حق در جامعه اسلامی را مسدود کند.

آیت الله سید محمود هاشمی شاهرودی:

جایز نیست که مساجد، منبر ها وامور دینی در اختیار اینگونه

مجالس دولتی قرار گیرد. بلکه امور دینی در اختیار مرجعیت و ولی امر است و خداوند سبحان فرموده است: «به ستمگران نگرایید که از اهل آتش میگردید».

آیت الله محمد مهدی آصفی:

گرایش به این طرح و همکاری با آن به گونه ای که در سؤال آمده است، جایز نیست و بر تمام مؤمنین لازم است تا در حفظ استقلال مساجد، حسینیه ها و مراکز تبلیغ دینی از سیطره و نفوذ نظام غیراسلامی تلاش کنند و دست آنان را از اینگونه مؤسسات کوتاه نمایند.

آیت الله شیخ ناصر مکارم شیرازی:

اینگونه طرح ها در واقع بر ضرر اسلام است و توطئه ای بر علیه مسلمانان به حساب می آید و هرگونه همکاری در این زمینه حرام است.

آیت الله سید عبدالکریم اردبیلی:

... تا زمانی که شرایط چنین است، قبول منصب امامت جماعت از طریق این مجلس جایز نیست و این کار در حکم مخالفت با رسول خداصلی الله علیه وآله است.

آیت الله شیخ یوسف صانعی:

جایز نیست که ائمه جمعه و جماعات و سخنرانان و سایر علما تسلیم این مجلس گشته و از آن تبعیت کنند.

ص: ۱۲۸

آیت الله شیخ حسین مؤید:

از آنجا که مجلسی که در متن استفتا آمده است به حکومتی ظالم و غیردینی وابسته است، همکاری و تبعیت از آن جایز نمی باشد.

ثانیاً؛ تمامی فقها و مجتهدینی که از آنها استفتا شده است، فتوا داد ه اند که هر شخصی که با این مجلس همکاری کند و از آن پیروی کند، از عدالت خارج است:

آیت الله سید عبدالکریم اردبیلی:

هرکس این مجلس را بپذیرد و از آن پیروی کند، از عدالت خارج است هرچند که قبل از آن عادل بوده است. بلکه چنین شخصی در حکم فاسق و جائز الغیبه است.

ایشان همچنین فتوا داد ه اند:

... هرکس به آنان اقتدا کند، نمازش باطل است و تکلیف از آنان ساقط نمی شود و باید آن را اعاده نمود و کار آنان حرام است. تعظیم و تکریم آنان به هر نحوی که باشد، حتی با سلام کردن و یا جواب سلام دادن، نیز حرام است.

آیت الله سید کاظم حسینی حائری:

شخصی که از روی عمد از مجلس تمکین میکند، فاسق است.

آیت الله شیخ شمس الدین واعظی:

... همکاری با حکومت جور حرام، و عدالت شخص ساقط است.

آیت الله شیخ حسین مؤید:

... کمک به ظالم و تقویت او حرام است و موجب خدشه در عدالت شخص می شود.

آیت الله عبدالکریم اردبیلی:

... شرکت در این مجلس در بحرین و قبول منصب و دریافت حقوق از آن جایز نیست و این کار بدتر از بیع خمر و خوردن گوشت خنزیر است.

آیت الله شیخ ناصر مکارم شیرازی:

دخول در این گونه مجالس شرعا حرام است و مسؤولیت بزرگی دارد.

فقها و مجتهدین در خصوص ارتباط سخنرانان و وعاظ منبر حسینی با این مجلس فتوا داد ه اند:

آیت الله شمس الدین واعظی:

... وقتی می گوییم که همکاری با آنان جایز نیست، در این حکم فرقی میان سخنران، امام جماعت و غیره نیست.

آیت الله عبدالکریم اردبیلی :

برای سخنرانان حرام است که دعوت دولت بحرین و حضور در مجالس آنان را بپذیرد حتی اگر برای بیان احکام و مصائب اهل بیت علیه السّلام باشد.

آیت الله شیخ مرتضی بنی فضل:

... جایز نیست که سخنرانان منبر حسینی، با طرح مذکور ارتباط داشته باشند.

آیت الله شیخ حسین مؤید:

بر طبق فرض سئوال، ارتباط با آن جایز نیست.

آیت الله شیخ ناصر مکارم شیرازی:

... مبلغین باید نسبت به عواقب

این توطئه ها آگاه باشند و از آن اجتناب ورزند.

فقها بر ضرورت استقلال مراکز دینی تأکید کردند و درباره موافقت یا عدم موافقت طلاب و اهل علم با سپردن حوزه به دست مجلس اعلا، نظر خود را ارائه کردند:

آیت الله شیخ حسین مؤید :

موافقت با آنچه که در سؤال آمده است جایز نیست و باید برای ناکام ساختن این طرح تلاش نمود و از استقلال و پاکی مراکز دینی حفاظت نمود.

آیت الله شمس الدین واعظی:

... فضلا نباید به این طرح گرایش نشان دهند بلکه هر طلبه و صاحب فضیلتی باید با آن مخالفت کند.

ص: ۱۳۱

آیت الله شیخ مرتضی بنی فضل:

طلاب علوم دینی باید از حوزه هایی که زیر نظر این طرح دولتی هستند، دوری کنند.

آیت الله سید عبدالکریم اردبیلی:

جایز نیست که طلاب علوم دینی و علمای محترم با این مجلس ارتباط داشته باشند، بلکه باید از آن دوری کنند تا در شمار یاوران ظالمان و دشمنان دین قرار نگیرند.

بیانیه شورای اسلامی علما در خصوص تخریب دو مسجد شیعی

اسلام برای مسجد احترام و قداست خاصی قائل شده است و احترام مسجد واجب است و به هیچ وجه تعدی و تجاوز به مسجد جایز نیست. شورای اسلامی علمای دینی، ضمن اظهار تأسف از حادثه تخریب دو مسجد در منطقه توبلی، آن را بی توجهی به احکام شرعی و حرمت شکنی اسلام و مسلمین میداند. این شورا ضمن اهتمام و پیگیری این موضوع، از اداره اوقاف جعفری می خواهد که مسئولیت شرعی و قانونی را به عهده گرفته و نسبت به حل تمام مسائل زمین های وقفی و حمایت از آنها و نیز ثبت مساجد کهن و اراضی وقفی اقدام نماید و جلوی این گونه اقدامات تخریب گرانه را بگیرد. در پایان، ضرورت رسیدگی عاجل به این مسئله را مورد تأکید قرار داده

ص: ۱۳۲

و توصیه می کنیم که هرچه زودتر جلوی گسترش این مسئله گرفته شود.

شورای اسلامی علمای دینی

۷ رمضان ۱۴۲۶ ه- مصادف با ۱۱/۱۰/۲۰۰۵

بیانیه جمعیت توعیه اسلامی در مورد تخریب دو مسجد شیعی

بیانیه ای درخصوص تخریب مساجد

بسمه تعالی

مسجد به عنوان سنگر اسلام است و پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در سفر به مدینه، قبل از هر چیز مسجدی بنا کرد. مسجد مدرسی است که مسلمانان در آن معارف دینی، سیاسی، فکری و بلکه تمام امور دین و دنیای خود را از آن میگیرند. مسجد در شریعت اسلام ومخصوصاً در میان مسلمانان از احترام و قداست خاصی برخوردار است و با کمال تأسف با خبر گشتیم که دو مسجد از مساجد مسلمانان در یکی از روستا های بحرین تخریب گشته است. این واقعه در منطقه توبلی که ا هالی آنجا به دینداری و غیرت نسبت به مقدساتشان شناخته است روی داده است.

بنا به مسئولیت شرعی خود از مقامات مسئول میخواهیم تا برابر با مقررات قانونی و شرعی نسبت به این موضوع رسیدگی نمایند و از اداره اوقاف جعفری نیز میخواهیم تا نسبت به ثبت اراضی موقوفه اقدام نماید.

خداوند تمامی مسلمانان را از شر فتنه مصون دارد.

جمعیت اسلامی توعیه

۸ رمضان ۱۴۲۶ ه- . مصادف با ۱۲/ ۱۵ / ۲۰۰۵ م

بیانیه جناب شیخ حسین نجاتی در خصوص تخریب دو مسجد شیعی

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمدلله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین

اما بعد؛ خبر تخریب دو مسجد شیعی در نزدیکی ساحل خلیج توبلی که در روز پنجشنبه ۲/ رمضان / ۱۴۲۶ ه- مصادف با ۶/ ۱۰/ ۲۰۰۵ م روی داد و خبر آن در روزنامه های محلی منعکس گشت، برای شهروندان و مؤمنین خبر تأسف انگیزی بود. و جای تعجب است که در بلاد مسلمین خانه خدا به این آسانی موردتخریب قرار میگیرد و صرفنظر از اینکه این دو مسجد متعلق به مذهبی از مذاهب اسلامی بوده است، این نکته را نباید فراموش کرد که مسجد خانه خداست. چرا باید تخریب مساجد که خداوند آن را خانه ای برای طاعت و عبادت بندگان قرار داده است مباح دانسته شود؟ مخصوصاً در ماه رمضان و ماه نزول قرآن که جای آن دارد که در این ماه، مساجد با عبادت و نماز آباد گردد، ناگهان خبر تأسفبار تخریب مسجد، ما را غافل گیر میکند. اگر مسئله ریشه در اختلافات دارد، چرا اختلاف مورد نظر را به دادگاه ارجاع نمیدهید؟ چرا این مشکل را از کانال های قانونی و از طریق دستگاه قضایی پیگیری نکردید؟ چگونه یک طرف قضیه به خود جرأت داده است که در ماه رمضان که بزرگترین ماه ها در نزد خداوند است، دست به چنین رفتاری بزنند و بر مقدس ترین اماکن یعنی مسجد بتازد. از دستگاه قضایی می خواهیم هر چه سریعتر این مسئله را

بررسی نموده و حق مسجد را برگرداند. از اداره اوقاف و دیگر مقامات همچون شورای شهر که این دو مسجد در حوزه آنان بوده است می خواهیم برای احقاق حق و جلوگیری از تجاوز به مساجد اقدامات لازم را انجام دهند.

دفتر آیت الله شیخ حسین نجاتی

۸/ رمضان/ ۱۴۲۶ ه- . مصادف با ۱۲/ ۱۰/ ۲۰۰۵ م

علمای شیعه

اشاره

بحرین پس از عراق و ایران از عظیم ترین مراکز عالِم خیز و عالِم پرور جهان تشیع به شمار می رفته است. از صدر اسلام تا عصر حاضر، بسیاری از علما و بزرگان شیعه از این ناحیه برخاسته اند.

در این قسمت به بررسی تعدادی از علمای برجسته شیعی بحرین می پردازیم.

شیخ نصیرالدین بحرانی

شیخ نصیرالدین بحرانی(۱)

وی فقیه، متکلم، ادیب و شاعر بود و از سید فضل الله بن علی راوندی، روایت می کرده است.

منتجب الدین در فهرست می نویسد:

نصیرالدین، فقیهی بس متدین بود و در مدت مجاورتش در عراق، از مشایخ عراق استفاده کرد.

۱- نام کامل وی، شیخ نصیر الدین راشد بن ابراهیم بن اسحاق بن ابراهیم بحرانی است.

شیخ حر عاملی مؤلف أمل الآمل نیز نظیر این مطلب را نقل کرده است.

مؤلف کتاب ریاض العلماء و حیاض الفضلاء می نویسد:

از اجازه کبیره علامه حلی که به ابن زهره داده است، برمی آید که سید صفی الدین محمد بن سعد موسوی از شیخ نصیرالدین راشد روایت می کرده است.

از اجازه شیخ محمد، نواده شهید ثانی، که به ملا محمد امین استر آبادی داده است.

استفاده می شود که فقیه، ادیب، متکلم و لغوی بزرگ، نصیرالدین راشد بن ابراهیم بحرانی، از قاضی جمال الدین علی بن عبدالجبار طوسی، از پدرش شیخ طوسی روایت می کرده است و شیخ سدیدالدین یوسف بن مطهر، پدر علامه حلی، از وی روایت می کرده است.

شهید اول، در یکی از اسناد کتاب «اربعین» می نویسد:

شیخ جمال الدین احمد بن صالح قینی، از فقیه، عالم، متکلم و ادیب؛ ناصرالدین (نصیرالدین) راشد بن ابراهیم بن اسحاق بن بحرانی، از سید ابوالرضا فضل الله راوندی، از سید ابوصمصام ذوالفقار حسنی، از شیخ طوسی روایت می کرده است.(۱)

صاحب اعیان الشیعه وفات او را در سال ۶۰۵ ه- نوشته است.

ص: ۱۳۶

۱- میرزا عبدالله افندی اصفهانی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۲، ص ۳۱۶.

شیخ جمال الدین بن متوّج بحرانی متوفی ۸۲۰ ه- . ق)

شیخ جمال الدین بن متوّج بحرانی(۱) (متوفی ۸۲۰ ه- . ق)

او مردی عالم، فاضل، فقیه، خردمند و مجتهدی دانا بود که آرا و نظریات علمی او در کتب دانشمندان متأخّر ذکر شده است.

وی از شاگردان برجسته و مبرّز شیخ فخرالدین، فرزند بزرگوار علامه حلی، به شمار می رود. ابن ابی جمهور، در کتاب غوالی اللئالی می نویسد:

شیخ شهاب الدین احمد بن فهد بن ادریس مقری احسائی، معروف به «ابن فهد»، از ابن متوج روایت می کرده است.

وی در ادامه می نویسد:

من از شیخ و استاد و پدر حقیقی و نسبی خودم، ابوالحسن علی، و او از استادش، ناصرالدین، معروف به ابن نزار و او از استادش، جمال الدین حسن، مشهور به مطوّع احسائی، و او از شیخ نحریر علامه شهاب الدین احمد بن فهد و او از شیخ علامه خاتمه مجتهدان، المنتشر فتاویه فی جمیع العالمین، فخرالدین احمد بن عبدالله، مشهور به ابن متوّج بحرانی، از استادش فخر المحققین و او از پدرش، علامه حلی، روایت می کرده است.

فخرالدین احمد سبیعی، از شاگردان ابن متوّج، در آغاز شرحی که بر قواعد علامه نوشته است، ابن متوج را این گونه توصیف می کند:

ص: ۱۳۷

۱- نام کامل وی، شیخ جمال الدین و یا فخرالدین و یا شهاب الدین احمد بن عبدالله بن محمد بن علی بن حسن بن متوّج بحرانی است. وی بیشتر به «ابن متوّج» مشهور و معروف است.

و کان شیخنا الامام العلامه، شیخ مشایخ الاسلام و قدوه اهل النقض و الابرام، وارث الانبیاء و المرسلین، جمال الملّه و الدین احمد بن عبدالله ابن متوّج.

ابن متوج در زمان «شیخ مقداد»، مؤلف «کنز العرفان»، می زیسته است، هر جا که در آن کتاب به عنوان «قال المعاصر» اشاره کرده، مرادش «ابن متوج» بوده است.

وی از استادش، شیخ فخرالدین، فرزند علامه حلی، روایت می کرده است.

آثار:

۱. رساله ای در آیات ناسخ و منسوخ.

۲. تفسیری بر قرآن کریم: از این تفسیر در رساله اش نام برده و می نویسد: برای پی بردن به آیات ناسخ و منسوخ، تفسیر ویژ ه ای داریم.

۳. منهاج الهدایه فی شرح الکتاب الاحکام:

کتاب مختصری است که پس از تفسیرش تألیف کرده است.

۴. کفایه الطالبین فی اصول الدین: ابن ابی جمهور در رساله «کاشفه الحال عن احوال الاستدلال» از آن یاد کرده است.

۵. النهایه فی تفسیر خمسمائه آیه: این کتاب شامل مطالب مهمی است که فقه بر مدار آن می چرخد.

۶. الوسیله فی فتح مقفلات القواعد: ملا نظام الدین در نظام الاقوال می نویسد: «از جمله تألیفات ابن متوج، کتاب «الوسیله فی فتح مقفلات القواعد» است.»(۱)

ص: ۱۳۸

۱- میرزا عبدالله افندی اصفهانی، ریاض العلماء به نقل از ملا نظام الدین در نظام الاقوال فی معرفه الرجال.

۷. شرح ارشاد؛

۸. المقاصد؛

برخی از محققان کتاب «المقاصد» را از آثار ابن متوج می دانند. ابن متوج، در علوم ادبی و عربی صاحب نظر بود و اشعار بسیار و مراثی متعددی در شأن اهل بیت: سروده که تعداد ابیات آن به بیش از بیست هزار بیت می رسد که در دو مجلّد تدوین شده است.(۱)

ابن میثم بحرانی (تولد: ۶۳۶ – وفات ۶۷۹ یا ۶۸۹ یا ۶۹۹)

نامش شیخ مثیم بن علی بن میثم البحرانی است. در سال ۶۳۶ ه- در بحرین دیده به جهان گشود. از لحاظ جایگاه علمی با خواجه نصیر الدین طوسی هم عصر بوده و گفته شده است که خواجه نصیر الدین، استاد او در علم کلام بوده است. در حقیقت شهرت علمی او بیشتر به خاطر اشتهایش در علم کلام بوده است. به گونه ای که شیخ در شرحی که بر نهج البلاغه مولا علی علیه السّلام نوشته است از اسلوب کلامی و فلسفی تبعیت نموده است. شهرت شیخ بحرانی در عصر خود به حدی بوده است که عناوین فیلسوف و محقق و سر آمد فقهاء و محدثین و متکلم ماهر به او داده شده است. طریحی او را در فقه هم طراز خواجه نصیر الدین طوسی در علم کلام می داند.

علماء دانشمندان اسلامی درباره فضل و علم او مطالب فراوانی را ذکر کرد ه اند که در اینجا ما بعضی از این اقوال را ذکر می نماییم:

۱- میرزا عبدالله افندی اصفهانی، ریاض العلماء، ج ۱، ص ۷۷.

۱ – شیخ سلیمان البحرانی در کتاب «اسلافه البهیه» می گوید:

شیخ میثم بحرانی دارای کرامات عالی و فضائل بی شمار بوده است، در ذکر فضل او همین بس است که او را بالاتفاق امام همه ی عصر ها (ائمه الاعصار) و گل سر سبد تمامی فضلا در سرتاسر جهان اسلامی طی اعصار دانسته، لقب عالم ربانی به وی داد ه اند. کما اینکه تمامی علمای عصر، به این نکته اذعان داشته اند که در زمینه ی تحقیق حقایق امور، و نیز تصحیح و ویرایش اصول و مبانی، نظیر و مانندی نداشته است.

۲ – شیخ عباس قمی درکتاب «الکنی و الالقاب» راجع به ایشان می گوید:

او عالم ربانی و فیلسوف متبحر و محقق و حکیم متأله و مدقق، جامع علوم معقول و منقول، استاد فضلا و اندیشمندان .... و بی نظیر است.

۳ – شیخ محمد باقر خوانساری در کتاب «روضات الجنات» درباره شیخ میثم بحرانی می آورد:

شیخ میثم از علمای فاضل و محقق، و متکلمی ماهر بوده است که تألیفات فراوانی داشته است ... .

تعدادی از اساتید او عبارتند از:

۱ – شیخ محمد طوسی، معروف به خواجه نصیر الدین.

۲ – شیخ اسعد بن عبد القاهر اصفهانی.

۳ – شیخ علی بن سلیمان بحرانی.

اما راجع به شاگردان او باید گفت که ایشان شاگردان فراوانی داشته است که

ما در اینجا به جهت عدم اطاله کلام به ذکر چند تن از آنها بسنده می کنیم:

۱ – شیخ محمد طوسی، معروف به خواجه نصیر الدین طوسی.

۲ – شیخ حسن حلی، معروف به علامه حلی.

۳ – شیخ محمدبن جهم اسلامی حلی.

۴ – شیخ عبد الله بن صالح بحرانی.

۵ – سید عبد الکریم بن طاووس.

شیخ میثم بحرانی دارای تألیفات ارزنده فراوانی بوده است که مهمترین آنها عبارت است از:

۱ – منهاج العارفین فی شرح کلام امیرالمؤمنین علیه السّلام

۲ – استقصاء النظر فی امامه الائمه الاثنی عشر.

۳ – النجاه فی القیامه فی تحقیق امر الاماه.

۴ – شرح الاشارات للشیخ علی البحرانی.

۵ – شرح مائه کلمه الأمیرالمؤمنین علیه السّلام.

۶ – قواعد المرام فی علم الکلام.

۷ – اختیار مصباح السالکین.

۸ – شرح حدیث المنزله .

۹ – المعراج الحاوی.

۱۰ – مصباح السالکین.

۱۱ – الوحی و الإلهام.

۱۲ – تجرید البلاغه .

۱۳ – البحر الخضم.

۱۴ – غایه النظر.

۱۵ – آداب البحث.

وفات شیخ به سال ۶۷۹ ه- در بحرین اتفاق افتاده است و در همان جا به خاک سپرده شده است.

الشیخ عبد الله البحرانی الاصفهانی (وفات ۱۱۳۰)

اثر وی عبارت است از: ۱- عوالم العلوم و المعارف و الاحوال من الآیات و الاخبار و الاقوال در ۱۷ جلد.

الشیخ علی البحرانی (وفات ۱۳۴۰)

نام کامل وی: الشیخ علی بن الشیخ حسن البلادی البحرانی بوده است.

آثار وی عبارتند از: ۱ – انوار البدرین فی تراجم علماء القطیف و الإحساء و البحرین.

۲ – منار الهدی؛ النص علی امامه الائمه الاثنی عشر.

سید عبدالله غریفی البلادی (متوفی ۱۱۶۵ ه-)

سید عبدالله غریفی البلادی(۱) (متوفی ۱۱۶۵ ه-)

وی در بلاد قدیم، یکی از شهر های بحرین، به دنیا آمد.

سال تولد وی را ۱۰۹۰ ه- نوشته اند. پس از تصرف و اشغال بحرین توسط بیگانگان، به ایران آمد و در بهبهان رحل اقامت افکند.

در درس محدث بزرگ، عبدالله بن صالح سماهیجی بحرانی حضور یافت و از محضر وی استفاده ها برد و پس از فوت استادش، سماهیجی، در سال ۱۱۳۵ ه- امامت جمعه و جماعت بهبهان را بر عهده گرفت.

۱- نام کامل وی، عبدالله بن علوی بن الحسین بن الحسن بن عبدالله الموسوی الغریفی البلادی البحرانی است که «بهبهانی» نیز به او گفته می شود.

وی پس از سـال هـا تلاش و جهـاد در راه کسب علم و دانش و معـارف اهل بیت:، در سال ۱۱۶۵ ه- در شـهر بهبهان درگذشت.(۱)

شیخ صالح بن عبدالکریم کرزکانی بحرانی (متوفی ۱۰۹۸ ه-)

شیخ صالح از علمای بزرگ قرن یازدهم هجری و از مردم «کرزکان بحرین» بوده است. او فاضلی پرهیزگار و فقیهی عالیقدر بود که در راه خدا بسیار تلاش می کرد. وی در شیراز می زیست و زعامت دینی آن سامان را بر عهده

داشت، به امر به معروف و نهی از منکر می پرداخت که به طور کامل از عهده آن برمی آمد.

بزرگان لشکری و کشوری از وی پیروی می کردند و به تقوا و پرهیزگاری وی معترف بودند. وی در شیراز، علوم اسلامی را ترویج می کرد و خود نیز به تدریس آنها اشتغال داشت. هنگامی که خلعت قضاوت و حکم آن را به وی تسلیم کردند، از پوشیدن خلعت خودداری کرد و پس از اصرار زیاد و این که ممکن است سلطان بر وی خشمناک شود، خلعت قضاوت را مانند عبایی بر دوش می افکند.

وی با شیخ جعفر بن کمال الدین رویسی بحرانی (۱۰۸۸ ه-)، به سختی در بحرین روزگار می گذراندند.

هر دو به شیراز آمدند، پس از مدتی تصمیم گرفتند تا یکی از آنها به هند برود و هر کدام موقعیت بهتری پیدا کردند، دیگری را کمک نماید، اما به خواست خداوند، هر دو در شیراز و هند از مقامی بس عالی و مرجعیتی کافی برخوردار شدند.

۱- جعفر سبحانی، موسوعه طبقات الفقهاء، ج ۱۲، ص ۱۹۰، ناشر مؤسسه امام صادق علیه السّلام قم.

آثار وی عبارتند از:

۱. رساله در تفسیر اسماء الحسنی؛

۲. رساله فخریه.

۳. رساله جبائر.

وی از سید نورالدین علی عاملی روایت می کرد و شیخ سلیمان ماحوزی نیز از شیخ صالح بن عبدالکریم کرزکانی بحرانی روایت می کرد.

سرانجام، این عالم فاضل و فقیه محدث، صالح و زاهد و عابد، در سال ۱۰۹۸ ه- در شهر شیراز درگذشت و در جوار حضرت سید علاءالدین حسین به خاک سپرده شد.(۱)

السید هاشم توبلانی البحرانی متوفی ۱۱۰۷ ه-)

السید هاشم توبلانی البحرانی(۲) (متوفی ۱۱۰۷ ه-)

شیخ یوسف آل عصفور بحرانی، صاحب حدائق و کتاب لؤلؤه البحرین می نویسد:

زعامت کشور به او ختم می شد، قضاوت [عادلانه] را در کشور برپا کرد، امور حسبیّه را به عهده گرفت و به بهترین شکل انجام داد، دست ظالمان و حاکمان [ظالم] را قطع کرد، امر به معروف و نهی از منکر را گسترش داد، در مورد دین و مسائل دینی و انجام وظایف دینی، لحظه ای آرام و قرار نداشت. او از پرهیزگاران زمان خود بود، با ستمگران و

۱- انوار البدرین، ص۱۲۷، لؤلؤه البحرین، ص۶۸، أمل الآمل، ج ۲، ص۱۳۵.

۲- نام کامل وی، السید هاشم بن سلیمان بن الجواد بن علی بن سلیمان بن ناصر الحسینی الکتکتانی التوبلی البحرانی است.

دشـمنان اسـلام به شـدت برخورد می کرد مگر کسانی که به مسائل و احکام اسـلامی ولو به صورت کوتاه و انـدک عمل می نمودند.

شیخ حر عاملی می نویسد:

وی، عالم، فاضل، جامع، فقیه مدقق و عارف بالتفسیر و الرجال بود.

صاحب ریاض العلماء و حیاض الفضلاء می نویسد:

له ما یساوی خمس و سبعون مؤلّفا بین کبیر و صغیر و وسیط، اکثر ها فی العلوم الدینیه.

مرحوم نوری، صاحب مستدرک، به سید هاشم توبلانی بحرانی استناد می کند.

آثار وی عبارتند از:

۱. البر هان فی تفسیر القرآن.

این کتـاب در سال ۱۳۳۴ ه- . ش (به صـورت سـنگی)، در ۴ جلـد بزرگ چاپ شـد و در سال ۱۴۲۰ ه- توسط مؤسـسه بعثت تجدید چاپ گردید.

۲. حلیه الابرار فی احوال محمد و آله الاطهار علیه السّلام.

این کتاب در ۲ جلد و در سال ۱۳۹۷ ه- توسط ابوالقاسم سالک منتشر شده است.

۳. غایه المرام و حجه الخصام فی تعیین الامام من طریق الخاص و العام؛

این کتـاب توسط شـیخ محمـد تقی بن علی الـدزفولی به نام «کفایه الخصام فی ترجمه غایه المرام» به فارسـی برگردانـده شـده است.

۴. المحجه فیما نزل فی الحجه؛

این کتاب با تحقیق «محمد منیر المیلانی» در سال (۱۴۰۳ ه- - ۱۹۸۳ م.) در مؤسسه «الوفاء» بیروت به چاپ رسید.

۵. مدینه المعاجز و اصول الدلائل؛

این کتاب در مورد دلایل و معجزات ائمه معصومین: است که در سال ۱۲۹۰ در تهران به چاپ رسید.

۶. مناقب امیرالمؤمنین علیه السّلام؛

این کتاب تحت عنوان «علی علیه السّلام و السنه» با تحقیق شیخ نجم الدین عسکری در سال ۱۳۷۲ ه- در بغداد به چاپ رسید.(۱)

۷. مدینه المعاجز لائمه الاثنی عشر و دلائل الحجج علی البشر.

۶. کشف المهم فی طریق خبر غدیر خم.

عبد العظیم المهتدی البحرانی (معاصر)

اثر وی: «من اخلاق الامام الحسین علیه السّلام» می باشد.

شیخ نورالدین عبد الله البحرانی (۱۱۱۱ ه-)

شیخ نورالدین عبد الله البحرانی(۲) (۱۱۱۱ ه-)

مرحوم علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی، او را این گونه معرفی می کند:

عبدالله البحرینی، نورالدین، تلمیذ المجلسی الثانی و مؤلف العوالم... .

۱- محمد حسین الحسینی الجلالی، فهرس التراث، ج ۲، ص ۲۱.

۲- نام کامل وی، المولی نور الدین عبدالله بن نورالله بحرانی است.

و از مرحوم حاج شیخ حسین نوری، صاحب مستدرک الوسائل نقل می کند:

کتاب عوالم نورالله بحرانی، همانند کتاب استادش مجلسی، بحارالانوار، است اما در یک قالب و صورت دیگر.

در ادامه می نویسد:

[کتاب عوالم]؛ کتابی حدیثی است و بیشتر معارف و [مباحث] عقلی از آن حذف شده است.

جلالی می نویسد:

جای بسی تعجب است که [مرحوم نوری] به جز کتاب عوالم، از آثار دیگر او اطلاع ندارد و او را به جز عوالم با اثر دیگری معرفی نمی کند.

نورالله بحرانی در مقدمه کتابش – همان گونه که در نسخه موجود در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی; آمده – می نویسد:

«... ثم اعلم أنی نقلت فی هذا الکتاب من شیخی و معتمدی... مولانا محمد باقربن محمد تقی المجلسی... .»

آثار وی عبارتند از:

۱. عوالم العلوم و المعارف:

مرحوم شیخ آغا بزرگ تهرانی در «الذریعه الی تصانیف الشیعه» می نویسد:

الف) الموسوم جامع العلوم و المعارف و الأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال؛

کتابی بزرگ با بیش از مجلدات بحارالانوار است. تعداد

مجلدات آن را بالغ بر یکصد جلد نوشته اند که همه از تألیفات عالم، محقق و محدث بزرگ، شیخ عبدالله بن نورالدین، یا نورالله بحرانی، شاگرد مرحوم محمد باقر مجلسی است. سپس هر یک را به طور خلاصه این گونه توضیح می دهد:

کتاب «مقتل»، که در سال ۱۳۱۸ ه- به چاپ رسید.

۱۴ جلد (۴۱ — ۵۴) و جلد آخر آن، در مورد غیبت است.

جلد ۲۶ آن؛ به خط مؤلف در شهر نجف اشرف و نزد سید حسن اشکوری است.

جلد ۱۳ آن؛ در مطاعن، قطع کوچک، در نجف و نزد شیخ علی اکبر خوانساری است.

جلد ۶ آن؛ در تاریخ زندگی پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله، نزد سید علی بن محمد کاظم الطباطبائی است.

جلد ۸ آن؛ با موضوع شهادت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام.

جلد ۵ و ۶ آن؛ با موضوع احوال امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام.

جلد ۱۲ و ۱۵ آن؛ در کتابخانه سپهسالار در تهران نگهداری می شود.

جلد ۹ آن؛ در کتابخانه یزدی درشهر نجف اشرف است.

جلد ۲۷ آن؛ با موضوع آسمان و جهان و احوال علی و الخلق.

و دیگر آثار المولی نورالدین عبدالله بن نورالله بحرانی که به دلیل جلوگیری از اطاله سخن، از ذکر دیگر آثار وی خودداری می کنیم.

ص: ۱۴۸

سلیمان الماحوزی (۱۰۷۵ ه- - ۱۱۲۱ ه-)

سلیمان الماحوزی[(۱)] (۱۰۷۵ ه- - ۱۱۲۱ ه-)

خودش، در رساله فی علماء البحرین می نویسد:

پدرم می گوید: شب پانزدهم رمضان سال ۱۰۷۵ ه- به دنیا آمدم. در سن ۷ سالگی موفق به حفظ قرآن کریم شدم و در سن ۱۰ سالگی شروع به تحصیل علوم دینی کردم که تا کنون که سال ۱۰۹۹ ه- است، به تحصیل علوم دینی مشغول می باشم.

شاگرد وی، شیخ عبدالله سماهیجی البحرانی، می نویسد:

استادم، شیخ سلیمان ماحوزی، در حفظ، دقت، سرعت انتقال جواب در مناظرات از عجایب روزگار به شمار می رفت و علاوه بر آن از زبانی شیوا و رسا برخوردار بود. من تاکنون مانند او را ندید ه ام.

او در نقل اخبار و روایات مورد اطمینان بود و مرحوم نوری در المستدرک و الجزائری در اجازه الکبیره و مرحوم مرعشی در اجازه الکبیره به او استناد کرد ه اند.

شیخ یوسف آل عصفور بحرانی می نویسد:

انصاف، صفات نیکو، تواضع، ورع، تقوا و آرامش روحی از صفات برجسته او بود که در هیچ یک از علما به اندازه او وجود نداشت.

۱- نام کامل وی شیخ شمس الدین سلیمان بن عبدالله بن علی بن حسن بن احمد بن یوسف بن عمار الماحوزی است.

اصل او از روستا های خارج از «ستره» بود.

وی در روستای «ماحوزی» به دنیا آمد و سپس به «بلاد قدیم» رفت و در آنجا سکنی گزید و در ۱۷ رجب سال ۱۱۲۱ ه- در «بلاد قدیم» در گذشت.

آثار ماحوزی عبارتند از:

بلغه المحدثین؛ این اثر با تحقیق «عبدالزهراء العونیاتی» و تحت عنوان «معراج اهل الکمال»

تنبیه النائم و انقاذ الهائم؛ موضوع این اثر، آداب و مواعظ است که نسخه هایی از آن، به خط مؤلف در کتابخانه مرحوم شیخ آغا بزرگ تهرانی موجود است.

الجوهره الفریده؛ این اثر در یکصد صفحه و در بیان آداب و مواعظ است که در کتابخانه شیخ آغا بزرگ تهرانی، صاحب الذریعه الی تصانیف الشیعه، موجود است.

فهرست آلبویه و علماء بحرین؛ این اثر را سید احمد حسینی گردآوری کرده است که در منشورات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی; به چاپ رسید.

معراج أهل الکمال الی معرفه الرجال؛ این اثر با تحقیق سید مهدی رجایی، در سال ۱۴۱۲ ه- در شهر قم به چاپ رسید.

هدایه القاصدین؛ این اثر در بیان مواعظ است. نسخه هایی از آن و به خط مؤلف درکتابخانه شیخ آغا بزرگ تهرانی، صاحب الذریعه الی تصانیف الشیعه، موجود است.

ص: ۱۵۰

عبد علی آل عصفور الدّرازی

عبد علی آل عصفور الدّرازی(۱)

نام کامل وی، عبدعلی بن احمد بن ابراهیم بن احمد بن صالح بن عصفور الدرازی البحرانی است. وی برادر شیخ یوسف بحرانی، صاحب حدائق، است.

وی از فقیهان، محدثان و عالمان بزرگ شیعی به شمار می رود.

سال تولّد وی مشخص نیست اما آقا بزرگ تهرانی می نویسد:

عبدعلی بن احمد عصفور الدرازی، قبل از سال ۱۱۸۲ ه- در شهر کربلاـ درگذشت و در یکی از رواق های حرم مطهر سیدالشهداء، امام حسین علیه السّلام، به خاک سپرده شد.

اساتید:

وی از محضر اساتید بزرگی چون حسین بن محمد بن جعفر ماحوزی بحرانی بهره برد. وی از استادش، حسین بن محمد بن جعفر ماحوزی بحرانی، و پدرش، احمد بن ابراهیم، و عبدالله بن احمد البلادی، روایت می کرد.

آثار:

کتاب احیاء معالم الشیعه بأخبار الشریعه؛ در موضوع فقه.

۱. رساله ای در ارث، سؤال و جواب در مسائل فقهی؛

۲. نظریه و فتوای معروف بلند خواندن تسبیحات اربعه در دو رکعت پایانی نماز، منسوب به اوست.

۱- جعفر سبحانی، موسوعه طبقات الفقهاء، ج ۱۲، ص ۱۶۹، ناشر مؤسسه امام صادق علیه السّلام، قم.

علی البلادی

علی البلادی(۱)

نام کامل وی، علی بن احمد البلادی البحرانی است. وی از عالمان و فقیهان بزرگ امامیه به شمار می رود.

البلادی؛ از محضر فقیه بزرگ، سلیمان بن عبدالله بن علی الماحوزی (متوفی ۱۱۲۱ ه-) استفاده کرد و علاوه بر استادش از علی بن الحسن بن یوسف البلادی و محمود بن عبدالسلام المعنی البحرانی روایت می کرد.

وی با توجه به استعداد فوق العاد ه ای که داشت، در بیشتر علوم و فنون به ویژه حکمت و کلام مهارت زیادی پیدا کرد.

البلادی البحرانی به تدریس فقه و حدیث پرداخت و افراد بزرگی چون یوسف بن احمد بن ابراهیم العصفوری الدرازی و برادرش، عبدعلی العصفوری، و حسین بن محمد بن عبدالنبی السنبسی (السبّسی) البحرانی، و محمد بن علی بن عبدالنبی المقابی در کلاس درس فقه و حدیث او شرکت می کردند.

وی به حسن بن محمد بن علی بن خلف البحرانی الدِّمَستانی، اجازه روایت داد.

آثار وی عبارتند از:

۱. رساله ای به نام فی ثبوت الدعوی علی المیت بالشاهد و الیمین؛

۲. رساله ای به نام فی وجوب جهاد العدو فی وقت الغیبه؛

۳. رساله هایی در علم کلام.

۴. رساله ای به نام فی نفی الجزء الذی لا یتجزّء؛

۵. رساله ای به نام فی تقسیم الکلمه؛

ص: ۱۵۲

۱- استاد جعفر سبحانی، موسوعه طبقات الفقهاء، ج ۱۲، ص ۲۵۳، ناشر مؤسسه امام صادق علیه السّلام، قم.

۶. شرح رساله استادش، سلیمان ماحوزی، فی المنطق؛

۷. اجوبه مسائل، السید محمد بن شرف الصندید.

شیخ عصفور در مورد شخصیت عبدالله بن علی بن احمد البلادی البحرانی می نویسد:

او امام جمعه و جماعت شهر شیراز بود. وقتی استادش به شیراز آمد، به عبدالله بن احمد البلادی، شاگردش، اقتدا کرد.

وی در سال ۱۱۴۸ ه- در شهر شیراز درگذشت و در جوار حرم مطهر حضرت احمد بن موسی، فرزند امام کاظم و برادر امام رضاعلیه السّلام و حضرت معصومه علیهاالسّلام، شاهچراغ، به خاک سپرده شد.

محمد آل عصفور الدرازی

محمد آل عصفور الدرازی(۱)و(۲)

وی برادر دیگر شیخ یوسف بحرانی، صاحب کتاب «حدائق الناضره» است.

وی، فقیه، شاعر و محدث بزرگ و از بزرگان شیعه در بحرین است.

وی در سال ۱۱۱۲ ه- در روستای «ماحوز» بحرین به دنیا آمد.

از اساتید بزرگی چون حسین بن محمد بن جعفر الماحوزی و احمد بن عبدالله بن الحسن البلادی دانش آموخت. در بسیاری از علوم و فنون مهارت پیدا کرد، سپس به تدریس و تألیف روی آورد و بر کرسی «افتاء» تکیه زد و به عنوان یکی از علمای بزرگ و مورد اعتماد مردم شناخته شد.

۱- استاد جعفر سبحانی، موسوعه طبقات الفقهاء، ج ۱۲، ص ۲۵۳.

۲- نام کامل وی، محمد بن احمد بن ابراهیم بن احمد بن صالح بن عصفور البحرانی الدرازی است.

دو فرزندش به نامهای؛ حسن و احمد، از وی اجازه روایت گرفتند.

آثار وی عبارتند از:

۱ - مرآه الاخبار فی احکام الاسفار؛

۲ - رساله فقهی منجزات المریض؛

۳ - رساله فقهی الطلاق ثلاثاً فی مجلس واحد؛

۴ - رساله فقهی ما یترتب علی من لا یحلّ نکاحها؛

۵ - رساله فقهی حکم المفقودین؛

۶ - رساله فقهی الاستیجار لرثاء الحسین علیه السّلام؛

۷ - رساله فقهی الحدث فی اثناء الغسل؛

۸ - رساله فقهی المتنفّل وقت الفریضه؛

۹ - رساله فقهی وجوب الاحتیاط برکعه و رکعتین؛

۱۰ - رساله فقهی صلاه الجمعه و اعمال لیلها و یومها.

همچنین آثار دیگری از او نیز نوشته اند که عبارت اند از:

الضرام الثاقب فی مقتل سیدنا علی بن ابیطالب علیه السّلام؛

تتمیم، أوراد الابرار فی مآتم الکرار، معروف به اسفار حسن بن محمد دمستانی؛

رساله فی اصول الدین؛

دیوان فی رثاء الحسین علیه السّلام؛

أجوبه مسائل مبسوطه.

در مورد تاریخ درگذشت وی، اقوال مختلفی، ذکر شده است؛ برخی سال

۱۱۸۲ ه- و برخی دیگر بعد از آن را نوشته اند. پس از جمع میان این دو نظر می توان گفت:

وی در زمان تألیف کتاب «لؤلؤه البحرین» زنـده بوده است و پایان تألیف این کتاب روز یازدهم ربیع الاول سال ۱۱۸۲ ه- بوده است.

پس می توان گفت: محمد بن احمد بن ابراهیم بن احمد بن صالح بن عصـفور بحرانی الدرازی، بعد از روز یازدهم ربیع همان سال، درگذشته است.

حسن الدِمَستانی

نام کامل وی، حسن بن محمد بن علی بن خلف بن ابراهیم بن ضیف الله الدمستانی بحرانی است.

وی از فقهـا، ادبا و شـعرای بزرگ شـیعی بود و از فقها و بزرگانی چون عبـدالله بن علی بن احمـد البلادی (متوفی ۱۱۴۸ ه-) و معمّر الحسین بن محمد بن جعفر الماحوزی روایت می کرد.

وی در دو علم حدیث و رجال صاحب نظر بود. وی مشرب اخباری داشت، اما اهل تحقیق و دقت نظر بود.

در مـدت زمان انـدکی، در سـرزمین خود مشـهور شد و مردم برای حل مسائل خود به او مراجعه می کردند. فرزندش احمد از محضـر پـدر اسـتفاده کرد و از او اجازه روایت دریافت کرد. از دمسـتان، پس از حوادث آنجا، به ایران آمد و در بندر بوشـهر، اقامت گزید. پس از مدتی به زیارت امام رضاعلیه السّـلام به شـهر مشهد رفت و پس از بازگشت از سفر خراسان، راهی قطیف شد و در همان شهر، در ربیع الاول سال ۱۱۸۱ ه- در گذشت.

ص: ۱۵۵

آثار وی عبارتند از:

۱ – انتخاب الجیّد من تنبیهات السید (خطّی)(۱)؛ این اثر، منتخب و برگزیده کتاب«تنبیه الاریب فی ایضاح رجال التهذیب»؛ سید هاشم توبلانی بحرانی است.

۲ – رساله فی الجهر و الأخفات؛

۳ – منظومه تحفه الباحثین فی اصول الدین؛

۴ – منظومه فی نفی الجبر و التفویض؛

۵ – رساله فی التوحید؛

۶ – أرجوزه فی التوحید؛

۷ – أرجوزه فی اثبات الامامه و الوصیه؛

۸ – أوراد الابرار فی مآتم الکرار؛ این اثر، در بحرین به «اسفار» معروف و مشهور است.

۹ – دیوان اشعار؛ وی دارای مراثی مشهوری است که در مجالس سوگواری امام حسین علیه السّلام خوانده می شود که مشهورترین آنها، قصیده المرابعه المشتمله علی نظم المقتل است.

صاحب محقق البحرانی

صاحب محقق البحرانی (۲)و(۳) (۱۱۸۶ – ۱۱۰۷ ه-)

شیخ یوسف بحرانی

وی در سال ۱۱۰۷ ه-، در روستای ماحوز، از روستا های بحرین، به دنیا آمد.

در دوران طفولیت صرف و نحو را نزد پدرش آموخت.

۱– این اثر با کوشش انتشارات «دارالطیبه» قم به چاپ رسیده است.

۲– استاد جعفر سبحانی، موسوعه طبقات الفقهاء، ج ۱۲، ص ۴۳۶، ناشر مؤسسه امام صادق علیه السّلام، قم.

۳– نام کامل وی، یوسف بن احمد بن ابراهیم بن احمد بن صالح بن عصفور البحرانی الدرازی است.

پـدر وی با خانواد ه اش، به خاطر بروز حوادث ناگوار در بحرین، به قطیف رفت وصاحب حـدائق که فرزند ارشد وی بود، در روستای «شاخوره» ماند.

صاحب حـدائق، پس از چنـد سال اقامت در «شاخوره» برای دیـدار پدر عازم قطیف شد و تا زمان وفات پدرش، در سال ۱۱۳۱ ه-، به مدت دو سال، در شـهر قطیف ماند و به تحصیل نزد حسین بن محمد بن جعفر بن ماحوزی بحرانی مشغول شد. سپس به بحرین بازگشت و به تحصیل نزد احمد بن عبدالله بن الحسن و عبدالله بن علی بن احمد بلادی بحرانی ادامه داد.

از آنجایی که صاحب حـدائق، اهل حـدیث بود، برای دقت بیشتر در علم حدیث و آگاهی از صـحت احادیث، به قطیف و نزد استادش، ماحوزی، رفت. پس از دیدار استادش، به بحرین بازگشت و چون حوادث ناگواری در سرزمین بحرین، پس از کشته شدن سـلطان حسـین صفوی در سال ۱۱۳۵ ه- ، رخ داده بـود، صـاحب حـدائق به سوی ایران حرکت کرد و در شـهر «کرمـان» رحل اقامت افکند. سپس به شیراز رفت و مورد احترام و اکرام حاکم وقت شیراز قرار گرفت.

وی مدت کوتاهی، برای تدریس، تصـنیف،اقامه نماز جمعه و جماعت و پاسـخگویی به مسائل مختلف، در شهر شیراز زندگی کرد اما با بروز حوادثی در این منطقه، وی به سوی مقصـد نامعلومی حرکت کرد و بالاخره در «فسا» سـکونت کرد و در مـدت اقامت خود در فسا به مطالعه و تصنیف مشغول بود.

به دلیـل بروز مشـکلات و گرفتـاری هـای زیـاد، صاحب حـدائق، به اصـطهبانات و از آنجا به سوی عراق کوچ کرد و در شـهر کربلا ساکن شد.

کربلا؛ در آن زمان، یکی از بزرگترین و مهم ترین مراکز علمی به شـمار می آمـد. وی، در شـهر کربلا، به تدریس و تصـنیف روی آورد و با محقق و اصولی بزرگ، وحید بهبهانی (متوفی ۱۲۰۶ ه-) مناظرات زیادی انجام داد.

ص: ۱۵۷

ابو علی حائری در «منتهی المقال» می نویسد:

استادش (صاحب حدائق) ابتدا اخباری بود اما به میانه رَوی، روی آورد و طریقه وسطی، همان طریقه علامه مجلسی، را برگزید.

صاحب حدائق، به زودی مشهور شد و در زمره بزرگان زمان خود که به علم و تخصص در علوم و فنون مانند فقه و حدیث مشهور بودند، محسوب می شد.

بسیاری از فقها و بزرگان از شاگردان اوبودند و از او روایت می کردند مانند؛ سید احمد طالقانی نجفی (متوفی ۱۲۰۸ ه-)، سید عبدالباقی بن محمد حسین خاتون آبادی، سید احمد عطار بغدادی شاعر، حاج معصوم، سید شمس الدین مرعشی نجفی نسّابه (متوفی ۱۲۰۰ ه-)، سید محمد مهدی بحر العلوم نجفی، محمد بن علی شوشتری حائری، محمد مهدی نراقی، میرزا محمد مهدی شهرستانی، سید میرزا محمد مهدی بن هدایت الله اصفهانی (شهید به سال ۱۲۱۸ ه-)، محقق بزرگ میرزا ابوالقاسم قمی، موسی بن علی البحرانی، سلیمان بن معتوق عاملی، محمد مهدی فتونی، ابو علی محمد بن اسماعیل حائری، برادرزادگانش؛ خلف بن عبدعلی بن احمد و حسین بن محمد بن احمد، سید عبدالعزیز بن احمد الصافی النجفی، محمد علی معروف به ابن سلطان و زین العابدین بن محمد کاظم.

آثار وی عبارتند از:

۱. الحدائق الناظره الی احکام العتره الطاهره(۱) در ۲۵ جلد با موضوع فقه.

۲. الدرر النجفیه من الملتقطات الیوسفیه. در فقه.

۱- .الحدائق الناظره فی الفقه العتره الطاهره.

۳. الرساله المحمدیه فی احکام المیراث الابدیه.

۴. مناسک حج.

۵. عقد الجواهر النورانیه فی أجوبه المسائل البحرانیه.

۶. اللآلی الزّواهر فی تتمه عقد الجواهر.

۷. حاشیه علی «مدارک الاحکام...» تألیف سید محمد بن علی عاملی، که نامش تدارک المدارک است.

۸. رساله قاطعه القال و القیل فی نجاسه الماء القلیل.

۹. الکنوز المودعه فی اتمام الصلوه فی الحرم الاربعه.

۱۰. الرساله الصلاتیه متناً و شرحاً.

۱۱. الرساله الصلواتیه المنتخبه منها.

۱۲. معراج النبیه فی شرح «من لا یحضره الفقیه...»، تألیف شیخ صدوق.

۱۳. لؤلؤه البحرین فی الاجازات و تراجم رجال الحدیث(۱) (چاپ شده است).

۱۴. انیس المسافر و جلیس الحاضر (کشکول).

۱۵. أجوبه المسائل البهبهانیه.

۱۶. أجوبه المسائل الشیرازیه.

۱۷. أجوبه المسائل الکازرونیه.

۱۸. أجوبه المسائل الدمستانیه.

۱۹. أجوبه المسائل الشاخوریه.

۱- با نام «لؤلؤالبحرین فی اجازه قرتی العین» نیز چاپ شده است.

۲۰. أجوبه المسائل النعیمیه.

۲۱. الأربعون حدیثاً.

۲۲. إعلام القاصدین الی اصول الدین.

۲۳. کتاب الخطب للجمع و الاعیاد.

سرانجام در روز چهاردهم ربیع الاول سال

۱۱۸۶ ه- ، در شهر کربلا، روح بلند صاحب حدائق به ملکوت اعلی پیوست.

جمع کثیری از علما، فقها و بزرگان در مراسم تشییع و تدفین او شرکت کردند و محقق بزرگ وحید بهبهانی بر بدن صاحب حدائق، نماز گزارد.

بدن شریف صاحب حدائق را در رواق پایین پای امام حسین علیه السّلام به خاک سپردند.

حسین العصفوری (متوفی ۱۲۱۶ ه-)

حسین العصفوری(۱)و(۲) (متوفی ۱۲۱۶ ه-)

سال تولد وی به طور دقیق بیان نشده است اما نوشته اند که وی از قبیله معروف «عبدالقیس» بوده است. وی یکی از فقها، بزرگان و مشاهیر علمای شیعه بوده است.

بزرگ اخباریین در عصر خود بود و در فقه و حدیث سرآمد زمانش بود. اطلاعات عمومی بسیار خوبی داشت و در قوت حافظه ضرب المثل بود.

۱- استاد جعفر سبحانی، موسوعه طبقات الفقهاء، ج ۱۲، ص ۲۵۳ و ۲۲۶، ناشر مؤسسه امام صادق علیه السّلام، قم. استاد جعفر سبحانی، موسوعه طبقات الفقهاء، ج ۱۳، ص ۲۲۶، ناشر مؤسسه امام صادق علیه السّلام، قم.

۲- نام کامل وی، حسین بن محمد بن احمد بن ابراهیم بن احمد بن صالح بن احمد بن عصفور العبدی، الدرازی، الشاخوری، البحرانی است.

از عمویش، شیخ یوسف بحرانی، صاحب حدائق، اجازه روایت داشت و از پدرش محمد و از عمویش عبدعلی بن احمد، روایت می کرد. در تحصیل علوم دینی چنان کوشا بود که توانست در بسیاری از آنها مهارت پیدا کند.

برای تدریس به روستا و زادگاهش، الشاخوری، می رفت و به مطالعه و تحقیق و بحث و گفتگو می پرداخت.

وی به عنوان یک رهبر دینی و مذهبی، در سرزمین خود و در دیگر مناطق، شناخته می شد.

حسین العصفوری، دارای شاگردان بسیاری بود و جمع کثیری از بزرگان نیز از او روایت می کردند که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

پسرش حسن (متوفی ۱۲۶۱ ه-)، برادرانش: احمد بن محمد و محمد بن خلف الستری البحرانی، عبدالله بن عباس الستری (متوفی ۱۲۶۷ ه-)، محمد بن عبدالله الشویکی الحظی، پسرش، مرزوق الشویکی، عبدعلی بن محمد بن عبدالله بن الحسین بن قضیب القطیفی، احمد بن الحسن بن محمد الدمستانی البحرانی (متوفی ۱۲۴۰ ه-)، فرزدق بن محمد بن عبدالله بحرانی، عبدالله بن علی بن یحیی الجد حفصی البحرانی، عبدالمحسن اللویمی الإحسائی، احمد بن زینالدین الإحسائی، سید عبدالقاهر بن الحسن التوبلی، محمد بن اسماعیل بن ناصر بن عبدالسلام الجد حفصی و دیگران.

آثار وی عبارتند از:

۱. النفحه القدسیه فی فقه الصلاه الیومیه؛ این اثر را شاگردش، محمد الشویکی، در مدت سه روز و به صورت حفظ وبا ذکر دلایل و اقوال، نوشته است.

۲. الفرحه الأنسیه فی شرح «النفحه القدسیه».

ص: ۱۶۱

۳. سداد العباد و رشاد العباد؛ برخی از مجلدات این اثر که در موضوع فقه است، به چاپ رسیده است.

۴. الحقائق الفاخره فی تتمیم «الحدائق الناضره»؛ این اثر با موضوع فقه، در تکمیل و توضیح کتاب عمویش، شیخ یوسف بحرانی، صاحب الحدائق الناضره، تدوین شده است.

۵. الانوار اللوامع فی شرح «مفاتیح الشرائع»؛ این کتاب با موضوع فقه، از آثار مرحوم فیض کاشانی است که در ۱۴ جلد تدوین شده است.

۶. روائح العنایه الربانیّه فی شرح الکفایه الخراسانیه؛ موضوع این کتاب، فقه است و شرحی است بر کتاب «الکفایه» مرحوم محمد باقر سبزواری (متوفی ۱۰۹۰ ه-) که در ۵ جلد تدوین شده است.

۷. سوانح النظریه فی شرح البدایه الحریه؛ این کتاب شرحی است بر کتاب «البدایه الهدایه» مرحوم شیخ حر عاملی.

۸. البراهین النظریه فی أجوبه المسائل البصریه.

۹. المحاسن النفسانیه فی أجوبه المسائل الخراسانیه.

۱۰. المنسک الکبیر، الوسیط، الصغیر.

۱۱. منظومه فی الفقه، لم یتم.

۱۲. رساله فی الحبوه.

۱۳. مفاتیح الغیب و التبیان فی تفسیر القرآن.

۱۴. الانوار الوضیه فی شرح الاحوال الرضویه؛ این اثر شامل ۴۰۰ حدیث، در مورد مسائل شرعی و دینی است که حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السّلام آنرا برای مأمون نوشته است.

۱۵. شارحه الصدور و رافعه المحذور.

۱۶. مهیّج الکلمه فی وفاه النبی محمدصلی الله علیه وآله.

۱۷. سحائب المصائب فی وفاه [شهاده] الامام علی بن ابیطالب علیه السّلام.

۱۸. مریق الدموع فی لیالی الاسبوع فی عزاء الامام الحسین علیه السّلام.

۱۹. دیوان اشعار، شامل مرثیه هایی در مصیبت حضرت سیدالشهداءعلیه السّلام و نزدیک به هفت هزار بیت است.

۲۰. ظن و پیآمد های آن.

سرانجام، حسین العصفوری، در ماه شوال

۱۲۱۶ ه- در روستای «شاخوره» درگذشت و در همانجا به خاک سپرده شد و قبرش زیارتگاه دوستداران اهلبیت: است.

ناصر بن آل شبانه الموسوی البحرانی (متوفی ۱۳۳۱ ه-)

ناصر بن آل شبانه الموسوی البحرانی(۱) (متوفی ۱۳۳۱ ه-)

نام کامل وی، ناصر بن احمد بن عبدالصمد آلشبانه الموسوی، البحرانی، البصری است.

وی در سال ۱۲۶۰ در بحرین متولد شد.

برخی از مقاطع تحصیلی را با موفقیت پشت سرگذاشت، سپس عازم نجف اشرف شد. در آن سامان با بزرگان و فقهای بزرگ ارتباط برقرار کرد و از محضر بزرگانی چون راضی بن محمد بن محسن المالکی النجفی و مهدی بن علی بن جعفر کاشف الغطاء المالکی النجفی بهره ها برد و از این دو فقیه بزرگ اجازه روایت و اجتهاد دریافت کرد.

۱- استاد جعفر سبحانی، موسوعه طبقات الفقهاء، ج ۱۴، ص ۸۷۲ ناشر مؤسسه امام صادق علیه السّلام، قم.

پس از مدتی و بنا به دعوت بزرگان بصره عازم این شهر شد و پس از اقامت در این شهر، مردم به وی مراجعه می کردند و او به عنوان عالم برجسته و مرجع دینی مردم شناخته می شد و به بالاترین مقام دینی و نفوذ بالای اجتماعی رسید.

وی از نفاق در دین رویگردان بود و از حاکمان و ارباب باطل و هر کس که به دین ضربه می زد، ابراز انزجار می کرد و تلاش می کرد تا احکام شرع مقدس اسلام به شکل صحیح و مطلوبی در جامعه پیاده شود.

آثار وی عبارتند از:

۱. رساله فی مقدمه الواجب.

۲. کتاب التوحید.

۳. منظومه فی الامامه.

۴. جامع الشتات.

۵. کشکول.

وی مکاتباتی نیز با برخی از فقها و بزرگان مانند؛ سید حسین قزوینی و شیخ جواد شبیبی داشته است.

سرانجام در سال ۱۳۳۱ ه- در شهر بصره درگذشت.

جعفر بن محمد [أبوالمکارم] البحرانی (متوفی ۱۳۴۲ ه-)

جعفر بن محمد [أبوالمکارم] البحرانی(۱)و(۲) (متوفی ۱۳۴۲ ه-)

وی در سال ۱۲۸۲ ه- در بحرین و در روستای «جدعلی» به دنیا آمد.

ص: ۱۶۴

۱- استاد جعفر سبحانی، موسوعه طبقات الفقهاء، ج ۱۴، ص ۱۴۴، ناشر مؤسسه امام صادق علیه السّلام، قم.
۲- نام کامل وی، جعفر بن محمد بن عبدالله بن احمد بن عبدالله بن علی التغلبی البحرانی الستری العوامی معروف به (أبوالمکارم) است.

مدتی در جزیره «ستره» اقامت کرد، سپس به قطیف رفت و در «العوامیه» ساکن شد. دروس مقدماتی و ابتدایی را در زادگاهش فرا گرفت و برای تکمیل آن و کسب بیشتر علوم و معارف اهلبیت: به نجف اشرف رفت.

با پشت سر گذاشتن مراحل و مقاطع مختلف تحصیلی و در سایه تلاش و مجاهده فراوانی که داشت، در زمره فقها و شعرای بزرگ شیعه محسوب گردید.

اساتید:

وی از محضر فقهای بزرگ و نامدار عصرخود، بهره های زیادی برد که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

پدرش محمد (متوفی ۱۳۱۸ ه-)، احمد بن صالح آل طعان البحرانی، حسین اصفهانی نجفی، علی آل شبیر الجزائری و دیگران.

وی در «العوامیه» علاوه بر تصدی امام جمعه، به بحث و تألیف و نشر احکام اسلامی همت گماشت و به مقامات عالیه ای دست یافت. وی دارای نفوذ کلام و هیبت بسیار زیادی بود.

آثار وی عبارتند از:

۱. جزوه الحق و قبسه ضیاء الصدق؛ رساله ای است در تقلید و احکام مربوط به آن.

۲). قصد السبیل.

۳. در الجواهر.

۴. ملتقی البحرین؛ این رساله شامل اجازه روایتی وی به سید مهدی بن علی الغریفی است.

۵. الناصریه؛ مجموعه ای است که در آن به مسائل و سئوالات ناصر التولابی، پاسخ داده است.

۶. کتاب «وفاه الرضاعلیه السّلام»؛ کتابی در مورد شهادت حضرت امام رضاعلیه السّلام است.

۷ - دیوان اشعار.

مؤلف کتاب «معجم الرجال الفکر والادب» می نویسد:

بحرانی؛ دارای چهل تألیف در موضوعات گوناگون است که از جمله آنها می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱ - بهجه القلوب فی الطهاره و الصلاه ۲ – ارصاد الادله فی القبله ۳–مناسک الحج ۴–اغاثه الغریق فی صلاه الآیات ۵– عقود الجمال فی تاریخ فاطمه الزهراءعلیهاالسّلام ۶– عین الانسان فی ترجمه الامام الحسن المجتبی علیه السّلام ۷- کعبه الاحزان فی مقتل سید الشهداءعلیه السّلام ۸- مظهر الاشجان فی تاریخ الامام الرضاعلیه السّلام.

سرانجام، وی در ماه محرم الحرام سال ۱۳۴۲ ه- درگذشت.

الشیخ حسین بن محمد البحرانی (متوفی ۱۱۲۵ ه–)

الشیخ حسین بن محمد البحرانی(۱) (متوفی ۱۱۲۵ ه–)

صاحب کتاب روضات می نویسد:

شیخ ناصر بن نصرالله قطیفی به من گفت: شیخ حسین بحرانی، در زمانی که به سفر حج می رفت به شهر قطیف آمد و بر سید محمد صندید قطیفی وارد شد.

سید محمد، کتاب های نفیس و کم نظیری داشت. وقتی که شیخ حسین بحرانی، کتابی در مورد حدیث را دید، از سید محمد درخواست کرد تا کتاب را

۱– نام کامل وی، حسین بن محمد بن احمد بن ابراهیم البحرانی است.

بـه او بدهـد و او تـا زمـانی کـه در قطیـف سـکونت دارد، از آن کتـاب بهره برداری کنـد. این پیشـنهاد شـیخ حسـین بحرانی با مخالفت سید محمد رو به رو شد و کتاب را به شیخ حسین نداد.

وقتی مناسک و موسم حج به پایان رسـید، به قطیف آمد و به منزل سـید محمد رفت و از او خواست تا کتاب را به او بسپارد و از آن اسـتنساخ نمایـد. پس از اصـرار زیاد، سـید محمـد، کتاب را به شـیخ داد. وی از آن نسـخه برداری کرد و آن را با اصـل کتـاب مطابقت داد (مقابله خوانی کرد) آنگاه کتاب را به سـید برگردانیـد. سـید محمـد از او پرسـید: آیا نسـخه دیگری از این کتاب را یافتی؟ [که در این مدت کم به من برگرداندی] شـیخ حسین بحرانی جواب داد: خیر! من این کتاب را مطالعه کردم و مطالب آنرا حفظ کردم و در حافظه خود نوشـتم. این کار شـیخ حسـین بحرانی، موجب تعجب و شگفتی سید محمد شد. وقتی نسـخه شـیخ حسـین را با نسـخه اصـلی مقابله کردند، دیدند که هیچ گونه اختلافی با نسـخه اصـلی ندارد مگر در موارد جزئی. شیخ حسین بحرانی، این کار را در مدت سه روز انجام داد.

نام آن کتاب «النفحه القدسیه فی الصلاه الیومیه» بود.

شیخ محمد شویکی خطی، در قالب قصید ه ای در مورد شیخ حسین بحرانی، می گوید:

حبّذا نفحه قدس لا تضا ها

فی صلاه أرضت الرب

بنت یومین و یوم برزت

فی صدور الطرس تهدی من

تطرب الرأی و الراوی لا

عجب ممن رآ ها و

روا ها(۱)

عبدالله بن یوسف هجری بحرانی

عبدالله بن یوسف هجری بحرانی(۲)و(۳)

وی از فاضلان، صالحان و مقدسان روزگار خود، در شهر های بحرین، بوده است.

میرزا عبدالله افندی اصفهانی، صاحب کتاب ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، می نویسد:

در دشتستان، کتاب «جامع مصائب الانبیاء و فی مقتل النبی یحیی علیه السّلام» را که از آثار اوست دیدم. کتابی بسیار خوب و ارزنده ای بود. در این کتاب، حالات پیامبران را، به گونه ای که در روایات ما آمده است، ذکر کرده است. در ضمن آن به برخی از حوادث زندگی رسول خداصلی الله علیه وآله و شرح آن اشاره کرده است. علت تألیف این کتاب، این بوده است که در میان مردم مشهور بود که سر مبارک حضرت یحیی علیه السّلام را با ارّه بریدند و شیخ ناصر«أوالی بحرانی» نیز در ضمن چکامه ای در سوگ حضرت یحیی علیه السّلام بدین موضوع اشاره کرده بود. با توجه به این شهرتی که دارد، مردم از شیخ عبدالنبی بن یوسف هجری بحرانی، در مورد چگونگی آن

سؤال کردند. شیخ عبدالنبی در پاسخ به سؤال مردم این کتاب را نوشت و بطلان آن نظریه را به اثبات رسانید و تصریح کرد که، کسی

۱- محمد رضا حکیمی، موسوعه عظماء الشیعه، ج ۶، ص۱۴۴، مؤسسه انتشاراتی اعلمی، بیروت.

۲- میرزا عبدالله افندی اصفهانی، ریاض العلماء وحیاض الفضلاء، ج ۱، ص ۷۷، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.

۳- نام کامل وی، شیخ ابو علی عبدالنبی بن احمد بن عبدالله بن یوسف هجری بحرانی است.

که سرش را با ارّه بریدند، زکریّا بن آذن از آل عمران بوده است نه حضرت یحیی بن زکریّاعلیه السّلام.

السید محمد ابوالفلفل

نام کامل وی، السید محمد بن السید مال الله ابوالفلفل القطیفی است.

وی از شاعران بزرگی است که در مصائب امام حسین علیه السّلام و یارانش، مرثیه های زیادی سروده است.

در سایر علوم نیز ید طولایی داشت، اما شعرش و معلومات شعری او بر دیگر کمالات وی غلبه داشت.

از قطیف به عراق رفت و در شهر کربلا، کنار حرم جدش سیدالشهداء، امام حسین علیه السّلام، ساکن شد. سید محمد در تمامی ایام، چشمانی اشکبار داشت و در مصائب جدش سیدالشهداء، امام حسین علیه السّلام، اشک می ریخت و [معتقد بود] که شایسته است هر مؤمنی، برای فاجعه کربلا، به جای اشک خون گریه کند.

سید، هرگز غذای خوشمزه نخورد، آب گوارا ننوشید و تمام عمر شریفش را در ماتم و عزا سپری کرد و همراه افلاکیان و زمین و آسمان، جمادات و نباتات [در مصائب سیدالشهداء امام حسین علیه السّلام] می گریست.

شیخ علی حمامکی، از محصلین حوزه نجف اشرف و از اخیار، نقل می کرد که مرحوم شیخ جعفر شوشتری، از افاضل و مفاخر عصر خود که در سفر زیارتی امام رضاعلیه السّلام درگذشت، می گفت: سید محمد ابوالفلفل قطیفی نقل می کرد:

شبی از شب ها، در قطیف، برکه ای از آب را خواب دیدم که در کنار آن خانمی موقّر و دارای هیبت و عظمت نشسته است. این خانم اشک می ریزد و در دستش پیراهن

خون آلودی است که می خواهد آن را در آب برکه بشوید و اشک می ریزد و مدام این بیت شعر را زمزمه می کند:

و کیف یطوف القلب منی

مُهجه قلبی بالطفوف

سید محمد می گوید:

به طرف او رفتم، سلام کردم و از او پرسیدم:

[خانم] شما کیستید و این پیراهن از کیست؟

[آن خانم] در جواب من گفت:

اما من [اگر نمی شناسی] جد ه ات فاطمه زهراعلیهاالسّلام هستم و این پیراهن، پیراهن خونین فرزندم حسین علیه السّلام است که هرگز از آن جدا نمی شوم.

در همین زمان، سید محمد از خواب بیدار می شود و قصیده پرشوری در مصائب سیدالشهداءعلیه السّلام می سراید و در ضمن آن، این بیت را به نقل از حضرت فاطمه زهراعلیهاالسّلام می آورد که مطلع آن این است: «أراکَ متی هبت صباً و جنوب»

سید محمد، قصیده «رائیه» را در بیان مصائب جد غریبش امام حسین علیه السّلام و یارانش به زیبایی سرود:

عشقوا القنا للدفع لا عشقوا القنا

للنفع لکن أمضی المقدور

ماشاقهم للخلد الّا دعوه الرحمن

لا ولدان ها و الحور

فتمثلت لهم القصور و ما بهم

لو لا تمثلت القصور قصور(۱)

۱- محمد رضا حکیمی، موسوعه عظماء الشیعه، ج ۱۰، ص۲۸۶، مؤسسه انتشاراتی اعلمی بیروت.

السد محيمد بن السيد المعصوم

السد محيمد بن السيد المعصوم(۱)

نام کامل وی سید محمد بن سید معصوم القطیفی است.

وی عالم، فاضل و دارای شخصیت بزرگواری بود.

فاضل معاصر و پرهیزگار، حاج میرزا حسین نوری طبرسی در کتاب «دارالسلام» پس از نقل رؤیایی که درباره این سید بزرگوار دیده است، می نویسد:

هذا السید کان جلیل القدر، عظیم الشأن.

یعنی این سید جلیل القدر و دارای شأن بزرگی است

استاد، علامه شیخ عبدالحسین تهرانی، به خوبی از او یاد می کرد و می گفت:

کان تقیاً صالحاً و شاعراً و مجیاً و ادیباً و غریقاً فی بحار محبه اهلبیت علیه السّلام.

بیشتر فکر وذکر او در مورد اهلبیت: بود تا این که او را در صحن شریف دیدیم و از او مسئله ای را پرسیدیم. او به خوبی جواب داد و در خلال جواب به بیتی که خود سروده بود، اشاره کرد و ابیات دیگر شاعران را به عنوان شاهد مثال بیان نمود. با بیان مصائب اهلبیت: حالش منقلب می شد و به دلیل حال مناسبی که به او دست داده بود، بهترین اشعار را در مورد اهلبیت: سرود که اشعارش مجالس را دگرگون می کرد.

سپس به مسئله تشرف وی و دو نفر از فضلا به محضر حضرت ولی عصرعجل الله تعالی فرجه الشریف در مسجد کوفه و در شب جمعه اشاره می کند.

۱- محمد رضا حکیمی، موسوعه عظماء الشیعه، ج ۱۰، ص۲۹۸، مؤسسه انتشاراتی اعلمی، بیروت.

السید عبدالله البلادی البحرانی

السید عبدالله البلادی البحرانی(۱)

نام کامل وی، السید عبدالله بن السید علوی البلادی البحرانی ملقب به «عتیق الحسین» است.

وی مردی فاضل، متقی، زاهد و عابد بود. او پس از تصرف و اشغال بحرین به دست بیگانگان، به بهبهان آمد و از محضر شیخ عبدالله سماهیجی استفاده کرد.

پس از رحلت استادش، شیخ عبدالله سماهیجی، امامت جمعه و جماعت این شهر را به عهده گرفت و تا زمان رحلتش این وظیفه را به خوبی انجام داد.

بیشتر سادات بهبهان که اهل علم و فضل هستند، از نوادگان و احفاد او هستند که برخی از آنان در «ابی شهر» و برخی در نجف اشرف ساکن و هر کدام از آنها از عالمان بزرگ و صالح به شمار می آیند.

در مورد آثار وی، اطلاعات دقیقی در دست نیست، مگر برخی از حواشی که به او منسوب است. وی از گروهی از علما و بزرگان بحرین مانند؛ شیخ احمد آل عصفور، پدر صاحب حدائق، و شیخ یوسف، صاحب حدائق، اجازه روایت داشته است.

پدرش؛ سید علوی، نیز از بزرگان و علما بود و فرزندانش نیز از عالمان متقی و پرهیزگار بهبهان می باشند مانند؛ سید اسماعیل مجتهد بهبهانی و از أبی شهر، عالم جلیل علم الهدی، و در نجف اشرف، بسیاری از آنان به تحصیل علوم دینی مشغول هستند. نسب این سادات شریف، نجیب و بزرگوار به بسیاری از علما و فضلای بحرین و سید بن ابراهیم بن امام موسی بن جعفرعلیه السّلام می رسد.

ص: ۱۷۲

۱- محمد رضا حکیمی، موسوعه عظماء الشیعه، ج ۱۰، ص۱۵۴، مؤسسه انتشاراتی اعلمی، بیروت.

رجال شیعه بحرین

ابان بن سعید بن العاص

در استیعاب آمده است:

رسول خداصلی الله علیه وآله ابان را بر بحرین اعم از خشکی ها و دریای آن حاکم قرار داد و این بعد از عزل علاء بن حضرمی از ولایت بحرین بود، و ابان در آنجا ولایت داشت تا رسول خداصلی الله علیه وآله از دنیا رفت.

ابن عساکر در تاریخ دمشق آورده است:

رسول خداصلی الله علیه وآله ابان را در بعضی سرایا به کار گرفت، سپس او را به ولایت بحرین منصوب ساخت. او برای جهاد عازم شد و سپس به قتل رسید... ابان راضی نشد برای هیچ کس بعد از رسول خداصلی الله علیه وآله کار کند و وقتی به مدینه رسید، همین را می گفت. ابوبکر او را سرزنش کرد و او گفت: «لا اعمل لاحد بعد رسول الله صلی الله علیه وآله». عمر به او گفت: تو حق نداری بدون اجازه امام خود کارت را ترک کنی و او می گفت: «والله ما کنت لا أعمل لاحد بعد رسول الله صلی الله علیه وآله». عمر به ابوبکر گفت: او را به جبر وادار کن، ولی ابوبکر گفت من اجبار نمی کنم مردی را که می گوید «لا ـ اعمل لاحد بعد رسول الله صلی الله علیه وآله». این نقل، بر خشم شدید ابان نسبت به خلافت ابوبکر و عدم رضایت او دلالت دارد وگرنه چه مانعی بود که بعد از رسول خداصلی الله علیه وآله مشغول به کار باشد. مخالفت ابان با

رونـد خلافت بعـد از رسول خـدا را چنـان که از شـرح حـال او پیـداست می توان اولین جرقه تشیع در بحرین به شـمارآورد، خصوصـاً بـا توجه به آنکه شخصـیت و موقعیت او و حرکت اعتراض آمیز او در آن مقطع خاص، می توانست موجب پیـدایش یک گرایش عمومی در مردم به سوی فرد دیگری باشد که جانشـین شایسـته رسول خداصـلی الله علیه وآله به شمار می آمد و او کسی جز علی علیه السّلام نبود.

عمرو بن ابی سلمه

وی ربیـب رسـول خداصــلی الله علیـه وآلـه و از اصـحاب علی علیـه السّـلام بـود. چـون جنـگ جمـل پیش آمـد، ام سـلمه نزد امیرالمؤمنین آمـد و گفت: «اگر نبود که نافرمانی از خداونـد عزوجل محسوب می شود و اینکه می دانم از من نمی پـذیری، با تو رهسـپار می شدم، ولی این (عمرو بن ابی سـلمه) فرزند من است، که از جانم عزیزتر است و با تو همراه می گردد، تا هر جا که بروی. سـپس عمرو به جمل آمد و بر میسـره سـپاه حضرت امیرعلیه السّلام فرمانده شد. امیرالمؤمنین علیه السّلام مدتی او را والی بحرین قرار داد و سرانجام وی در کنار امام، در سال ۳۷ ه-. در صفین به شهادت رسید».

عبیدالله بن عباس

در شـرح حـال عبیـدالله و برادرش معبـد، منبع تـاریخی معتبری نیافتیم که از ولایت یکی از این دو بر بحرین گزارش دهـد، جز آنچه طبری در مورد عبیدالله می گوید. لذا بر این امر نمی توان تأکید زیادی داشت.

حکیم بن جبله عبدی

عبدی منسوب به عبد القیس است و عبد القیس شاخه ای از ربیعه بودند که تشیع اختیار کردند. شیخ طوسی در رجال خود، او را در زمره اصحاب علی علیه السّلام برشمرده است و شیخ صدوق در مجالس، او را از اصحاب رسول خداصلی الله علیه وآله و مردی صالح و مورد اطاعت قومش دانسته است. وی قبل از واقعه جمل و رسیدن امیرالمؤمنین علیه السّلام، با طلحه و زبیر جنگید تا به شهادت رسید. مسعودی در مروج الذهب در بیان واقعه جمل آورده است که اصحاب جمل وی را به شهادت رساندند و او از عبدالقیس و ز هاد قوم ربیعه بود. در استیعاب آمده است:

حکیم بن جبله بر عثمان به خاطر بعضی عمالش از جمله عبدالله بن عامر خرده می گرفت، و چون طلحه و زبیر به همراه عایشه به سوی بصره روانه شدند، عثمان بن حنیف او را به همراه هفتصد تن از جمله عبدالقیس و بکر بن وائل، به مقابله با آنها فرستاد و وی در زابوقه در نزدیکی بصره با آنان درگیر شد، و به شهادت رسید.

ابن اثیر می نویسد:

علی علیه السّلام چون به ذی قار رسید و خبر خروج عبدالقیس و ربیعه را شنید، گفت: «یا لهف ما نفسی علی ربیعه ربیعه السامعه المطیعه قد سبقتنی فیهم الوقیعه دعا حکیم دعوه سمیعه خلوا بها المنزله الرفیعه».

شیخ مفید در کتاب الجمل می نویسد:

سار علی علیه السّلام من ذی قار الی البصره خرجت الیه ربیعه

كلها الّا مالك بن مسمع منها و جاءته عبدالقيس باجمعها سوی رجل واحد تخلف عنها و جاءته بنوبكر [و] رأسهم شقيق بن ثور السدوسی و رأس عبدالقيس عمرو بن جرموز العبدی.

در جای دیگر اضافه می کند:

حضرت از یاران خود مردی طلبید که قرآن به دست گیرد و اهل جمل را به حق دعوت کند تا آن گاه که کشته شود وی ضامن بهشت او شد و سه بار آن را تکرار کرد. کسی برنخواست جز نوجوانی از عبدالقیس به نام مسلم و سرانجام مقابل دیدگان مادرش به شهادت رسید. و نیز آن حضرت پس از خاتمه نبرد، برای روانه کردن عایشه به سوی مدینه از زنان عبدالقیس یاری طلبید و لباس مردان به آنان پوشانید تا عایشه را به مدینه رسانند.

آنچه تا اینجا آوردیم، شواهد برجسته ای است که نشان می دهد قسمت اعظم ساکنان بحرین به دوستی امیرالمؤمنین علیه السّلام و نصرت او شناخته شده بودند، و از همه روشن تر شعر منسوب به امیرالمؤمنین علیه السّلام در ستایش ربیعه است که وجهه عمومی آنان را، اطاعت و فرمانبرداری از امام حق دانسته است.

زید بن صوحان ربعی عبدی

وی در طبقه اول از اصحاب رسول خداصلی الله علیه وآله، از ربیعه بن نزار بن معد بن عدنان و کنیه اش ابوعایشه است. زید، برادر صعصعه و سیحان است. ربعی منسوب به ربیعه و عبدی منسوب به عبدالقیس است. قوم ربیعه و عبدالقیس از

مخلص ترین شیعیان علی علیه السّلام بودند. زید در واقعه جمل در سال ۳۶ ه- به شهادت رسید. در مروج الذهب آمده است:

علی علیه السّلام بعد از شنیدن خبر شهادت عبدالقیس و غیر آنها از ربیعه، قبل از ورود به بصره، بسیار محزون شد و فراوان می گفت: «یا لهف ما نفسی علی ربیعه ربیعه السامعه المطیعه» در میان شهدای این قتال، که قبل از جمل رخ داد، زنی از عبدالقیس را دیدند که به دنبال دو فرزند خود و شوهر و دو برادرش بود. صوحان بن ابی زید بن صوحان، چهار فرزند داشت: صعصعه، زید، سیحان و عبدالله، که زید و سیحان در واقعه جمل به شهادت رسیدند.

مسعودی می نویسد:

معاویه به عقیل بن ابیطالب گفت: «میز لی اصحاب علی و ابداً بآل صوحان فإنهم مخاریق الکلام.»

صعصعه بن صوحان عبدی

وی در زمان رسول خداصلی الله علیه وآله اسلام آورد ولی آن حضرت را ندید. خطیب و شجاع و بسیار حاضر جواب بود. در مواضع متعدد با معاویه به مقابله برخاست و نقل شده که وقتی عثمان برمنبر بود، مقابل او ایستاد و گفت: «یا امیرالمؤمنین علیه السّلام ملت فمالت امتک، اعتدل یا امیرالمؤمنین تعتدل امتک». در صفین در لشکر امیرالمؤمنین بود و بعد از ضربت خوردن امام، در منزل خدمت آن حضرت رسید که تفصیل آن در منابع تاریخی آمده است. او از کسانی بود که عثمان آنها را از کوفه به شام تبعید کرد. نکته قابل توجه در ترجمه آل صوحان عبارت اعیان الشیعه

است که ظاهرا برگرفته از کلام مورخان معروف است. او در حق آل صوحان و قوم ربیعه به طور عموم گوید: «فقد کانت متهالکه فی ولائه»، یعنی در راه امیرالمؤمنین علیه السّلام دست از جان شسته و فدایی بودند. و این شاهد دیگری است بر آنکه تاریخ تشیع در بحرین به زمان حضرت علی علیه السّلام برمی گردد.

حارث بن مره عبدی

منسوب به عبدالقیس است. در سال ۳۷ ه- . به گفته مسعودی به دست خوارج به شهادت رسید (و به گفته ابن اثیر و یاقوت در سال ۴۲ ه- .) نصر بن مزاحم در کتاب صفین آورده است:

علی علیه السّلام در روز صفین حارث را بر میسره سپاه گماشت و ابن اثیر در حوادث سال ۳۹ ه-. می گوید که به امر علی علیه السّلام حارث به مرز سند رفت و غنایم بسیاری آورد و در سال ۴۲ه-. در ارض قیقان به شهادت رسید. ولی به نقل مسعودی در سال ۳۷ ه- در جریان واقعه نهروان،

علی علیه السّلام او را به عنوان نماینده خود، برای مذاکره با خوارج و بازگرداندن آنها فرستاد، ولی او را به شهادت رساندند.

رشید هجری

شیخ در رجالش او را از اصحاب امام علی علیه السّلام و امام حسن علیه السّلام و امام حسین علیه السّلام و امام علی بن الحسین علیه السّلام شمرده است. صاحب روضات الجنات تصریح دارد که رشید هجری منسوب به «هجر» مرکز بحرین است. در کتاب اعلام هجر مؤلف بر همین مطلب اعتماد کرده و می گوید:

هیچ یـک از مورخین، رشـید را به «هجر» مـدینه منسوب نسـاخته انـد، پس یـا منسوب به هجر یمن است و یا به هجر بحرین و صاحب روضات او را از هجر بحرین دانسته است.

مـا به همین انـدازه از شـرح حال رجال بحرین در صـدر اسـلام اکتفا می کنیم و نقل آن را برای اثبات ریشه های تشـیع در این منطقه گریزناپذیر می دانیم.

شیخ یوسف بحرانی در کشکول خود می نویسد:

زید بن صوحان عبدی و صعصعه بن صوحان از طرف امام حسن علیه السّلام والی بحرین بودند و بنی امیه از ترس ا هالی آنجا نتوانستند آنان را عزل کنند و زید بن صوحان تا زمان عبدالملک بن مروان، حاکم بحرین بود. هنگامی که عبدالملک با لشکر خود به سوی کوفه روان شد و شـیعیان را تحت تعقیب قرار داده و به شـهادت می رساند، ابراهیم بن مالک اشتر و صعصـعه بن صوحان وعمرو بن عامر همـدانی و جماعتی از شـیعیان به جزیره بحرین گریختند. عبدالملک لشـکر بزرگی از اهل بادیه فراهم آورد و به بحرین حمله آورد. زیـد بن صوحـان در مقابـل او لشـکری آراست و خود در کرزکـان مسـتقر شـد و فرمانـد هانش ابراهیم بن مالـک اشتر و سـهلان بن علی و صعصـعه بن صوحـان در مناطق دیگر. جنگ شدیـدی در گرفت و ا هالی بحرین با شجاعت و شـهامت و توان بسـیاری که داشـتند، لشـکر عبدالملک را از پای در می آوردند، که سـرانجام وی از راه تزویر وارد شده، بعضی از ا هالی آنجا را با مال فریفتند و از طریق آنان، نیکان لشکر بحرین را به

قتـل رساندنـد. پس ابراهیم بن مالـك و سـهلان و صعصـعه بن صوحان عبـدی و برادرش زیـد و یاوران نزدیک آنها از ا هالی بحرین، همه به شـهادت رسـیدند و عبـدالملك بر ا هالی بحرین چیره شد و خواست آنان را از تشـیع بیرون آورد، ولی مردم از اینکه چرا یاری صعصـعه و اصـحابش نکردند، پشـیمان بودند. عبدالملك که پشـیمانی و توبه آنان را دید، هراسان گشت و از خواسـته خود دست کشـید و گفت: از شما خراج نمی گیرم و در مقابل باید سلاح را زمین بگذارید. سپس برای تضعیف آنان عین السـجور را که از بزرگترین چشـمه های آنجا بود، مسـدود کرد... آنچه که ا هالی بحرین نسل به نسل از گذشـتگان خود نقل کرد ه اند و نیز اینکه قبور افراد مذکور، به ویژه قبر صعصعه و برادرش دربحرین است، مؤید حکایت فوق است.

ص: ۱۸۰

نمونه ای از مبارزات علمای بحرین

آیت الله شیخ محمد السند طی سخنانی برخی تبعیض های وارد شده علیه شیعیان و همچنین برخی محرومیت های شیعیان را تشریح و حکومت اقلیت حاکم را نامشروع و غیرمردمی عنوان نمود و در مورد سرنوشت کشور بحرین خواستار همه پرسی شده بود که به دنبال آن از طرف حکومت بازداشت گردید.

با اعتراض گسترده شیعیان بحرین، این روحانی برجسته که توسط نیرو های امنیتی این کشور بازداشت شده بود، آزاد شد.

نیرو های امنیتی بحرین، شامگاه یکشنبه ۴/۱۰/۸۴، آیت الله شیخ محمد سند، از روحانیون برجسته بحرینی مقیم قم را به محض ورود به فرودگاه بحرین، دستگیر کردند.

به دنبال انتشار این خبر، صد ها نفر از روحانیون و جوانان بحرینی در تظاهراتی در فرودگاه بحرین، با سر دادن شعار هایی علیه حکومت، خواستار آزادی سریع این روحانی شدند. همچنین، نیرو های امنیتی و ضد شورش بحرین برای متفرق ساختن مردم، از گاز های اشک آور استفاده کردند. در این درگیری که منجر به شکسته شدن برخی از شیشه های سالن ورودی فرودگاه شد، هشت نفر مجروح و چهار نفر از تظاهرکنندگان، به دست نیرو های

پلیس، بازداشت شدند.

فردای آن روز آیت الله محمد سند از بازداشتگاه نیرو های امنیتی آزاد شد.

وی در مصاحبه با شبکه خبری «الجزیره – قطر»، واکنش مردم بحرین را باعث آزادی خود بیان کرد. دفتر شیخ سند در اطلاعیه ای که روز دوشنبه صادر شد، ضمن تشکر از مردم بحرین و با اشاره به تبعیض های قومی و دینی در این کشور، خواستار آزادی هرچه سریع تر بازداشت شدگان شد.

ص: ۱۸۱

اداره امنیت بحرین در اطلاعیه ای، اتهام این روحانی بحرینی را تحریک مردم به قیام علیه حکومت و نیز تهدید امنیت ملی بیان کرده بود.

این روحانی بحرینی در سخنان پیشین خود، با طرح سؤال درباره نحوه استقلال بحرین از ایران، خواستار انجام همه پرسی، تحت نظارت سازمان ملل متحد و سازمان های حقوقی و بین المللی برای تعیین وضعیت بحرین و حکومت آن شده بود.

آیت الله شیخ محمد سند، در سال ۱۳۴۱ ه-.ش، در منطقه بحرین متولد شد و پدر وی، حاج حمید، از تاجران این منطقه بود. وی، دوران دبستان را در چهار سالگی، پس از موفقیت در تست هوشی که از وی به پیشنهاد معاون آموزش و پرورش بحرین گرفته شد، آغاز کرد و تا پایان دوران دبیرستان، در بحرین مشغول تحصیل بود.

وی همچنین برای فراگیری دروس عالی حوزوی، چندین سال در قم اقامت داشته و از دروس اساتید برجسته ای چون آیات عظام گلپایگانی، میرزا هاشم آملی، وحید خراسانی، شیخ جواد تبریزی و نیز آیت الله جوادی آملی و علامه حسن زاده آملی، بهره مند شده است.

امروزه بحرین یکی از مراکز مهم تشیع در دنیا به شمار می آید و بعد از ایران و عراق می توان آن را به لحاظ سابقه تاریخی سومین مرکز تشیع معرفی کرد. ارتباط و علاقه ساکنان این جزیره با مذهب تشیع به حدی محکم و وثیق است که در نزد ا هالی شبه جزیره و ساحل نشینان خلیج فارس، کلمه «بحرانی» مترادف با کلمه شیعی به کار می رود.(۱)

۱- رضا اسلامی، خاستگاه تشیع در بحرین، ص ۱.

فصل چهارم

اشاره

- مبارزات سیاسی شیعیان
- جنبش های شیعی بحرین
- احزاب شیعی
- انجمن ها و تشکیلات اسلامی شیعیان

ص: ۱۸۳

مبارزات سیاسی شیعیان

شیعیان که اکثریت جامعه را تشکیل می دهند، به دلیل تحمل تبعیض ها و تهدید ها به ناچار جهت احقاق حقوق از دست رفته خویش و پیدا کردن جایگاه واقعی خود به صورت رسمی و غیررسمی به مبارزات سیاسی روی آورد ه اند.

اولین زورآزمایی با حکومت، در اگوست ۱۹۷۹ انجام گرفت. حدود ۱۸۰۰ نفر از شیعیان «بحرین» در بازار قدیمی پایتخت، شهر «منامه»، دست به تظاهرات وسیعی زدند. عکس العمل دولت در مقابل این تظاهرات، اخراج یک شیخ شیعی در اکتبر همان سال از کشور بود.(۱)

به روستا های شیعه نشین بروید، بحرینی هایی را ببینید که سخت محروم اند. جوانان بسیاری در کنار کافه ها بیکار و سرگردان نشسته اند و می گویند که مشاغل حکومتی، به غیرشیعیان و بحرینی های مقیم خارج از کشور واگذر می شود. از درون این جوانان سرخورده، نسلی سر بر می آورند که

۱- ویلهم دیتل، جهاد در راه خدا، تهران، نشر قومس، ۱۳۷۲، ص ۶۰۳.

خشمگین و عصبی به رویداد های کشورشان می نگرند.

نارضایتی در بحرین به جوانان محدود نمی شود. نارضایی در این کشور، امری است گسترده و عمومی، تجار شیعی بسیاری که برای تأسیسات متعلق به امیر کار کرده بودند، هیچ گاه نتوانسته اند دستمزد خود را دریافت کنند. از این گذشته، هیچ حقوقدانی جرأت نمی کند از این مردم به دفاع برخیزد و شکایت هایشان را در دادگاه مطرح کند. یک خلبان هواپیما که پیشتر در اروپا و آمریکا کار می کرده است، به سبب شیعی بودن، او را استخدام نکردند. این مردمان نیز خود را محروم می دانند و احساس می کنند که شهروندان دست دوم به حساب می آیند. این قبیل مردم به علت چنین رفتار هایی، ناچار سیاسی می شود و برخی دیگر با وجود داشتن معلومات مفید، دست به ترک کشور خود می زنند.(۱)

به نظر قدرتمندان شورای همکاری خلیج فارس، جنبش مردمی بحرین، جنبشی است شیعی و به همین دلیل، می بایست با آن به مقابله برخاست. اینان از خطر گسترش جنبش شیعی در منطقه سخن می گویند و با حمایت و هابیان، به سرکوب این جنبش مردمی در بحرین علاقه نشان می دهند. بحرین در میان کشور های عضو خلیج فارس، تنها کشوری است که اکثریت شیعی دارد. در بقیه کشور ها شیعیان در اقلیت اند. به این اعتبار، به باور حکومت گران شورای خلیج

۱- چنگیز پهلوان، بحرین در بحرین، ایران و سرنوشت شیعیان، نشاط، ۳ و ۱۱ اسفند ۱۳۷۷.

فارس، شیعیان در این منطقه همچون «اسب ترویا» می مانند که باید با احتیاط با آنان رفتار کرد و اجازه نداد که نیرومند شوند. در تمامی دهه هشتاد میلادی چنین تصورات و عقایدی در منطقه خلیج فارس در میان حکومت گران رواج داشته و در عمل بر ضد مردم بحرین به کار رفته است.(۱)

اکثریت شیعیان بحرین، وضعیت اجتماعی و مذهبی بسیار آشفته ای دارند. برای مهار این آشفتگی، بحرین بر همسایه سعودی خود تکیه می کند، اما سرکوب فقط راه حلی کوتاه مدت است.(۲)

چپاول و غارت مساجد شیعی و بی حرمتی به شیعیان و اماکن مذهبی آنان، امری عادی به شمار می رود. ... تبعیض علیه شیعیان در حوزه عمومی و خصوصی، به ویژه در زمینه آموزش عالی همچنان ادامه دارد. حکومت بحرین به قصد مقابله با شیعیان و اصولاً مخالفان، شهروندان کشور های دیگر را در نیرو های امنیتی به کار می گیرد و با شتاب هر چه تمامتر، تابعیت بحرین را به آنان اعطا می کند. خاندان حکومت گران بحرین می خواهد با استخدام نیرو های بیگانه، به اصطلاح یک «نوار امنیتی» به دور خود بکشد تا بتواند در موقع بحران، مخالفان بومی را از خود دور سازد و سرکوب کند. در حالی که شهروندان کشور های دیگر می توانند به منظور حراست از

۱- همان.

۲- فرانسوا توال، ژئوپولیتیک شیعه، ترجمه: دکتر علیرضا قاسمآقا، تهران، نشر آمن، ۱۳۷۹، ص ۱۰۰.

حکومت گران به تابعیت بحرین درآینـد، افرادی که وابسـته به «جامعه عجم» هسـتند؛ یعنی بازمانـدگان ایرانیان مهاجر، از دهه بیست میلادی به این سو، نمی تواننـد تـابعیت بحرین را کسب کننـد و یـا حـتی از دیگر حقوق اجتمـاعی ماننـد آموزش، تهیه مسکن و اشتغال بهره مند شوند.(۱)

شیـخ حمـد که تا قبل از فوت پـدرش، خود از سـرکوب کنندگان مبارزان شـیعی بود، پس از فوت پدر و با شـروع اصـلاحات تلاش می کند به شـیعیان محروم و ناراضـی کشور که اکثریت مسـلمانان بحرین را تشـکیل می دهند، نزدیک شود. مثلاً کمی پس از آن که به امیری رسـید، روز عاشورا بود و شـیخ حمد برای تمامی دسـته های عزاداری، گوسفند و برنج فرستاد. ... او به شیعیان اجازه داد که وارد ارتش شوند. ... امیر جدید بحرین، صد ها زندانی شیعه را آزاد کرده است و از آن جمله می توان به آزادی شیخ عبدالامیر الجمری، برجسته ترین ناراضی بحرین نام برد.(۲)

اما واقعیت آن است که هنوز شیعیان، شهروند درجه ۲ به حساب آمده و حقوق از دست رفته خویش را به دست نیاورد ه اند.

اما ناراضیان شیعه و سنی چیزی بیش از ژست های خیرخوا هانه می خواهند. ... جای تعجب نیست که بسیاری از مردم، رفتار و سلوک شیخ حمد را تنها یک ظاهرسازی تلقی می کنند.(۳)

تجارت به ممری عمده برای شیعیان تبدیل شده است. حدود

۱- چنگیز پهلوان، «بحرین در بحرین، ایران و سرنوشت شیعیان»، نشاط ۳ و ۱۱ اسفند ۱۳۷۷، ص ۳.

۲- ف. درّی، «وضعیت شیعیان بحرین»، ترجمان سیاسی، ش ۳۵ خاورمیانه، ص ۲.

۳- همان، ص ۲.

هفتاد درصد از کسانی که شرکت های تجاری را اداره کرده یا به استخدام آنها در آمد ه اند، شیعه هستند. قریب همان درصد از افراد شهرنشین بحرین نیز که تحصیل کرده بوده و به حرفه های مختلف اشتغال دارند، شیعه هستند. بدین ترتیب، امکانات اقتصادی، بخشی از تبلیغات مذهبی و سیاسی را که علیه شیعیان اعمال می شود، جبران کرده است.

انتظار می رفت که آنها (شیعیان) به نسبت کثرت و اهمیت شان، نقش عظیم یا برجسته ای داشته باشند. با این همه، همانطور که همه می دانند، شیعه مذهب های بحرینی، نه تنها موافق با ایفای چنین نقشی نشد ه اند، بلکه همچنین از آغاز حکومت سلسله هاشمی تا به امروز، از نظر سیاسی، یک گروه از یاد رفته و منزوی بود ه اند.(۱)

۱- رسول جعفریان، جغرافیای تاریخی و انسانی شیعه در جهان اسلام، قم، انتشارات انصاریان، ۱۳۷۱، ص ۱۰۱.

جنبش های شیعی بحرین (احزاب شیعی)

اشاره

ابتدا چند نکته:

۱. احزاب سیاسی بحرین به صورت طبیعی و خودجوش برخاسته و از دل مردم و خواسته های عمومی شیعیان بحرین است.

۲. سخن از وفاداری شیعیان نسبت به حکومت و یا عدم وفاداری آنان بیشتر با هدف کمرنگ ساختن این واقعیت صورت می گیرد که سیاست احزاب شیعه تنها مسائل داخلی را شامل می شود. احزاب سیاسی نیز تلاش خود را بر حل مسائل داخلی کشور متمرکز ساخته اند.

۳. تمامی احزاب شیعه در مورد اصلاحات سیاسی و پایان بخشیدن به تبعیض علیه شیعیان اتفاق نظر دارند.

۴. حضرت آیت الله شیخ عیسی قاسم که شخصیتی آزاده و مبارز است و از نظر سیاسی دارای نقش اصلی و جامع و فراگیر است، تاکنون به هیچ حزبی گرایش نداشته و عضویت و رهبری هیچ کدام از احزاب را هم نپذیرفته است و همچنان در میان مردم شیعه از حمایت و جانبداری گسترده برخوردار است.

۵. از میان گروه های شیعه و احزاب سیاسی؛ دو گروه الوفاق و جمعیت اسلامی العمل، در عرصه سیاست از همه مهمتر هستند که از سال ۲۰۰۲ به عنوان دو حزب عمده از احزاب چهارگانه که انتخابات را تحریم کرد ه اند مطرح بود ه اند. حزب دیگری که اهمیت فراوانی دارد «جمعیت وطنی اخاء» نام دارد که تعداد زیادی از شیعیانی که ریشه فارسی دارند، از آن حمایت می کنند.

ص: ۱۹۰

برخی از جنبش های شیعی بحرین که نقش مهمتر و فعال تری در مبارزات شیعیان داشته اند عبارت اند از:

۱– جبهه اسلامی برای آزادی بحرین

این تشکّل، ریشه در مبارزات اسلامی دهه ۱۹۷۰ و به خصوص، نهاد مذهبی صندوق الحسین دارد و مهم ترین بنیانگذاران و رهبران آن، دو تن از علمای شیعی بحرین هستند. در سال ۱۹۸۱، تعدادی از اعضای این جبهه (حدود هفتاد نفر) پس از کسب آموزش نظامی و تخریبی، با قصد سرنگونی دولت وارد عمل شدند، اما بنا به دلایلی، اقدام آنان ناکام ماند و همگی بازداشت شدند. ... جبهه اسلامی برای آزادی بحرین، اهداف خود را چنین بیان کرده است: تأمین آزادی های سیاسی، عدالت، آزادی بازداشت شدگان، برگزاری انتخابات مجلس، صدور اجازه بازگشت به افراد تبعیدی، احیای قانون اساسی، بی لیاقت خواندن خانواده حاکم برای اداره کشور.

این تشکّل، تلاش برای رسیدن به این اهداف را در قالب امر به معروف و نهی از منکر، یک واجب شرعی می داند و اعتقاد دارد که شیوه مبارزه در هر منطقه ای، متفاوت از

دیگر مناطق است. از این رو، مردم بحرین باید شیوه خاص خود را دنبال کنند. این جبهه، دارای هفت کمیته است که عبارت اند از: کمیته تبلیغات انتفاضه، کمیته حمایت از خانواده های شهدای انتفاضه، کمیته بزرگداشت شهدای انتفاضه، کمیته تنظیم

راهپیمـایی هـا و تجمعـات، کمیته هماهنـگ کننـده بین منـاطق مختلف، کمیته دفـاع از بازداشت شـدگان و کمیته جمع آوری کمک ها برای آسیب دیدگان انتفاضه.

ارگان تشـکّل یادشده، «الثوره الرسالیه» و «البحرین»؛ «وجه الاخر» (که به نام «چهره دیگر بحرین» به فارسـی هم چاپ می شود) و مجله «الانتفاضه» است.(۱)

۲- حزب الله بحرین

از سال ۱۹۸۷ به بعـد، دولت بحرین بـار هـا ادعـا کرده است که گروهی به نـام حزب الله بحرین، خوا هان سـرنگونی نظامانـد. دولت بحرین مدعی شده که این گروه سه هزار نفری،(۲) تماماً نظامی اند و از لبنان تغذیه می شود و مورد حمایت ایرانند. در ششم نوامبر ۱۹۸۹، دادگـاه امنیت ملی بحرین نُه نفر از جوانـان کشور را به اتهام وابسـتگی به حزب الله بحرین محاکمه و به ده سـال حبس محکـوم کرد. در فوریه ۱۹۹۶ نیز دولـت بحریـن اعلاـم کرد که گروهی از اعضـای حزب الله بحرین را دسـتگیر و بـازداشت کرده است. حرکت آزادگـان بحرین، ضـمن صـدور بیـانیه ای، وجود چنین گروهی را رد کرد و بیان داشت که این اقدام دولت، حربه ای برای ساختن

۱- بحرانی، جنبش های سیاسی – اجتماعی بحرین، چاپ اول، مؤسسه مطالعات اندیشه سازان نور، ۱۳۸۱، صص ۶۹ و ۷۰.

۲- به یقین این فقط یک ادعا نبوده؛ زیرا کاملاً بعید به نظر می رسد این تشکیلات سه هزار نفر عضو داشته باشد.

دشـمن فرضـی است تا ناآرامی ها را به خارج منتسب کنـد و در سـرکوب آنها، حـداکثر تلاش خود را به کار بنـدد. ... دولت بحرین اعلام کرد که افراد این گروه، همگی شـیعه انـد و به بعضـی از سازمـان هـای دولتی ایران وابسـته انـد و در دیگر نقاط جهان نیز فعالیت دارند. بعضـی از این افراد، با ظاهر شدن بر صفحه تلویزیون، به عضویت در حزب الله بحرین و ارتباط با ایران اعـتراف کردنـد. دولـت ایران، این ادعـا را به شـدت رد کرد. حزب الله لبنـان نیز از وجـود چنین گروهی اظهـار بی اطلاـعی و هرگونه رابطه با آن را تکذیب کرد. طی این حادثه، دو کشور ایران و بحرین، سـفیران خود را فراخواندند و روابط دیپلماتیک خود را تا سطح کاردار تنزّل دادند.(۱)

در سال ۱۹۹۷ شاهد بیشترین محاکمه مخالفان در بحرین بودیم. در این سال، ۸۱ نفر محاکمه شدند؛ ۵۹ نفر

حضوری و ۲۲ نفر غیـابی. این عـده که دولت بحرین آنان را در سوم ماه مه ۱۹۹۶ شـناسایی و بازداشت کرده بود، متهم بودند که با جناح نظامی حزب الله بحرین رابطه داشـتند. اکثر این افراد به پنـج تا پانزده سال حبس محکوم شدنـد. ۲۳ نفر از آنان هم که تبرئه شدنـد، به موجب قـانون امنیت ملی، در بـازداشت باقی ماندنـد. در ۱۷ مارس ۱۹۹۷ نیز دولت بحرین ادعـای مشابهی کرد.

در آوریل ۱۹۹۷، دولت کویت اعلام کرد تعدادی از اتباع

۱- مرتضـی بحرانی، جنبش های سیاسـی - اجتماعی بحرین، چاپ اول، مؤسسه مطالعات اندیشه سازان نور، ۱۳۸۱، صص۷۳ و ۷۴.

بحرین را به اتهام عضویت در «حزب الله خلیج فارس» بازداشت کرده است. این افراد که در ۲۶ مارس دستگیر شده بودند، یک گروه یازده نفری را شامل می شدند. ... روزنامه الایام نیز در دوم آوریل نوشت که این افراد، از اعضای حزب الله خلیج فارس اند و متعلق به سازمان شیعیانند که از طرف ایران حمایت می شود.(۱)

۳- حرکت هسته ای انقلابی

از جمله حرکت های سرّی و زیرزمینی شیعی بحرین بود که پس از انقلاب اسلامی ایران و تحت تأثیر آن در بحرین تشکیل شد. در ژانویه ۱۹۸۱، حکومت بحرین یکی از علمای دینی به نام شیخ ناصر الحداد و حدود بیست نفر از جوانان بحرینی را به اتهام اقدام علیه امنیت ملی

بازداشت کرد. این افراد، متهم بودند که در تشکیلات الخلایا الثوریه، به رهبری شیخ ناصر الحداد عضویت داشته اند. در دهم آوریل، طی محاکمه ای شیخ ناصر الحداد به هفت سال و بقیه افراد به یک تا چهار سال حبس محکوم شدند.(۲)

۴- حرکت اسلامی انصار الشهداء

حرکتی مخفی و سرّی بود که در اوایل دهه ۱۹۸۰ و تحت تأثیر انقلاب اسلامی به وجود آمد. رهبری این تشکل به عهده

۱- همان، ص ۷۵.

۲- همان.

شیخ جمال علی العصـفور بود. این گروه را نیز دولت کشف کرد. شـیخ عصفور نیز در سال ۱۹۸۰ دستگیر شد و تا سال ۱۹۸۱ در بازداشت به سر می برد که در همین سال و در بازداشت، ظاهراً بر اثر مسموم شدن از دنیا رفت.(۱)

۵-حزب الدعوه

این تشکل در سال ۱۹۶۵ و تحت تأثیر حزب الدعوه عراق به وجود آمد و خواستار حل مسئله فلسطین شد. این حزب، ریشه در جمعیت بیدارگری اسلامی دارد. در سال ۱۹۸۳، اعضای این گروه تحت تعقیب قرار گرفتنـد و در اوایل سال ۱۹۸۴، پنجاه نفر به اتهام عضویت در این تشکل، دستگیر و طی محاکمه ای در ۲۴ دسامبر، به یک تا هفت سال حبس محکوم شدند.(۲)

در موارد زیـادی، شـیعیان، اکثریت را در جنبش هـا و نـاآرامی هـا به خود اختصـاص داد ه انـد که این خود دلایلی دارد: اولاً؛ اکثریت جمعیت بحرین را شـیعیان تشـکیل می دهنـد؛ ثانیاً؛ بیشترین نرخ بیکاری در بحرین، متعلق به مناطق شـیعه نشـین است. شرکت آنـان در نـاآرامی هـا، به خـاطر شـیعه بـودن آنـان نیست، بلکه به خـاطر بیکـار بـودن آنـان است، ثالثـاً؛ بر هر فردی از شهرونـدان بحرین لازم است که در حرکت مشـروع و قانونی خود برای احیای دموکراسـی فعال باشـد. حال، علمای بحرین در این زمینه بیشتر احساس وظیفه می کنند و از میان

۱- همان، ص ۷۵.

۲- همان، صص ۷۵ و ۷۶.

علمـا، علمـای شـیعه بیش از دیگران این بـار را بر دوش می کشـند و این امر، بـاز هم به خاطر شـیعه بودن آنان نیست، بلکه به خـاطر بحرینی بودن آنـان است؛ رابعاً؛ با توجه به اهمیت بیـداری سیاسـی مردم، علمای شـیعه توانسـته انـد با اسـتفاده از وسایل مهمی چون نماز جمعه، مساجد و حسینیه ها، بیش از دیگران در این زمینه اقدام کنند.(۱)

البته ناگفته پیداست که اعظم مصائب و تبعیض ها نسبت به شیعیان اعمال می گردد و آنها هستند که از فقر و نبود شغل و عدم امنیت و... رنج می برند؛ بنابراین:

بیشترین حوادث، در مناطق شیعه نشین اتفاق می افتد و بیشتر شرکت کنندگان در راهپیمایی شیعیانند.(۲)

۶- جمعیت اسلامی تفاهم ملی بحرین (الوفاق)

شیـخ علی سـلمان، رئیس این جمعیت، بـا تأکیـد بر لزوم برگزاری انتخابـات سـالم در این کشـور، خواسـتار نظـارت نـاظران بر برگزاری انتخابـات پارلمـانی شـد. وی پیش بینی کرد؛ جمعیت الوفـاق که بزرگـترین تشـکّل سیاسـی بحرین است، حـدود ۱۲ کرسـی پارلمان جدید را به دست آورد. وی گفت: در انتخابات شورا های شـهری، که سال ۲۰۰۲ برگزار شد، جمعیت الوفاق حدود ۵۵ درصد آرای شرکت کنندگان را به دست آورد. گفتنی است، جمعیت الوفاق و سه تشکّل سیاسی دیگر در

۱- همان، ص ۶۰.

۲- همان، ص ۶۰.

بحرین، انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۲ را در اعتراض به اصلاحات قانون اساسی، به ویژه تقسیم قدرت قانونگذاری بین مجلس نمایندگان، که منتخب مردم است، و مجلس شورا، که اعضای آن انتصابی است، تحریم کردند. با آن که شیعیان هشتاد درصد جمعیت بحرین را تشکیل می دهند، در ساختار قدرت جایگاهی ندارند.

الوفاق بزرگترین تشکّل سیاسی است که بیش از ۶۵۰۰۰ نفر، عضو رسمی آن است، اما رهبران این حزب می گویند که طرفدارن این حزب بیش از تعداد اعضای رسمی آن است؛ به طوری که قریب نصف جمعیت بحرین را شامل می شود.[(۱)] با آنکه بیشتر اعضای آن را شیعیان تشکیل می دهند اما این حزب تنها یک تشکل مذهبی نیست؛ زیرا تعداد زیادی از جامعه کارگری و پیشه وران موفق و نیز روستاییان فقیر از سرتاسر بحرین نیز به عضویت این گروه در آمد ه اند. بنابراین نمی توان گفت که اعضای این حزب به کدام مرجع معیّن گرایش دارد بلکه در میان آنها مقلدین تمامی مراجع از جمله آیت الله خامنه ای، آیت الله شیرازی، آیت الله سیستانی و آیت الله فضل الله حضور دارند. همینطور حزب الوفاق از هیچ نظریه و ایدئولوژی خاص درون گروهی حمایت نمی کند بلکه از تمامی برنامه های سیاسی، اجتماعی و مذهبی برای رسیدن به اهداف مدنی خود استفاده می کند. ابراهیم شریف - که خود ریاست یکی از احزاب مخالف دولت به نام جمعیت دموکراتیک ملی «العمل» را به عهده دارد – می گوید: «مردم از آن جهت به عضویت الوفاق در می آیند که فکر می کنند بهترین جا برای حمایت از

۱- مصاحبه crisis group با شیخ حسن مشیمع، منامه ۱ فوریه ۲۰۰۵.

شیعیان است».(۱) الوفاق در همین اواخر موفق شده در میان شیعیان تا حد زیادی مهم و با نفوذ گردد.

پیش از الوفاق حرکت اسلامی آزادی خوا هان بحرین با اینکه غیرقانونی اعلام شده بود و اکثر رهبران آن در خارج از کشور حضور داشتند، در دهه ۹۰ قرن گذشته بیشترین

هواداران را برای خود کسب کرده بود. برخی از شخصیت های سیاسی طرفدار بحرین مانند برخی از اعضای حزب قدرتمند الدعوه شیعی عراق هم، در الوفاق عضویت دارند.

شیخ علی سلمان رئیس کنونی الوفاق در اوایل دهه ۹۰ در قم زندگی می کرد؛ جایی که تحصیلات خود را تکمیل کرده بود. او به اجبار به لندن تبعید شد و بعد از ۵ سال، بار دیگر در فوریه ۲۰۰۱ به بحرین بازگشت.(۲) وی در حزب الوفاق از اختیارات مطلق برخوردار نیست. وی با تصمیم تحریم انتخابات پارلمان ۲۰۰۲ نیز مخالفت کرده بود.

۷- جمعیت اسلامی العمل «امل»

دومین حزب بزرگ سیاسی شیعه و مخالف دولت، جمعیت اسلامی العمل است که شیخ محمد علی محفوظ ریاست آن را بر عهده دارد. علیرغم اینکه جمعیت اسلامی العمل با حزب وفاق و سایر احزاب مخالف، در مورد اصلاحات سیاسی و ضرورت اصلاح قانون اساسی سال ۲۰۰۲ همصدا و هماهنگ شد، اما

۱- مصاحبه crisis group منامه، فوریه ۲۰۰۵.

۲- برای اطلاع از شرایطی که منجر به تبعید شیخ علی گشت، ر.ک: هیومن رایت واچ، بدرفتاری های مداوم و تبعید پی درپی، ص ۲۸ – ۳۲.

این جمعیت بـا ساختـار پیچیـد ه ای که دارد عرصه فعـالیت مشـخص و محـدودی را دنبـال می کنـد. این جمعیت در پی حفظ وجهه دینی است و خواسـتار برپایی نظامی است که از شـریعت الهام گیرد و اهداف آن بیشتر فعالیت در عرصه سیاست دنیوی است. درواقع می توان جمعیت اسـلامی العمـل را از نظر سیاسـی بـا تشـکل دینی الرسـاله و فعالیت های حزب الـدعوه که آثار آیت الله شـیرازی را منتشـر سـاخته و خمس را جمـع آوری می کنـد همردیف دانست. از نظر دینی، جمعیت اسـلامی العمـل با مرجعیـت آیـت الله شـیرازی ارتبـاط دارد. هم اکنـون آیت الله سـید محمـد صـادق شـیرازی در قم و آیت الله سـید محمـد تقی مدرسـی در کربلا، آن را رهبری می کننـد. گروه های سـنی و حتی برخی از گروه های شـیعه نیز با تردید به جمعیت اسـلامی العمـل می نگرنـد؛ زیرا ایـن جمعیـت از اسـاس و ریشـه، میراث دار جبهـه آزادی بخش بحرین است. این جبهه در سـال ۱۹۸۰ توسط یک عالم دینی تنـدرو به نام سـید هادی مدرسـی با هـدف انقلاب علیه آل خلیفه تشـکیل شـد. چنـدی بعـد مدرسـی از بحرین گریخت و نیرو هـای حکومتی دیگر اعضای این تشـکل را بازداشت کردنـد. حزب اسـلامی العمل در دهه ۹۰ – بعد از آنکه شـیخ محفوظ رهبری آن را عهده دار شد – قدرتمند و فعال شد، اما این حزب هرگونه تندروی و دشـمنی با آل خلیفه را مردود می داند.

هـادی علـوی که عضـویت هر دو حزب را داراست و برای هر دو به طور یکسـان فعـالیت می کنـد به crisis group گفت: تعداد ۲۰۰۰۰ عضو در هر حزب ثبت نام کرد ه انـد، اما او نیز هماننـد رهبران الوفاق مـدعی شد که هواداران حزب او بیشتر از این تعداد است. هر دو حزب تقریباً از حمایت ۴۵ تا ۵۵ درصد شیعیان

برخوردار است.(۱) وی همچنین گفت: اکثر شهروندان بحرینی گرایش خود را به طور علنی آشکار نمی سازند، زیرا در بحرین به جناح های سیاسی به عنوان احزاب تندرو نگریسته می شود، به همین خاطر افراد با این جناح ها همکاری می کنند و علناً گرایش خود را اعلام نمی کنند.(۲)

۸- حزب اخاء (اخاء الحسینی)

سومین حزب شیعه، حزب جدید التأسیس به نام الاخاء است که بیشتر پیروان آن اصالت فارس دارند. این حزب در سال ۲۰۰۴ مجوز فعالیت دریافت نمود در حالی که فارس های بحرین بیش از ۲۵ تا ۳۰ درصد ساکنان این کشور را تشکیل می دهند.

فعالیت این حزب در مورد مشکلات و نابرابری ها و نگرانی های مشخص و محدودی است که اعضا و هواداران حزب، از آن رنج می برند. بنا به اظهارات این حزب، ۹۹ درصد اعضای آن از نظر قومی، اصالت ایرانی دارند اما اکثر خانواده های آنها بیش از صد ها سال در بحرین بود ه اند و همانجا هم متولد شد ه اند. این حزب هیچ ارتباطی با ایران ندارد و اعلام کرده است که قصد جدایی از سایر بحرینی ها را ندارد و تنها هدف آن پایان تبعیض علیه همنوعان خود است. علیرغم وجود تنوع و گوناگونی در ساختار و گرایش های مذهبی و اصالت قومی احزاب شیعه،آنان در اهداف اساسی و مهم با همدیگر هماهنگی و

۱- هادی علوی، منامه ۱۲ فوریه ۲۰۰۵.

۲- احزاب مؤید آیت الله شیرازی جزء تندروها هستند، اما با این همه، آیت الله شیرازی تاکنون علناً برای انقلاب و یا براندازی خلیفه اعلام موضع نکرده است.

همکاری می کننـد. به عنوان مثال، اصـلاحات سیاسـی، بهبود اوضاع اجتماعی، اقتصادی و پایان تبعیض، هدف هایی است که تمـام احزاب شـیعه آن را دنبـال می کننـد. و تمامی رهبران و به دنبال آن اعضای این احزاب، همگی یکصـدا خواسـتار اجرای وعـده هـایی هسـتند که در پیمـان نامه ملی سال ۲۰۰۲ عنـوان شـده است. امـا دیگر احزاب مخـالف دولت، فعـالیت خود را در راسـتای متقاعد ساختن حکومت به اصـلاح قانون اساسـی ۲۰۰۲ و مخصوصاً تفویض کامل صـلاحیت قانونگـذاری به پارلمان منتخب متمرکز ساخته انـد. هیـچ یک از این احزاب، قصـد نابودی و تغییر نظام را ندارند بلکه موضع معتدل آنها نسـبت به آل خلیفه، مورد توجه گروه های شـیعه قرار گرفته است. روسـتائیان شـیعه که برخی از آنها از فقیرترین مناطق بودنـد، در پاسـخ به سؤالی در مورد بهترین راه حل اختلافات قبیله ای قومی را اصـلاحات سیاسـی و اداری و کلیـد حل تمام مشـکلات خواندنـد و خواسـتار برابری و مساوات شدند. با این همه، بسیاری از اهل تسنن و افرادی از خانواده سلطنتی در مورد شیعیان شک و تردید دارند. برخی از نگرانی ها نسبت به شیعه از این واقعیت نشأت می گیرد که برنامه های سیاسی شیعیان به دلیل عدم برخورداری از هماهنگی و تکامل در حل مشـکلات ناکام مانـد ه انـد و آنان خواسـتار اصـلاحات سیاسـی و بنیادی هسـتند. این مطلب که علمای شـیعه درصدد برقراری حکومت اسـلامی هسـتند و از خارج خط مشی دریافت می کنند،ادعا های مبالغه آمیز است، اما علمای شـیعه علیرغم تبعیـد مـداوم آنها قصد دارند دولتی در داخل دولت به وجود آورند که علمای دینی از قدرتی مسـتقل و دور از دخالت دولت مرکزی بهره مند باشند.

ص: ۲۰۱

۹- حزب حرکت اسلامی آزادیخوا هان

این حزب توسط مخالفان اقلیت حاکم به منظور حمایت از شیعیان مظلوم و رفع تبعیض و محرومیت از آنان تأسیس گردید. ناسازگاری حکومت با شیعیان و متهم کردن آنان به وابستگی به کشور های همسایه، این حزب و اقلیت حاکم را به چالش با یکدیگر کشاند. آنگاه که مبارزات حزب حرکت اسلامی آزادیخوا هان رونق گرفته بود و به صورت علنی درخواست مطالبات و حقوق از دست رفته خویش را می نمودند، از طرف اقلیت حاکم بر بحرین غیرقانونی اعلام شد. با این که رهبران حزب حرکت اسلامی آزادیخوا هان در تبعید در خارج از کشور بودند تا دهه ۹۰ و حتی تا سال ۲۰۰۰ از مقبولیت فراوانی برخوردار بودند، اما به هر حال از آن به بعد حزب الوفاق و العمل که به صورت میدانی و گسترده در بحرین فعالیت داشتند، بیشتر مورد استقبال مردم قرار گرفته اند. رهبری این حزب به عهده دکتر سعید شهابی است که به وسیله پایگاه های اینترنتی و رسانه ها در لندن به حیات خود ادامه می دهند.

۱۰- جمعیت عدالت و توسعه

این تشکل از احزاب سیاسی منشعب شده ازحزب الوفاق است. حزب الوفاق که بزرگترین و گسترده ترین حزب فراگیر و قدرتمند شیعی در بحرین است، جهت توسعه فعالیت ها و رسیدن به اهداف خود به برخی اعضای خود توصیه نمودند تا با تأسیس جمعیت عدالت و توسعه به صورت ویژه و به خصوص با جریان مخرب تبعیض در بحرین مقابله نمایند.

برخی از اعضای حزب وفاق نیز در سال ۲۰۰۴ م. اقدام به تشکیل جمعیت عدالت و توسعه نمودند و اما به نظر می رسد اقبال عمومی و رهبری جامعه شیعی

در همه زمینه ها، همچنان در اختیار حزب الوفاق بوده و مردم چندان رغبتی به گسترش و حمایت از جمعیت سیاسی عدالت و توسعه بحرین نشان نمی دهند. موسی موسوی(۱) از کارشناسان و خبرگان مسائل سیاسی بحرین معتقد است؛ نقشه جدایی تشکل عدالت و توسعه در واقع توسط دولت و به قصد تفرقه و جدایی در بین اعضای الوفاق به این عمل اقدام نموده است. به هر طریق این حزب تا حدودی مورد توجه است و ارتباط آن با دیگر احزاب شیعی حسنه بوده و عملکرد آنان حاکی از هیچ نوع تفرقه و جدایی طلبی در بین آنان نیست.

برخی تشکل های مخالف شیعه

۱ – جمعیت الاصاله السیاسیه (سلفی گر و هابی)

این جمعیت که در بحرین مستقر هستند، ازمعاندین و مخالفین سرسخت شیعیان به شمار می روند. گروهی تحت نظر این مرکز فعالیت دارند که هدف و کار اصلی آنان تحریک سنی ها بر ضد شیعیان است.

از اعضای برجسته آنها عادل راشد است. وی عضو و یکی از رهبران سازمان مخوفی است که تمامی سیاست های سیاسی و امنیتی بحرین را اداره می کنند و کارمند اداره اطلاعات مرکزی نیز هست. عضو برجسته دیگر آنان، ناصر محمد یوسف لوری است که معاون دفتر هماهنگی رئیس دیوان پادشاهی شیخ محمد بن عطیهالله است و ارتباطی تنگاتنگ با جریان های سلفی گری دیگر کشور های حاشیه خلیج فارس دارد.

۱- مصاحبه وی با سازمان بین المللی crisis group منامه، ۱ فوریه ۲۰۰۵.

۲ – جمعیت تربیت اسلامی

از دیگر تشکیلات ضدسیاسی در بحرین جمعیت تربیت اسلامی است که تحت پوشش این اسم، تمامی برنامه های فرهنگی علیه شیعه ساماندهی و هدایت می شود.

۳ – گروه سوئچ

از دیگر تشکیلات ضد شیعه در بحرین گروه فرقه گرای «سویچ» است. هماهنگی تبلیغات اعتراض آمیز در روزنامه ها، در بین مردم در خطبه های مساجد و... از اهداف این گروه است. مسئولیت این گروه را «عادل راشد» به عهده دارد.

ص: ۲۰۴

برخی انجمن ها و تشکیلات اسلامی شیعیان

انجمن های اسلامی شیعیان بحرین

اشاره

علیرغم ممنوعیت فعالیت احزاب و گروه های سیاسی، سازمان های اسلامی همواره حرکت های مردمی را رهبری کرد ه اند که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱. المنتدی الاسلامی (انجمن اسلامی)

این انجمن با اهداف فرهنگی – اجتماعی در حدود سال های ۱۳۳۰ ه-.ش. فعالیت خود را آغاز کرد و در طول حیات خود، نقش فعال و اساسی در مبارزه با موج غرب گرایی و احیای حس میهن و فرهنگ دوستی و مبارزه با تفکر بی دینی ایفا کرد و حرکت های انقلابی بسیاری را رهبری و هدایت نمود.

فعالیت های انجمن اسلامی (المنتدی الاسلامی)، موجب نگرانی آل خلیفه- حاکمان بحرین - گردید و سرانجام دستگاه حاکم دستور انحلال آن را صادر کرد و به فعالیت علنی آن پایان داد.

۲. الصندوق الحسینی الاجتماعی

در حدود سال ۱۳۵۰ ه-.ش این صندوق با شعار «خدا، عدل، انسان» پا به عرصه مبارزه گذاشت و به تربیت و پرورش گروهی از جوانان و دانشجویان علوم دینی همت گماشت.

صندوق حسینی، در راستای هدفش به برپایی مجالس سخنرانی، کلاس های دینی احکام، طرح مباحث مهم اجتماعی و جشن ها و مناسبت های اسلامی می پرداخت که دارای صبغه سیاسی بود.

ص: ۲۰۵

دامنه فعالیت این صندوق علاوه بر منامه، پایتخت، به دیگر شهر ها و روستا ها نیز کشیده شد. فعالیت های گسترده صندوق الحسینی الاجتماعی، خشم هیئت حاکمه را برانگیخت و سرانجام در سال ۱۳۵۹ ه-.ش به اتهام تحریک مردم و اخلال در نظم عمومی، منحل اعلام و دارائی های آن مصادره و برخی از اعضای آن بازداشت شدند.(۱)

۳. جمعیه التوعیه الاسلامیه (جمعیت آگاهی و هوشیاری بخش اسلامی)

این گروه، پس از تشکیل، به تبلیغ و ترویج فرهنگ اصیل اسلامی در بین مردم پرداخت و در این راستا و برای رسیدن به هدفش، علاوه بر دایر کردن کلاس ها، از نوار، کتاب و جزوه نیز بهره برد.

آل خلیفه که از گسترش فعالیت های این جمعیت به وحشت افتاده بود، دنبال بهانه ای بود تا بتواند آن را منحل اعلام نماید و سرانجام در سال ۱۳۶۴ ه-.ش. به بهانه خرابکاری و قصد براندازی نظام آن را منحل اعلام کرد و گروهی از اعضای جمعیه التوعیه الاسلامیه را بازداشت و به زندان محکوم کرد.(۲)

۴. جبهه آزادیبخش بحرین

این جبهه در سال ۱۳۵۵ ه-.ش. اعلام موجودیت و آغاز به فعالیت کرد.

هدف این جبهه سرنگونی رژیم آل خلیفه و برپایی حکومت مستقل اسلامی، مبارزه با سلطه بیگانه و ریشه کنی فقر و بی سوادی اعلام شد. دبیر کل این جبهه شیخ محمد علی محفوظ است.

۱- جزیره ایمان به نقل از مجله بقیع، ش ۲۷، ص ۲۰.

۲- همان، ش ۲۷، ص ۲۰.

جبهه اسلامی، برای رسیدن به هدف خود، نشریات: الثوره الرسالیه، الشعب الثائر، البینه و بحرین را منتشر می کند.

این جبهه از همان آغاز، مبارز های سخت و پی گیر با رژیم حاکم بر بحرین را آغاز کرد و تاکنون در راه رسیدن به اهدافش، بهترین و برجسته ترین اعضایش را از دست داده است.

سازماندهی راهپیمایی های پشتیبانی از جمهوری اسلامی ایران، روز قدس ۱۳۵۸، اعتراض به شهادت آیت الله سید محمد باقر صدر و خواهرش بنت الهدی صدر از دیگر فعالیت های این جبهه به شمار می رود.

ص: ۲۰۷

فصل پنجم

اشاره

- مظلومیت ها
- محدودیت ها
- تبعیض ها
- راهکار های برون رفت.

ص: ۲۰۹

مظلومیت تاریخی شیعیان در بحرین

اشاره

بحرین، در طول حیات پس از اسلام خود، شاهد تاخت و تاز های بسیاری بوده که ستم و فساد حکّام جبّار اموی و عباسی زمینه اصلی این حرکت ها را فراهم کرد و در این میان، شیعیان بیشترین رنج و مشکلات را متحمل شدند که به برخی از این شورش ها اشاره می کنیم:

ابو فُدَیک: وی عبدالله بن ثور معروف به ابو فدیک، یکی از خوارج بود که پس از بروز اختلاف و دو دستگی میان آنان، به رهبری بر گزیده شد.

او موفق شد تا در سال ۷۲ ه- با غلبه بر حاکم اموی بحرین، بر این کشور مسلّط شود. اما این تسلط دیری نپایید و در سال ۷۳ ه- ابو فدیک و شش هزار نفر از لشکریانش زیر سُمّ ستوران ده هزار نفری عبدالملك بن مروان، از بین رفتند و حکام اموی، دوباره، بر بحرین حاکم شدند که در نتیجه حکومت هر دو نفر، شیعیان بحرین لطمات فراوانی را متحمل شدند.

زنگیان: در سال ۲۵۵ ه-. شخصی به نام علی بن محمد، معروف به «صاحب زنج» علیه حکام عباسی، در سواحل شمال غربی خلیج فارس (خوزستان امروزی)، قیام کرد.

ابتدا منطقه حد فاصل میان اهواز و آبادان امروزی را به تصرف خود در آوردند، آنگاه بصره را نیز فتح کردند و در شهرکی به نام «مختاره»، پایه و اساس حکومت

زنگیان را پی افکندند.

ص: ۲۱۱

«صاحب زنج»، راه بحرین را پیش گرفت و از آنجایی که خود را از سادات علوی معرفی می کرد، مردم بحرین، احسا و قطیف، دور او حلقه زدند و از او حمایت کردند.

سرانجام پس از ۱۵ سال درگیری با حکام عباسی، طومار زندگی آنان درهم پیچیده شد و زنگیان منقرض شدند، که در مدت ۱۵ سال درگیری، بیشترین خسارات و مصائب نصیب شیعیان بحرین گردید.

این فرقه بیشترین و دردناکترین مصائب را بر شیعیان علی بن ابیطالب علیه السّلام در بحرین تحمیل کردند و بدین وسیله، کینه ای که از مولا ـ امیرالمؤمنین علی علیه السّلام از جنگ نهروان در دل داشتند و با به شهادت رساندن آن امام همام به پایان نرسیده بود، آتش خشم و کینه آنان، دامن شیعیان مظلوم بحرین را گرفت.

خوارج، چندین بار به بحرین حمله کردند، اما در هر بار با مقاومت سخت مردم روبه رو شده و شکست خوردند. اما در سومین حمله و یورش، پس از محاصره کردن شهر ها و انسداد راه های ورودی و خروجی، توانستند بحرین را اشغال کرده و به قتل و غارت و کشتار مردم و شیعیان بپردازند.

این تهاجم و قتل و غارت به جایی رسید که علما و دانشمندان مجبور به ترک بحرین و رفتن به قطیف، ایران و عراق شدند و این دوران را می توان دوران رکود علمی بحرین نامید.

شیعیان، بیشترین جمعیت بحرین را تشکیل می دهند، امّا در وظایف دولتی بالا درصدبسیار پایینی را دارند و حتی در بعضی از ادارات دولتی، کارمند شیعی وجود ندارد. بر اساس آمار های منتشر شده، شیعیان ۱۸ درصد از وظائف دولتی را در اختیار دارند. زنان نیز مشاغل دولتی زیادی را در اختیار ندارند.

ص: ۲۱۲

در سال ۲۰۰۱، ۲۶ درصد از زنان در ادارات دولتی مشغول بودند اما در مقام ها و پست های بالای دولتی بیش از ۸ درصد نیست.

در هفت وزارتخانه و اداره دولتی، زنان اهل تسنن ریاست آنها را به عهده دارند، این در حالی است که هیچ زن شیعه در این میان وجود ندارد.

تنها زنان خاندان «آل خلیفه» می توانند به بالاترین مقام دست یابند. این در حالی است که مجموع افراد این خانواده کمتر از یک درصد ساکنان و شهروندان را تشکیل می دهند اما آنان بیش از ۱۷ درصد از وظایف مهم دولتی را به عهده دارند.

اگر مقام های وزارت و .. را به آن اضافه کنیم؛ حدود ۵۱ درصد از مشاغل دولتی را در اختیار دارند که پُست ها و وزارتخانه های کلیدی مانند: نخست وزیری، وزارت دفاع، کشور، امنیت و دادگستری از آن جمله اند.

افراد این خانواده، علاوه بر مقام های مذکور، پست های مهم دیگری مانند: استاندار، ریاست محاکم، ریاست دانشگاه و ریاست شورای عالی زنان را در اختیار دارند و همچنین افراد این خانواده در شرکت های بزرگ تجاری - که بیشترین استفاده را دولت می برد - و فدراسیون های ورزشی، دارای ریاست و منصب هستند.

محدودیت های شیعیان

به دلیل حاکمیت حکام سنی متعصب در نظام سیاسی بحرین، اکثریت شیعه با چالش ها و تهدیدات زیادی مواجه شده است و برای مقابله با این چالش ها، باید مهم ترین زمینه هایی که این چالش ها و تهدید ها در آن متمرکز شد ه اند را مشخص کرد. سپس تعریفی از ماهیت خود این چالش ها ارائه داد و در آخر راهکار های پیشنهادی و طرحی اجرایی را ارائه نمود.

ص: ۲۱۳

مهم ترین زمینه هایی که باید اقداماتی در رابطه با آنها صورت داد، به شرح ذیل است:

اقتدار و زورگویی و ایجاد محدودیت های سیاسی شدید علیه شیعیان که در بی توجهی به اکثریت شیعه وجود دارد.

تسلط اقلیت اهل تسنن حاکم بر پست های مهم اجرایی در تمامی وزارتخانه ها و مؤسسات دولتی حتی وزارت آب و برق و وزارت بهداشت و... .

تسلط و احاطه اقلیت اهل تسنن حاکم بر تمامی امکانات دولتی و تبعیض شدید بین شیعیان و اهل تسنن.

راهکار های پیشنهادی

- را ه اندازی سریع سازمان توسعه سیاسی بحرین با هدف ارائه برنامه های فعال در زمینه آگاهی سیاسی و آموزش سیاسی با تأکید بر ضرورت استفاده شیعیان و انجمن های سیاسی شیعی از این برنامه ها به وسیله تشویق آنها

بر مشارکت در این برنامه ها.

- افزایش نقش سیاسی علمای دینی شیعی و کسانی که از آگاهی و رشد سیاسی برخوردارند، تا نقش مؤثری را در تشویق شیعیان و افزایش انگیزه سیاسی آنها ایفا کنند و خود نیز در ارائه مواضع سیاسی شیعیان سهیم باشند. این امر از طریق درس های دینی و خطبه های هفتگی جماعات امکان پذیر است.

- تشویق بر تأسیس بیشتر انجمن های سیاسی و حقوقی توسط شیعیان که باید حمایت معنوی و مادی لازم از این جمعیت ها انجام شود، تا این جمعیت ها بتوانند نقش مطلوب خود را ایفا کنند، همچنین باید آموزش های لازم به دست اندرکاران این جمعیت ها داده شود و نیز باید فرصت هایی به آنها داده شود

تا بتوانند با سازمان های بین المللی در همان زمین هایی که مورد اهتمام جمعیت است ارتباط برقرار کنند.

- تأسیس رصدخانه تحقیقاتی که وظیفه آن پیگیری همه ظلم هایی است که در حق شیعیان در جامعه به صورت عمومی و در مؤسسه های مختلف دولتی و مؤسسه های بخش خصوصی به صورت معین اعمال می شود. این مرکز به تحلیل و بررسی تحول نقش شیعه در نظام سیاسی بحرین و روابط خارجی شیعیان می پردازد و توصیه هایی را در مورد چگونگی ایجاد تعادل در توزیع پست های اصلی مؤسسات دولتی و شرکت های بخش خصوصی ارائه می دهد.

- تشکیل نسل جدید از پژوهشگران جوان شیعه که کارشناس امور شیعه ایران، عراق، عربستان و کویت هستند، به گونه ای که توان فهم و اندیشه شیعه را داشته باشند و بتوانند ماهیت روابط خارجی سازمان های شیعه بحرین را بررسی کنند. باید زبان فارسی را یاد بگیرند تا بتوانند ادبیات شیعه را که به زبان فارسی نوشته شده است بفهمند و روزنامه ها و مطبوعات ایرانی را دائماً پیگیری کنند و با ارائه راهکار های برون رفت از تبعیض ها و تهدید ها به نجات شیعیان کمک نمایند.

محدودیت های معیشتی

- وجود تعداد بسیار زیادی خانواده شیعی که از فقر و سختی اوضاع معیشتی رنج می برند.

- عدم توانایی تعدادی از خانواده های شیعی بر دستیابی به خدمات مسکن. این مسئله به خاطر حجم گسترده تقاضا های تملکی است که خانواده های سنی ارائه داده اند.

ص: ۲۱۵

- ضعف خدماتی که صندوق های خیریه شیعیان ارائه می دهند. این بدان معنی است که در توزیع صندوق های خیریه مشکلی وجود دارد.

راهکار های پیشنهادی در بخش محدودیت های معیشتی

- فعال سازی نقش صندوق های خیریه در خدمت به شیعیان.

- ارائه کمک های عینی (واقعی) لازم برای رفع نیاز های خانواده های شیعه کم درآمد.

- ارائه کمک های مالی کافی به خانوده های شیعه کم درآمد.

- استفاده از خدماتی که صندوق های خیریه ارائه می دهند، در مقابل سوق دادن خانواده های شیعه کم درآمد به حضور در صحنه سیاسی در بعضی اوقات مثلاً در زمان انتخابات و در طی بحران های سیاسی اجتماعی.

- مشارکت شیعیان به نسبت جمعیت خویش بر هیئت مدیره صندوق های خیریه ای که از دولت اعتبار جذب می نمایند و خدمت به فقرای شیعه از این صندوق ها.

محدودیت اقتصادی

تسلط دولت توسط سنی های متعصب بر پست های مهم اجرایی در شرکت های مختلف و مؤسسه های مهم بخش خصوصی حتی بابکو، البا، اسری، شرکت هواپیمایی خلیج، بتلکو، بانک های مختلف و غیره؛ این مسئله ای است که به سنی ها فرصت می دهد تا به منابع مختلف اطلاعات دسترسی داشته باشند و آن را در جهت ضرر رساندن به منافع شیعیان به کار گیرند، تا نقش خود را در نظام سیاسی افزایش دهند.

ص: ۲۱۶

- تسلط اقلیت اهل تسنن حاکم بر اتحادیه های کارگران در شرکت های مختلف و مؤسسه های بخش خصوصی.

- گسترش بی کاری در بین شیعیان به ویژه در بین فارغ التحصیلان دانشگاه های مختلف.

- ایفای نقش سیاسی آشکار توسط بازرگانان و کارگزاران سنی از طریق ارائه کمک های مالی، آموزشی، مسکن و شغل برای سنی ها.

تسلط دولت اهل تسنن دست نشانده آل خلیفه بر همه شغل ها از جمله شغل هایی که با امنیت غذایی در ارتباط اند، مثل: کشاورزی، نانوایی و کارخانه های بسته بندی آب.

راهکار های پیشنهادی در بخش محدودیت اقتصادی

- تأسیس صندوق ویژه برای تأمین مالی طرح های بازرگانی و اقتصادی تاجران جوان شیعه.

- جلوگیری از دادن اولویت به سنی ها در استخدام های دولتی؛ این کار با هدف ایجاد تعادل در آینده پست های مهم اجرایی در دو بخش دولتی و خصوصی انجام می گیرد.

- تشویق شیعیان به کار در شغل های مختلف با به دست آوردن مهارت های لازم برای آن شغل.

- تشویق بازرگانان و کارگزاران شیعه به ایفای نقش مهم سیاسی از طریق ارائه کمک های مالی، آموزشی، مسکن و توجه به استخدام شیعیان در پروژه های مختلف.

- تشویق تاجران و کارگزاران شیعه بر سرمایه گذاری در پروژه هایی که با

امنیت غذایی در ارتباط اند، مثل: تأسیس شرکت هایی برای بسته بندی آب، تولید میوه، سبزیجات و تأسیس نانوایی.

- فعال سازی نقش سازمان توسعه سیاسی بحرین، به خاطر شناساندن درست اتحادیه ها به شیعیان تا آنها را تشویق کنند که به عضویت اتحادیه های کارگری درآیند.

- تلاش برای ارتقای حاکمیت شیعیان در برخی پست های اصلی اتاق بازرگانی، صنعتی و نیز دستگاه های اجرایی بحرین با هدف جلوگیری از نفوذ و تحکم اهل تسنن بر صنعت و تصمیم های بازرگانی کشور.

محدودیت های جمعیت شناسی

- وجود نقص در توزیع ثروت و قدرت در ترکیب جمعیتی به نفع اقلیت حاکم سنی؛ به طوری که شیعیان ۸۰ درصد از جمعیت و سنی ها ۱۸درصد از جمعیت دولت پادشاهی بحرین را شامل می شوند.

- وجود گروه های عرب زبان سنی که تابعیت بحرینی گرفته اند و استفاده این گروه ها از اهرم های سیاسی از جانب سنی ها و دیگر گروه های بحرینی.

- وجود درخواست های دائمی و اعطای ملیت به وسیله دولت به ویژه اعطای ملیت به عرب های سنی به جهت برهم زدن تعادل جمعیتی به نفع سنی ها.

راهکار های پیشنهادی در بخش محدودیت های جمعیت شناسی

- تأسیس مؤسسه ای ملی برای ازدواج و حمایت از زوج های جوان شیعه و ارائه کمک های مادی و عینی لازم برای آنها؛ این صندوق می تواند وابسته به یکی از صندوق های خیریه یا در حالت ادغام صندوق های خیریه شیعه با یکدیگر باشد، به طوری که وابسته به یک مؤسسه خیریه بزرگ گردند.

- تلاش در جهت استخدام شیعیان مقیم بحرین در مؤسسات مختلف رسمی و ملی کشور، که این موضوع باید با هدف تقویت شیعیان چه از نظر تعداد جمعیتشان و چه از نظر استفاده از توانایی و تجربه های ایشان و نیز جلوگیری از منزوی شدن آنها در جامعه به عمل آید.

تغییر شیعیان به اقلیت

اشاره

بحرین؛ دارای هویتی اسلامی است و با ولایت اهل بیت: شناخته می شود.

بحرین؛ پایبند به روش اهل بیت: است، مردم بحرین بعد از رحلت پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله به دلیل غصب خلافت، هر چند آنان را مرتد خواندند و برعلیه آنان اعلام جنگ کردند، اما همچنان بر داشتن ولایت اهل بیت: مصمم بودند. زمانی که خانواده سلطنتی در سایه تحقیر فرزندان بحرین به حکومت رسید، تنها راه حاکمیت کامل و همه جانبه بر مردم و خاموش کردن ندای حق طلبی، مخالفت با حاکمیت اقلیت بر اکثریت و مخالفت با تغییر هویت اسلامی، این بود که به هر وسیله ممکن، با این اکثریت مقابله نماید تا امنیت و آرامش را در جامعه حاکم سازد.

حاکمیت و سلطنت خاندان آل خلیفه که با پادشاهی «حمد بن عیسی» آغاز شد، بر دو پایه و اساس استوار بود:

۱) دادن آزادی بیان (بدون استفاده از ابزار تبلیغاتی و اطلاع رسانی).

۲) ایجاد فرصت مناسب برای تغییر بافت جمعیتی.

به برخی از کار های انجام شده توسط شیخ حمد بن عیسی اشاره می کنیم:

الف– برخورد با شیعیان به عنوان یک اقلیت

پس از خروج انگلستان و تشکیل دولت جدید در بحرین، شیعیان به عنوان یک اقلیت معرفی شدند که تاکنون نیز ادامه دارد. اما آل خلیفه، بعد از خروج انگلیس، در تقسیم

وزارتخانه ها، برابری بر مبنای جمعیت را سرلوحه کار خود قرار نداد؛ برای شیعیان تنها ۵ وزارتخانه و برای سنی ها نیز ۵ وزارتخانه و برای آل خلیفه نیز ۵ وزارتخانه اختصاص داد. اما این روش تغییر یافت و به گونه ای که در حال حاضر از مجموع ۲۱ وزارتخانه تنها ۵ وزارتخانه (۲۳ درصد) به شیعیان واگذار گردیده است که این مسئله به سایر مراتب اداری؛ از مدیریت تا معاونت وزیر نیز گسترش یافته که در گزارش سازمان جهانی حقوق بشر در بحرین، با مدارک معتبر و مربوطه آمده است. همچنین رئیس اصلی این وزارتخانه ها و وزارت آنها نیز از شیعیان سلب گردید که این خود ظلم مضاعفی درحق شیعیان به شمار می رود.

توصیه های کمیسیون سازمان ملل متحد در ژنو بر همین نکته تأکید دارد. در انتخابات شهرداری ها مردم حماسه آفریدند اما شیعیان نتوانستند بیش از ۴۶ درصد از کرسی ها را به دست آورند. علت آن توزیع نادرست حوزه های انتخابیه بود. شاید این مسئله درست باشد، اما همه اینها مقدماتی است برای بیان این مسئله که به شیعیان بقبولانند که آنان نیز همانند دیگر اقلیت های جامعه بحرین هستند.

شیخ حمد بن عیسی اصرار داشت تا ترکیب جمعیت را تغییر دهد و به فرض محال، دموکراسی را پیاده کرده باشد و این دلیل قاطعی برای اثبات عملیات نژادگرایی اجتماعی است. همانگونه که در این اواخر در پایان

قرارداد های آنان با وزارت کشور اتفاق افتاده که نمونه های کامل آن بیش از

۲۰ هزار نفر از کسانی است که دارای شناسنامه قطری و تعداد آنها از ۵ هزار نفر هم گذشته است و همه اینها تابعیت بحرینی گرفته اند که همه به قصد برهم زدن نسبت جمعیت بین شیعه و سنی انجام می گیرد.

شیعه؛ در داشتن پُست های مهم و اساسی مانند: حکومت، وزارتخانه ها، مجلس شورا، معاونان وزیر، مجلس نمایندگان، قوه قضائیه، شورای قانون گذاری، مجلس ملی زنان، مجلس اقتصادی، دانشگاه بحرین، مراکز تحقیقاتی و فدراسیون های ورزشی و غیره نه تنها در اقلیت، بلکه محروم هستند. این نیست مگر اینکه آن را به پذیرش اقلیت بودن شیعه و با هدف خارج کردن آنها از حکومت و... تعبیر کنیم.

ب– اقلیت نشان دادن شیعه در آمار دروغین

نظام اقلیت حاکم به شکل سری و سریع، برنامه ای را اجرا نمود که هدف آن چیزی جز تغییر مردم بحرین به ویژه شیعیان به اقلیت، تبدیل مرکز سکونت یک گروه یا یک نژاد به مرکز سکونت نژاد ها و گروه های مختلف که دارای نقاط مشترک در امور فرهنگی، قبیله ای، مذهبی و همینطور سیاسی بودند، نیست.

همانطور که خواهد آمد، هدف از این کار در بحرین، دور کردن شیعه - به اجبار یا به رغبت – از خلیج فارس و برخی دولت های آفریقایی بود.

هدف نظام حاکم از انجام سرّی این برنامه این بود که آنجا مرکزی برای سکونت مردم وتغییر دموکراسی و نظام حکومتی از دیوان سالاری به پادشاهی باشد.

مطابق ماده ۶ قانون تابعیت بحرین سال ۱۹۶۳ م. کلیه درخواست های صدور

تـابعیت که از دیوان (پادشـاهی دولـتی) صـادر می شـد و اختیـارات اداره امور اتبـاع و گـذرنامه وزارت کشور را تنهـا به قبول درخواست ها و تأکیـد بر جمع آوری برخی از مـدارک و تسـلیم آن به دیوان محدود می کند، نظام و حکومت بیشتر موارد را رد می کند مگر روزنامه نگاران (محمد البنعلی در بیشتر نشست های تلویزیونی بعد از نشست مشهور در ۱۶ ژوئیه سال ۲۰۰۳) که در آن گروه هـای سیاسـی، الوفـاق، المنبر التقـدمی، العمـل الاسـلامی (أمل)، العمل الـدیموقراطی، التجمع القومی، الوسـط حضور داشـتند یا رد توصـیه های کمیسیون مجلس، که در صفحات روزنامه ها، اخبار خلیج در تاریخ ۱۸ مارس ۲۰۰۵) منتشر شد، نیز این توصیه را ورَّد آن را متذکر می شویم:

«کمیسـیون تأکیـد می کنـد که قبل از دادن تابعیت، شـخص بایـد شـرایط آن را داشـته باشـد و حکومت حق صـدور تابعیت را ندارد، هر چند شرایط آن موجود باشد؛ زیرا اجازه صدور تابعیت اختصاص به پادشاه دارد.(۱)

ولی متأسفانه به طور گسترده تابعیت داده شده و هیچ کس ممانعتی به عمل نیاورده است.

در اینجا به دو حقیقت اشاره می کنیم:

۱- تغییر ترکیب جمعیت، پدیـده جدیدی نیست بلکه بعد از انقلاب اول در سال ۱۹۷۳م. آغاز شد و بعد از انحلال مجلس در سال ۱۹۷۵م.، مدارک و شواهد موجود نشان می دهد که این کار به شکل گروهی در آغاز دهه هشتاد قرن گذشته آغاز شد.

۱- ماده ۶ قانون تابعیت بحرین سال ۱۹۶۳ م.

۲- بنابر شواهد و مدارک موجود، نخستین فردی که قانون تغییر ترکیب جمعیّت را تأکید و عملی کرد، شیخ حمد بن عیسی بن سلمان بن حمد آل خلیفه بود که آن روز ولیعهد بود و همه درخواست ها از دیوان امیر به دیوان ولیعهد ارسال می شد. نظام حاکم نه تنها منکر این کار نیست بلکه اعتراف می کند که عملیات تغییر ترکیب جمعیت را آغاز کرده است.

با نگاهی گذرا به افزایش جمعیت سالانه بحرین(بر طبق آمار رسمی سال ۱۹۴۱م.) در می یابیم که چگونه افراد غیر بومی را در آن تابعیت و سکونت داد ه اند به ویژه در زمان تصویب قانون سال ۱۹۷۳م. که این همه ازدیاد جمعیت قطعاً نمی تواند نتیجه ولادت باشد.

افزایش سالانه جمعیت بحرین در آن سال ها،برگرفته از آمار همان سال هاست. این افزایش جمعیت در همه سال ها تقریبی است نه ثابت، و رقم ثابتی را نمی توان بدست آورد که از آن استناد کرد.

سال ۱۹۴۱- ۱۹۵۰: ۱۷۱۴ نفر؛

سال ۱۹۵۰- ۱۹۵۹: ۳۰۶۲ نفر؛

سال ۱۹۵۹- ۱۹۶۵: ۴۱۸۰ نفر؛

سال ۱۹۶۵- ۱۹۷۱: ۵۷۳۰ نفر؛

سال ۱۹۷۱- ۱۹۸۱: ۶۰۲۳ نفر؛

سال ۱۹۸۱- ۱۹۹۱: ۸۴۸۹ نفر؛

سال ۱۹۹۱- ۲۰۰۱: ۸۲۳۶ نفر.

ص: ۲۲۳

این آمار و ارقام به خوبی نشان می دهد که عملیات تغییر ترکیب جمعیت به شکلی گسترده و سالیانه اجرا می شد که بیش از ۸ سال به طول انجامید یعنی تا قبل از سال ۱۹۸۱م. ادامه داشت.

بنابر آخرین گزارش ها کل جمعیت بحرین (در آغاز سال ۲۰۰۱ م.) ۶۵۰۶۰۴ هزار نفر است که تعداد ۴۰۵۶۶۷ هزار نفر از آنان بحرینی هستند و در حدود ۳۰ درصد آنان را کسانی که تابعیت گرفته اند، تشکیل می دهد. گزارش های

دیگری نیز وجود دارد که بالاتر از ارقام ذکر شده هستند، اما مستند نیستند. همه این افزایش جمعیت ها و ۳۰ درصد تابعیت داده شده، به منظور بالا بردن جمعیت اهل تسنن و تغییر و تبدیل در اکثریت شیعیان به عمل می آید.

با توجه به آمار، کسانی که به تازگی و در زمان کوتاه گذشته تابعیت گرفته اند و کسانی که در داخل بحرین تابعیت گرفته اند، ۲۰ هزار نفر و خانواده های قطری ۵۲۶۶ نفر هستند که به بیش از ۳۶ درصد می رسد و در حدود ۱۴۶۰۰۰ نفر می شود.

این رقم، کسانی را که در خارج از مرز های بحرین تابعیت گرفته اند و در بحرین زندگی نمی کنند، به ویژه کسانی از قبایل عربستان سعودی و در رأس آن «دواسر» را شامل نمی شود. طبق گزارش ها و اعلامیه های اعتراض آمیز شیعیان، تعداد زیادی از ساکنین اردنی و عربستانی تنها به دلیل افزودن آمار و ارقام، تابعیت گرفته اند و اصلاً در بحرین زندگی نمی کنند که در واقع همان توطئه سرّی بالا بردن آمار اهل تسنن است.

ص: ۲۲۴

وضعیت شیعه

بنـابر آمار دقیق و صـحیح سال ۲۰۰۱، ۸۰ درصـد از مردم بحرین را شـیعیان و پیروان سایر ادیان و مـذاهب ۲۰ درصد از مردم بحرین را تشکیل می دهند.

ساکنان غیرشیعی؛ ۱۱۴ هزار نفر بود ه اند.

راه های محو هویت شیعی از مردم بحرین

اشاره

همـانگونه که در مـدارک و منـابع مختلف آمـده است؛ تغییر جـدی و گسـترده ترکیب جمعیت در بحرین، قبـل و یـا در زمـان حکومت و سلطنت «شیخ حمد بن عیسی آل خلیفه» در ۶ مارس ۱۹۹۹ م. آغاز گردید. این تغییر ترکیب جمعیت، در نژاد ها و اقوام مختلفی به وجود آمـد که دارای جنبه هـای مـذهبی، قبیله ای، اجتمـاعی و فرهنگی است و برگرفته از کینه و نفـاق زشتی است که آنان به منظور به اقلیت کشاندن شیعیان انجام می دهند.

بسیاری از کسـانی که تـابعیت گرفته بودنـد، در ادارات امنیـتی - که قسـاوت قلب و تعصب و خشونت دارنـد - به کـار گرفته شدنــد و همینطـور در نیرو هـای ضـدشورش، تحقیقـات، نیرو هـای نظـامی و انتظـامی و... . آنـان بـا گـذرنامه بحرینی کـه در کشورشان با هویت اصلی زندگی می کنند، در هر زمان که بخواهند و نیاز داشته باشند، وارد بحرین می شود.

علاوه بر قصـد تبـدیل مردم شـیعه بحرین به اقلیت، هـدف اصـلی و اساسـی آن با به کارگیری وسایل ارتباط جمعی، در کمین محو هویت مردم و کمرنگ کردن فرهنگ شیعی و محدودیت در انجام مراسم دینی است.

برخی از راه های این برنامه به شرح ذیل است:

۱– ممنوعیت آموزش دینی؛

بنـابر برنـامه های وزارت آموزش و پرورش بحرین، آموزش دینی در این کشور، بر اساس یکی از مـذاهب چهارگانه معروف، به ویژه مـذهب شافعی است؛ زیرا در مـذهب شافعی، برخی از نظریات فقهی آن با مذهب پنجم یعنی مذهب جعفری، شباهت دارد. امـا هیـچ گونه همکـاری عملی صورت نگرفته است، بلکه بر پیروان مـذهب جعفری – که نزدیک به ۸۰ درصد از مردم بحرین را تشکیل می دهند – آموزش دینی، بر اساس مذهبشان را حرام اعلام کرده است.

آیا عاقلانه است؛ شیعیان – که اکثریت مردم بحرین را تشکیل می دهند – فرزندانشان در مدارس دولتی، تعلیمات دینی را بر اساس مذهب غیرشیعی، بیاموزند؟

آیا ظلم بالاتر از این می شود که در مناطقی که شیعیان صددرصد ساکنان آن مناطق را تشکیل می دهند، فرزندانشان، دختر یا پسر، به راحتی نتواننـد به تعلیم مسائـل دینی بر طبق مـذهب خود بپردازنـد، بلکه در برخی از محلات به خاطر مـذهبشان مورد تعرض قرار گیرند!

در زمان تحصیل و آموزش دینی در مدارس انگلیسی، در حالی که به آزادی عقیده و بیان احترام می گذارند، دانش آموزان مسلمان جدای از دیگر دانش آموزان به تحصیل می پردازند. در حالی که آنان اقلیت مهاجر را تشکیل می دهند و دانش آموز مسـلمان بایدبرای خود مدارس داشـته باشـند که در آنها مبانی اسـلام تدریس شود اما متأسفانه شیعیان در کشور خود از چنین حقی محروم شد ه اند.

۲– سانسور برخی از فقرات تاریخ عمومی اسلام؛

در کتب تاریخ اسلامی، فقرات و مسائل مهمی که مرتبط با عقاید و مذهب

شیعیان است، مانند داستان شهادت حسین بن علی بن ابیطالب علیه السّلام، [فاطمۀ زهراعلیهاالسّلام] دختر پیامبر اسلام، حضرت محمدصلی الله علیه وآله، ولایت و امامت اهل بیت: ممنوع است.

به جز مراکز آموزش دینی جعفری، دیگر مذاهب و ادیان آزادند. در مناطقی که بیشتر ساکنان آن شیعه مذهب هستند، [به هیچ عنوان] برای مدارس ویژه تعلیمات دینی و تربیتی مجوز داده نمی شود، مخصوصاً در مناطقی که بیشتر ساکنان آن شیعه مذهب هستند.

۳– ممنوعیّت بیان و نشر امورات دینی در رسانه های محلی؛

سانسور در همۀ فعالیت های دینی که در تلویزیون، روزنامه های دولتی یا رادیو، پخش می شود به روشنی وجود دارد. سانسور خبری در تلویزیون و گزارش روزنامه ها به ویژه از مراسم محرم الحرام، سانسوری از نوع درهم آمیختگی، خجالت آور و بدون تحقیق و بررسی و نامشروع است.

در این برنامه ها و رسانه های جمعی، اجازۀ ایفای نقش فعال به اکثریت شیعی داده نمی شود و همۀ این برنامه ها رنگ حکومتی به خود داشته و در اختیار متعصبان ضدشیعی واقلیت حاکم است.

برنامه های دینی که از رسانه ها پخش می شود، شنیده نشده است که به یک عالم دینی شیعی اجازه سخن گفتن داده شده باشد تا از مذهب جعفری یا فتوایی از مجتهدین یا به سؤالی با توجه به مذهب شیعی پاسخ داده شده باشد.

در برنامه های دینی هفتگی تلویزیون، رادیو، روزنامه های رسمی، باید بیانگر حضور شیعه در آن برنامه ها باشد اما متأسفانه رسانه های جمعی بحرین، حق حقیقی شیعه را رعایت نمی کنند.

چرا در رسانه های جمعی حقی برای شـنیدن و بیان فتاوای مراجع شـیعه - که بر گرفته از مسائل شرعی آنان است - قائل نیستند در حالی که برای دیگران چنین نیست؟

هیـچ کس، نبایـد این حق را از فرزنـدان این کشور سـلب نمایـد. مردم برای دفاع از هویت دینی خود، با اسـتفاده از هر وسـیلهٔ ممکن، و با برخورداری از آزادی کامل و نداشتن هیچ ممنوعیّتی، مراسم عبادیشان را انجام خواهند داد.

اگر سـیاست تبلیغاتی اجرا شود، بدون شک، تجاوزی شرم آور به حقوق و آزادی ها، آموزش و انجام مراسم دینی است و این مسئله تحت هیچ عنوانی (به هیچ بهانه ای) پذیرفتنی نیست.

تعلیم دینی و انجام مراسم عبادی و شـعائر، حق مسلّمی است که همهٔ ادیان آسمانی و قوانین دنیا، که بر پایهٔ دموکراسی استوار است، برای انسان قائل هستند و هیچ کس حق جلوگیری و القای آن را ندارد.

۴- نابود کردن آثار شیعه؛

در راسـتای نابود کردن آثاری که مربوط به شـیعیان است و محو کردن نام و نشان آن آثار در جامعه و تاریخ بحرین، از ترفند های متعددی از جمله؛ اقدام به تغییر نام اماکن، خیابان ها، روستا ها و... نمود ه اند.

به عنوان نمونه به برخی از نشانه های نابود کردن آثار شیعه، اشاره می کنیم:

جاده بزرگی از منطقه «النعیم» واقع در غرب منامه (پایتخت) تا ساحل شـمالی بحرین را شامل شده که حدود ۱۵ روستای شیعه نشـین را شامل می شود و بزرگترین روسـتای شیعه نشین «برید الدراز» در آن واقع شده که متأسفانه اسم این جاده و کل منطقه را «البدیع» گذاشته اند.

«البـدیع» که «شارع البدیع» نامگذاری شده، نام کوچکترین روسـتا از نظر مساحت و جمعیت است، که در این خیابان واقع شده است، اما از نظر زمان ساخت موقعیت جغرافیایی و تاریخی، جدیدترین آن هاست.

آنچه روسـتای بـدیع را از دیگر روسـتا هـا متمایز می کنـد، این است که بیشترین ساکنان آن، از سـنی ها بلکه اکثریت آنان از قبیلهٔ دواسر، سعودی الاصل که برای بهره مندی از آل خلیفه به بحرین آمد ه اند، هستند.

همهٔ روسـتا های مشـخص دیگری که در حاشـیهٔ خیابان (بدیع) قرار دارند، شـیعه هستند و هیچ گونه اهتمام و کمکی از طرف هیئت حاکمه به آنها نمی شود.

اگر کسـی بخواهـد به منطقهٔ شـمال بحرین برود، در هر منطقه ای، همهٔ علائم جادّ ه ای مربوط به روسـتای بدیع است، به گونه ای که گمان می کند روستای بدیع تنها روستای این خیابان است و آن علائم جادّ ه ای، روستا های شیعه نشین شمال را مخفی نموده است. از پُل ملك فهد یا فرودگاه بحرین، که بیائید، همهٔ علائم جاده های منطقهٔ شمال، به این روستا اشاره می کنند.

«بریـد الـدراز»؛ بزرگترین روسـتای شـیعه نشـین در ساحل شـمالی بحرین است که از چند سال پیش تاکنون در تمامی اسـناد و مدارك با «البدیع» از آن نام برده می شود.

مـدرسه و مرکز بهـداشتی واقع در خیابـان عمومی و داخـل روسـتای «بنی جمره». به نام مـدرسه و مرکز بهـداشت آن «البـدیع» نامگذاری شده است. آیا این کار، تغییر هویّت نیست؟

شهرداری، نهادی است که هـدف آن خـدمت به همهٔ روسـتا های منطقه است. پس چرا مرکز اداری آن در روسـتای بدیع قرار دارد که کوچکترین روستای منطقه است؟

مرکز پلیس منطقهٔ شمالی در قریه «بدیع» واقع شده است.

ادارهٔ کشاورزی و دامپزشکی؛ در همین بدیع قرار دارد.

۵– عدم امکان برگزاری مراسم عقیدتی و آزادی دینی؛

ساخت، تجدید بنا و بازسازی مساجد در بحرین، ممکن نیست مگر با اجازهٔ رسمی از حکومت، علیرغم این که مساجد زیر نظر ادارهٔ اوقاف هستند، اما اوقاف صلاحیت صدور اجازه را ندارد.

تنها طبق اصرار و تلاش مرکز حقوق بشر در بحرین (اکتبر سال ۲۰۰۳م.) و مدارک ادارهٔ اوقاف در پنج سال گذشته «مسجد الامام المنتظر» در شهر حمد، جدیدترین مسجدی است که درخواست ساخت آن پذیرفته شده است.

در مقابل، برای اهل تسنن ۲۱ باب مسجد ساخته شده است که یک مسجد مربوط به شیعه هم در بین آنها نیست؛ ۱۰ باب مسجد جدید در سال ۲۰۰۱م.، ۷ باب مسجد در سال ۲۰۰۲، و ۴ باب مسجد در پایان ژوئیه ۲۰۰۳ م.

الرفاع در بحرین؛ ساختن مسجد توسط شیعیان در این منطقه حرام است.

در کدام کشور اسلامی، ساختن مسجد، که محل عبادت خداوند است، به دلیل اینکه شیعیان درخواست ساخت آن را داد ه اند، ممنوع می گردد؟

در منطقهٔ «الرفاع»، ساکنان آن هر چه را که بخواهند می توانند مالك آن شوند به غیر از شیعیان که چنین حقی را ندارند؛ آنان نمی توانند هیچ چیزی را مالك شوند حتّی یك قطعه زمین یا ساختمان و.... این قانونی است که ولیعهد، در زمان گذشته، و پادشاه، در حال حاضر، آن را به طور غیر رسمی بخشنامه کرده و همه مؤظفند تا به آن عمل کنند.

کدام منطق می پذیرد که موافقت با درخواست ساخت یک باب مسجد، بیست سال به طول انجامد؟

شهر «یربوا» بالغ بر ۱۵ هزار نفر جمعیت دارد؛ حاکمان اجازهٔ ساخت مسجد شیعیان در این شهر را نمی دهند.

از تعداد ۲۴ باب مسجد، دولت بیشتر آنها را پشتیبانی می کند، امّا ۴ باب مسجد شیعه با کمک و مساعدت خیرین و کمک های مردمی پشتیبانی می شود. علیرغم تلاش های بسیار و واسطه های زیاد هیچ تغییری در این روند حاصل نشده است.

درخواست های شیعه با تعویق، تأخیر، عدم قبول و تردید روبه رو می شود.

شهر عیسی؛ مدینه عیسی؛ یکی از قدیمی ترین شهر هاست که با نقشهٔ جدید ساخته شده است. از مجموع ۲۴ باب مسجد و یک مسجد جامع در این شهر، تنها ۴ باب مسجد به شیعیان اختصاص یافته و شیعیان حتی یک حسینیه هم در این شهر ندارند در حالی که اکثریت جمعیت آن را شیعیان تشکیل می دهند.

روستای عراد و مناطق مجاور؛ در این بخش، ۲۲ باب مسجد وجود دارد که از کل این مساجد تنها ۶ باب مسجد به شیعیان اختصاص دارد. مساجد شیعیان در داخل روستای عراد است، و اجازهٔ ساخت مسجد به شیعیان در منطقهٔ مسکونی عراد یا عراد جدید، داده نمی شود.

هدف این است که ایجاد فضایی مناسب برای احقاق حق طبیعی و حقیقی مردم نسبت به عبادت خداوند - بدون اینکه حق دیگران ضایع شود - به وجود آید.

همهٔ ما مسلمان هستیم و به خداوند یکتا و یگانه ایمان داریم؛ همهٔ ما او را عبادت می کنیم. و زمانی که متوجه روش تبعیض و تعصب می شویم، نه تنها امری غیرطبیعی است بلکه هدف آنان نابودی هویت این مردم و هدف ما نشان دادن مظلومیت آنها است.

بر همهٔ مردم است تا با تسلط کامل بر زوایای این بی عدالتی ها به صورت موجّه و قانونی، پرده از چهرهٔ حقیقت برگیرند و آن را به گوش جهانیان و مؤسسات و سازمان های بین المللی برسانند.

ص: ۲۳۱

عصبانیت و هابی ها از غیرت شیعیان

روزنـامه هـا و رسـانه های عربی وابسـته به فرقه و هابیت از تظاهرات مردم بحرین و شـیعیان این کشور در اعتراض به توهین به مرجعیت شـیعه به شدت انتقاد کردند. روزنامه سـعودی الشرق الاوسط - که همواره مواضعی سرسختانه علیه ایران و اهل بیت: می گیرد - در شـماره اخیر خود به شـدت از اعتراض شـیعیان بحرین نسـبت به توهین به آیت الله سیسـتانی در روزنـامه های و هابی گرا انتقاد کرده است.

احمـد ربعی و هـابی حرکـت خـود جـوش شـیعیان بحریـن در دفـاع از مرجعیت را، عـدم وفـاداری به وطن عربی قلمـداد کرده است.(۱)

بحرین در طول حیات پس از اسلام خود شاهد تاخت و تاز های بسیاری بود که ستم و فساد حکام، زمینه اصلی این حرکت ها را فراهم کرد و در این میان شیعیان بیشترین رنج و مشکلات را متحمل شدند.

ضرورت توجه به عقاید شیعی در دروس دینی مدارس بحرین

آیت الله شـیخ حسـین نجاتی، از علمای سرشـناس شـیعی در بحرین با اشاره به اقـدام آموزش و پرورش بحرین مبنی بر اصـلاح متون دینی مدارس، تأکید کرد:

نظریه های عقیدتی و اخلاقی شیعه نیز باید در دروس دینی مدارس گنجانده شود. این شخصیت برجسته شیعه تصریح کرد:

علمای شیعه بحرین، با استقبال از اقدام خوب وزارت

۱- ویژه نامه دینی، فرهنگی ندای ایمان، شماره ۳، جمادی ۱۴۲۲، ص ۵.

آموزش و پرورش بحرین مبنی بر اصلاح متون دینی مدارس، خواستار گنجانده شدن عقاید شیعی در دروس دینی هستند.

آموزش و پرورش نبایـد در معرفی مفاهیم اسـلامی به دانش آموزان، تنها نظریه های اهل تسـنن را مـدنظر قرار دهد، بلکه باید نظریه های شـیعیان را نیز مطرح کند. نجاتی تأکید کرد: برای مثال اگر می خواهید مفاهیم کفر، شرک، گمراهی و مفاهیمی از این قبیل را مطرح کنید، تنها مطابق نظر برادران اهل تسـنن عمل نکنید، بلکه نظری را ارائه دهید که هم شـیعه و هم سنی بر آن توافق نظر دارنـد. شـیخ نجاتی همچنین خاطرنشان کرد: در ذکر منابع حدیثی باید از کتب شـیعه نیز احادیثی نقل شود و تنها به کتب حدیثی از اهل سنت اکتفا نشود.

آیت الله نجاتی از بزرگان علمای شیعه بحرین تأکید کرد:

بایـد هیئتی متشـکل از علمای شـیعه و سـنی تشـکیل شود و بر متون درسـی و دینی در آموزش و پرورش نظارت کند تا ضـمن جلوگیری از انحراف در ارائه عقائد دینی، نظریات هر دو طایفه بزرگ اسلامی نیز مطرح شود.

آیت الله شـیخ عیسی احمد قاسم، روحانی سرشناس شیعه بحرین در دیدار با اعضای جمعیت آموزش اسلامی در سراسر مناطق بحرین تأکید کرد:

تبلیغات دینی در جامعه باید منسجم و با برنامه ریزی صورت بگیرد تا اثرات لازم خود را بگذارد.

وی تأکید کرد:

گروه ها و سازمان هایی که در امر تبلیغات اسلامی و شیعی در

بحرین مشغول فعالیت هستند، نقش بسیار زیادی در حفظ هویت اسلامی جامعه دارند.

شیخ عیسی احمد قاسم گفت:

جمعیت های تبلیغاتی و آموزشی مانند جمعیت آموزش اسلامی، جایگاه والایی در پیشبرد اهداف تربیتی و آموزشی شیعی در کشور دارند و باید به عملکرد خود بسیار حساس باشند.

پروژه های تبلیغی و آموزشی متعددی را در جامعه تنظیم کنیم و با حسن اجرای آن، فرهنگ و شعور دینی مردم، به ویژه شیعیان را بالا ببریم.

جوانان نگذارند استعدا هایشان در راه های بیهوده هدر برود.

آیت الله سید عبدالله غریفی، روحانی سرشناس شیعه در کشور بحرین، تأکید کرد:

جوانان مراقب استعداد های عظیم خود باشند تا در ایام تعطیلات در راه های بیهوده و باطل هدر نرود. وی از جوانان و نوجوانان خواست تا با فرارسیدن تعطیلات تابستانی از استعداد و توانایی های بالای خود به شکلی استفاده کنند که معنویت و دانش آنها را بالا ببرد. وی طی سخنانی در دفتر خود تأکید کرد: دختران و پسران جوان، دارای نیرو های عظیمی هستند که نباید از آنها در راه های بیهوده یا حتی گناه و معصیت بهره ببرند.

ص: ۲۳۴

باید از آن زمانی که جوان وقت و عمر خود را صرف گناه و معصیت کند و به انجام محرمات عادت کند به خدا پناه برد.

وی با اشاره به احادیث بی شمار ائمه اطهار: مبنی بر حساس بودن عمر، وقت و توانایی ها، تأکید کرد:

از تعطیلات به وجود آمده نهایت بهره را ببرید و به علم و دانش و دانایی و عبودیت خود بی فزایید تا در برابر خداوند شرمنده نباشید.

ص: ۲۳۵

محدودیت های دینی

ماهیت محدودیت ها و تبعیض ها

- جلوگیری از سخنرانی دینی شیعیان؛ سخنرانی های دینی قوی شیعیان که قادر باشد به طور کلی به محافل شیعی تأثیر بگذارد.

- ممانعت دولت از تقویت و اطلاع رسانی در آگاهی سیاسی علمای دینی تشیع در جایی که حداقل یک نوع آگاهی سیاسی نسبی بارز در بین علمای دینی شیعه وجود دارد اما حکومت از عنوان نمودن و نشر آن جلوگیری می کند.

- جلوگیری از فعالیت های مذهبی مساجد، حسینیه ها و مؤسسات مذهبی و حوزه های علمیه شیعی.

- جلوگیری اقلیت حاکم از خطبای مساجد و عالمان دینی از طرف وزارت امور اسلامی به سمت آگاهی بخشی سیاسی و اتخاذ مواضع سیاسی روشن که از نقش شیعیان در جامعه بحرین حمایت کند.

- عدم وجود مؤسسه ای جامع و فراگیر که علمای شیعه آزادانه در آن جمع شوند و از آزادی بیان و قلم و خطابه برخوردار باشند؛ در حالی که سنی ها علمایی را تقویت می کنند که مخالف شیعه و ادعای رهبری دینی همه جانبه شیعیان بحرین را بر عهده دارد اما علمای شیعه با احتیاط و ترس از عدم امنیت و آزادی به صورت ضعیف و ناقص در شورای عالی امور اسلامی شرکت کرده و در صورت اعلام حضور قوی و مستمر، با ترفند های مختلف از حضور مؤثر و مقتدر آنان جلوگیری به عمل می آید.

راهکار های پیشنهادی در بخش محدودیت های دینی

- حمایت از علمای مذهب تشیع در امور سیاسی، قانونی و تاریخی.

- تلاش در به وجود آوردن نمایندگی و حضور قدرتمند علمای شیعه در مورد همه جریان های فکری در شورای عالی امور اسلامی.

- تشویق برای به وجود آوردن یک جریان حق طلبانه و آزادی خوا هانه مبارز، از طریق برخی از علمای شیعه، متدین، باسواد و مبارز.

- آزادی خطبا و روحانیون برای انجام تکالیف شرعی و اجتماعی خود در انجام امور مذهبی و سیاسی.

- تشکیل مراکز و مؤسسات فرهنگی و مذهبی و اقدام به تأسیس و یا تکمیل حوزه های علمیه شیعی.

- تلاش برای ساخت و گسترش مساجد و حسینیه ها.

ص: ۲۳۷

محدودیت های رسانه ای

- محصور بودن همه روزنامه و تمامی مطبوعات و جراید و رسانه های عمومی در اختیار اقلیت حاکم و تبعیض شدید و مخالفت و تبلیغات آشکار و گسترده علیه اکثریت ملی و وطنی امری نامشروع، غیردموکراتیک و دیکتاتوری از جانب مخالفان اکثریت قاطع شیعیان است. استفاده طرف مقابل از این همه امکانات رسانه ای و عدم برخورداری اکثریت قاطع ملی از کمترین و حداقل امکانات تبلیغاتی و انتشاراتی حتی برای پاسخگویی و دفاع از ظلم های روا داشته شده، تبعیض، تحقیر و ظلمی مضاعف در حق احاد کثیر و عمومی شیعیان به شمار می رود.

- وجود بیانیه ها وحملات تند تبلیغاتی سنی ها در روزنامه های بین المللی، عمومی و محلی علیه شیعیان که گاهی آشکارا به ضرورت حمله و نابودی اصل و جوانب مختلف منافع شیعیان تأکید می کنند. اما متأسفانه شیعیان حداقل امکانات تبلیغاتی را که قادر به دفاع از منافع خود باشند، ندارند.

- برخورداری سنی های اقلیت از سایت های الکترونیکی مختلف در همه مناطق، شهر ها و روستا های بحرین اعم از دولتی و شخصی که از حمایت مالی و سیاسی وسیع اقلیت حاکم برخوردارند، شیعیان برای رسیدن به مطالبات بیشتر خود متوقف شده و حتی از امکانات نرم افزاری و اینترنتی محروم ماند ه اند.

- با وجود پرسنل مطبوعاتی شایسته و لایق شیعیان که قادرند خواسته های ملت را به افکار عمومی بحرین برسانند و در حالی که فضای مطبوعاتی سنی ها از فقدان و محدودیت روزنامه نگاران لایق و باصلاحیت رنج می برند، شیعیان دسترسی به فضای مطبوعاتی کشور نداشته و این امر کاملاً در انحصار اقلیت حاکم اهل تسنن است.

ص: ۲۳۸

راهکار های پیشنهادی در بخش محدودیت های رسانه ای

- تشویق و حمایت از شیعیان برای تأسیس پروژه های رسانه ای و مطبوعاتی مثل روزنامه ها و مجله های جدید یا افتتاح شبکه های تلویزیونی و رادیویی و برطرف نمودن موانع دولتی و سیاسی و امنیتی.

- تشویق و حمایت از تأسیس سایت های الکترونیکی در تمامی مناطق و شهر ها در کشور تا ابزاری برای اطلاع رسانی عمومی و نه فقط سنی ها در مناطق مختلف باشند.

- در ضمن می توان با استفاده از این سایت ها، سنی ها را به سمت پذیرش حقانیت و تقبیح تبعیض و ستم تشویق کرد.

- انتخاب افراد مستعد در زمینه رسانه ها و مطبوعات و آموزش آنها برای حمایت از مؤسسه های رسانه ای و مطبوعاتی موجود و یا مؤسسه هایی که ممکن است در آینده تأسیس شود.

ص: ۲۳۹

محدودیت های آموزشی

- عدم حاکمیت شیعیان بر مؤسسه های آموزشی دولتی و خصوصی به ویژه در سایه وجود ده ها دانش سرای خصوصی تعلیم و تربیت که حتی برخی از آنان را شیعیان تأسیس کرد ه اند.

- با وجود افزایش تعداد دانش آموزان برتر شیعه نسبت به دانش آموزان سنی در مراحل مختلف درسی، پیوسته در پذیرش تخصص سطح بالا و عالی از دانش آموزان و دانشجویان جلوگیری شده و المپیاد ها به صورت گزینشی انجام می گیرد.

- اعزام افراد برتر اهل تسنن در قالب هیئت های تحقیقاتی به کشور های اروپایی و آمریکا که این اعزامها یا از طرف وزارت آموزش و پرورش یا از طرف ولیعهد و یا از طرف بازرگانان و کارگزاران اقلیت حاکم صورت می گیرد و این هیئت ها برای گرفتن تخصص در رشته های پزشکی، مهندسی و علوم اقتصادی و بانکداری به کشور های اروپایی اعزام می شوند. حال آنکه سهم دانشجویان شیعه از این هیئت های اعزامی به خارج بسیار اندك است و از تخصص های قدیمی مثل علوم تربیتی و علوم اجتماعی فراتر نمی رود در حالی که تعداد شیعیان چندین برابر اهل تسنن است.

راهکار های پیشنهادی در بخش محدودیت های آموزشی

- حمایت و تشویق فارغ التحصیلان شیعی برای کار در دو بخش آموزشی و اداری در مؤسسه های مختلف آموزشی دولتی و خصوصی.

- تلاش برای افزایش تعداد هیئت های تحقیقاتی شیعی در زمینه های

ص: ۲۴۰

مهندسی، پزشکی و علوم مختلف اعم از اقتصادی و بانکداری و غیره که از طریق مؤسسه های دولتی و خصوصی صورت می گیرد.

- تشویق بازرگانان، کارگزاران مجامع علمی و مراکز بزرگ به اعطای بورس تحصیلی به دانشجویان شیعی در رشته های مختلف.

- حمایت از تأسیس مؤسسه های آموزشی که به شکل اساسی در خدمت شیعیان باشند. همانطور که مؤسسات فراوانی در خدمت سنی ها هستند.

- تشویق فرزندان و نخبگان شیعی به تلاش برای رسیدن به آموزش عالی و دانشگاهی مثل ایجاد جایزه هایی برای افراد برتر علمی به اسم یکی از مؤسسات و شرکت ها و یا حتی به اسم یکی از شخصیت های ملّی و فراملّی اعم از اقتصادی، سیاسی، مذهبی و... .

ص: ۲۴۱

محدودیت های زنان

– جلوگیری از ارائه آگاهی سیاسی برای زنان شیعی و در مقابل، وجود یک نوع تبعیض گسترده استخدامی و سیاسی آشکار در بین آنان شیعه و زنان سنی در ادارات.

– تلاش گسترده اقلیت حاکم سنی به منظور افزایش و ارتقا نسبت مشارکت زنان سنی در انجمن های سیاسی و مؤسسات جامعه مدنی و جلوگیری از حضور زنان شیعه.

– تلاش در عدم به وجود آوردن انجمن های سیاسی زنان شیعه در حالی که زنان شیعه لیاقت انجمن های متعدد سیاسی را دارند که نقش فعالی را در جامعه ایفا کنند.

۴– نگرانی زنان و دختران شیعه از منزوی و زندانی و محدود شدن مردان شیعی و عدم دستیابی به یک فرصت که دغدغه ها، مشکلات و نظر های خود را بیان کنند، به ویژه اینکه جریان های سیاسی سنی بر فضای سیاسی حاکم اند.

راهکار های پیشنهادی در بخش محدودیت های زنان

– اقدام به تحقیقات گسترده برای شناخت نیاز های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی زنان شیعه و تعیین و مشخص نمودن امکاناتی که زنان سنی در اختیار دارند و مشارکت دادن زنان شیعه در استفاده از آن امکانات.

– فعال سازی نقش سازمان توسعه سیاسی و دموکراسی بحرین و تشکیل شورای عالی حمایت از زنان در آگاهی بخشی سیاسی و حقوقی به زنان شیعه.

– برطرف کردن موانع و حمایت از زنان شیعی برای به دست آوردن کرسی ها در انتخابات مجلس نمایندگان و شهرداری.

- تشویق و حمایت از تأسیس انجمن های فعال سیاسی، مذهبی، فرهنگی و اجتماعی برای زنان شیعه با تأکید بر ضرورت تهیه امکانات مادی و آموزشی برای مدیران و دست اندرکاران این مؤسسه ها.

- را ه اندازی کارگاه های ویژه بانوان همچون خیاطی، گلدوزی، خطاطی، نقاشی و... .

تأسیس مراکز اردویی، تفریحی و ورزشی مخصوص بانوان.

ص: ۲۴۳

محدودیت های جوانان

– عدم حمایت لازم از جوانان شیعی از جانب دولت؛ چیزی که زمینه را برای انجمن های سیاسی و... برای حمایت از جوانان اهل تسنن مربوط به اقلیت حاکم فراهم کرده است. از همان زمان، بخش عمد ه ای از جوانان شیعه در انزوا و بی توجهی به سبب عدم وجود حمایتی آشکار از جانب مؤسسه های فرهنگی و ورزشی و نیز از جانب مؤسسه های سیاسی رنج می برند. نبود این حمایت ها، همزمان شد با محدودیت و ممنوعیت بودجه اختصاص یافته از کل بودجه دولت به فعالیت های جوانان شیعی.

– محدودیت و ممنوعیت انجمن های جوانان شیعی در مقابل تعداد انجمن های فراوان جوانان اهل تسنن که امکانات بیشتری دارند.

– جلوگیری از ارائه آگاهی سیاسی به جوانان شیعی و تلاش دولت در کاهش توجه و اهتمام آنها به سیاست و مشارکت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، مذهبی و... .

– عدم اجرای برنامه های استراتژیکی ملی برای بالا بردن وضعیت عمومی جوانان در حالی که شیعیان می توانند نقش بزرگی را در ساخت چنین برنامه هایی ایفا کنند.

– ممنوعیت و جلوگیری از دستیابی جوانان شیعه به بیشترین کرسی های پارلمان جوانان.

– حاکمیت اقلیت حاکم سنی بر مراکز جوانان در سراسر کشور.

ص: ۲۴۴

راهکار های پیشنهادی در بخش محدودیت های جوانان

- تأسیس و فعال سازی سازمان های مستقل و بی طرف در بحرین و مؤسسه فرهنگی و ورزشی جوانان در آگاهی بخشی سیاسی و قانونی تمامی جوانان به گونه ای که مخصوص اقلیت حاکم اهل تسنن نباشد.

- حمایت، پشتیبانی و تشویق جوانان شیعه بر تأسیس انجمن های جوانان با حمایت مالی و مادی لازم و آموزش و هدایت پرسنل و کسانی که دست اندرکاران این پروژه هستند.

- اجرای سریع توصیه ها و نظریه های استراتژیکی کارشناسان اسلامی در رابطه با جوانان، با هدف حمایت کامل و اهتمام خاص به تمامی جوانان نه فقط اقلیت حاکم و افزایش بودجه های اختصاص یافته برای فعالیت های جوانان به منظور ارتقای سطح فرهنگی، مذهبی، سیاسی و... .

- دستور اقلیت حاکم مبنی بر شروع برنامه ریزی درباره نقشه انتخابی پارلمان جوانان و این کار با هدف رسیدن به یک تعداد مساوی از جوانان سنی از یک سو و جوانان شیعه از سوی دیگر در پارلمان است، این عمل غیرقانونی بوده و باید در مقابل آن هوشیار بود. جوانان شیعه که تعداد آنها بیش از پنج برابر جوانان سنی است، پس چرا باید تعداد مساوی در پارلمان جوانان حضور داشته باشند. بنابراین باید مواظب اینگونه نقشه های خائنانه بود.

تبعیض ها و محدودیت های منطقه ای و بین المللی

- تحکم، تبعیض، تهدید و افزایش روزافزون نفوذ اقلیت حاکم علیه شیعیان به منظور جلوگیری از احقاق حقوق آنان.

- گرایش کشور های شورای همکاری خلیج فارس به دموکراسی، فرصت بیشتری در اختیار شیعیان قرار می دهد تا در درون این کشور ها اظهار وجود کنند، اما متأسفانه تمامی اصلاحات سیاسی در بحرین علیه شیعیان به عمل می آید. در حالی که افزایش فشار های آمریکا و غرب به بحرین برای انجام اصلاحات بیشتر اقتصادی و سیاسی، چیزی است که منجر به آزادی بیشتر خواهد شد و زمینه را برای رسیدن شیعیان به حقوق از دست رفته و مطالبات پایمال شده خود فراهم خواهد کرد، اما متأسفانه هم غرب و هم اقلیت سنی حاکم، به صورت جدی خواستار جلوگیری از رشد و نفوذ روزافزون شیعیان هستند.

راهکار های پیشنهادی در بخش محدودیت های بین المللی

- اهتمام اقلیت حاکم، آمریکا و اتحادیه اروپا بر سرکوبی شیعیان بحرین استوار است. اعلام عدم مشروعیت گسترش این روابط سیاسی و اقتصادی با آمریکا و کشور های اتحادیه اروپا با هدف تأکید بر این نکته که منافع بحرین، آمریکا و اروپا بر پایه استقرار نظام سیاسی بحرین تحت حکومت آل خلیفه و وجود تعادل بین سنی و شیعه استوار است. در حالی که حق و انصاف و دموکراسی برای

اکثریت قاطع شیعیان حقوقی قائل است که این اتحاد نامشروع آن را پایمال می نماید.

ص: ۲۴۶

- اقلیت حاکم سنی سعی دارند تا با استحکام روابط سیاسی و اقتصادی و امنیتی با عربستان سعودی، جلوی نفوذ و گسترش شیعیان را بگیرند که در مقابل، شیعیان بحرین باید سعی نمایند تا ارتباط خود با شیعیان ایران و عراق را تقویت نمایند.

- سعی اقلیت دیکتاتوری سنی، برای به کارگیری قانون دو ملیتی برای شهروندان سنی عرب از کشور های شورای همکاری خلیج، پایمال نمودن حقوق اکثریت شیعه است؛ لازم است هیئتی به عنوان گروه اجرایی، برای اجرای طرح جلوگیری از تبعیض، تحدید و محدودیت شیعیان تشکیل شود که تمام وقت خود را در زمان اجرا صرف این کار بکنند. این گروه باید شامل افراد قوی و متعددی باشد که هر یک از اینها اداره یکی از برنامه های مختلف این طرح را برعهده بگیرد و در کنار اینها باید یک گروه ناظری باشد که از شایستگی کاملی برخوردار باشند و با بزرگان، علما و متفکران شیعه در ارتباط باشند و هرگونه تصمیم و طرحی که گروه اجرایی آن را ارائه می دهد، نظر رهبران شیعی را در این باره جویا شود.

این گروه در هر هفته باید نشست هایی داشته باشند تا رخداد های تازه را مورد بررسی قرار دهند. مدیر هر یک از برنامه ها باید دیدگاهش را درباره اقداماتی که ممکن است در این زمینه و به خاطر تحول در وضعیت احقاق حقوق شیعیان انجام داد، ارائه دهد و در جلسه هفتگی، نظریه های خود را به بحث ومناقشه بگذارند. ضروری است که یک مکان و مرکز موثقی باشد که بودجه لازم این طرح را تأمین نماید.

ص: ۲۴۷

گزارش توطئه معروف به بندرگیت

اشاره

بندرگیت همان رسوایی گزارش دکتر صلاح البندر است که با نام گزارش توطئه از آن یاد می کنم. دکتر صلاح البندر، گزارش مبسوطی را که شامل ۲۲۰ صفحه مطالب سیاسی جنجال آفرین بود، ارائه نمود که پرده از جنایات و خطا های سیاستمداران و اقلیت حاکم در بحرین برداشت.

این گزارش ثابت نمود که کارگزاران و اقلیت حاکم در تلاش هستند تا به هر قیمتی شده حاکمیت خود بر بحرین را حفظ نمایند. گزارش بندرگیت ثابت کرده است که شبکه های مافیایی مخوف و خطرناکی در بحرین مشغول هستند که تلاش نمایند تا به مرور زمان شیعیان را متفرق و متواری نموده با تقویت گروه های سنی زمینه هایی فراهم آورند، تا شیعیان گرایش به اهل تسنن پیدا کرده و از مذهب خود دست بردارند. از طرف دیگر در این گزارش، مجموعه ای از اطلاعات و ارقام سرمایه ها و اسامی کسانی که در این باند سری مشغول فعالیت هستند و قصد آنان از بین بردن وحدت ملی به نفع سنی ها، تحریک مردم برای جنگ قبیله ای، تحمیل فقر اقتصادی بر شیعیان و تصرف اموال آنان به عنوان های مختلف، با جزئیات بیان شده است.

گزارش معروف به بندرگیت با دلیل و بر هان ثابت کرد که در مجموعه حکومت و قوای حاکم، هیچ بخش سیاسی وجود ندارد مگر اینکه رئیس آن از اعضای شبکه و باند مافیایی باشد که بندرگیت پرده از رسوایی آنان برداشت.

در این گزارش به وضوح و زیبایی ثابت شده است که اعضا و افراد و رئیسان این شبکه مخوف همه از شخصیت های وابسته به حاکمیت، دیوان ملکی، هیئت دولت و ادارات تابعه می باشند. در بخش های دیگری از گزارش توطئه

(بنـدر گیت) آمـده است که یکی از هـدف های جـدی این شـبکه علاوه بر زمینه سازی حکومت بیشتر بر مردم، انحراف افکار عمومی در داخل و خارج کشور از وضـعیت نابسامان موجود از نظر سیاسـی و اقتصادی در بحرین است. رخـداد ها و جریانات اتفاق افتاده در بحرین که «بندر گیت» گزارش نموده انعکاس حقیقی یک بحران واقعی در کشور بحرین است.

پیامد های گزارش «بندرگیت»

گزارش دکتر صـلاح البندر که از اعمال و رفتار نامشـروع و ناشایست اقلیت حاکم در بحرین پرده برداشت، پیامد های بسیاری به دنبـال داشت: اوّلاً؛ ثـابت نمود که به رغم تبلیغـات فراوان حاکمیت مبنی بر وجود دموکراسـی و ایجاد اصـلاحات و رعایت حقـوق بشــر در بحریـن، همـه ایـن تبلیغـات و ادعـا هـا برای ســرپوش گذاشـتن بر روی جرائـم و تخلفـات بـوده و در حقیقت دموکراسی واقعی و رعایت حقوق بشری در کار نبوده است.

ثانیـاً؛ به دنبـال رسوائی بنـدر گیت، بسـیاری از شخصـیت هـا، گروه ها و احزاب، مراکز و مؤسـسات داخلی و خارجی از وجود چنین فجـایعی در بحرین ابراز تـأسف کرده و اعلاـم موضع نمودنـد. علاوه بر تشـکل ها، مردم به طور خود جوش و به صورت گسترده و فراگیر، به مخـالفت بـا وضـعیت موجود پرداخته بـا طومـاری که ۸۲۰۰۰ (هشــتاد و دو هزار) نفر آن را امضـا نمـوده بودنـد، از دفتر دبیر کل سازمان ملل متحـد درخواست رسیدگی به موضوع بندرگیت را نمودند. در این درخواست عمومی بر موارد متعـددی از جمله وضع قانون جدیـد، ایجاد دموکراسـی، انتخابات آزاد، اسـتقلال قوای سه گانه، به ویژه عـدم وابسـتگی دستگاه قضائی به دولت، اصلاحات، مبارزه همه جانبه با فساد ادارای، مالی و لغو

ص: ۲۴۹

امتیـازات و تبعیضـات موجود، بـاز گردانـدن حق حاکمیت به مردم، بسـتن و تعطیل کردن مؤسـساتی که در این شـبکه مافیایی مخوف شرکت داشته اند و باز داشت و محاکمه کلیه کسانی که نامشان در گزارش «البندر» آمده است، تأکید شده است.

یکی دیگر از پیامد های گزارش «بندرگیت»؛ گردهمائی بزرگی بود که بانام«حقیقت گزارش البندر» برپا شد. برگزارکنندگان در این گردهمـایی بزرگ، بـا اعلام انزجار از عاملان و بانیان این خیانت بزرگ ملی، خواسـتار مشارکت جـدی و فراگیر همه گروه های مردمی با تمام نیرو و قدرت خود جهت تصـمیم گیری بر سـرنوشت خود در حاکمیت (که با عنوان حاکمیت واقعی مردم بر آن اصرار می ورزیدند شده بودند.)

در این همایش و گردهمایی شیخ عیسی الجور طی سخنانی، درخواست های مردم را چنین بیان کرد:

۱- انزجار عمومی از وجود چنین شبکه های غیرمشروع و مقابله با آنان.

۲- حکومت جدید و مورد رضایت مردم.

۳- مجلس متشکل از نمایندگان منتخب و با صلاحیت مردم.

۴- پیاده کردن قانون و دموکراسی.

وی در توضـیح چهار خواسته مشروع فوق گفت: با نگاهی گذرا به تاریخ در می یابیم که بین حکومت های استبدادی و مردم بحریـن، کشـمکش هـایی رُخ داده اسـت که بسـیاری از مردم را کشـتند و به زنـدان افکندنـد و عجیب تر از همه این است که حکومت، مخفیانه بر علیه مردم توطئه و دسیسه هایی را طراحی می کند.

این روش هیـچ نفعی برای حکومت و کشور نداشت، به محض اینکه این توطئه ها کشف گردید ما از مَلِك خواستیم تا دولت را مجبور به استعفا نماید و

کمیسیونی را برای تحقق و تطبیق قانون و مجازات مسؤولین و توطئه گران تشکیل دهد.

بـا انتشـار گزارش «البنـدر»؛ دیگر جـایی برای سـکوت باقی نمی مانـد و نمی توان اهـداف آن را فراموش کرد. این گزارش به خوبی نشان می دهـد که این گفتگو و عـدم تلاش و همت حکومت برای تأمین مصالـح مردم، به دلیل وجود رشوه در ساختار حکومت است؛ کسانی که بنده دینار و درهم هستند.

خلاـصه سـخن این که؛ قضایـایی که در گزارش «البنـدر» آمـده است، بایـد کشف شونـد و مرتکبین و ظرفیت هـا و دلایل آن مشـخص شود. مطـالب کوتـاه در مورد قضایـای جزئی و توجیه کردن درگیر شـدگان آن نمی توانـد این قضایـا را حل نمایـد. گزارش «البندر» فرصت مناسبی است- که شاید دیگر تکرار نشود- برای ایجاد تحرک و اصـلاح اوضاع مردم به شـکل حقیقی آن. این در صـورتی است که مطالبـات مردم به گونه ای مطرح شود که حکومت بفهمـد که تمـام نقشه هـای آنـان برای مردم روشن شـده است و رهبران سیاسـی، مسـئول همه آنچه که در کشور اتفاق می افتـد، هسـتند، مصالـح نظام و حکومت در خطر است و این خطر از بین نمی رود مگر با اصلاح حقیقی اوضاع کشور.

خواست اول: تغییر حکومت

آنچه که در گزارش «البندر» آمده است تنها یک حلقه از شـبکه ای است، که در کلیه مؤسـسات و ادارات دولتی نفوذ کرده و فساد و تبعیض نژادی و دوروئی را سرلوحه کار خود قرار داده است.

تشـخیص و جـداسازی و از بیـن بردن ایـن شـبکه ممکن نیست مگر بـا تغییر در هیئت وزیران که در ۳۵ سال گذشـته بر کشور حکومت کرد ه اند. تا اعضای با نفوذ

خاندان سلطنتی بر قوای مقنّنه و قضائیه سیطره دارند، این قوا به استقلال نمی رسند. اعضای با نفوذ خاندان سلطنتی از مصونیت برخوردار هستند و هیچ کس حق حسابرسی از آنان را که بر سیاست، امنیت و اقتصاد کشور سیطره دارند، ندارد.

برای ر هایی از این مشکلات راهی جز تغییر حکومت و دادن حقوق ملی همه اقشار و شهروندان و استقلال از خاندان سلطنتی نیست که آن هم با ایجاد اصلاحات به دست می آید.

خواست دوم: بازگشت نقش و حجم طبیعی دیوان ملکی:

تا زمانی که دیوان ملکی، صلاحیت مطلق در صدور تابعیت استثنایی و غیره دارد و بر اراضی دولتی تسلّط دارد، به گونه ای که می تواند هرگونه دخل و تصرف در آن داشته باشد، در امور داخلی، جزئی و کلی، دولت، مجلس، روزنامه ها و امنیت دخالت می کند، توقف حاکمیت بر مردم و صدور تابعیت سیاسی و... ممکن نیست.

پس مبارزه با فاسدین و نژادگرایان - که برخی از آنها را «البندر» معرفی کرده است - واجب است.

خواست سوم: مجلس با صلاحیت کامل:

تحقق آنچه که در گزارش البندر آمده و توقف برنامه های آن که مسئولین بلند پایه حکومت و دیوان ملکی و محاسبه حکومت در ترویج تبعیض نژادی و فساد، اصلاح قوانین مربوط به آن و حل مشکلات و معضلات تابعیت سیاسی ممکن نیست، مگر این که مسؤولین با رأی مستقیم مردم و با صلاحیت کامل انتخاب شوند

ص: ۲۵۲

و این مسئله با وضعیت فعلی مجلس نمایندگان عملی نخواهد بود. پس بر همه واجب است که به وضعیت موجود قانع نباشند و برای انجام حرکت های صریح و فعال و با استفاده از دیدگاه مردم و رأی مردم، مخالفت خود را اعلام کنند.

نتیجه

تحقق همه آنچه که گفته شد، تنها با ابراز مخالفت حاصل نمی شود، بلکه نیازمند یک عزم ملی و پشتیبانی بین المللی است. این حرکت نیاز به ارتباط و خیزش سریع مردمی دارد که با روش تغییر قانون برای تثبیت حاکمیت قانون و جدایی قوای حاکم صورت می گیرد.

این اراده ملی است که در حکومت تجلی می یابد و این نمایندگان حقیقی مردم هستند که قانون جدید دموکراسی را تعیین یا تفسیر می کنند و این همان چیزی است که در عریضه خود - که سازمان ملل متحد و با امضا ۸۲ هزار نفر شهروند بحرینی ارائه شد - یادآور شدیم.

نامه یکصد تن از شخصیت های سیاسی، حقوقی و دینی به پادشاه بحرین در مورد «بندرگیت» و برنامه های سیاسی طایفه گری و سازمان های سرّی و گردانندگان آنها و نقش مسئوولین دیوان ملکی و گروه های سیاسی در ایجاد و اجرای آن برنامه ها.

بیش از یکصد نفر از شخصیت های بحرینی با گرایش های مختلف سیاسی و قومی، خطاب به پادشاه بحرین، شیخ حمد بن عیسی بن سلمان آل خلیفه، نامه ای نوشتند و در آن از صدمات و کمبود هایی که در گزارش دکتر صلاح بندر - تبعه انگلستان و مشاور هیئت دولت - آمده است و برنامه های طایفه ای و شبکه سری که مسئوولین بلندپایه حکومت، در پُست های مهم و حساس، در آن شرکت

ص: ۲۵۳

داشتند، سخن گفته اند. در آن نامه به برخی از اطلاعات که به شبکه مافیایی مربوط می شود و با هدف ایجاد تفرقه طایفه ای و از بین بردن مؤسسات و ارگان های اجتماعی و تغییر ترکیب جمعیت صورت می گیرد، اشاره شده است. در این نامه اطلاعاتی در مورد مسئوولین دولتی، اشخاص و گرایش ها و مؤسسه هایی که در این شبکه دخالت داشته اند، مطالبی آورده شده است و همچنین به روش ها و اموالی که برای رسیدن به اهداف آن شبکه مورد استفاده قرار گرفته، اشاره شده است.

مهمتر از همه در این نامه نقش مسئوولین بلند پایه دیوان ملکی در ایجاد و توسعه این شبکه مورد بررسی قرار گرفته است و همچنین از اطلاعاتی که بیانگر نقش و ارتباط گروه هایی با گرایش اخوان المسلمین و سلفی گری در بحرین می باشد، در این برنامه یادآوری شده است.

امضاکنندگان از پادشاه بحرین خواستند تا وی در یک سخنرانی علنی و خطاب به مردم، به همه سؤالات مهم در این مورد پاسخ دهد و پایان فعالیّت این برنامه و نقشه طایفه ای و سازمان سری را اعلام نماید. امضاکنندگان از سکوت در برابر این قضیه و مسئوولین و گردانندگان آن ابراز نگرانی کرده و سکوت در این باره را باعث از بین رفتن اعتماد مردم به دیگر ارگان های دولتی و ایجاد اختلاف طایفه ای دانسته اند.

این نامه به امضای بیش از یکصد تن از شخصیت ها؛ اعضای مجلس نمایندگان، رئیسان و اعضای گروه های سیاسی، عالمان دین، رئیسان و اعضای سازمان های مدافع حقوق بشر، فعالان مستقل سیاسی، دانشگاهیان، وکیلان، پزشکان و روزنامه نگاران رسیده است که ۲۲ نفر از امضاکنندگان را زنان فعال در حقوق بشر و حقوق زن و اعضای گروه های سیاسی تشکیل می دهد.

ص: ۲۵۴

متن نامه:

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

جناب آقای شیخ حمد بن عیسی بن سلمان آل خلیفه پادشاه کشور بحرین

سلام علیکم

توجّه شما را به این نامه که بیانگر عمق آسیب هایی است که از طرف برنامه های طایفه گری و سازمان سرِّی که در گزارش دکتر صلاح البندر – مشاور برنامه ریزی استراتژیک هیئت دولت آمده است – جلب می نماییم:

سنگینی و جدیت این قضیه، برای یکی از مسئوولین بزرگ حکومت، وزیر مشاور در هیئت دولت؛ شیخ احمد بن عطیهالله آل خلیفه دردسر ایجاد کرده است، به ویژه که این وزیر در زمان تنظیم و نشر این گزارش، ریاست یکی از مهم ترین دستگاه های کشور، یعنی اداره مرکزی اطلاعات و ناظر دیوان خدمات شهری، که حدود ۴۰ هزار کارمند دارد، را بر عهده داشت و علاوه بر آن، ریاست یکی از نهاد های بزرگ سیاسی، رئیس کمیسیون اجرائی نظارت بر انتخابات را نیز بر عهده داشت.

همانگونه که مستحضرید... و از اطلاعات موثق که در این گزارش بیش از ۲۰۰ صفحه ای آمده است، مبلغ پرداختی به بیش از یک میلیون دینار می رسد که همه آن به کارمندان دولت، روزنامه های محلی، اعضا و مجلس نمایندگان، نامزد های انتخاباتی دو مجلس و گروه های شهری، وکیلان، کارمندان بانک ها و گروهی از افراد اطلاعاتی اردن (سرهنگ، سرلشکر و ...) و عضو مجلس شورا پرداخت شده است.

پنج نفر از افراد اساسی که در این سازمان سری حکومت کار می کردند،

برای دفع تحریکاتشان، ماهیانه مبلغ ۵۰۰۰ دینار به آنان پرداخت می گردید.

این پنج نفر از مسئوولین پشتیبان حملات انتخاباتی بودند که به یکی از روزنامه های محلی عرب زبان، ماهیانه ۱۰۰ هزار دینار کمک می کردند، پشتیبان برنامه های افزایش جمعیت یک طایفه نسبت به دیگر طوایف، مراقبت مخابراتی فعالیّت های سیاسی، هدایت و سرپرستی برنامه های اینترنتی، پرداخت مبالغ ماهیانه به برخی از افراد.

همانگونه که در این گزارش آمده است، چهار گروه و جمعیت در این برنامه مشارکت داشته اند؛ جمعیت حقوقدانان، جمعیت بحرین پیشگام، جمعیت حقوق بشر و جمعیت سیاسی بحرین.

همچنین رسید دریافت ۳۰۰۰ دینار توسط یکی از نمایندگان فعلی مجلس که از اعضای ائتلاف اسلامی است و ۲۰۰۰ دینار برای یکی از نامزد های معروف انتخابات مجلس و ۳۰۰۰ دینار برای تأسیس جمعیت، در این گزارش آمده است. آنچه که باعث جنجال و هیاهو می شود این است که مسئوولین و رئیسان این سازمان سری، پنج نفر از شخصیت های با نفوذ در حکومت و دیوان ملکی و هر کدام از آنها از اعضای سازمان های اخوان المسلمین و سلفی گری هستند که به این قضیه رنگ سیاسی و طایفه ای داد ه اند.

بر اساس این گزارش، وزیر دست راست رئیس این سازمان سری، مدیر بخش آمار اداره مرکزی اطلاعات و عضو کمیسیون اجرایی انتخابات است که گرایش وی به جمعیت «الاصلاح» و نقش او در سازمان سیاسی «المنبر الاسلامی» بر همگان روشن است. وزیر دست چپ رئیس این سازمان، مدیر کل اداره قانون اطلاعات و معاون رئیس کمیسیون اجرایی انتخابات، وی معروف تر از آن است

ص: ۲۵۶

که معرفی شود، بر اساس این گزارش وی مسئوول مستقیم نحوه تبلیغات و پوستر ها و... بود که به مدت چندین ماه و به طور وسیع برای زیر سؤال بردن مردان دین و چهره های شناخته شده، فعالان سیاسی و مدافعان حقوق بشر چاپ و منتشر می شد.

سومین مسئوول در این سازمان سرّی، مشاور رئیس دیوان ملکی در امور تبلیغات بود. وی رئیس سابق هیئت تحریریه «مجله الاصلاح» بود.

چهارمین مسئوول؛ کارمند اداره مرکزی اطلاعات، مسئوول فعّالیّت های جمعیت تربیت اسلامی از بخش های اجتماعی و پروژه ها و به جمعیت «الاصاله الاسلامیه» گرایش داشت.

پنجمین مسئوول؛ معاون رئیس دفتر دیوان ملکی و ناظر بر پروژه «الوطن» و نماینده و معتمد و حلقه وصل گرایش های سلفی گری در بحرین و کشور های حوزه خلیج فارس بود.

آنچه که بیش از همه موجب نگرانی است، معلوماتی است که به ما می دهد و حتماً قبل از سپتامبر جاری خدمت شما و بدست دولت نیز رسیده است و این نخستین گام در راه تحقیق و بررسی محتویات و حسابرسی علنی از مسئوولین و آغازگران آن و تسلیم آنان به محاکم قضایی است.

(پس از این اقدام) تدابیری بر ضد مشاور عالی حکومت که این اطلاعات گرانسنگ را فاش کرده، اتخاذ گردد.

تمام مدارك و اطلاعات و آنچه که در نزد اوست، فوراً مصادره شود و چرا وی را به شکل سریع در تاریخ ۱۳ سپتامبر جاری از کشور خارج کردند؟

ما نیز همانند دیگر شهروندان این کشور، می خواهیم که اگر این نامه بدست

شما رسید، در یک سخنرانی علنی و عمومی پاسخ همه سؤالات مهم و پایان این نقشه شوم طایفه گری و سازمان سری را اعلام کنید. ما از این می هراسیم که سکوت در برابر این قضیه و گردانندگان آن، اعتماد مردم به دیگر مؤسسات و ادارات دولتی را کمرنگ نماید و جنگ های طایفه ای را به وجود آورد.

امّا بزرگترین و بیشترین اطّلاعات مربوط به نقش رئیس دیوان ملکی، اجرای بخش های اصلی این برنامه است. یکی از بخش های این برنامه سری، بر هم زدن ترکیب جمعیت است که صدور تابعیت و به دلیل ایجاد توازن جمعیت و با هدف توهین به طایفه دیگر صورت می گیرد. این کار در سال های اخیر انجام شده که اعتراض هایی را در پی داشته است. می دانیم که مجوز صدور تابعیت از سوی دیوان ملکی صادر می شود و بدون موافقت آن صادر نمی شود، علاوه بر آن صدور تابعیت استثنائی جز با شرایط استثنایی که از سوی شما اعلام می شود، صورت نمی گیرد. از سوی دیگر برنامه تبلیغات طایفه ای در روزنامه «الوطن» - که انتشار آن اختلاف طایفه ای را بیشتر کرد - ناظر بر این کار و پشتیبان آن معاون رئیس دفتر دیوان ملکی بود.

همانگونه که در این گزارش آمده است، وی حلقه وصل کمیسیون صدور تابعیت در دیوان ملکی بود. وی مشاور رئیس دیوان ملکی در امور تبلیغات سری و رئیس هیئت تحریریه روزنامه «الوطن» بود. در این گزارش نام روزنامه نگاران مصری که در دیوان ملکی کار می کردند و در همان زمان ناظر بر تبلیغات گروه مصری بودند، آمده است؛ آنان ۸ نفر بودند که در روزنامه «الوطن»، وزارت تبلیغات، دستگاه مرکزی اطلاعات و مرکز آرای عمومی مشغول کار بودند. اما در مورد اراضی، این سازمان سرّی اجازه استفاده از آنها را به مشارکین دادند و

روشن است که این کار جز با موافقیت دیوان ملکی انجام نمی شود. به عنوان نمونه زمین های «السیف» - که قیمت آن بالغ بر میلیون ها دینار است - آن را به نام رئیس جمعیت «بحرین پیشگام» ثبت رسمی کرد ه اند. جمعیت «بحرین پیشگام» در زمان اجرای این برنامه تأسیس شد. این سؤال بزرگ و اساسی بدون جواب مانده است.

سؤال این است:

به چه دلیل این منابع به حساب بانک سرمایه گذاری کویت و سپس به حساب بانک شامل بحرین و سپس به عنوان حقوق و دستمزد به گردانندگان سازمان سری پرداخت گردید؟

این جواب بیهوده است که بگوئیم شیخ احمد بن عطیهالله، وزیر متهم به سرپرستی سازمان سری، برادر شیخ محمد بن عطیهالله آل خلیفه رئیس دیوان ملکی است.

پیوست ۱: متن نامه و امضای نویسندگان.

پیوست ۲: جدول اسامی و تصاویر اعضای شبکه برابر با گزارش بندر.

اطلاعات بیشتر را از نسخه کامل گزارش البندر بدست آورید.

با احترام سپتامبر ۲۰۰۶ م.

خوانندگان گرامی ملاحظه نمودندکه میلیارد ها دینار از سرمایه ملی بحرین، سالانه هزینه دستگاه ها و تشکیلات سرّی علیه شیعیان بحرین می گردد که این خود توطئه ای خائنانه و مخوف و خطرناک در شیعه ستیزی در بحرین است.

تبعیض در تابعیت

تابعیت دهی بر اساس اصل قبیله ای یا تعصبات مذهبی انجام می گیرد. عده

ص: ۲۵۹

بی شـماری از کسانی که به آنها تابعیت داده شده، شرایط قانونی را ندارند. و همه این تبعیض در تابعیت سیاسی بوده و هدف آنها زیاد نمودن تعـداد سـنی ها و کم کردن تعداد شـیعیان است. کسانی چون عربسـتانی ها بدون زندگی در عربسـتان به آنها تابعیت داده می شود ولی بعضـی شیعیان که تابعیت هیچ کشوری را هم ندارند به آنها تابعیت داده نمی شود. اسکان اجباری و بیش از اندازه و بدون برنامه ریزی کامل و جامع، تأثیر مسـتقیم در اقتصاد و امنیت جامعه دارد. به ویژه در بحرین که مشکلات آن برخاسـته از بیکاری و گسترش فقر و کمبود در بخش مسکن است که دولت بحرین نمی تواند برای بیکاران و بازنشستگان کاری انجام دهد و همه این مشـکلات برخاسته از تبعیض علیه شیعیان توسط دولت است. همه مشکلات و موارد یاد شده تأثیر مهم و مسـتقیمی بر حقوق زنان و کودکان دارد. یکی دیگر از نمونه های تبعیض در صدور تابعیت، اعطای تابعیت بدون واجد شرایط بودن، و به روش پاکسازی عربی و با اصول قبیله ای با ملیّت های مشخص و معین است.

بنابراین نباید به غیر واجدین شـرایط، تابعیت داده شود. یکی دیگر از نمونه های تابعیت این است که شـیعیان، با وجود این که همه شـرایط را دارنـد، حق کار در ادارات و مؤسـسات نظامی و امنیتی را ندارند. کسانی که به شـکل اسـتثنایی برایشان تابعیت صـادر شـده است، از همه امتیـازات کاری و شـهروندی بیشتر از دیگر شـهروندان برخوردار هسـتند؛ زیرا دیگر شـهروندان حق ترقی و پیشرفت را ندارند و بیش از ده سال است که منتظر وام مسکن هستند.

صـدور تابعیت و دادن همه امتیازات به کسانی که به نحوی به اهل تسـنن مربوط می شونـد، اسـتخدام آنها در ارتش ملی، نیرو های انتظامی و اطلاعات، سرکوب و مهار کردن حرکت های دسته جمعی و مسالمت آمیز شهروندان شیعی

که به ایجاد تفرقه و تقسیم بندی طوایف و آداب و رسوم تعبیر می شود، از دیگر نمونه های تبعیض است.

قوانین سیاسی نامشروع

اقلیت حاکم، قبلاً قوانینی وضع کرد ه اند که به دولت اجازه می دهد مخالفین را از حقوق سیاسی محروم سازد.

اولین مجلس نمایندگان و مجلس شورا، به دستور خلیفه، قانونی را تصویب کرد ه اند که فعالیت های سیاسی، تجمع و آزادی بیان را محدود می کند. همچنین قانون دیگری به تصویب رسیده است که به موجب آن و به بهانه مبارزه با تروریسم، حقوق بشر نقض می گردد. این دو مجلس قانون پیشنهادی از سوی دولت را به تصویب رساندند که بر اساس آن هرفردی که ۶ ماه به زندان محکوم گردد، از حق رأی دهی محروم می گردد و در طول زندگی از حق کاندیداتوری محروم خواهد بود. این قوانین سخت گیرانه به دولت اجازه می دهد که مخالفین را تحت تعقیب قرار داده و با محکوم کردن آنها به بیشتر از ۶ ماه زندان، آنان را از حقوق سیاسی محروم سازد، مخصوصاً که دستگاه قضایی همچنان در اختیار حکومت قرار داد. و اگر این قانون در موارد پیشین هم قابل اجرا باشد، دولت بر این اساس که اکثر شخصیت های مخالف و افراد فعال در زمینه حقوق بشر، در گذشته محکوم به زندان بود ه اند، آنان را از حقوق سیاسی محروم می سازد. اکنون زمان آن فرا رسیده است که نمایندگان مجلس تلاش کنند تا قوانین تبعیض گرایانه و سیاسی نامشروع را لغو کنند و در تصویب قوانین، مصلحت ملت و مملکت خویش را در نظر بگیرند.

ص: ۲۶۱

اطلاعات بیشتری از شبکه ضدشیعی معروف به بندرگیت

- این شبکه دارای مدیر کار، هیئت مدیره، بخش اداری، فنی و مالی است.

این شبکه علاوه بر بخش مخابرات، بخش تبلیغات نیز دارد.

- مدیر کل این شبکه شیخ احمد بن عطیهالله آل خلیفه

- هیئت مدیره یا هیئت اجرایی، متشکل از ۵ عضو است که زیر نظر مستقیم شیخ احمد بن عطیهالله اداره می شود.

- بخش اداری و فنی:

این بخش شامل افرادی است که بیشتر آنها در اداره مرکزی اطلاعات مشغول به کار هستند. علاوه بر آن، کارمندان اداره ها و دیوان پادشاهی، هیئت دولت، اداره خدمات شهری، روزنامه الوطن، شرکت نفت و اداره روابط عمومی در آن مشغول به کار هستند.

- بخش مالی: کارمندان آن در بانک سرمایه گذاری کویت و بانک شامل مشغول به کار هستند.

- بخش تبلیغات: شامل روزنامه نگاران مصری، روزنامه الوطن، مشاوران تبلیغات در دیوان پادشاهی، وزارت تبلیغات و مرکز روابط عمومی می باشد.

- بخش مخابرات: متشکّل از تعدادی از کارشناسان امنیتی از اردن است.

مسئولیت های مدیر شبکه، شیخ احمد بن عطیهالله آل خلیفه:

- سرپرستی هیئت های مدیره به طور مستقیم.

- ریاست بخش اداری و فنی.

- تأسیس بانک های مالی با استفاده ازحساب های شخصی در بانک سرمایه گذاری کویت برای زمانی که هیئت مدیره نیاز به مبالغ هنگفتی داشته باشند، [پرداخت] این مبالغ با امضا هیئت مدیره صورت می گیرد.

– پشتیبانی نشریه «الوطن» از طریق «ناصر لوری» و حساب بانکی او در بانک شامل. مدیر این شبکه مافیایی شیخ احمد بن عطیهالله آل خلیفه است.

– وی وزیر مشاور دولت و در واقع حاکم بر همه بخش های حکومت است.

– رئیس دستگاه مرکز اطلاعات، اداره دستگاه اطلاعات حکومتی و اجرای برنامه های امنیتی حکومت، رئیس اداره ثبت احوال، انرژی، آمار و دایره انتخابات.

– ناظر مستقیم بر اداره خدمات نامنظم شهری و ریاست بر ۴۰ هزار کارمند دولت.

– رئیس کمیسیون اجرایی ناظر بر انتخابات ۲۰۰۶م.

– عضو کمیسیون عالی انتخابات.

اعضای هیئت مدیره:

دکتر رائد محمد عبدالله شمس، محمد علی محمد القائد، جمال یوسف محمد العسیری، ناصر محمد یوسف لوریی و عادل راشد بوصبیع.

آشنایی بیشتر با مسئولین مجموعه و شبکه ضدشیعی

مسئولیت های دکتر رائد محمد عبدالله شمس:

– معاون (دست راست) شیخ احمد بن عطیهالله آل خلیفه در اداره شبکه.

– همکاری و هماهنگی وی با جمعیت اصلاح ورشد سیاسی منبر اسلامی برای مقابله با شیعیان بر همگان آشکار است.

– مدیر دایره آمار در دستگاه مرکزی اطلاعات.

– معاون دبیر کل هیئت دولت در امور (نیروی انسانی) مالی و خدمات به عنوان وکیل و نماینده وزارت.

– عضو کمیسیون اجرایی انتخابات ۲۰۰۶ م. (در حال حاضر اعضای کمیسیون مذکور تغییر یافته است.

ص: ۲۶۳

- نظارت مستقیم بر دستگاه اطلاعات و وضعیت سیاسی بحرین.

- نظارت بر کار های گروه های حکومتی زیر نظر این شبکه ضدشیعی مانند گروه های زیر:

۱- جمعیت مراقبت از حقوق بشر به رهبری عضو شورا و فیصل فولاذ.

۲- جمعیت حقوقدانان به رهبری وکیل عیسی یوسف الهاشمی.

۳- جمعیت پیشگام بحرین به رهبری محمد سعد المران.

۴- جمعیت سیاسی بحرین به رهبری جبر سلطان السویدی.

۵- نظارت بر مسئوولین اداری و فنی.

۶- حفاظت ارتباطات رسمی.

۷- توزیع بودجه های مالی.

آشنایی بیشتر با مسئولیت های محمد علی محمد القائد:

- وی وزیر (دست چپ) شیخ احمد بن عطیهالله آل خلیفه است.

- وی با جمعیت «الاصلاح» و «المنبر الاسلامی» ارتباط و همکاری فعالانه ای علیه شیعیان داشته است.

- مدیر اداری حسابرسی، که در آوریل ۲۰۰۶ م. به سمت مدیر کل قانون گذاری اطلاعات و با عنوان وکیل منصوب شد.

- نائب رئیس کمیسیون اجرایی انتخابات ۲۰۰۶ م.

- ناظر بر گروه انتخاباتی الکترونیکی.

- ناظر بر گروه های قانونی.

آشنایی با مسئوولیت های جمال یوسف محمد العسیری:

- رئیس سابق هیئت تحریریه مجله «الاصلاح» و خبرنگار سابق رادیو بی بی سی.

- مشاور تبلیغاتی رئیس دیوان مُلکی شیخ احمد بن عطیهالله آل خلیفه.

- رئیس فعلی هیئت تحریریه روزنامه «الوطن».

- تهیه وسایل تبلیغاتی.

- ناظر بر گروه تبلیغات.

- مشاور نشریه «الوطن».

مسئولیت های عادل راشد بوصیبع:

- کارمند اداره مرکزی اطلاعات.

- شرکت کامل در فعالیت های ضدشیعی جمعیت تربیت اسلامی و جمعیت اصاله سیاسی مانند مدیر امور اجتماعی و برنامه ها.

- ناظر بر انجام فعالیت های گروه هایی که میان شیعه و سنی اختلاف ایجاد می کردند.

مسئولیت های ناصر محمد یوسف لوری:

- کارمند سابق اداره مرکزی اطلاعات.

- تا قبل از ۲۰۰۴ م. معاون برنامه ریزی دفتر رئیس شیخ احمد بن عطیهالله آل خلیفه بود.

- رابط جریان های سلفی گری در بحرین و سایر کشور های حوزه خلیج فارس.

- ناظر پروژه روزنامه «الوطن»، عضو هیئت اداری و دارنده ۱۰ درصد از سهام آن.

بخش های مختلف شبکه های ضدشیعی بندرگیت

۱- بخش اداری و فنی ۶- روزنامه «الوطن»

۲- بخش تبلیغات مصری ۷- بخش جذب مذاهب به مذهب تسنن

۳- بخش متجاوزین ۸- گروه های محلی

۴- روابط عمومی ۹- بخش انفورماتیک

۵- بخش اطلاعاتی اردن

دیگر بخش ها و گروه های ضدشیعی

اشاره

علاوه بر بخش های فوق، گروه های متعددی در این شبکه ها مشغول فعالیت هستند که مهم ترین آنها عبارتند از:

۱- گروه اطلاعاتی اردن

اشاره

این گروه برای گردآوری و تحلیل اطلاعات از جنبش های سیاسی بر ضد سازمان ها و گروه های شیعی به بحرین آمده اند.

این گروه متشکل از ۴ نفر است که در سپتامبر ۲۰۰۵ م. به بحرین آمدند و به مدت یک ماه در هتل «هیلتون» و در دفتری که برای آنان در طبقه فوقانی ساختمان اداری مرکزی اطلاعات در «جُفیر» اختصاص داده شده بود، اقامت داشتند، سپس به منطقه دیپلماتیک منتقل شدند.

مجموع حقوق اختصاصی ماهیانه آنان بالغ بر ۷۵۸۴ دینار بود که توسط دکتر رائد شمس به نیابت از آنها [مسئوولین] پرداخت می شد.

اعضای اصلی گروه اطلاعاتی اردن

۱- سرهنگ عمر الرداد ۳- سرهنگ حسین السرحان

۲- سرهنگ عدلی اسحاقات ۴- سرهنگ لشکر سامی المدان

۲- گروه طایفه ای

این گروه، تنظیم و ترتیب احتجاجات اجتماعی در روزنامه ها و خیابان ها، خطبه های نماز جمعه در مساجد، برنامه جذب پیروان دیگر مذاهب به اهل تسنن، نابودی و فروپاشی مذهب شیعه و سرپرستی افراد آن را بر عهده دارد.

این امور با نظارت عادل بوصیبع انجام می پذیرد.

این گروه عبارتند از:

۱- شریف عدنان ۴- احمد علی راشد

۲- اسماعیل ابراهیم ۵- بو خدیجه

۳- بکر الیمینی

۳ – گروه الکترونیکی

- ناظر عمومی این گروه نزار معروف عمر است.

- وی کارمند شرکت هواپیمایی «اِیرباس» در

فرودگاه بحرین و مدیر اطلاعات وزارت امور اجتماعی است.

۴ – گروه پیام های کوتاه (SMS)

کنترل پیام های کوتاه که برای هتک حرمت و از بین بردن شخصیت فعالان شیعی از طرف شرکت CelevitySystem ارسال می شود بر عهده این گروه است. CeleritySystem شرکتی است که در شهر «کیپ تاون» آفریقای جنوبی فعالیت می کند.

۵ – گروه تبلیغاتی مصری

اشاره

ناظر فعال بر این مجموعه، «علی راضی حسنین» است که مشغول کار مطبوعاتی در دیوان ملکی است.

این گروه فعالیت هایش را از دو مرکز (رفاع شرقی و الزنج الجدیده) آغاز کرد. این دو مرکز با هزینه ای بالغ در ۱۲ هزار دینار تأسیس شد.

این گروه فعالیت هایی را برای مراقبت و کشف خبر و اطلاعات و آمار از انجمن ها و گردهمایی های شیعیان از طریق اینترنت متمرکز کرده است و با نامی مستعار در آن انجمن ها شرکت می کند.

اهداف گروه تبلیغاتی مصری

آماده سازی مواد و ابزار تبلیغاتی بر ضد دیگران که در صفحه اول و اصلی روزنامه «الوطن» منتشر می شد، در سایر روزنامه ها با همان شکل و رنگ به چاپ می رسید.

برخی از اعضای این گروه عبارتند از:

۱- علی راضی حسنین ۵- خاتم عبدالدائم

۲- سامی کمال داوودی ۶- احمد عبدالمنعم

۳- احمد نبوی ۷- حسن حنفی

۴- عبدالله محمد عبدالله ۸- عیسی المراغی

گروه فنی و اداره

این گروه، بخش حرفه ای و تخصصی تبلیغات است. اعضای این گروه عبارت اند از:

۱- دکتر نزار محمد سعید العانی (عراقی الاصل – رئیس پیشین بخش تقویم دانشگاه بحرین و رئیس دانشگاه امارات)

۲- نصر المجالی (خبرنگار) ۶- رباشاهر المجالی

۳- عمر احمد البسنکی ۷- منال فیصل الثنیان

۴- محمد الحمید ۸- ولید المصمم

۵- فادی عاکوم ۹- عبدالکریم الملا

۱۰- نواف الملا.

۶ – گروه تبلیغات رسانه ای

مسئوولیت این گروه ضدشیعی بر عهده جمیل العبیری است. نظارت بر این گروه، بر عهده «علی راضی حاشین» است که کنفرانس های ضدشیعی و مقالات و متون ضدشیعی را تدوین و در سطح گسترده مخصوصاً در روزنامه از جمله «الوطن» چاپ می کنند.

فصل ششم

اشاره

- خلاصه و نتیجه

- خلاصه برخی مظلومیت ها

- چکیده برخی راهکار های برون رفت

ص: ۲۷۱

خلاصه و نتیجه

وجود جریان های فکری و سیاسی علیه شیعیان در کشور بحرین و برخورداری متعصبان مخالف شیعه از حمایت مطلق اقلیت حاکم که همگی به صورت ظالمانه علیه شیعیان تلاش می کنند، ظلم و ستم و تبعیض و محدودیت های فراوانی را برای شیعیان به وجود آورده است که منجر به چالش ها و درگیری های متعددی علیه شیعیان شده است.

برخی از مهم ترین مظلومیت ها، محدودیت ها و تبعیض های ظالمانه علیه شیعیان عبارتند از:

۱. به دلیل حاکمیت حکام سنی متعصب در نظام سیاسی بحرین، اکثریت شیعه با چالش ها و تهدیدات زیادی مواجه شده است که جان و مال و امنیت فعالان سیاسی شیعه را به خطر انداخته است.

۲. تسلط اقلیت اهل تسنن بر همهٔ پست های مهم اجرایی در تمامی وزارت خانه ها و حتی مؤسسات؛

۳. تسلط و احاطهٔ اقلیت اهل تسنن بر تمامی امکانات دولتی و تبعیض شدید بین شیعیان و اهل تسنن؛

۴. اقتدارگرایی و زورگویی و ایجاد محدودیت های فراوان علیه شیعیان

۵. محدودیت های اجتماعی و تبعیض شدید در برخورداری از خدمات مسکن، حمایت های مالی از فقرا و... .

۶. محدودیت های اقتصادی که به دلیل تسلط

اهل تسنن یا «قبیله آل خلیفه» بر

پست هـا و منـاصب کلیـدی اقتصـادی به وجود آمـده است. مثـل تسـلط آنان بر اتحادیه های کارگران، شـرکت های مختلف، حمایت از کارگزاران و بازرگانان سنی و تبعیض نسبت به شیعیان، واگذاری شغل ها و مناصب مهم اقتصادی به اهل تسنن.

۷. محدودیت ها و تبعیض در مسائل جمعیت شناسـی مثل اعطای تابعیت به سنی متعصب اعم از عرب، پاکستانی، بعثی عراق و ... به جهت بر هم زدن تعادل جمعیتی به نفع سنی ها و... .

۸. محدودیت و تبعیض سیاسـی بطوری که اقلیت اهل تسـنن در تصـمیم سازی و تصمیم گیری های سیاسی کامل آزاد هستند، اما اکثریت شـیعه از کمترین آزادی سیاسـی برخوردار نبوده و به شدت تحت فشار قرار دارند. شیعیان از هر گونه آزادی قلم و بیان محروم هستند.

۹. ممنوعیت بیـان، نشـر و آموزش متون دینی مخصوص شـیعیان و همچنین سانسور و حـذف برخی از قسـمت های مهم تاریخ اسلام به ویژه قسمت هایی که در تأیید و گسترش تشیع تأثیرگذار می باشد.

۱۰. نابود کردن و محو آثار باسـتانی و علمی قـدیمی مربوط به شـیعیان و همچنین تغییر نام اماکن، خیابان ها و روسـتا ها که به نام های معروف شیعیان شهرت پیدا کرده بودند.

۱۱. جلوگیری از برگزاری همایش های دینی و همچنین عدم امکان برگزاری مراسم عقیدتی و سخنرانی های مذهبی در حیطه مناطق شیعیان.

۱۲. تخریب مساجد و اماکن عبادی و مذهبی شیعیان.

در پایان، خلاصه و چکیده برخی از راهکار های برون رفت از وضعیت موجود را یادآور می شویم.

ص: ۲۷۴

بایـد به طور پیوسـته و مـداوم برای تربیت رهبران دینی مؤثر از محافل و مجامع شـیعی که شایسـته رهبری جامعه مـدنی باشـند، تلاش نمود، تا شـیعیان بتوانند در تصـمیم گیری کشور سـهم عمد ه ای را داشـته باشـند. به خاطر امکان نفوذ روزافزون شیعیان برای به دست آوردن پست ها و مقام های مهم کشور توجه شدید به این مسئله احساس می شود.

در کشور بحرین، بیش از ۹ حوزه علمیه وجود دارد که رهبران و طلبه ها و شخصـیت های برجسـته شیعی از این حوزه ها فارغ التحصـیل شد ه اند. در کنار این امر، تأسـیس یک دانشـکده علوم شرعی و اسلامی و کلاسیک مخصوص شیعیان نیز ضروری است، تا بتواند شخصـیت های برجسته و افراد لایق دینی و علمی اجرایی را آموزش داده و تحویل جامعه دهد تا در آینده امور اجرایی کشور دچار کمبود نیروی انسانی تحصیل کرده دانشگاهی نشود.

پشتیبانی و حمایت از فرهنگ شـیعی و اسلام ناب در جامعه بحرین و عمق بخشیدن به آن از طریق شیوه های آموزشی و رسانه های دسته جمعی و حمایت از مبارزه با بی سوادی در بین مناطق شیعه نشین.

توجه به نسـل جوان و فراهم کردن تحصـیلات دانشـگاهی که در این مورد کمک گرفتن از کارگزاران و سـرمایه داران شـیعه برای تخصـیص صـندوق های اوقافی برای تأمین هزینه تحصـیلات دانشجویان شیعه در رشته های مختلف (با تأکید و اهتمام به کسانی که علاقه مند به تحصیلات تکمیلی در مقاطع بالاتر و در رشته های توسعه ای و آموزشی هستند).

اهمیت و تأکید بر آموزش جوانان شیعه از نظر شغل، حرفه و فن، فرهنگ مذهبی و اقدام برای دور کردن سنی های متعصب از تبعیض ها و ظلم های فراوانی که انجام می دهند.

تشویق فرزندان شیعه به برتری علمی در رشته های مختلف در همه مراحل درسی و بالاـ بردن سطح علاقه و فکر فرزندان شیعیان.

حمایت و تشویق از مراکز جوانان شیعه و بالا بردن آگاهی و مسئولیت پذیری آنان تا بتوانند نقش مطلوب خود را به بهترین وجه ایفا کنند.

باید به توسعه زیرساخت های مناطقی که اغلب شیعیان در آنجا زندگی می کنند، پرداخت. مشکل مسکن های فرسوده، راه ها، بیکاری و... در بین جوانان را باید حل کرد؛ زیرا تا کنون اهتمام حکومت تنها به مناطق سکونت سنی ها بوده است.

استخدام و حضور در برخی از مسئوولیت های پلیس، ارتش و گارد ملی؛ زیرا آنان به صورت یک جانبه و متعصبانه علیه شیعیان اقدام می کنند. دستِ کم برای جلوگیری از ستم آنان حضور در بین آنان ضروری است.

تلاش در جهت تأسیس صندوقی به ویژه جهت سرمایه گذاری تجاری و اقتصادی شیعیان و تشویق آنان به ورود در جهان تجارت و مال و کار با هدف تقویت بنیه شیعیان از لحاظ اقتصادی و اجتماعی و افزایش ثروت و مال آنان.

تشویق شیعیان به سمت صنایع سبک و تصاحب املاک و تجارت و کمک به طرح های کوچک. توسعه همه این موضوعات بر طبق نظریه اقتصادی و سیاسی (مالک، حاکم است و حاکم مالک است) صورت می گیرد.

نیاز ضروری به ساخت و تأسیس صندوق سرمایه گذاری از طریق کارفرمایان شیعه احساس می شود. این صندوق باید از جانب عموم سرمایه داران شیعی حمایت شود؛ زیرا این طرح، اهمیت خاصی در سطح استراتژیکی به خاطر وضع کنونی دارد و از طریق این صندوق، کارگاه های کوچک و بزرگ تجاری شیعیان مورد حمایت قرار می گیرد.

ص: ۲۷۶

نیاز به تأسیس مرکزی ویژه برای اجرای تحقیقات و نظارت بر فعالیت هایی که شیعیان برای اجرای مقاصدشان در بحرین و به طور کلی در خلیج انجام می دهند، به شدت احساس می شود.

باید از نیرو ها و کادر های مخلص و متخصص علمای دین و اندیشمندان طرفدار اهل بیت: و شیعه در این مؤسسه استفاده کرد و نیز باید این نکته را مد نظر داشت که شیعیان در کشور و در منطقه احساس خطر می کنند.

باید از نقاط ضعف و قوت مؤسسه های دولتی با هدف نفوذ خود و کاهش نقش سنی ها در دولت به نفع خودشان استفاده کنند. این مطلب بر اساس نظریه علمی (شناخت، قدرت) صورت می گیرد. نظریه ای که امید داریم از آن با ذکاوت و هوشیاری استفاده کنیم.

ضروری است، بررسی های واقعی و بر اساس پایه های علمی صورت بگیرد تا نیاز واقعی مردم برآورده شود و با برطرف نمودن نیاز های واقعی زندگی همراه با رفاه و آرامش را برای آنان به ارمغان بیاورد. با توجه به اصل عدالت اجتماعی که اسلام به آن فرا خوانده است و با توجه به اکثریت قاطع شیعیان توجه به آرامش، امنیت و رفاه حق مسلّم آنان است. بنابراین معنای برآوردن نیاز های مردم محدود کردن دیگران نیست، بلکه عدالت در بین مردم ایجاب می کند که هر کس به حقوق خود برسد ولی یک نکته بسیار مهم است که نباید حقوق شیعیان پایمال شود و به ویژه اینکه صدا هایی که منادی رعایت حقوق شیعیان بودند، خاموش شد ه اند.

تلاش در جهت افزایش آگاهی محافل شیعی نسبت به خطرات احتمالی و فعالیت های پنهانی که جهت تضعیف شیعیان صورت می گیرد تاشیعیان نتوانند جریان امور را در کشور به دست گیرند.

ص: ۲۷۷

پیگیری تجاوزات و تبعیض طایفه ای که اهل تسنن متعصب و حامی دولت آل خلیفه در بخش های مختلف علیه شیعیان به عمل می آورند، مثل (تحصیل، پست ها، پیشرفت ها، کتاب ها، ساخت مسجد، طرح های مسکونی و...) و به کارگیری این سند در مرحله اول برای رسیدن به حقوق از دسترفته خود و در مرحله بعدی جلوگیری از ادعا های دروغین طایفه های دیگر مبنی بر اینکه تبعیض، ضد شیعیان صورت نمی گیرد.

واقعیت نسبت جمعیت در بحرین چیست؟ و چه کسانی بر اکثریت جمعیت حکومت می کنند؟ باید آمار دقیقی از نسبت حقیقی شیعیان تهیه شود نه برحسب آماری که اقلیت حاکم ارائه می دهند و نیز باید امکان تهیه آماری دقیق از تعداد شیعیان و نسبت افزایش سالیانه آن ها مورد بحث و بررسی قرار گیرد تا در نتیجه رأی گیری و انتخابات سالم، متولیان و حاکمان از طریق خود مردم و رأی اکثریت انتخاب گردند.

نیاز مبرم به تشکیل کمیته های کار در خارج از کشور به منظور شناسایی و شرح و توضیح تبعیض ها، محدودیت ها، زندانیان و شکنجه و دیگر رفتار ناشایست تعصب آمیز علیه شیعیان و رساندن صدای مظلومیت شیعیان به مراکز و مجامع بین المللی و حقوق بشر.

باید هماهنگی و همکاری مستحکمی با دیگر شیعیان در دیگر کشور های شورای همکاری خلیج به وجود آید. البته کسانی که بسط و گسترش شیعیان به ضرر آنها است، مخالفت جدی و تفرقه افکنی خواهند نمود، اما شیعیان این

کشور ها باید تلاش کنند تا پست ها و مراکز مهم و حساس را به دست گیرند. این کار با هدف مبارزه گسترده از خطرات ناگهانی و غافل گیرکننده متعصبان نه تنها در بحرین بلکه در کل منطقه است.

ص: ۲۷۸

توجه و اهتمام به وضعیت معیشتی شیعیان واجب و ضروری است و باید سهم آنها در پست های مهم و حساس کشور افزایش یابد و اوضاع اقتصادی و اجتماعی آنان بهبود یابد. این کار با هدف نگه داشتن شیعیان در کشور خود و افزایش آنها و جلوگیری از مهاجرت آنها به کشور های همجوار که در نتیجه احساس سرخوردگی، انزوا و گاهی ظلم است، صورت می گیرد.

باید همکاری کامل صورت گیرد تا ازدواج در بین جوانان جویای کار فقیر شیعه آسان شده و کمک های مالی در این مورد به جوانان ارائه شود. استان ها طرح ازدواج دسته جمعی را با همکاری و هماهنگی انجمن ها و صندوق های خیریه بر عهده بگیرند.

باید راه حل های مناسبی را برای حفظ عفت آنها و جلوگیری از فساد و بی بندوباری به وجود آورد. بنابراین برآورده کردن نیاز های آنان در بخش های شغل و مسکن و ازدواج ضرورتی انکارناپذیر است.

باید نسبت به کار های متعلق به زنان شیعه اهتمام بیشتری صورت بگیرد. این امر به خاطر آگاهی بخشی و تثبیت کار های سازمان یافته برای آنان و افزایش سطح مادی، سیاسی و علمی زنان صورت می گیرد. با علم به این نکته که در کشور، تعدادی انجمن های زنانه وجود دارد که در خدمت اهداف شیعیان است ومهم ترین این انجمن ها عبارتند از: سازمان الزهراء (از سال ۱۹۸۳) و ۳ انجمن آینده وابسته به انجمن الوفاق، رهبری د . شعله شکیب و انجمن الرساله و انجمن زنان بحرین به رهبری وجیه البحارنه وابسته به جنبش السفاره. باید با حمایت آنان به ارتقای نقش زنان در امور فرهنگی، اقتصادی و سیاسی آنان افزود.

اکنون در کشور بحرین که ۸۰ درصد شیعه هستند، فرزندانشان در مدارس

دولتی، تعلیمات دینی را بر اساس مـذاهب غیرشـیعی فرا می گیرنـد. لازم است تدابیری اتخاذ گردد که متون دینی آنان بر طبق مذهب جعفری تنظیم و تدوین و به صورت رسمی اجازه تدریس بر اساس مذهب جعفری (شیعه اثناعشری) صادر گردد.

انحصـار رسـانه هـای جمعی و عمـومی به اقلیت حـاکم، و جلوگیری شـیعیان از ایفـای نقش در برنـامه هـای رادیو، تلویزیون و مطبوعـات، تبعیض و ظلـم بزرگی اسـت. بـا تـوجه به تعـداد انبـوه شـیعیان حـق آن است که لااقـل اجـازه را ه انـدازی رادیـو و تلویزیون و مطبوعات شیعی به نسبت جمعیت داده شود و به همان نسبت نیز از طرف حکومت مورد حمایت مالی قرار گیرند.

به دست آوردن آزادی تعلیم دینی و انجـام مراسم عبـادی و شـعائر مـذهبی شـیعیانماننـد دیگر ملت هـا حق مسـلّمی است که اقلیت حاکم از آن جلوگیری می نمایند. این عمل نامشروع بوده و باید آزادی های لازم به شیعیان داده شود.

اجازه ساخت و احـداث و تجدیـد بنای مساجد به شـیعیان داده نمی شود. در حالی که برای اهل تسـنن کوچکترین محدودیتی وجود نـدارد. با توجه به ضـرورت انجام مراسم عقیـدتی و وجود اماکن عبادی، شـیعیان نیازمنـد تلاش و پافشاری برای ساخت مساجد، حسینیه ها، مراکز دینی و حوزه های علمیه دینی هستند.

۱) اعاده حقوق شیعیان همانند دیگر شهروندان بحرینی.

۲) برخورداری کودکان شیعه از حقوق شهروندی همانند سایر کودکان کشور.

۳) آزادی در انجام مراسم عبادی بر طبق مذهب حقه جعفری.

۴) استفاده از امکانات و ابزار و وسایل تبلیغاتی برای انجام و گسترش فعالیت ها.

۵) برخورداری از رادیو، تلویزیون، ماهواره، مطبوعات و منشورات.

۶) اجازه چاپ کتب و مجلات، هفته نامه و ماهنامه های دینی و فرهنگی به شیعیان.

پایان دادن به تبعیضاتی که علیه شیعه اعمال می شود، متوقف ساختن اعطای تابعیت سیاسی به اتباع بیگانه و نیز جلوگیری از مشارکت شهروندان عربستان سعودی در انتخابات بحرین.

متوقف ساختن بیانیه ها و سخنرانی هایی که شک و بی اعتمادی نسبت به شیعیان را در افکار عمومی ایجاد می کند.

به کارگیری شیعیان در ترکیب ارتش بحرین و نیرو های انتظامی به منظور استفاده از اقوام مختلف بحرین در نیرو های نظامی وانتظامی کشور.

پایان بخشیدن به فعالیت های رسمی و غیررسمی که شیعه را از زندگی در مناطق سنی نشین منع می کند.

ارائه تعریف درست از تبعیض مذهبی و یا تبعیض نژادی و صدور دستورات قانونی که این تبعیضات را از میان بردارد.

اجرای سرشماری دقیق و بی غرض که توسط آن ترکیب قومی و مذهبی و اجتماعی و اقتصادی ساکنان بحرین مشخص گردد.

برگزاری سمینار ها و همایش هایی که به گروه های سیاسی و مسئوولین شیعی فرصت می دهد تا مشکلات شیعیان کشور را شناسایی نموده و به چار ه اندیشی بپردازند.

ص: ۲۸۱

مشخص ساختن مناطق انتخاباتی و همچنین ناظرین معتمد شیعی، تا بدین وسیله بافت جمعیتی و قبیله ای بهتر مشخص گردیده و از تقلب گسترده علیه شیعیان جلوگیری گردد.

افزایش اختیارات پارلمان، کاهش اعضای انتخاباتی توسط حاکم و مشخص ساختن نقش پارلمان بر اساس مفاد و توافقنامه.

برخورداری پارلمان از صلاحیت قانون گذاری.

لغو محدودیت هایی که در مورد تشکیل احزاب سیاسی وجود دارد.

پایان بخشیدن به اوضاع خفقان نسبت به فعالیت احزاب مخالف که به طور مسالمت آمیز فعالیت می کنند.

واگذاری سِمت های رده بالای دولتی بر اساس شایستگی و حضور افرادی غیر از خانواده آل خلیفه در وزارتخانه های کلیدی.

صدور قوانینی که آزادی بیان و تجمع مردمی را بر اساس معیار های بین المللی به رسمیت بشناسند.

پایان دادن به بازداشت های سیاسی و آزاد ساختن زندانیان سیاسی.

پاسخگو بودن تمام شهروندان بحرینی از جمله اعضای خانواده سلطنتی در مقابل خطا هایی چون سوءاستفاده از مقام خود برای ثروت اندوزی و غیره.

وجود شفافیت در روابط و مسائل مالی حکومت و نیز دارایی ها و اموال تمامی مسئوولان از مقام وزرات گرفته تا بالاترین مقام کشور.

پیگیری و گسترش تلاش های انجام شده به منظور حل مشکلات اجتماعی اقتصادی و بیکاری روزافزون.

ص: ۲۸۲

صدور حکم مجرمیت برای کارفرمایانی که کارگران خارجی فاقد ویزای کار را به کار می گیرند و در نتیجه کارگران شیعی همچنان بیکار می مانند.

فراهم ساختن فرصت های آموزش حرفه و مشاغل.

سرعت بخشیدن به اصلاحات بازار کار.

شفاف سازی معاملات و امور تجاری دولتی و خصوصی.

ملی سازی زمین های فراوانی که ملی بوده و اکنون در اختیار خانواده حاکم قرار دارد و به فروش گذاشتن آنها برای شهروندان بحرینی با استفاده از طرح های دولتی و یا فروش آن در بازار روز به نرخ عادلانه.

مشارکت هر چه بیشتر در فعالیت های سیاسی.

همکاری با اعضای پارلمان برای حل بحران قانون اساسی و بحران سیاسی کنونی.

گسترش روابط با مسئولین و مؤسسات بین المللی حقوق بشر، بیان مشکلات جهت کاستن فشار های اجتماعی و اقتصادی که زندگی و جامعه شیعیان را با مشکل مواجه ساخته است.

مشارکت فعالانه در انتخابات به شرط اینکه دولت مناطق انتخاباتی را تفکیک و مشخص کند.

تشویق به فعالیت های مسالمت آمیز و پرهیز از هرگونه اعمال تهدیدآمیز.

تشکیل تربیون آزاد و صدور قانونی در مورد احوال شخصیه و آزادی افکار و عقائد.

ص: ۲۸۳

منابع و مآخذ کتاب

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. جعفر سبحانی، موسوعه طبقات الفقهاء، ناشر مؤسسه امام صادق علیه السّلام قم.

۲. اطلس گیتاشناسی جهان، کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی؛.

۳. بحرانی، جنبش های سیاسی – اجتماعی بحرین، چاپ اول، مؤسسه مطالعات اندیشه سازان نور، ۱۳۸۱.

۴. پژوهش هایی در مسائل حکومت اسلامی، شماره ۱۲، ص ۲۱۴، زیر نظر دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، سال ۱۳۸۱.

۵. تربیت اسلامی، دوره ابتدایی، وزارت آموزش و پرورش بحرین، مؤلفین: یوسف محمود العلوی، ناصر جاسم الفایز، خالد احمد السخی، علی خلیفه الزیانی، نادیه احمد اصغر، نبیل خلیل علی صالح، چاپ اول، ۱۴۲۷ ه‍-. ۲۰۰۵ م.

۶. جفری نوگت و تئودور توماس، بحرین و خلیج فارس، ترجمه: همایون الاهلی.

۷. جوزف کاستیز، ناآرامی شیعیان در خلیج فارس، تشیع و مقاومت و انقلاب.

۸. چنگیز پهلوان، بحرین در بحرین، ایران و سرنوشت شیعیان، نشاط، ۳ و ۱۱ اسفند ۱۳۷۷.

۹. حسن علوی، قطر (کتاب سبز)، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۴.

ص: ۲۸۵

۱۰. حسین کاظمی کرهرودی، ریشه های تاریخی و اجتماعی جنبش های اسلامی معاصر، چاپ دوم، بی جا، انتشارات گویه، ۱۳۸۱.

۱۱. دکتر محمد حمیدالله، نامه و پیمان های سیاسی حضرت محمدصلی الله علیه وآله و اسناد صدر اسلام، ص ۱۹۸، انتشارات سروش.

۱۲. رسول جعفریان، جغرافیای تاریخی و انسانی شیعه در جهان اسلام، قم، انتشارات انصاریان، ۱۳۷۱.

۱۳. رضا اسلامی، خاستگاه تشیع در بحرین.

۱۴. رقیه سادات عظیمی، عربستان سعودی (کتاب سبز)، چاپ اول، تهران، دفتر مطالعات سیاسی بین الملل، ۱۳۷۴.

۱۵.علامه سید محسن امین عاملی، الشیعه فی مسارهم التاریخی، ناشر مؤسسه تحقیقاتی

الغدیر.

۱۶. علی اصغر محمدی، شیعیان عراق؛ آرمان ها، واقعیت ها و چالش ها، فصلنامه تخصصی شیعه شناسی، س ۲، ش ۷، پاییز ۱۳۸۳.

۱۷. ف. درّی، وضعیت شیعیان بحرین، ترجمان سیاسی، ش ۳۵ خاورمیانه، ص۲.

۱۸. فرانسوا توال، ژئوپولیتیک شیعه، ترجمه: دکتر علیرضا قاسم آقا، تهران، نشر آمن، ۱۳۷۹.

۱۹. محمد رضا حکیمی، موسوعه عظماء الشیعه، مؤسسه انتشاراتی اعلمی، بیروت.

۲۰. محمد عرب، آشنایی با مذاهب اباضی، چاپ اول، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷.

۲۱. محمدحسن مظفر، تاریخ شیعه، ترجمه: دکتر سیدمحمدباقر حجتی، چاپ دوم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴.

۲۲. محمدرضا حافظ نیا، خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۱.

۲۳.مرتضی بحرانی، جنبش های سیاسی – اجتماعی بحرین، چاپ اول، مؤسسه مطالعات اندیشه سازان نور، ۱۳۸۱.

۲۴. معصومه سیف افجهای، بحرین (کتاب سبز)، چاپ اول، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۶.

۲۵. مهدی مظفری، امارات، خلیج فارس، پژوهش اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، ترجمه: دکتر مهدی مظفری، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۵۷.

۲۶. میرزا عبدالله افندی اصفهانی، ریاض العلماء وحیاض الفضلاء، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی؛.

۲۷. ویژه نامه دینی، فرهنگی ندای ایمان، شماره ۳، جمادی ۱۴۲۲.

۲۸. ویلهم، دیتل، جهاد در راه خدا، تهران، نشر قومس، ۱۳۷۲.

۲۹. هرایر دکمجیان، اسلام در انقلاب جنبش های اسلامی معاصر، ترجمه: دکتر حمید احمدی، چاپ سوم، تهران، سازمان انتشارات کیهان، ۱۳۷۷.

۳۰.الی کدوری، شیعه های عراق و سرنوشت آنها، تشیع، مقاومت و انقلاب، مجموعه مقالات کنفرانس بین المللی دانشگاه تیآولو، بی جا، بی نا، ۱۹۸۴.

.See Saudi: Arabic: Shia in:Com. ALLEFER.۳۱

ص: ۲۸۷

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹